



ویژه‌نامه‌ی روز جهانی مبارزه با کار کودک

انجمن حمایت از کودکان کار - خردادماه ۱۴۰۰

به نام آن که جان را فکرت آموخت



ویژه‌نامه‌ی روز جهانی مبارزه با کار کودک

سردبیر: فرشته فرهمند حبیبی
دبیر اجرایی: سمانه موسوی
صفحه‌آرا: طاهره آقامیرمهدی
ندا دقتی کسمایی
هیات تحریریه: فاطمه ابره‌دری
لطفاله محسنی، مریم قربانی، نرگس
افشاری، زهرا زمانی، لیلا عبدالکریمی
مریم نوری، محمدرضا کاظمی، سهیلا
باقری و نیلوفر شاکری
عکس روی جلد: سعید قاسمی
منتخب دو سالانه‌ی هنری دستان ۱
انجمن حمایت از کودکان کار

از شما عزیزی که ویژه‌نامه را مطالعه می‌فرمایید، خواهشمندیم تا نظرات خود را به اطلاع واحد ارتباطات انجمن حمایت از کودکان کار به نشانی پست الکترونیک: pr@apcl.org.ir و یا شماره‌ی تلفن ۰۹۱۰۵۳۶۸۹۱۴ ارایه فرمایید.

فراز رود نغمه‌خوان / ۴

گزارش عملکرد انجمن حمایت از کودکان کار در سال ۸/۱۳۹۹

دروازه غار، سکونت‌گاهی برای محرومان / ۳۶

ما برای کاهش رنج کودکان کار در تلاشیم / ۴۰

اثرگذاری ۱۴ سال فعالیت مرکز بازار / ۴۳

جایی برای همه‌ی کودکان / ۴۶

توانمندسازی کودکان کار در مرکز خاوران / ۵۰

دانش و پژوهش در مبارزه با کار کودک / ۵۳

آموزش به مثابه‌ی ابزاری برای مبارزه با کار کودک / ۶۴

دو سالانه‌ی هنری دستان ۱ در مسیر مبارزه با کار کودک / ۷۰

چشم‌انداز پیش‌رو در بحران کووید-۱۹ و کار کودک / ۷۴

برنامه‌ی سال ۲۰۲۱ یونیسف برای حذف کار کودک / ۷۷

نیاز به حمایت بیشتر از خانواده‌های شاغلان در زمان همه‌گیری بیماری کرونا / ۸۰

کودک کار خنیاگر / ۸۲

حمایت از کودکان، مبارزه با کار کودک / ۹۰

بیانیه‌ی کودکان کار انجمن حمایت از کودکان کار / ۹۷

بیانیه‌ی انجمن حمایت از کودکان کار / ۹۸

فراز رود نغمه خوان

قاسم حسنی؛ مدیرعامل انجمن حمایت از کودکان کار

خرداد ماه هر سال برای فعالان عرصه مبارزه با کار کودک حال و هوای خاص خود را دارد. روزهای خرداد، علاوه بر آن که متقارن با روز جهانی مبارزه با کار کودک و یادآوری ضرورت خیز جهانی برای پایان بخشیدن به پدیده رنج آور کار کودکان است، برای فعالان ایرانی این عرصه، تداعی گر روزهای بهاری سال ۱۳۷۹ و شکل گیری اولین تلاش جمعی و حرکت خود انگیخته اجتماعی برای حمایت از کودکان گرفتار در چرخه کار نیز هست. ۲۱ سال از شکل گیری اقدام اجتماعی دروازه غار برای آموزش و حمایت از کودکان کار می گذرد و انجمن حمایت از کودکان کار که یکی از تشکلهای برآمده از آن عمل اجتماعی است در آستانه بیستمین سال تولد خود قرار دارد.

به طور طبیعی پس از گذشت این سالیان طرح سوال درباره «میزان اثرگذاری و نتیجه بخشی این اقدام» پرسشی است که پاسخ گویی به آن هم برای بنیان گذاران و فعالان این عرصه که بیش از ۲۰ سال از عمر خود را صرف آن کرده اند حائز اهمیت است و هم برای کسانی که بعدها با این مسیر و مطالبات آن آشنا شده اند.

اندیشیدن درباره میزان اثر بخشی این تلاش، نه تنها به عنوان کارنامه عملکردی فعالان این عرصه دارای اهمیت است بلکه به عنوان سنجهای درس آموز، ضمن این که می تواند سبب بازنگری در برخی رفتارها شود، می تواند سبب پویایی، امید و باورمندی هر چه بیشتر برای ادامه ای استوارتر مسیر پیش رو، نیز بگردد.

مروور میزان اثربخشی انجمن حمایت از کودکان کار در این عرصه از مرور اثربخشی دیگر تشکلهای همسو و کل این حرکت خودانگیخته اجتماعی جدا نیست، چرا که انجمن حمایت از کودکان کار هم به عنوان یکی از قدیمی ترین تشکلهای این عرصه که در فلسفه وجودی خود نقش بی بدیلی را در ایده پردازی و شکل گیری دیگر تشکلهای همسو ایفا کرده است و هم به عنوان سازمانی جامعه گرا و عضوی از یک جریان اجتماعی اصیل و بومی فرصت برخورداری از یک تجربه بزرگ و یادگیری جمعی را داشته است و در فرآیند بررسی اثربخشی جمعی این تشکلهای نیز ضمن برخورداری از ظرفیت تاثیرگذاری از ظرفیت یادگیری و تاثیر پذیری متقابل نیز برخوردار بوده است.

بنابراین بخش هایی از آن چه که به عنوان موارد اثربخشی انجمن حمایت از کودکان کار از آن یاد می شود حاصل پایداری و تلاش دسته جمعی دیگر افراد و تشکلهای فعال در این عرصه نیز بوده است و چه بسا بدون حضور و همراهی همه این افراد و تشکلهای دستیابی به نقطه ای که امروز بر آن ایستاده ایم به طور اساسی کاری غیرممکن بود.

اثربخشی انجمن حمایت از کودکان کار را در سه سطح مختلف می توان مورد بررسی قرار داد.

۱. اثرگذاری بر سیاست های اجتماعی
۲. ظرفیت سازی اجتماعی
۳. اثرگذاری مستقیم بر زندگی و شرایط زیستی کودکان



اثرگذاری بر سیاست‌های کلان اجتماعی کشور:

سیاست‌گذاری اجتماعی کلان کشور، حوزه‌ای است که می‌تواند با بازنگری در روش‌های سیاست‌گذاری و اتخاذ رویکردهای عدالت محور، به صورت بنیادین روابط اقتصادی- اجتماعی میان لایه‌ها و طبقات اجتماعی را توازن بخشیده و در نهایت سبب بهبود شاخص‌های کاهش فقر و توسعه‌ی اجتماعی پایدار در کشور شود. این در حالی است که قانون تصمیم‌سازی و ساختار تقسیم قدرت در کشور ما به‌گونه‌ای است که از دسترس تشکلهای غیردولتی بسیار دورند و تشکلهای با توجه به نوظا بودن‌شان هنوز از آن‌چنان بنیه‌ای برخوردار نیستند که بتوانند بر نگرش و عمل سیاست‌گذاران کلان کشور تاثیر گذاشته و آنان را متوجه‌ی برخی از ضرورت‌های بنیادین، به‌خصوص در زمینه‌ی حقوق کودکان کنند. اما با همین توان اندک نیز موفق به برداشتن گام‌های موفقیت‌آمیزی شده‌اند که شمایی کلی از موفقیت‌های به دست آمده به شرح زیر هستند:

۱. صدور دستور موسوم به «طرح فرمان» که به موجب آن همه‌ی کودکان غیرایرانی ساکن ایران، اعم از کودکان مهاجر قانونی و غیرقانونی و صرف کودکی‌شان می‌تواند بدون داشتن کارت اقامت از حق تحصیل برخوردار شوند.
۲. گنجاندن بندی در خصوص تاکید بر کاهش تعداد کودکان کار در کشور در برنامه‌های پنج ساله‌ی توسعه‌ی اقتصادی - اجتماعی کشور
۳. اختصاص سهمی از بودجه‌ی مصوب کشور به کاهش آسیب‌ها و حمایت از کودکان کار
۴. تصویب قانون حمایت از کودکان و نوجوانان توسط مجلس شورای اسلامی که در به‌دنبال پیگیری‌ها، مشارکت و مطالبه‌ی صورت گرفته توسط تشکلهای غیردولتی و نیز اهتمام دستگاه‌های ذیربط دولتی در بازنگری‌های آن، سرانجام به نتیجه رسید و برای تهیه‌ی آیین‌نامه‌های اجرایی به دستگاه‌های ذیربط ابلاغ شد.
۵. شکل‌گیری مرجع ملی کنوانسیون حقوق کودک، به عنوان یکی از نهادهای وزارت دادگستری، یکی دیگر از نتایج حضور چندین ساله‌ی انجمن حمایت از کودکان کار و دیگر تشکلهای این عرصه در صیانت از حقوق کودکان بود. اگرچه تاسیس نهادی به منظور نظارت بر حسن اجرای مفاد پیمان‌نامه‌ی جهانی حقوق کودک، یکی از وظایف پذیرفته شده‌ی دولت‌ها هنگام پذیرش پیمان نامه بود ولی توجه به این نکته که فاصله‌ی زمانی بین پذیرش پیمان‌نامه‌ی جهانی حقوق کودک توسط مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۷۲ و تاسیس مرجع ملی حقوق کودک در سال ۱۳۸۸ قریب ۱۶ سال می‌شود و اگر در این میان مروری داشته باشیم به بیانیه‌ی انجمن حمایت از کودکان کار که در سال ۱۳۸۵ منتشره شده و در آن بر ضرورت تاسیس نهاد ملی متولی و دیده‌بان حقوق کودک تاکید شده است و نیز در مقالاتی جداگانه در همان سال‌ها بر ضرورت ایجاد نهاد ملی متولی حقوق کودک تاکید ورزیده است، می‌توان این نکته را دریافت که نقش انجمن حمایت از کودکان کار و نقش دیگر تشکلهای این عرصه در شکل‌گیری مرجع ملی حقوق کودک، نقشی انکارناشدنی است. هرچند برای اینکه مرجع ملی بتواند به‌طورکامل نقش نهاد متولی و دیده‌بان حقوق کودک را ایفا کند هم‌چنان راه درازی در پیش و نیازمند کار و تلاش مستمر و مطالبه‌ی فراوان است. اگرچه هنوز راه درازی در این حوزه پیش‌روست و حتا اثربخشی نهایی تصمیمات اخذ شده‌ی یاد شده نیز مستلزم کار فراوان در حوزه‌ی تهیه‌ی آیین‌نامه‌های اجرایی مناسب و تعریف ابزارهای دقیق نظارتی است ولی تحقق این اهداف تا همین‌جا نیز می‌تواند نویدبخش اثربخشی‌های بیشتر در آینده باشند.

اثربخشی انجمن حمایت از کودکان کار را در سه سطح مختلف می‌توان مورد بررسی قرار داد.

- اثرگذاری بر سیاست‌های اجتماعی
- ظرفیت‌سازی اجتماعی
- اثرگذاری مستقیم بر زندگی و شرایط زیستی کودکان

ظرفیت‌سازی اجتماعی

شناخت ظرفیت‌های انسانی - اجتماعی جامعه‌ی پیرامونی و تلاش برای ایجاد هم‌راستایی میان آنان برای تحقق اهداف مشترک، یکی از لازمه‌های ادامه‌ی حیات هر تشکل اجتماعی است و پیش‌نیاز تحقق این مهم قبل از هر چیز احترام و به رسمیت شناختن مختصات فکری و فرهنگی جامعه‌ی هدف و تلاش برای ایجاد گفت‌وگو مشترک میان لایه‌ها و بخش‌های مختلف و اثرگذار اجتماعی به منظور حرکت به سمت شرایطی است که بتواند متضمن بهروزی و سعادت برای همه‌ی ارکان جامعه باشد. از این‌رو انجمن حمایت از کودکان کار در بدو شروع به کار و حتا مدتی قبل از تاسیس، توسط بنیان‌گذارانش تلاش برای معرفی پدیده‌ی کار کودک به عنوان بستری پر آسیب برای کودکان را شروع کرده است و در ادامه‌ی مسیر همواره تلاش کرده در گفتگو با مخاطبانی که هر یک در حوزه‌ی خاص خود به نوعی اثرگذار بوده و یا این‌که در ارتباط با کودکان بوده‌اند، بر این نکته تأکید ورزد که مسئله‌ی نگاهبانی از حقوق کودکان و اولویت‌بخشی به منافع عالی‌هی آنان نه تنها موضوعی به‌طور عمیق انسانی است که این مسئله، هم از منظر مصالح و منافع کلان ملی و هم از منظر دستیابی به جهانی شایسته‌ی همگان نیز دارای اهمیتی ویژه است. چرا که بی‌تردید کودکان امروز گردانندگان فردای جوامع و جهانند و هرگونه غفلت و یا بی‌توجهی که ما امروز نسبت به حقوق کودکان روا بداریم بی‌تردید تأثیر خود را در آینده‌ی کشور و جهان خواهد گذاشت.

بر پایه‌ی همین نگرش از روز نخست تا امروز همواره با این باور که نجات کودکان از چرخه‌ی کار و نگاهبانی از حقوق آنان نیازمند همدلی میان همه‌ی ارکان جامعه و شکل‌دهی اراده‌ی ملی در این حوزه است، یادگیری، ترویج و تأکید بر اقدام مشترک را سرلوحه‌ی اقدامات خود قرار داده است که از آن‌رو می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

واژه‌سازی و تلاش برای دستیابی به تعاریف بومی منطبق با شان و کرامت کودکان به نحوی که این تعاریف ضمن آگاهی‌بخشی بتوانند گویای همه‌ی ابعاد و ویژگی‌های موضوع باشند. که از آن جمله می‌توان به ابتکار عمل انجمن در ابداع و ترویج عبارت «کودکان کار» به جای عبارت تحقیرآمیز «کودکان خیابانی» و نیز تلاش برای آرایه‌ی تعریفی تمام‌شمول از مفاهیمی مانند «کار کودک» و «کودکان کار» اشاره کرد.

باورمندی به تشکل‌سازی و تأکید بر نقش بی‌بدیل تشکل‌های غیردولتی در مواجهه با دشواری‌های پیش‌رو، که تلاش برای هم‌راستایی با دیگر تشکل‌های عضو «شبکه‌ی یاری کودکان کار»، یکی از جلوه‌های این باورمندی انجمن است.

تلاش برای الگوسازی بومی به منظور آموزش و حمایت از کودکان کار که حاصل این تلاش منجر به شکل‌گیری ده‌ها تشکل غیردولتی فعال در حوزه‌ی حمایت از کودکان کار از سال ۱۳۸۱ تاکنون شده است.

تولید محتوا و ایده‌پردازی به منظور تعریف نقشه‌ی راه برای مواجهه با مشکلات پیش‌رو به‌ویژه در حوزه‌ی کودکان کار که از آن جمله می‌توان به نظریه‌پردازی راهبرد «حمایت از کودکان و مبارزه با کار کودک» به عنوان راهبرد عملی انجمن حمایت از کودکان کار اشاره کرد.

یکی دیگر از حوزه‌های اثربخشی انجمن حمایت از کودکان کار که به‌طور معمول از چشم‌ها دور مانده است، نقشی است که به‌واسطه‌ی ظرفیت‌سازی برای گذراندن دوره‌های کارورزی عملی دانشجویان دانشگاه‌ها به‌وجود آورده و دیگری نقشی است که انجمن حمایت از کودکان کار در بسترسازی برای حضور داوطلبان و انجام کار جمعی در حوزه‌ی مسئولیت‌پذیری اجتماعی، به عهده گرفته و ایفا کرده است.

اثرگذاری مستقیم بر زندگی و شرایط زیستی کودکان

سخن گفتن درباره‌ی میزان اثربخشی مستقیم انجمن در زندگی کودکان، برای ما با ملاحظات و محدودیت‌هایی همراه است. چرا که از یکسو چنین نوشتاری مجال مناسبی برای آرایه‌ی آمار و نمودار نیست و ممکن است مخاطب هم انتظار داشته باشد این مهم به صورت مصداقی و با بیان جزئیات صورت بگیرد درحالی‌که اصل رازداری حرف‌های و احترام به حریم شخصی کودکان سبب می‌شود که ما نتوانیم جزئیاتی را در مورد زندگی آنان بیان کنیم. ضمن این‌که اگر بخواهیم همه‌ی آنچه را که طی نوزده سال گذشته اتفاق افتاده توضیح دهیم نیازمند چندین کتاب است. از این‌رو فقط به ذکر این نکته بسنده



❖ سرمقاله

می‌کنیم که انجمن حمایت از کودکان کار در طی ۱۹ سال فعالیت حمایتی خود توانسته است به بیش از ۱۳ هزار کودک کار، کودک آسیب‌دیده و در معرض آسیب خدمات خود را ارائه کند و بخش قابل توجهی از کودکان نسل اولی که در سال ۱۳۸۱ وارد انجمن شده و در انجمن الفبا آموختند هم اکنون در حال گذراندن مدارج کارشناسی و کارشناسی‌ارشد خود در دانشگاه‌های ایران و جهان هستند که امیدواریم همواره بهروز و سلامت باشند و رود زلال انجمن و دیگر انجمن‌های فعال در حوزه‌ی مبارزه با کار کودک، در فراز و فرود خود سراینده‌ی نغمه‌ی امید بخش کودکانش باشد.

بی‌تردید کودکان امروز گردانندگان
فردای جوامع و جهانند و هرگونه
غفلت و یا بی‌توجهی که ما امروز
نسبت به حقوق کودکان روا بداریم
بی‌تردید تاثیر خود را در آینده‌ی
کشور و جهان خواهد گذاشت.

گزارش عملکرد اجرایی انجمن حمایت از کودکان کار در سال ۱۳۹۹

کودکان کار بخشی فراموش شده از کودکان کشورمان هستند که متأسفانه سرنوشت آنان قربانی فقدان نهاد متولی قدرتمند برای دیده‌بانی از حقوق انسانی‌شان شده است و همواره در تمامی بحران‌های اجتماعی نظیر افزایش قیمت‌ها، گسترش فقر، آلودگی هوا و شیوع بیماری‌ها و ... وضعیت آنان از چشم برنامه‌ریزان اجتماعی مغفول مانده است. این در حالی است که آنان به دلیل شرایطی که دارند ناگزیرند حتی در سخت‌ترین روزها به منظور تامین نیازهای خود و خانواده‌شان راهی بازار کار شوند و این امر ضرورت توجه بیشتر به آنان در امر صیانت‌های اجتماعی را دو چندان می‌کند.

به استحضار می‌رساند انجمن حمایت از کودکان کار، به‌عنوان نهادی داوطلبانه و غیردولتی، با شماره‌ی ثبت ۱۴۶۰۷ و مجوز رسمی از وزارت کشور از سال ۱۳۸۱ تا کنون به بیش از ۱۲ هزار کودک کار، کودک آسیب‌دیده و در معرض آسیب، خدمات آموزشی و حمایتی خود را در مراکز ارایه کرده است. در راستای رشد همه‌جانبه‌ی کودکان، انجمن حمایت از کودکان کار از ابتدای فعالیت خود تاکنون فعالیت‌های حمایتی، آموزشی را به صورت مستمر با توجه به ظرفیت‌های موجود در جامعه برای کودکان خود در نظر گرفته است و در این مسیر شاهد شکوفایی و رشد کودکانش بوده است. آنچه در ادامه ملاحظه می‌فرمایید، گزارش عملکرد اجرایی سال ۱۳۹۹ انجمن حمایت از کودکان کار است که با حمایت شما مردم عزیز ایران و منابع انسانی وظیفه‌شناس و متعهد انجمن به انجام رسیده است. قدردان حضور گرم‌تان در کنار انجمن هستیم و می‌دانیم بی‌تردید مسیر ناهموار مبارزه با کار کودک جز با مشارکت همدیگر پیش نخواهد رفت، امید در این مسیر، گام‌های تان استوار و پایدار باشد.

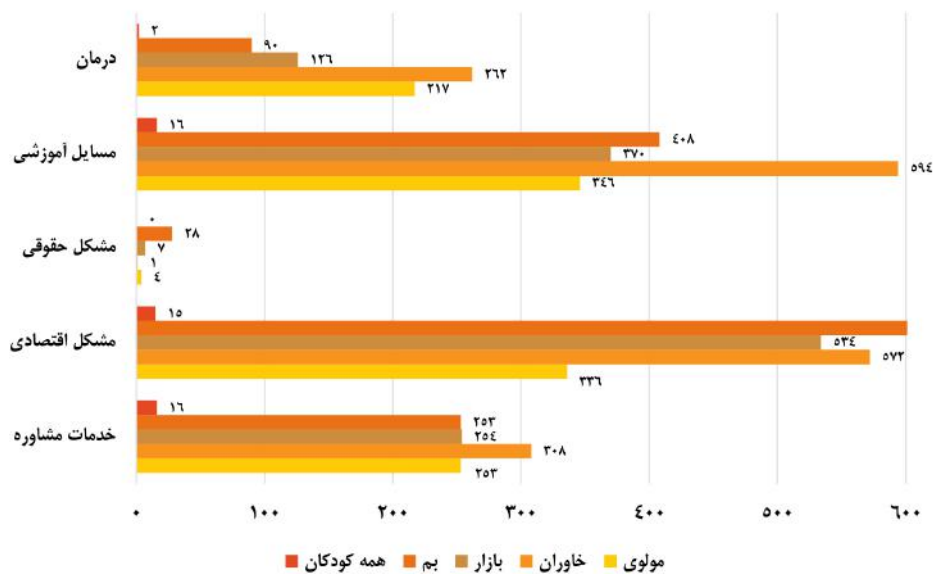
محور حمایتی

تردید نیست که محور نهایی کار کودک، مستلزم اقدام و ایجاد ساز و کارهای بنیادین به نحوی که به‌طور اساسی سایه‌ی اجبار به کار از زندگی کودکان برداشته شود و این امر در خوشبینانه‌ترین حالت مستلزم کار و تلاش فراوان و صرف زمان لازم است و این در حالی است که کودکان همین امروز نیاز به حمایت و برخورداری از حقوق کامل انسانی-اجتماعی‌شان هستند و نمی‌توان آنان را تا ایجاد و زیرساخت‌های لازم در انتظار گذاشت. از این‌رو انجمن حمایت از کودکان کار با استقرار رویکرد حمایتی از کودکان کار در برنامه‌های اجرایی خود تلاش می‌کند از طریق برداشتن موانع پیش‌روی آنان فرصت بازگشت به چتر حمایتی را برای‌شان فراهم کرده و با استمرار این فعالیت‌ها به آنان کمک می‌کند که بتوانند در کنار انجمن ادامه‌ی مسیر داده و به تدریج ضمن کاستن از رنج‌های آنان فرصت برخورداری از حقوق اساسی‌شان را در اختیار آنان قرار دهد. اگرچه بخش مددکاری اجتماعی انجمن نقطه‌ی مرکزی برنامه‌های حمایتی انجمن است اما در کنار آن بخش‌هایی مانند روان‌شناسی، بهداشت و درمان، تغذیه و حمایت‌های حقوقی نیز می‌کوشند، کامل‌کننده‌ی این برنامه‌ها بوده و فرصت ادامه‌ی مسیر در انجمن را برای کودکان گروه هدف تامین کنند.

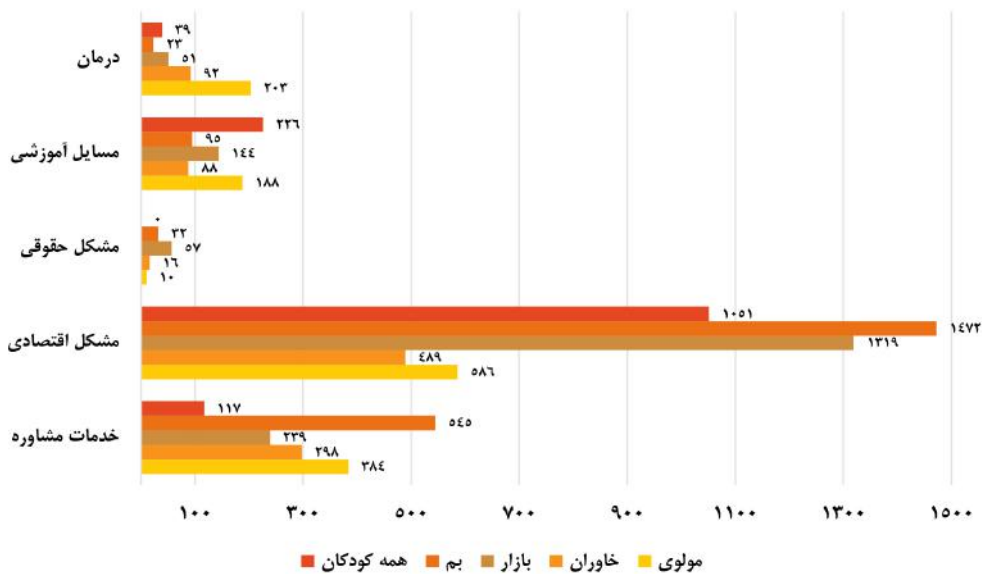


خدمات مددکاری اجتماعی انجمن حمایت از کودکان کار

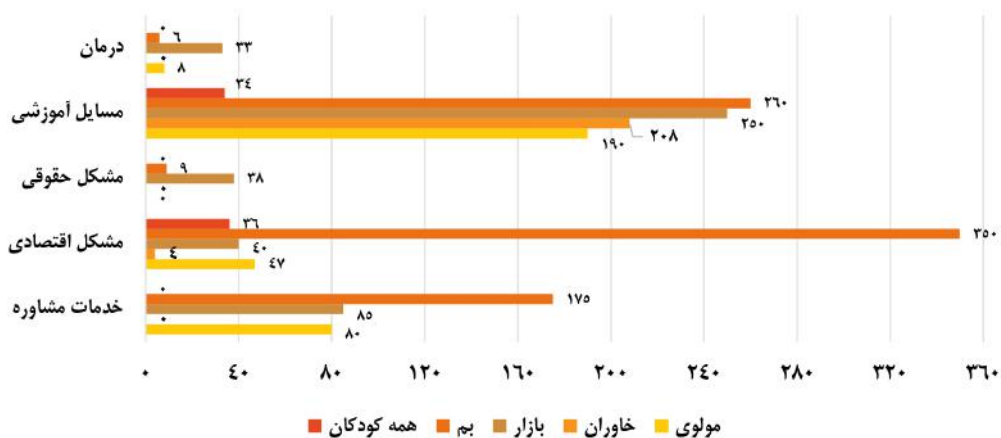
مراجعات کودکان به واحد مددکاری اجتماعی به تفکیک مراکز



مراجعات خانواده به واحد مددکاری اجتماعی به تفکیک مراکز

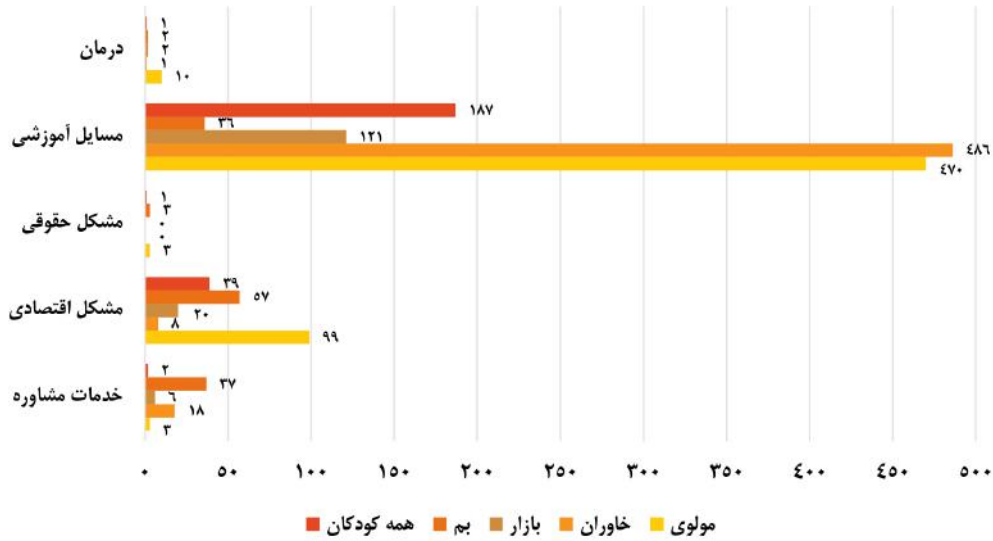


ارجاع کودکان از واحد آموزش به واحد مددکاری اجتماعی

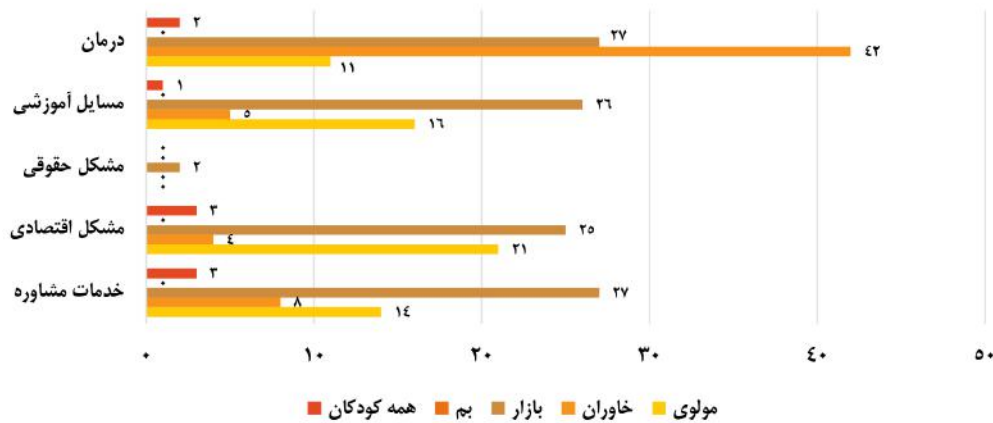


مراجعات جدید به واحد مددکاری اجتماعی به تفکیک مراکز

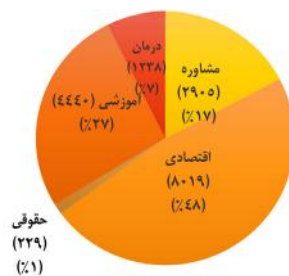
مراجعات جدید از واحد آموزش به واحد مددکاری اجتماعی به تفکیک مراکز



مراجعات جدید از واحد روانشناسی به واحد مددکاری اجتماعی به تفکیک مراکز



مراجعات کل به واحد مددکاری اجتماعی به تفکیک موضوع



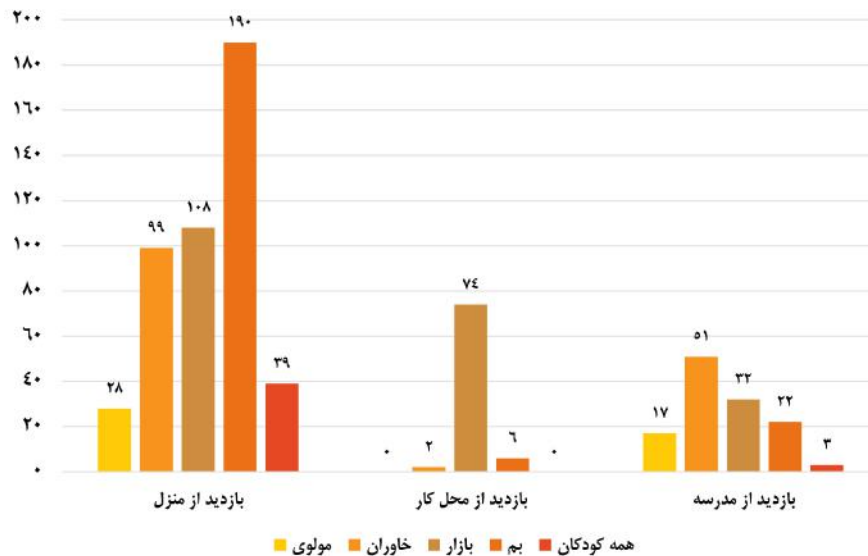
مراجعات کل به واحد مددکاری اجتماعی به تفکیک مراکز



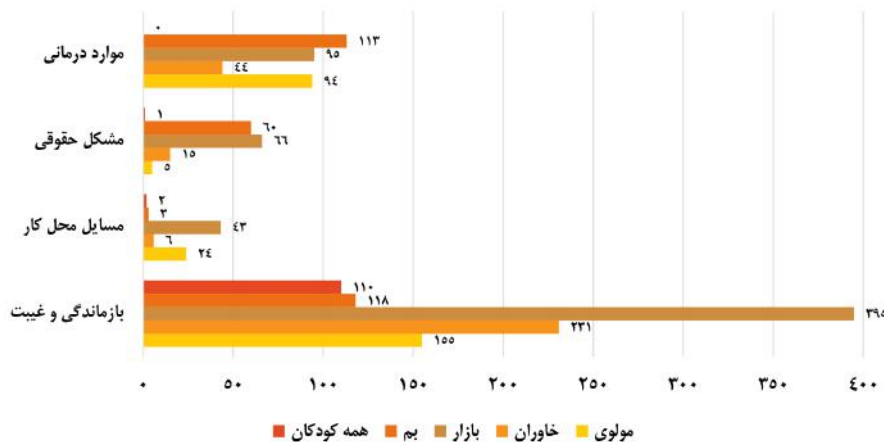
خدمات مشاوره‌ای تخصصی به تفکیک موضوع و مراکز انجمن



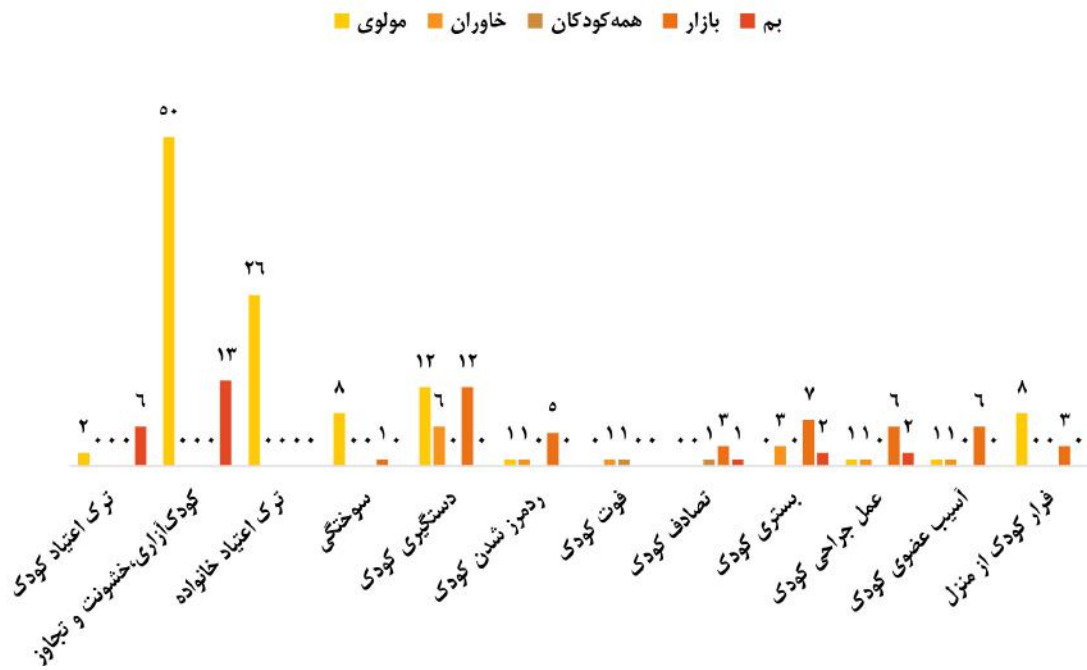
بازدیدهای انجام شده به تفکیک مراکز انجمن



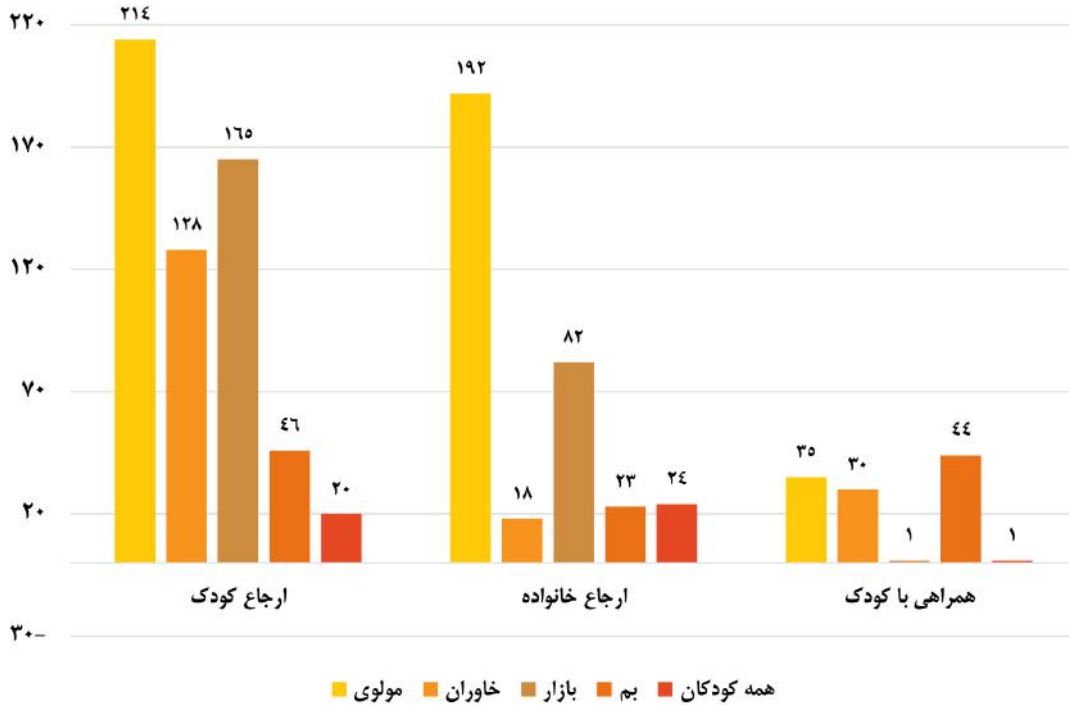
خدمات پیگیری مددکاری اجتماعی به تفکیک موضوع و مراکز انجمن



موارد خاص اورژانسی برای واحد مددکاری اجتماعی

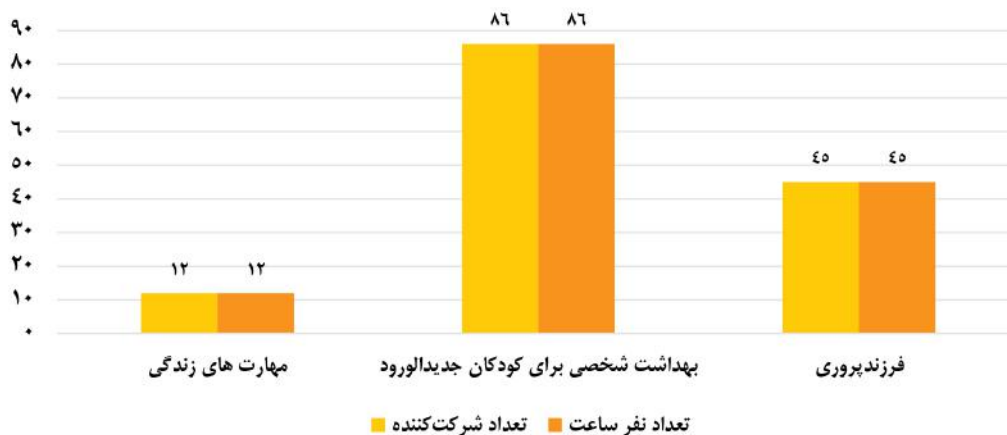


تعداد ارجاعات درمانی مددکاری اجتماعی

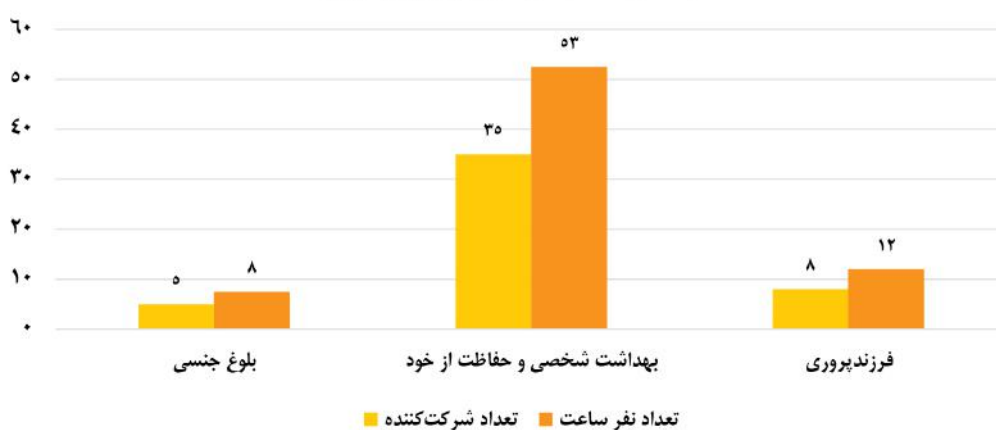


کارگاه‌ها، برنامه‌ها و فعالیت‌های گروهی

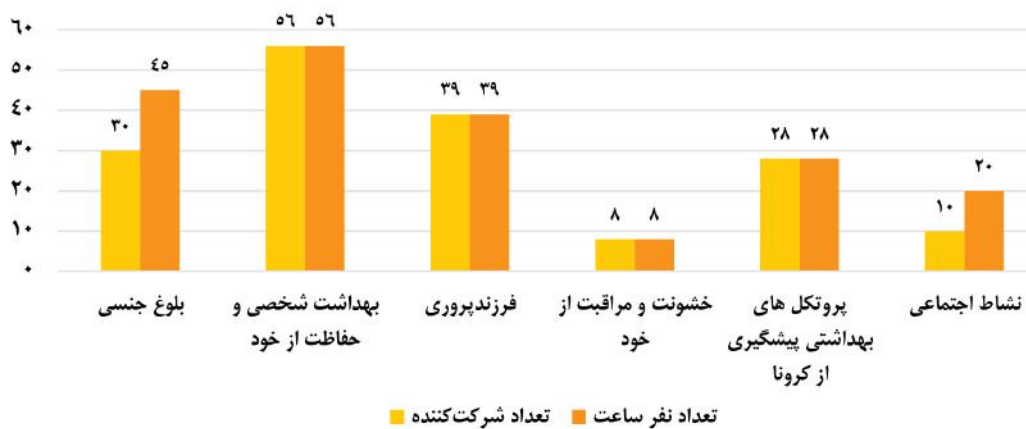
کارگاه‌ها، برنامه‌ها و فعالیت‌های گروهی برای مرکز مولوی



کارگاه‌ها، برنامه‌ها و فعالیت‌های گروهی برای مرکز بزم



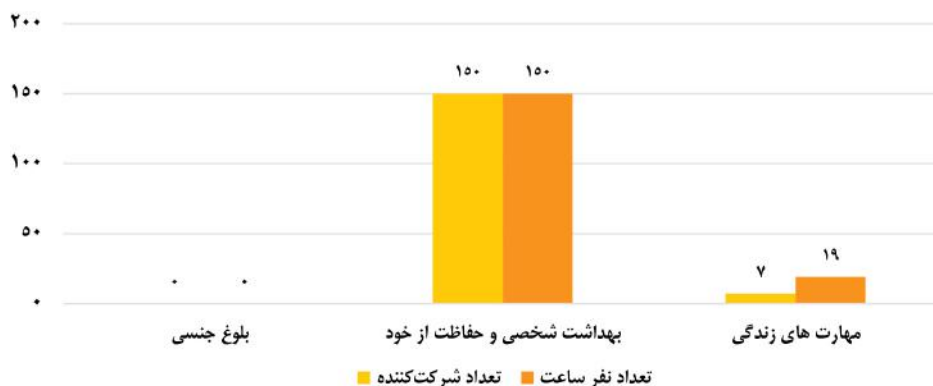
کارگاه‌ها، برنامه‌ها و فعالیت‌های گروهی برای مرکز بازار



کارگاه‌ها، برنامه‌ها و فعالیت‌های گروهی برای مرکز همه کودکان

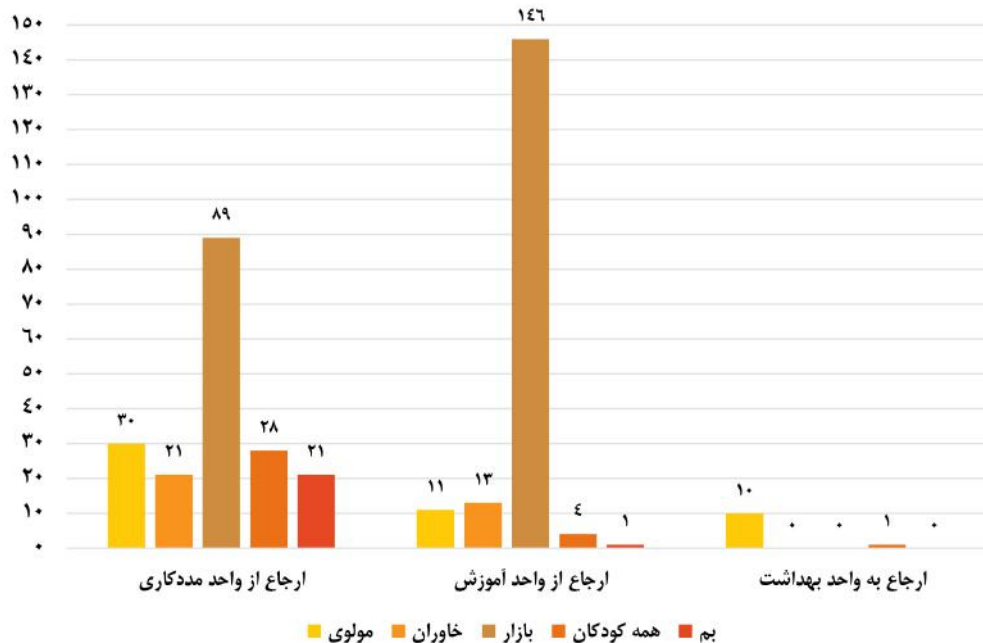


کارگاه‌ها، برنامه‌ها و فعالیت‌های گروهی برای مرکز خاوران

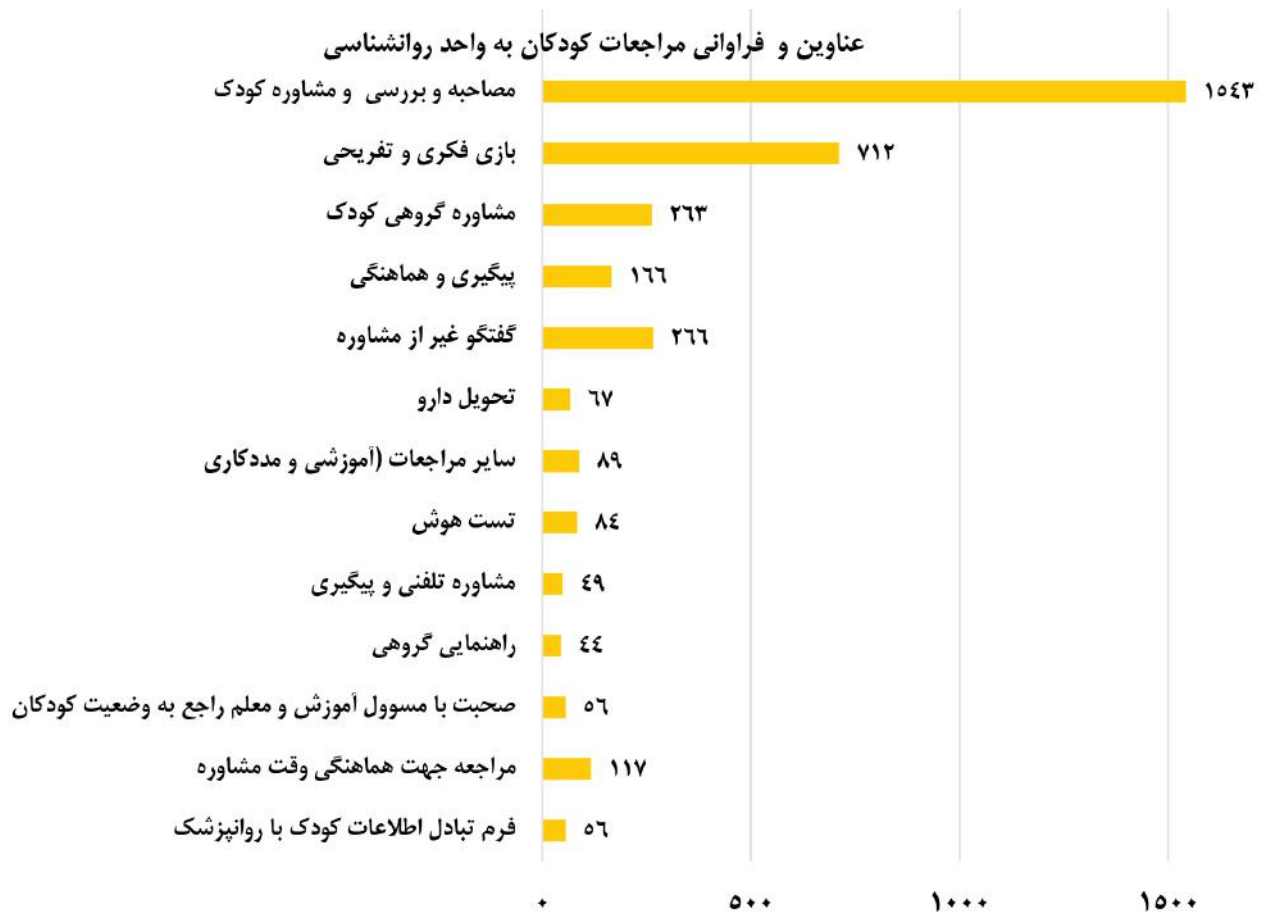


خدمات روانشناسی انجمن حمایت از کودکان کار

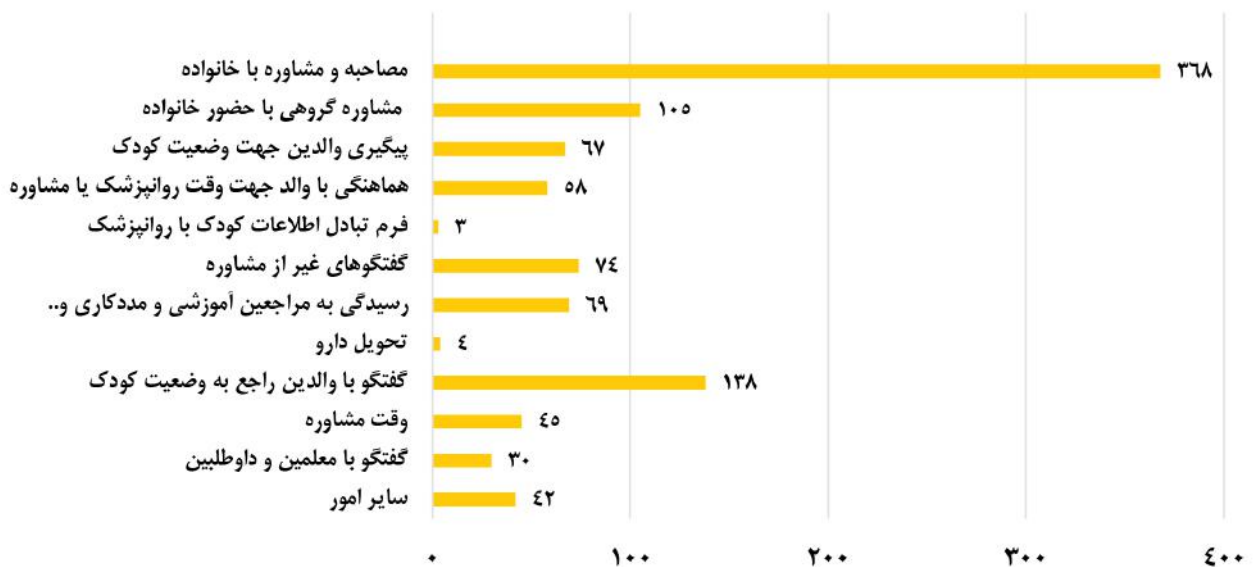
ارجاعات از واحدهای دیگر به واحد روانشناسی



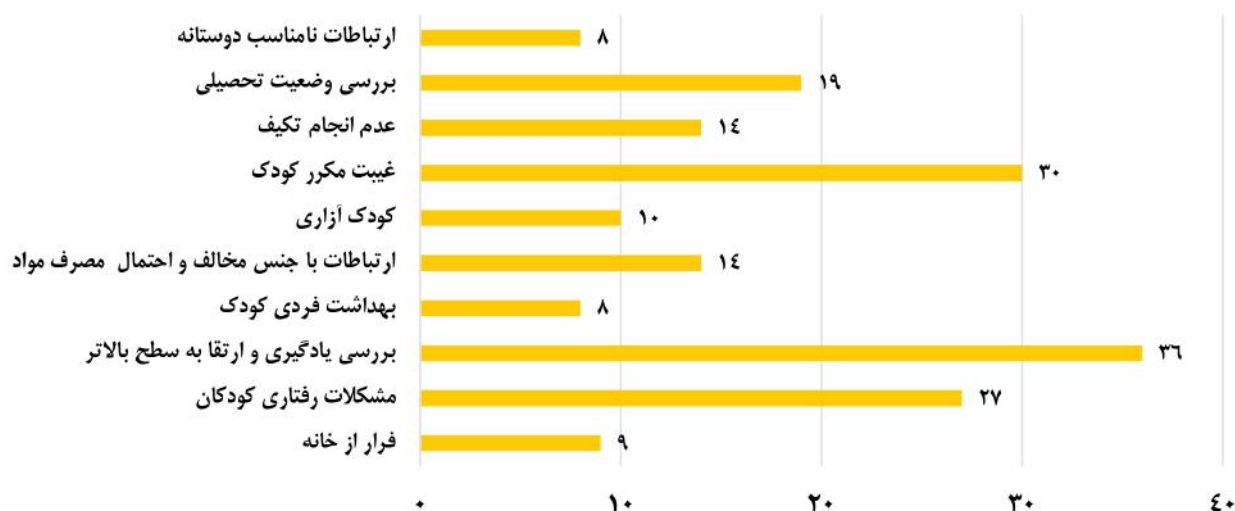
عناوین و فراوانی مراجعات کودکان به واحد روانشناسی



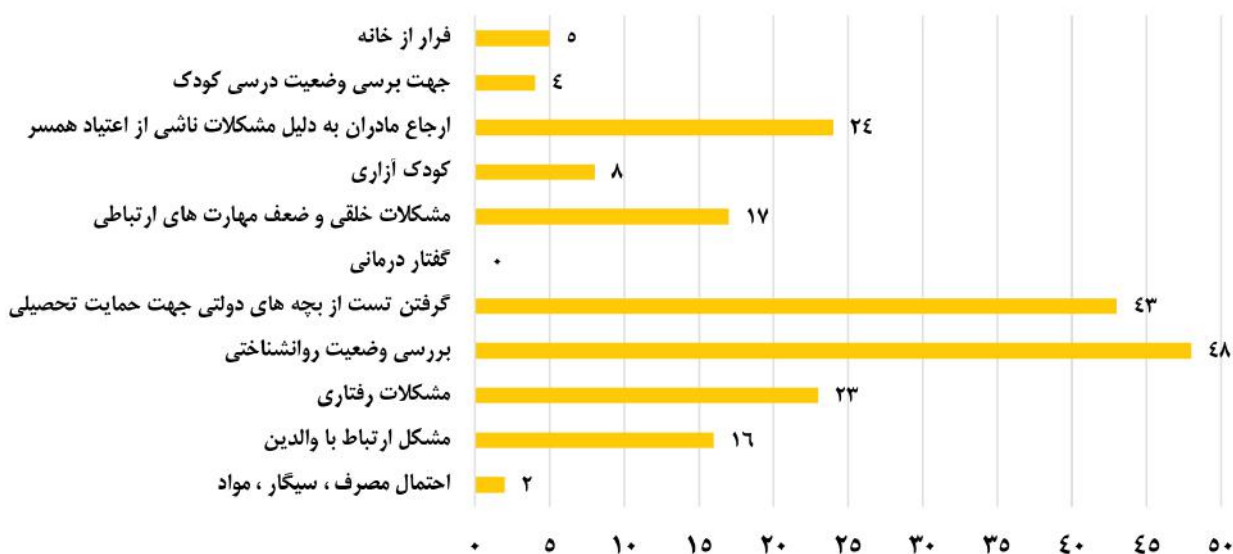
عناوین و فراوانی مراجعات خانواده به واحد روانشناسی



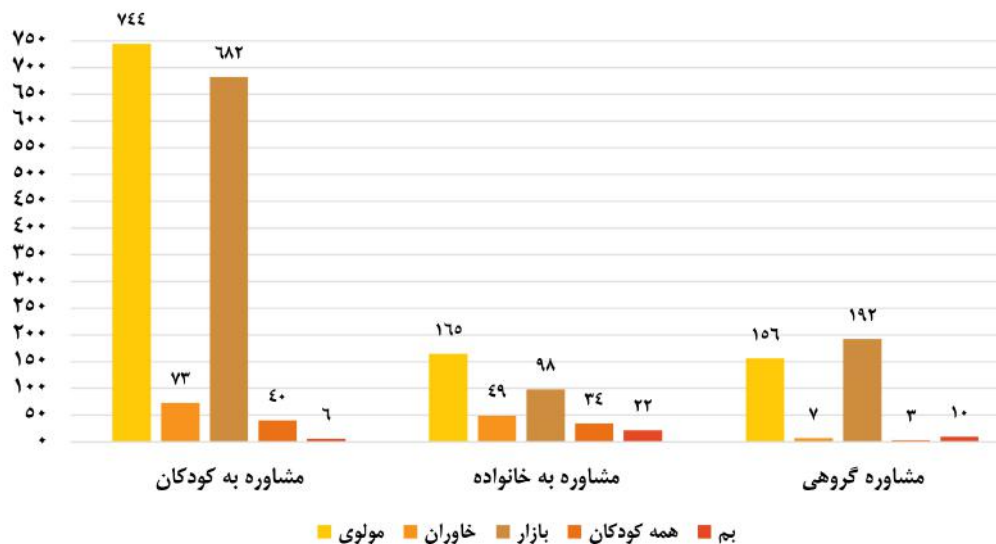
عناوین و فراوانی ارجاع از واحد آموزش به واحد روان شناسی



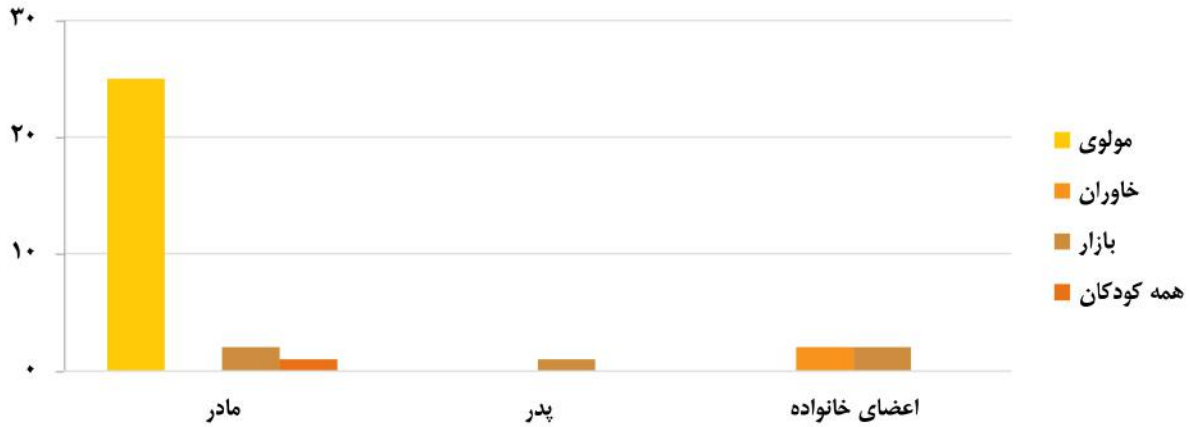
عناوین و فراوانی ارجاع از واحد مددکاری اجتماعی به واحد روان شناسی



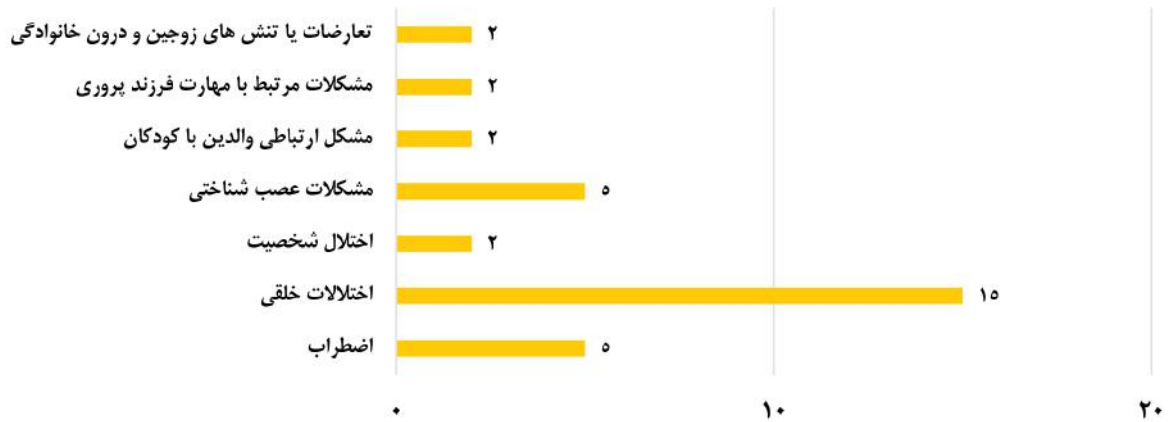
فراوانی مشاوره تخصصی به تفکیک مراکز



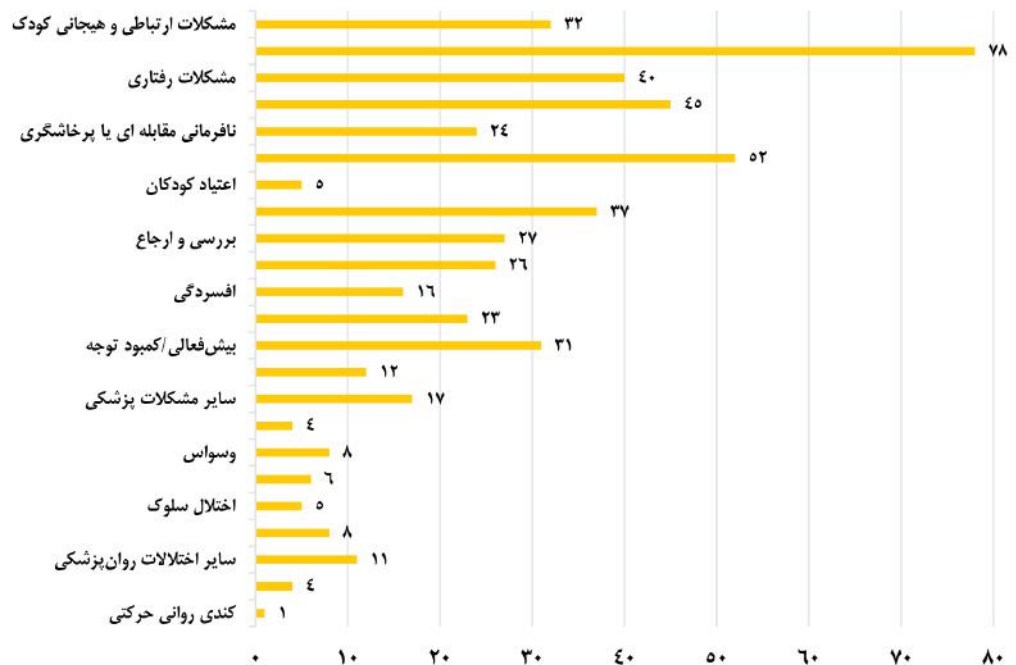
تشکیل پرونده والدین



مهمترین مشکلات روانشناختی والدین در پرونده ها

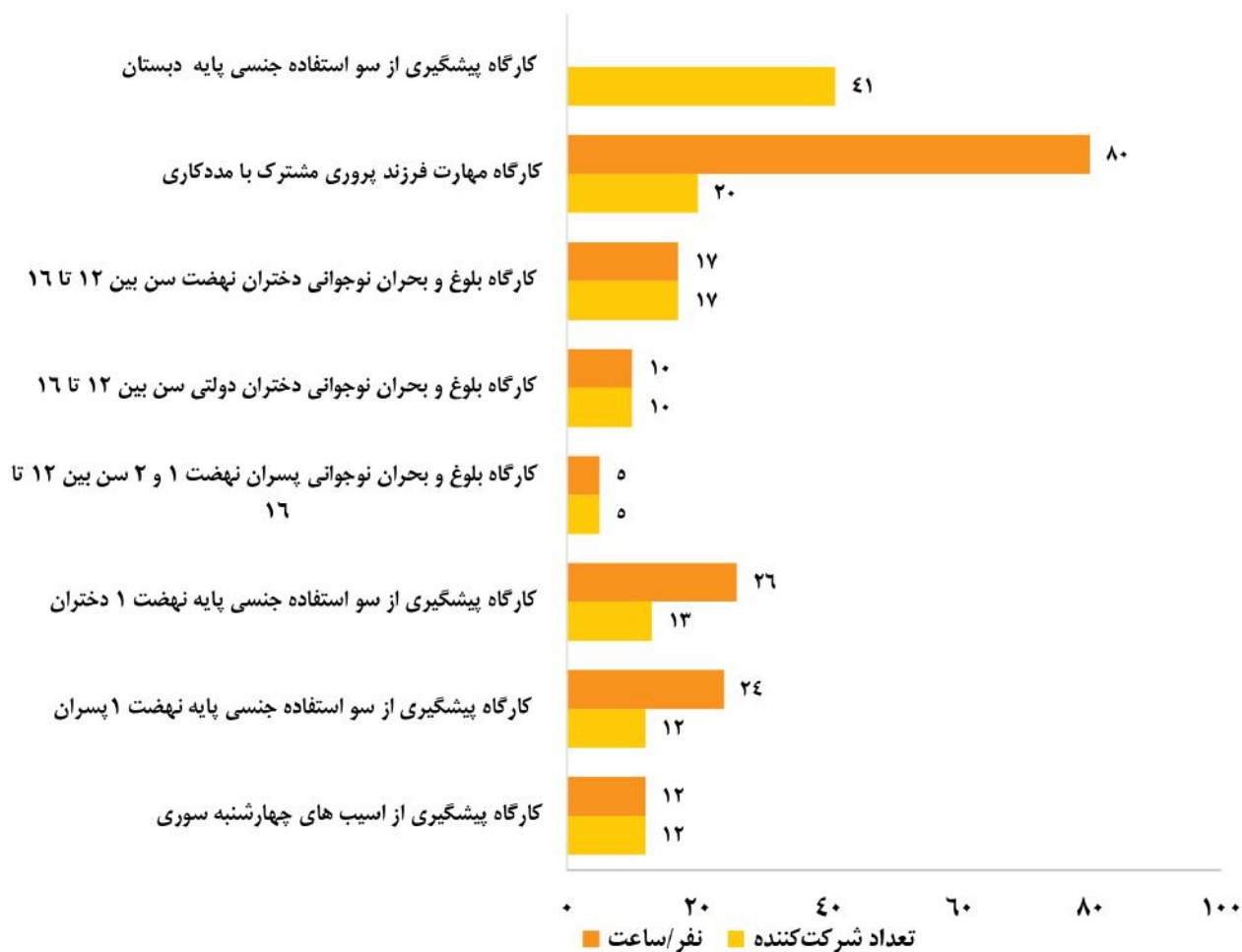


مهمترین مشکلات روانشناختی کودکان در پرونده ها



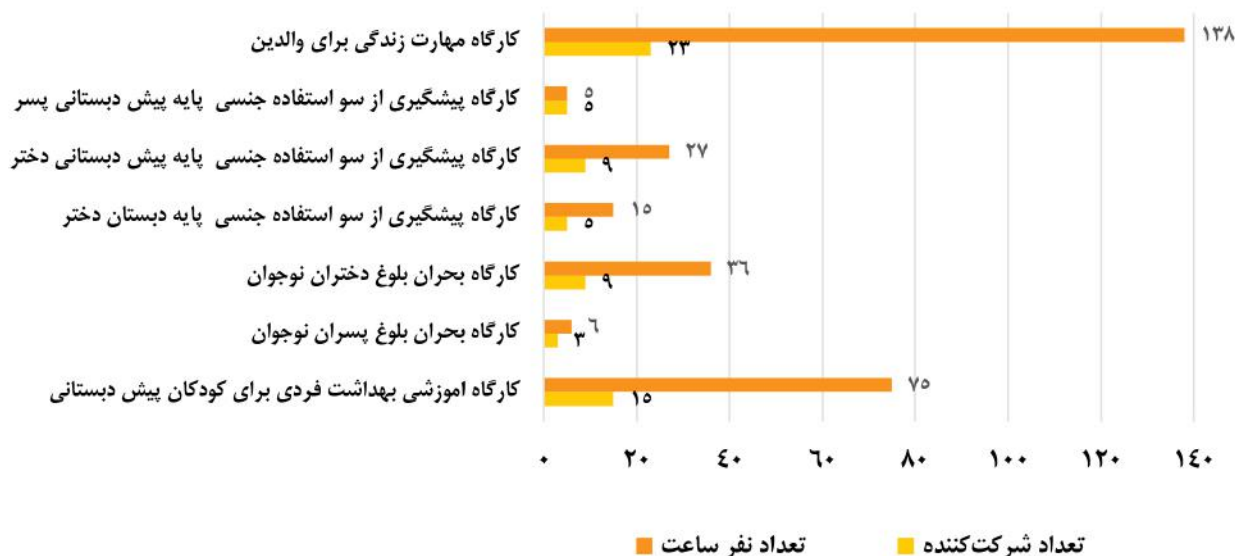
کارگاه‌ها، برنامه‌ها و فعالیت‌های گروهی

کارگاه‌ها، برنامه‌ها و فعالیت‌های گروهی برای مرکز مولوی

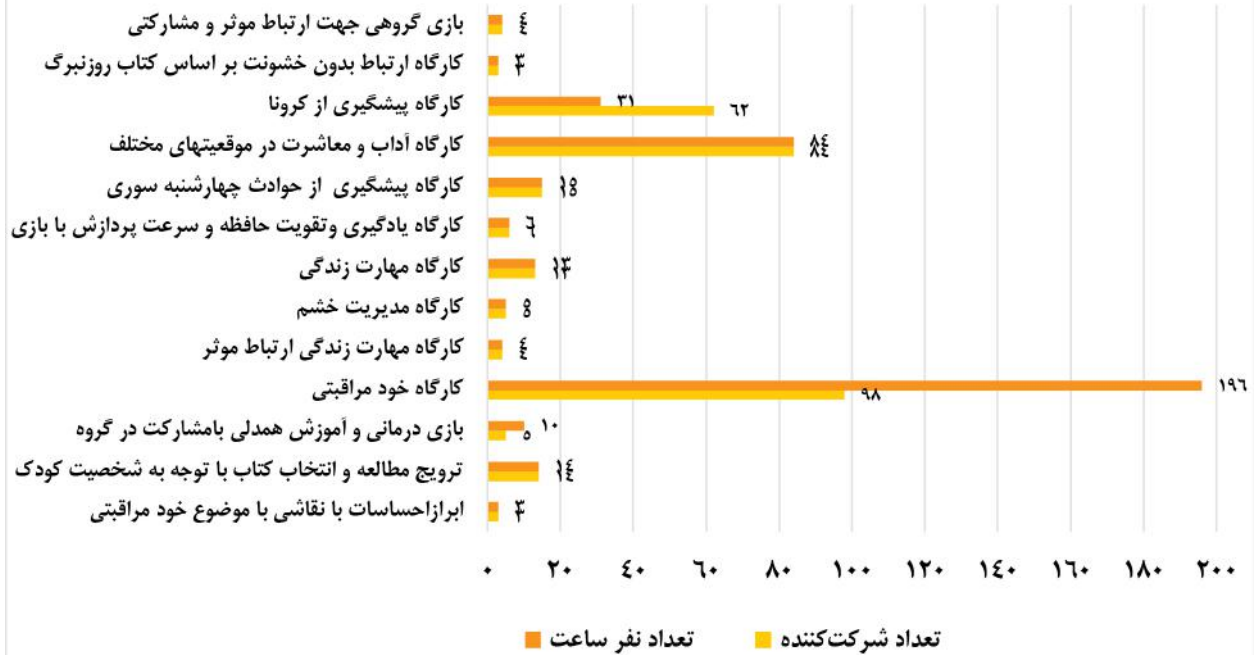


ویژه‌نامه‌ی روز جهانی مبارزه با کار کودک
خردادماه ۱۴۰۰

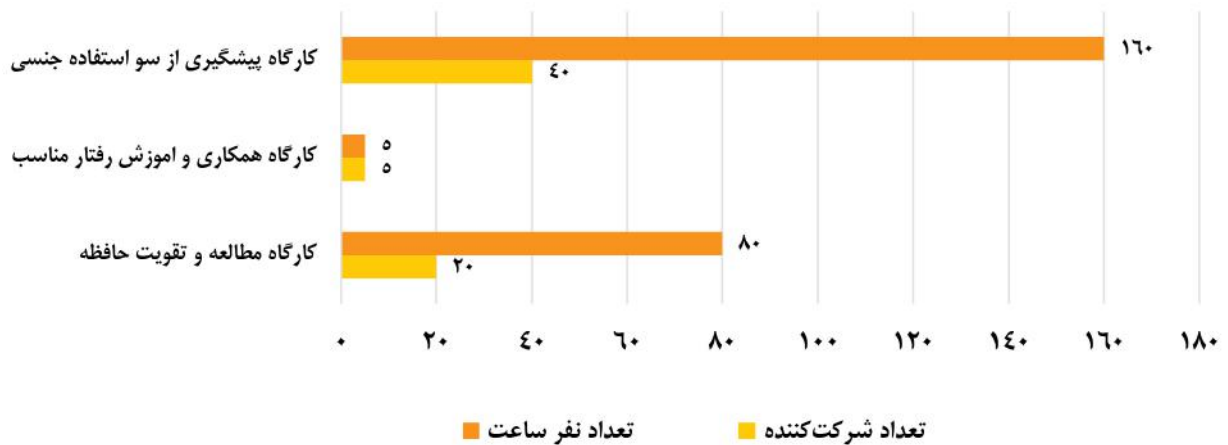
کارگاه‌ها، برنامه‌ها و فعالیت‌های گروهی برای مرکز بم



کارگاه‌ها، برنامه‌ها و فعالیت‌های گروهی برای مرکز بازار

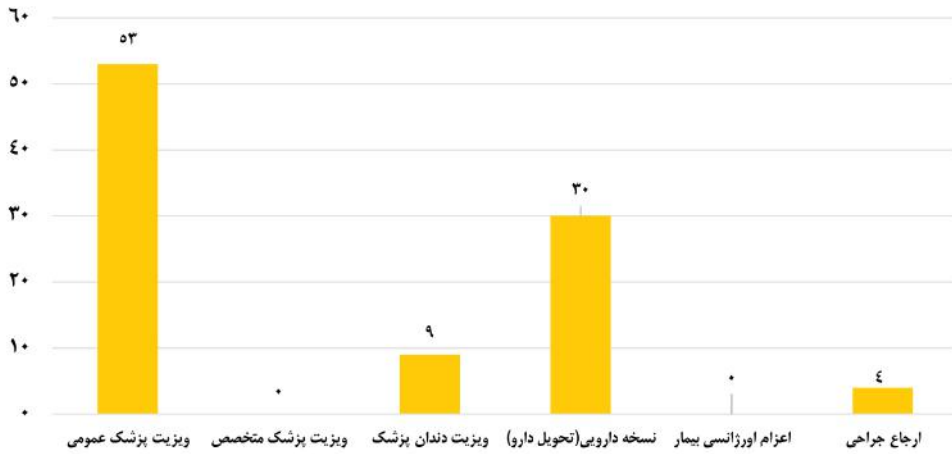


کارگاه‌ها، برنامه‌ها و فعالیت‌های گروهی برای مرکز خاوران

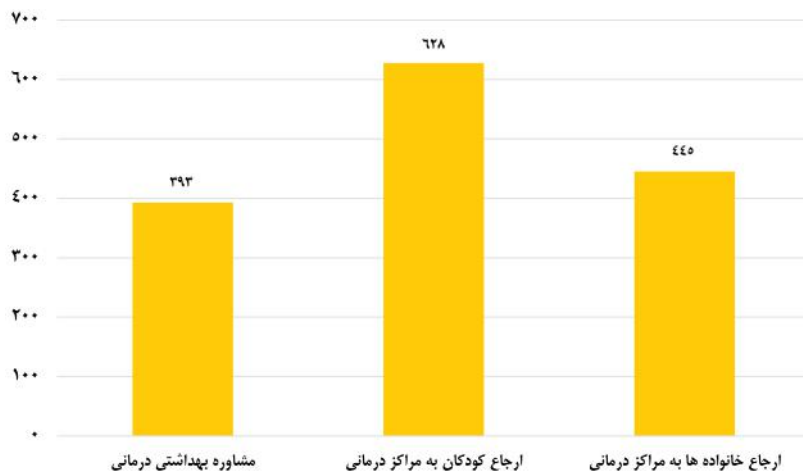


خدمات بهداشت و تغذیه انجمن حمایت از کودکان کار

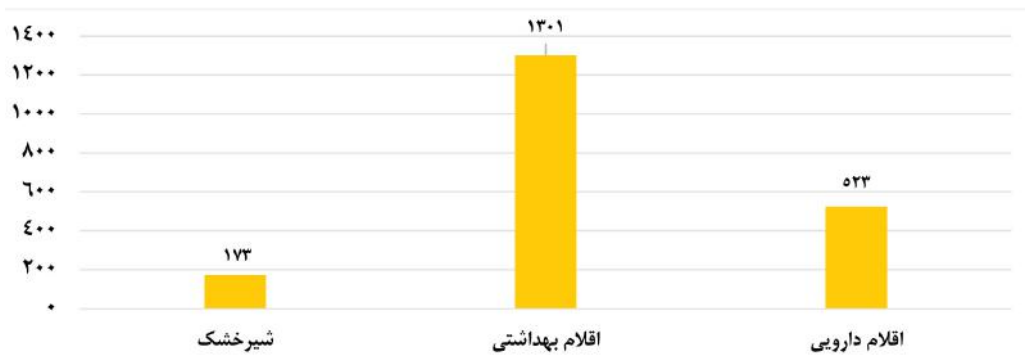
خدمات درمانی ارائه شده در انجمن



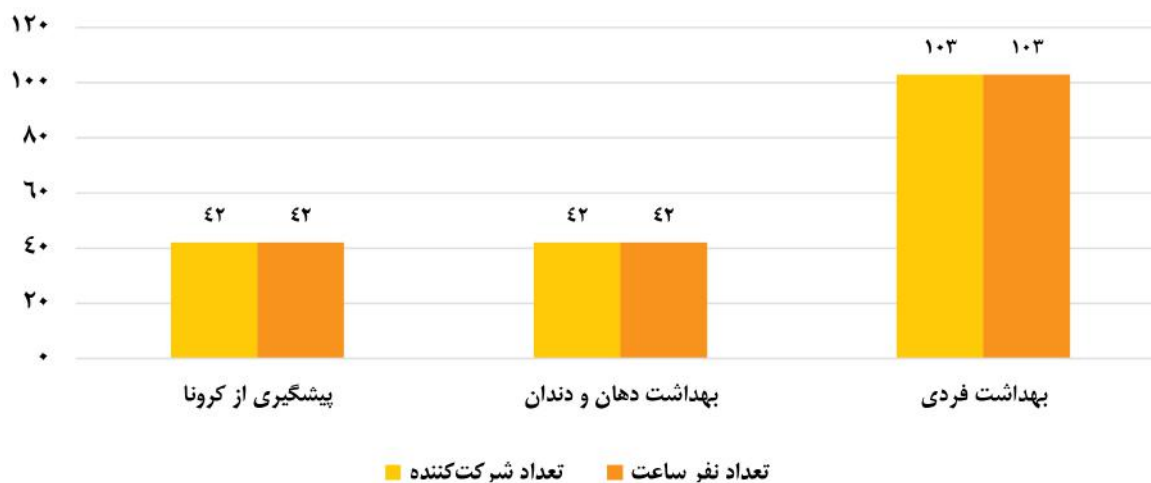
مشاوره و ارجاع بهداشت و درمان



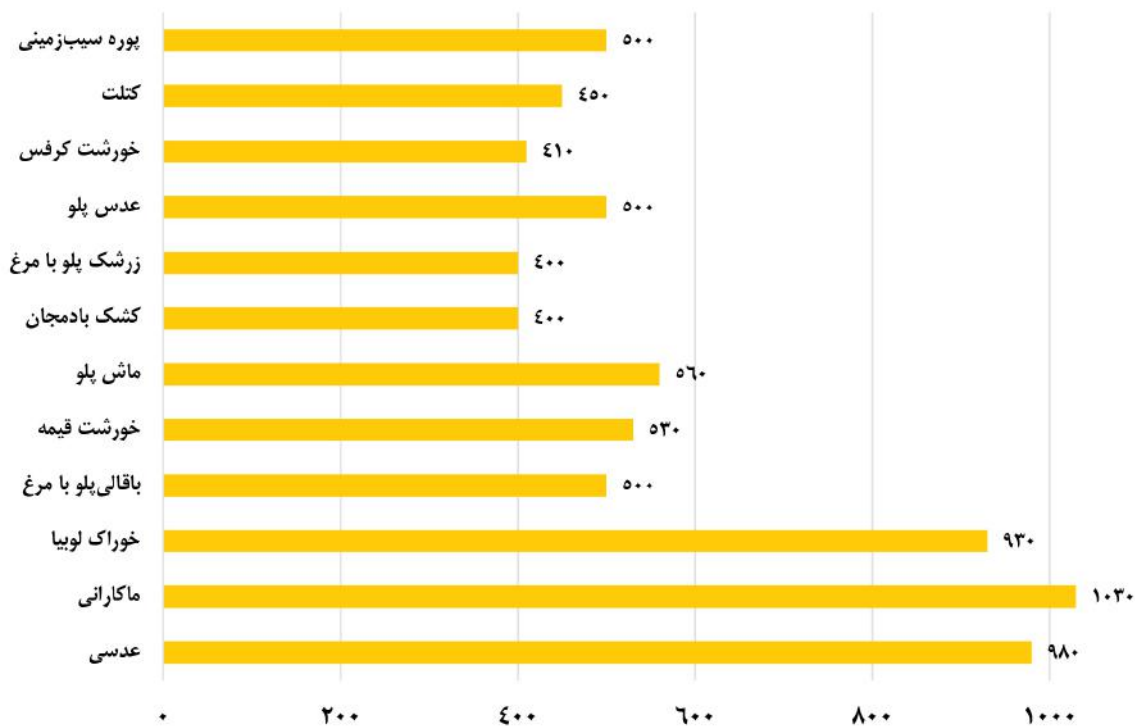
تامین اقلام بهداشتی و درمانی



کارگاه‌ها، برنامه‌ها و فعالیت‌های گروهی



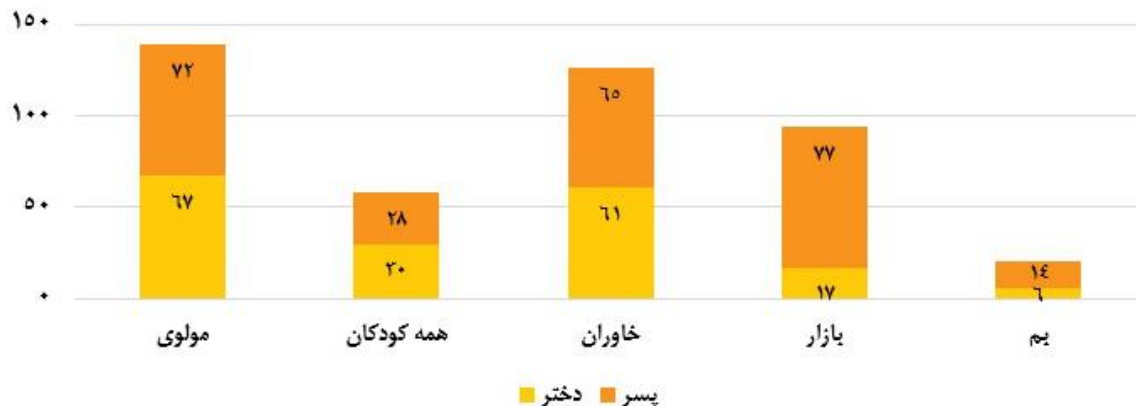
انواع و تعداد غذاهای سرو شده در مراکز



محور آموزشی

تجارب جهانی حاکی از این است که آموزش، موثرترین ابزار در راه مبارزه علیه کار کودک است. از جمله تلاش‌های بشردوستانه در زمینه‌ی کودکان کار، تلاش‌های سازمان‌ها مردمی در خصوص آموزش این کودکان است. از این روی، یکی از گسترده‌ترین حوزه‌های فعالیت انجمن حمایت از کودکان کار نیز آموزش است.

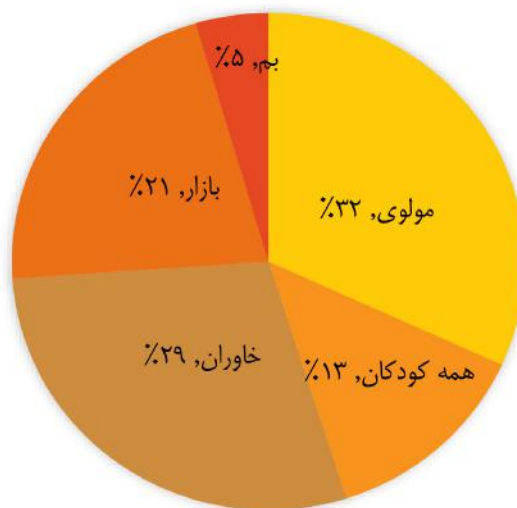
تعداد کودکان مشغول به تحصیل در مراکز مختلف به تفکیک جنسیت

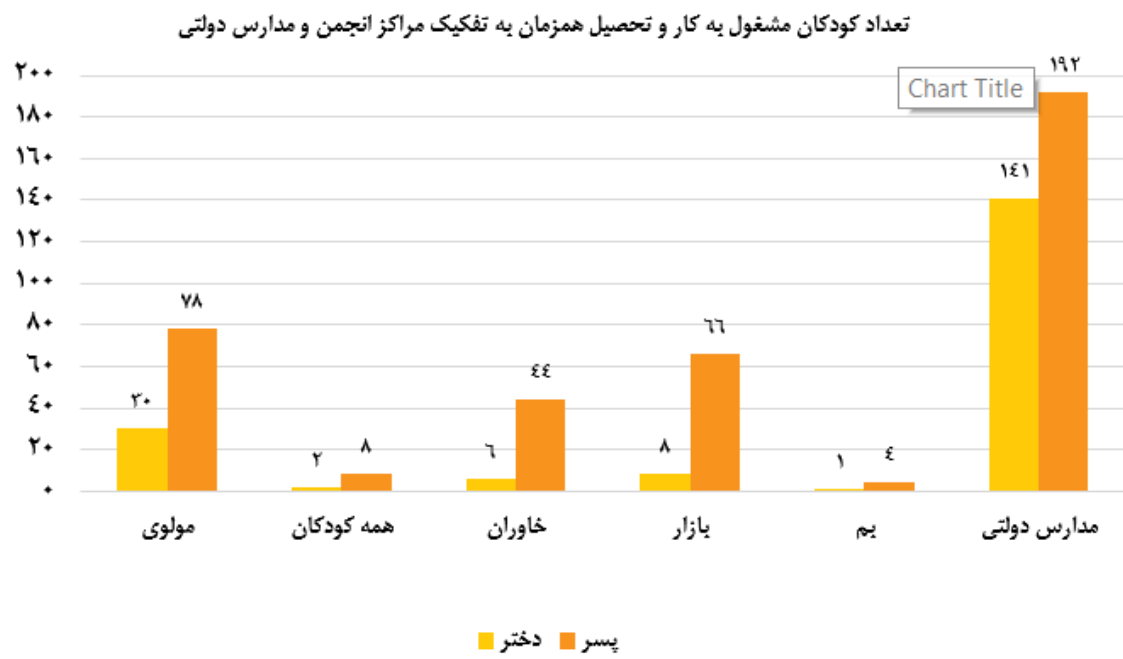
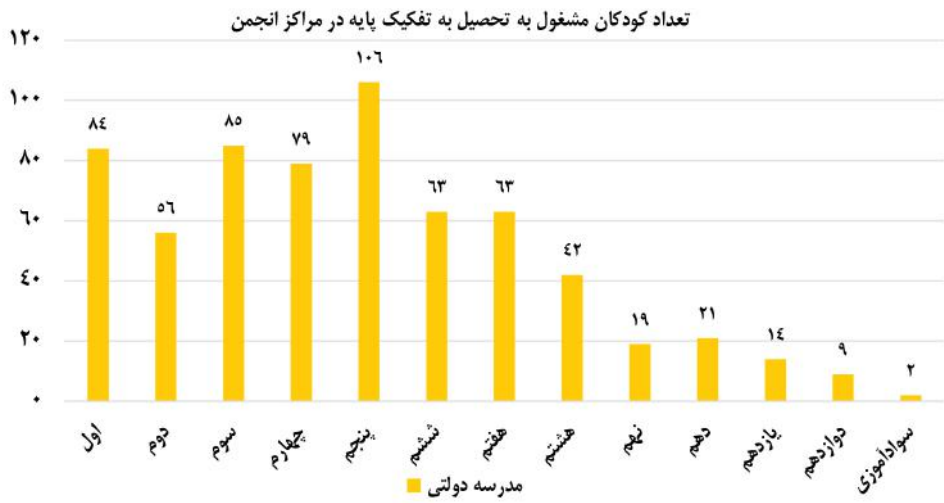
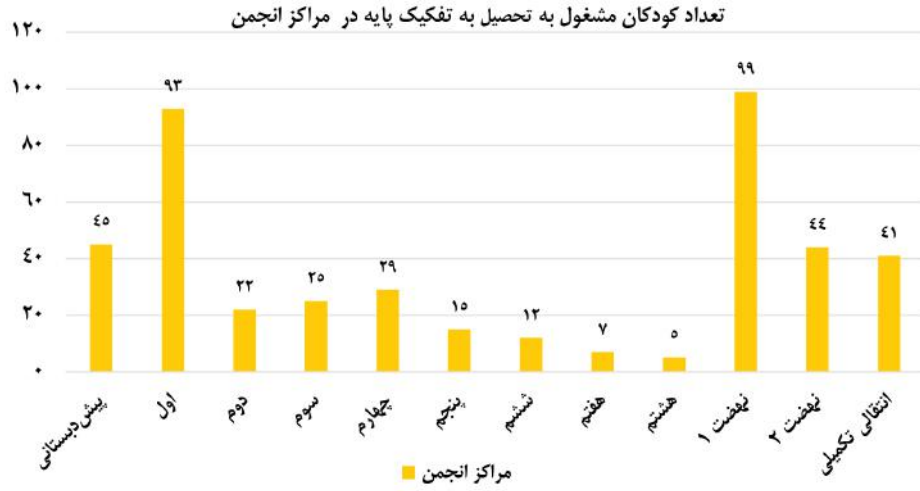


تعداد کودکان مشغول به تحصیل در مدرسه دولتی به تفکیک جنسیت

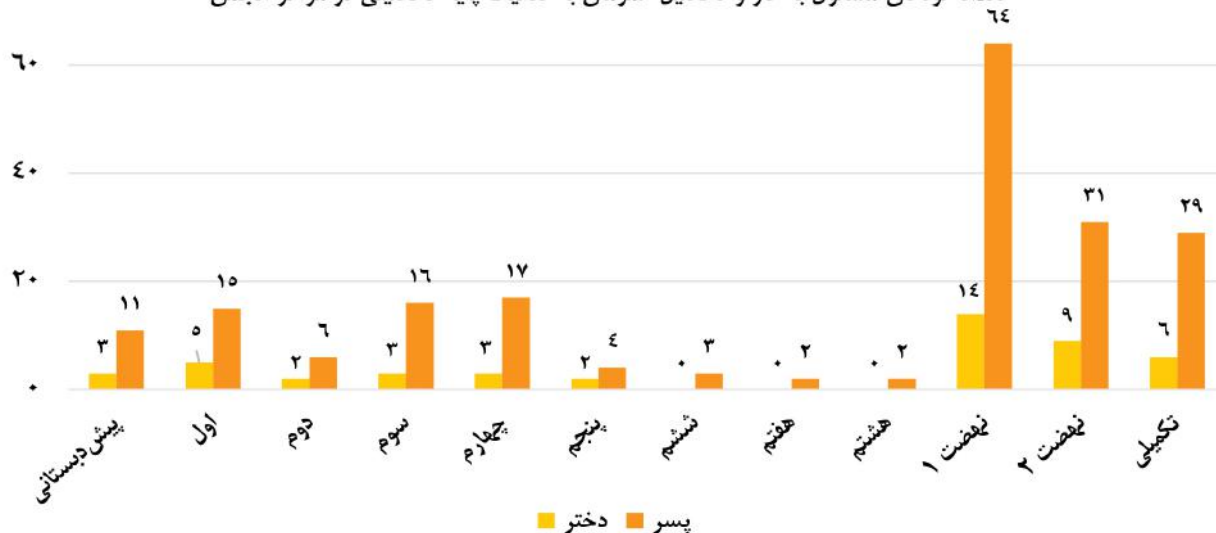


درصد کودکان مشغول به تحصیل در مراکز مختلف انجمن

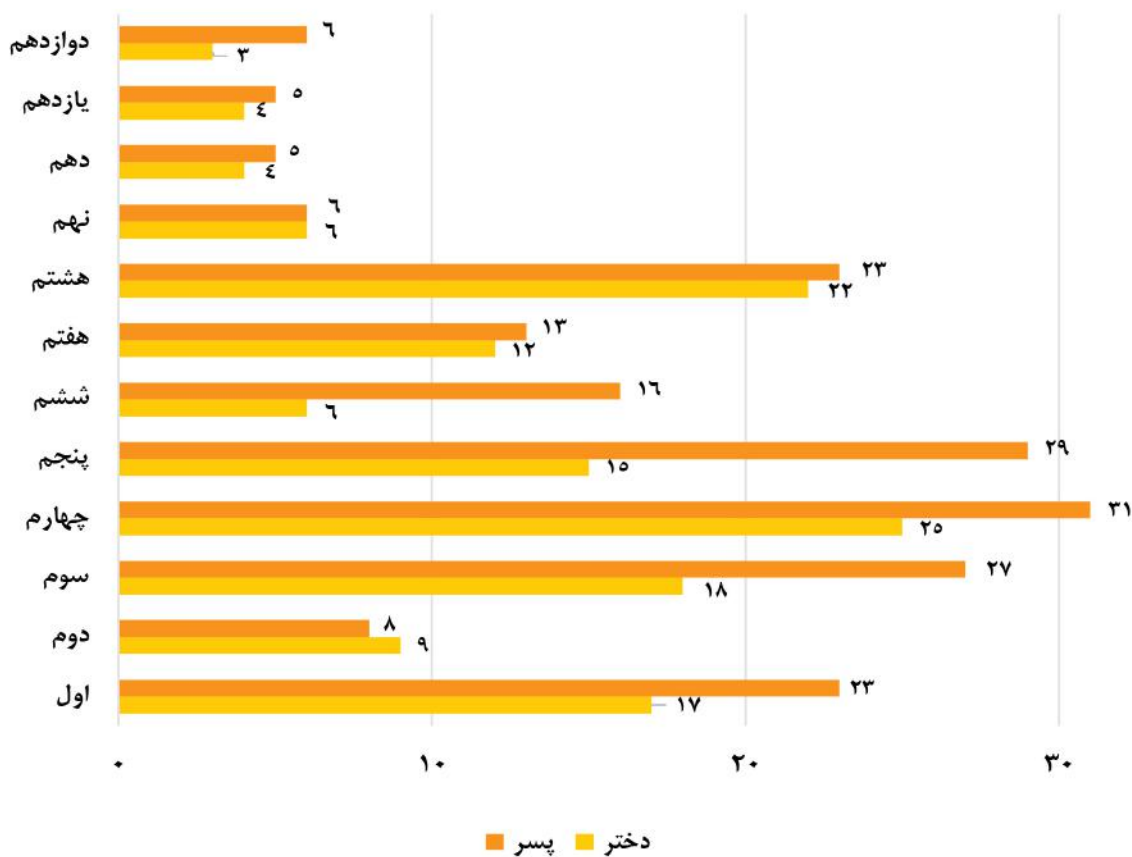




تعداد کودکان مشغول به کار و تحصیل همزمان به تفکیک پایه تحصیلی در مراکز انجمن



تعداد کودکان مشغول به کار و تحصیل همزمان به تفکیک پایه تحصیلی در مدارس دولتی



تعداد کودکان مشغول به کار و تحصیل در مراکز انجمن برحسب نوع شغل

کار در کارگاه	کار در مغازه	خیاطی	دستفروش	کار در رستوران	نظافت منزل	فروشنده	شغل
۰	۲	۶	۱۹	۰	۳	۲	دختر
۷	۲۰	۱۸	۵۹	۵	۰	۱۳	پسر
اسفند دودی	جمع‌آوری ضایعات	چرخ‌کشی	شیشه پاک‌کن	گلفروش در بازار گل	کشاورزی، میوه‌چینی، میوه‌فروشی	کار در منزل	شغل
۰	۰	۰	۴	۰	۱	۹	دختر
۳	۲	۴۱	۱۷	۳	۳	۱	پسر
بسته بندی (خرما - پسته)							شغل
۱							دختر
۴							پسر

۲۵

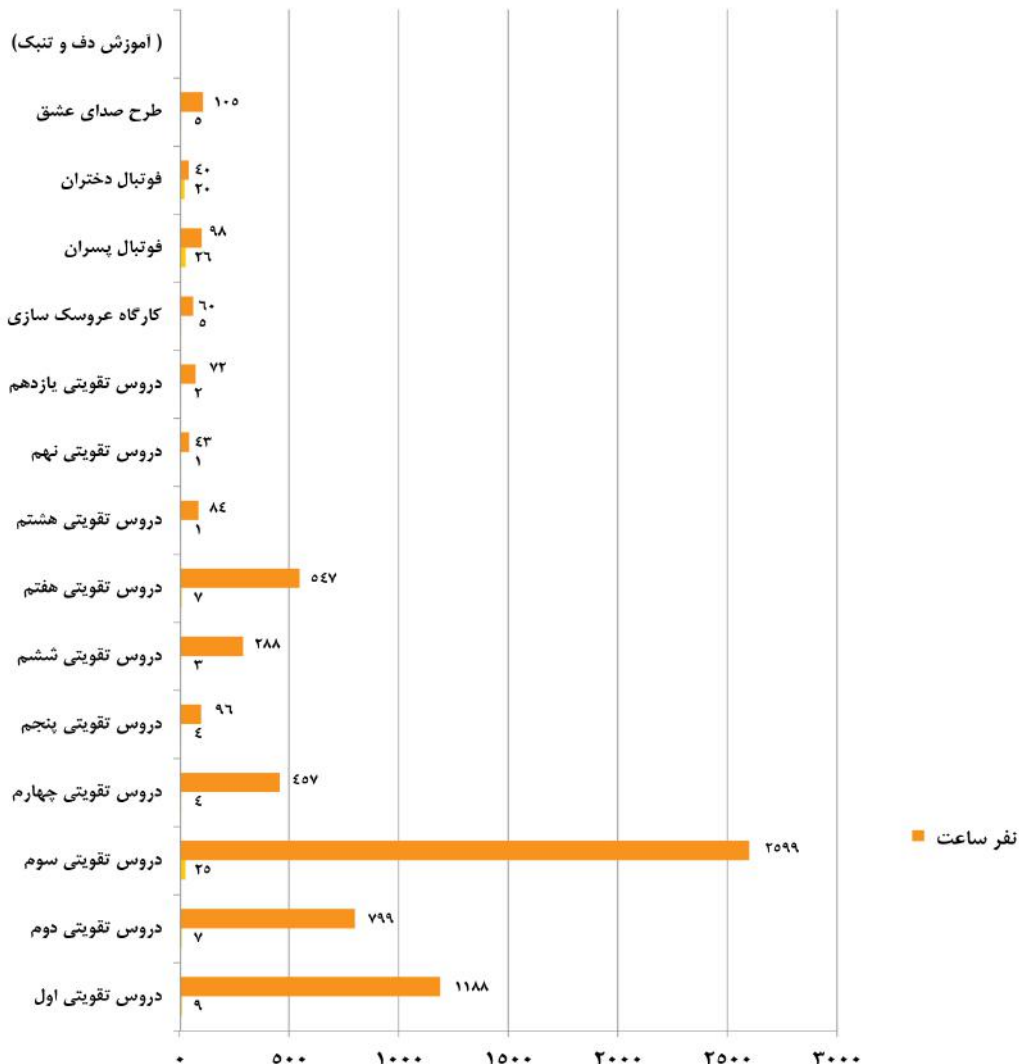
۱ پسر به تکدی‌گری اشتغال دارد.
۳ پسر به کار بسته بندی به جز خرما مشغول هستند.

تعداد کودکان مشغول به کار و تحصیل در مدارس دولتی برحسب نوع شغل

شاگرد مکانیک	کار در مغازه	خیاطی	دستفروش	فروشنده	شغل
۰	۱	۱۹	۴۲	۴	دختر
۱۱	۱۲	۲۰	۶۸	۸	پسر
جمع‌آوری ضایعات	چرخ‌کشی	بسته‌بندی خرما	کارگر (فصلی و ..)	کار در منزل	شغل
۰	۰	۲۵	۳	۱۷	دختر
۱۱	۵	۳۸	۳	۷	پسر
بسته بندی		نقاشی ساختمان		شغل	
۳		۰		دختر	
۲		۱		پسر	
شاگرد مغازه		شغل			
۰		دختر			
۶		پسر			

کارگاه‌ها، برنامه‌ها و فعالیت‌های گروهی

برنامه‌ها، کارگاه و فعالیت گروهی مرکز مولوی

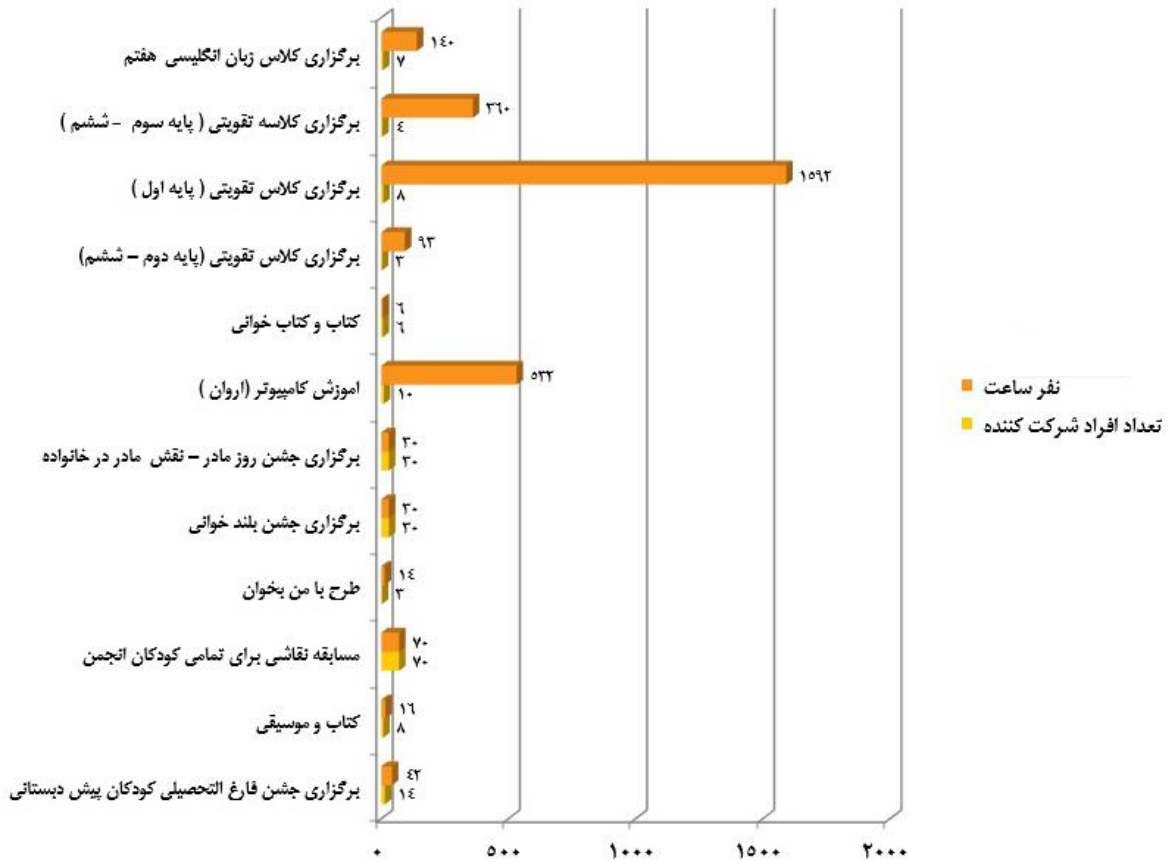


ویژه‌نامه‌ی روز جهانی مبارزه با کار کودک
خردادماه ۱۴۰۰

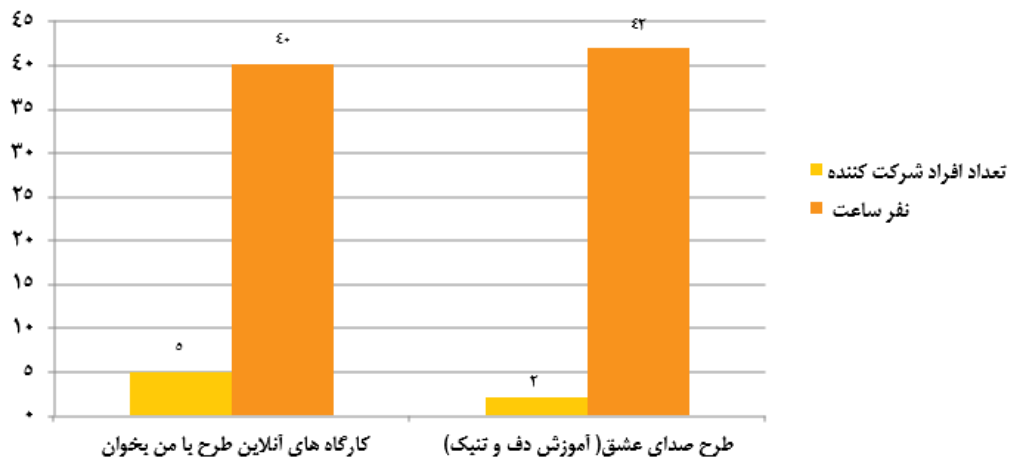
برنامه‌ها، کارگاه و فعالیت‌های گروهی مرکز بازار



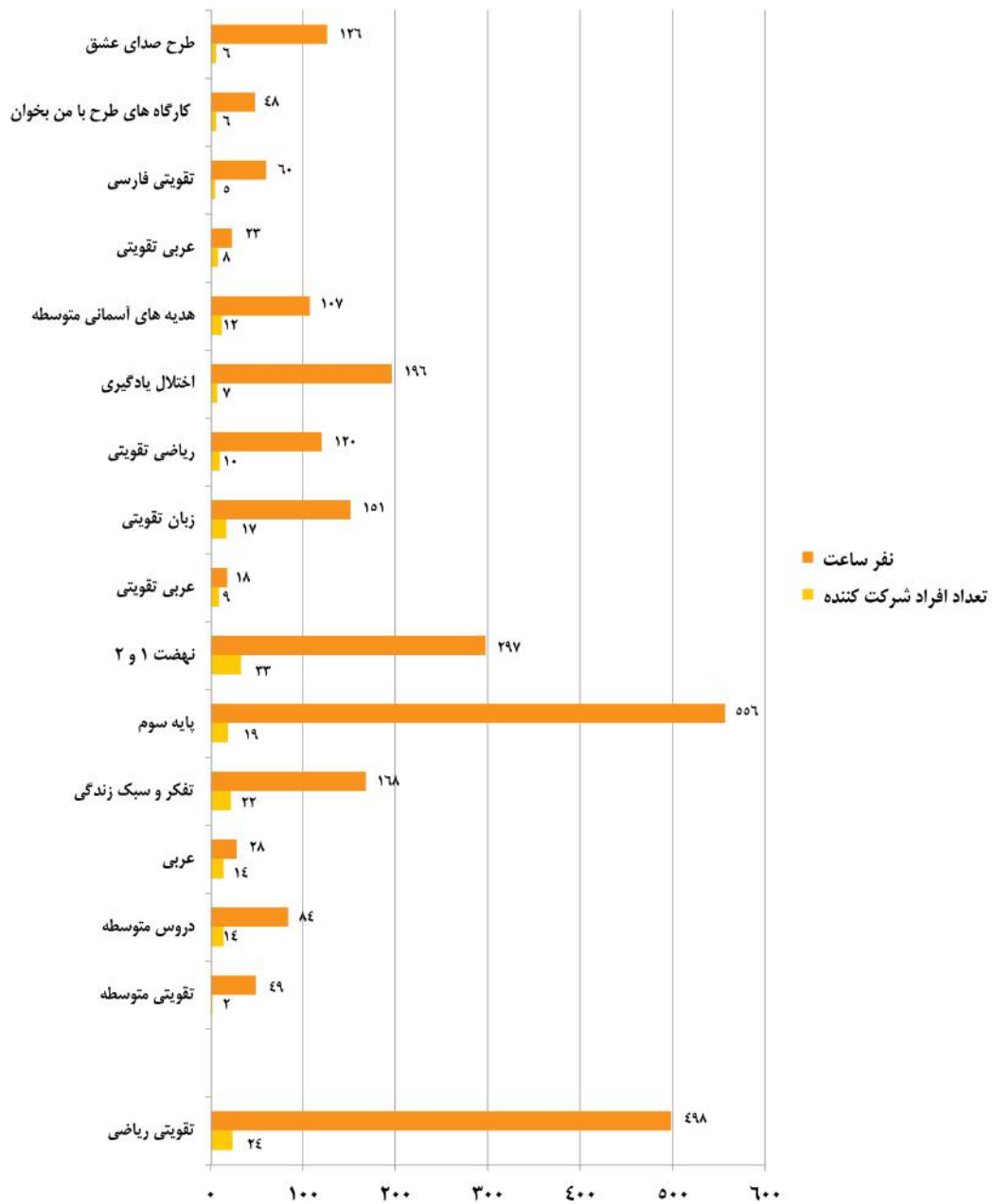
کارگاه، برنامه‌ها و فعالیت‌های گروهی مرکز بزم



کارگاه‌ها، برنامه‌ها و فعالیت‌های گروهی مرکز همه کودکان

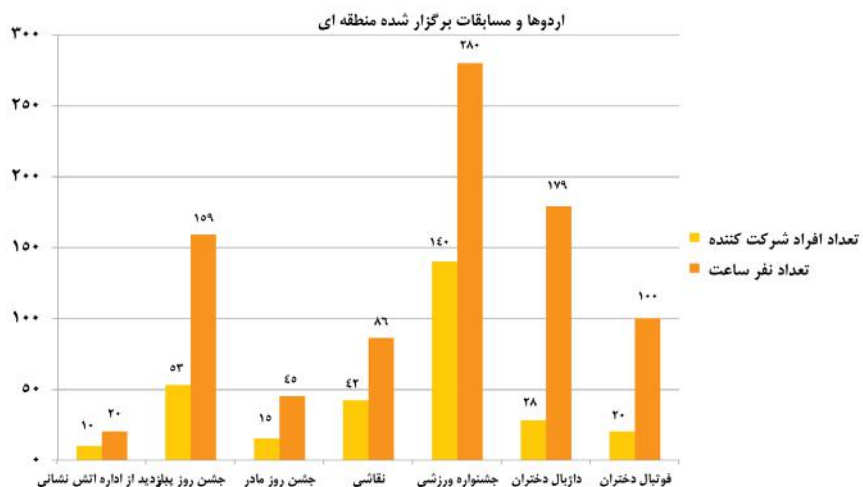


کارگاه، برنامه‌ها و فعالیت‌های مرکز خاوران

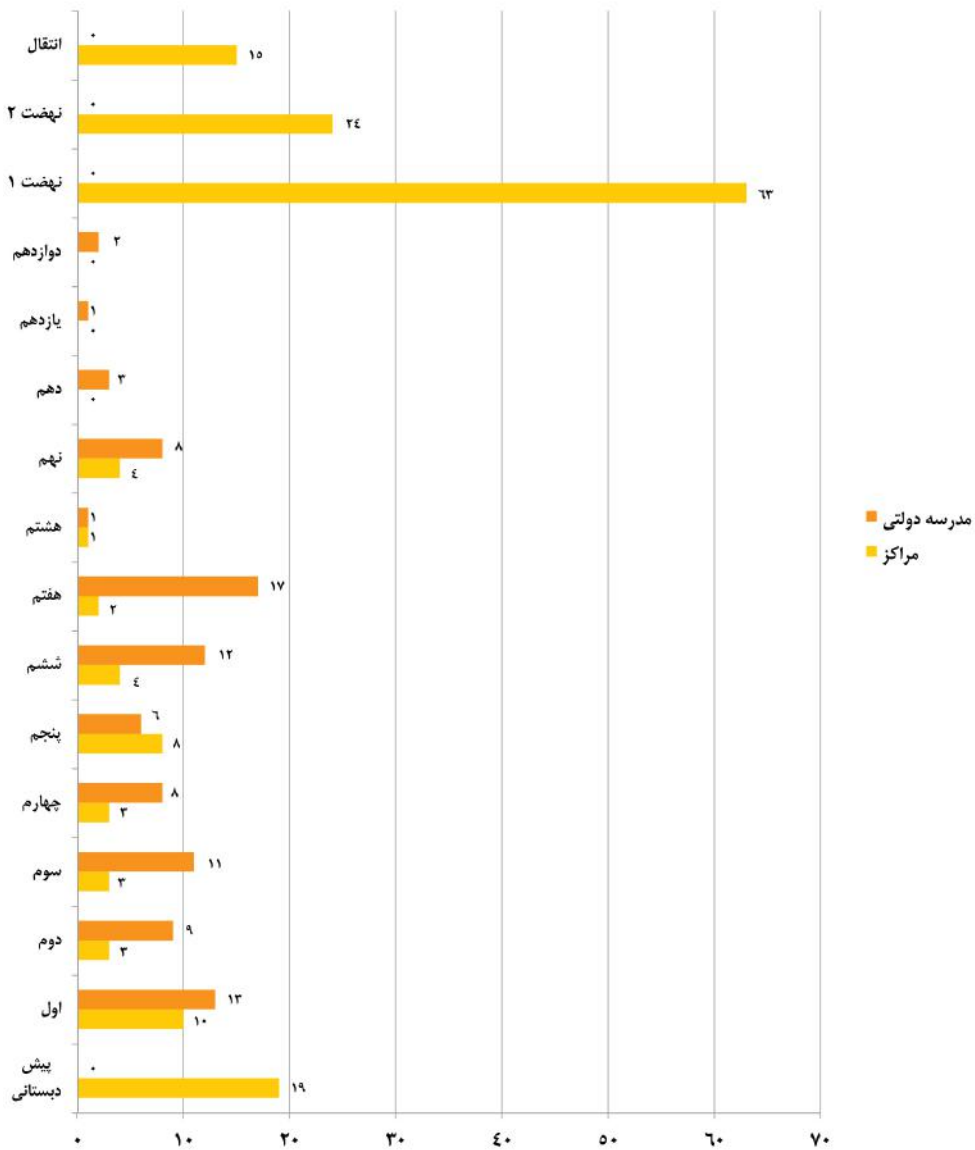


ویژه نامه روز جهانی مبارزه با کار کودک
خردادماه ۱۴۰۰

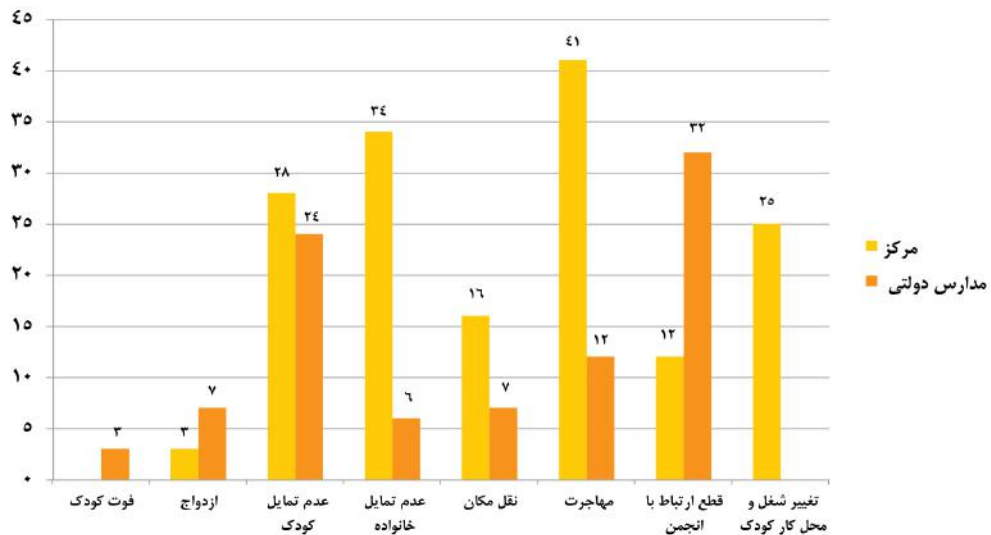
اردوها و مسابقات برگزار شده در خارج از مرکز



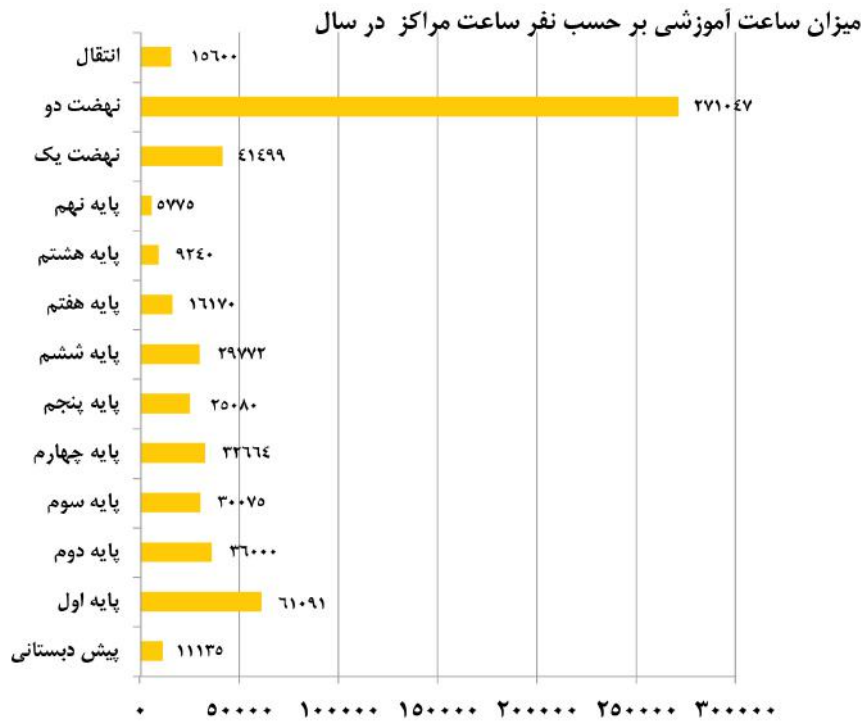
کودکان بازمانده از تحصیل به تفکیک پایه‌ی تحصیلی در مراکز و مدارس دولتی (از فروردین ماه ۱۳۹۹ تا اسفند ماه ۱۳۹۹)



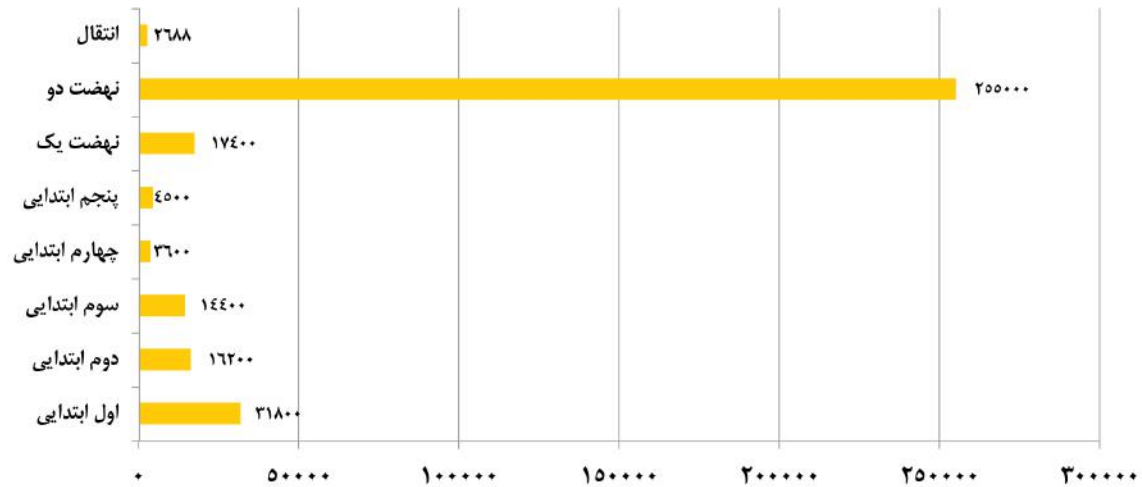
دلایل بازماندگی کودکان بازمانده از تحصیل (از فروردین ۱۳۹۹ تا اسفند ماه ۱۳۹۹)



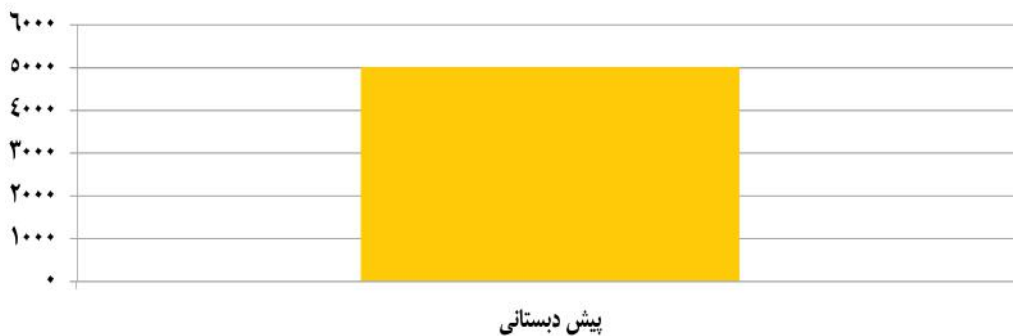
میزان ساعت آموزشی برای پایه‌های تحصیلی (از فروردین ۱۳۹۹ تا اسفند ماه ۱۳۹۹)



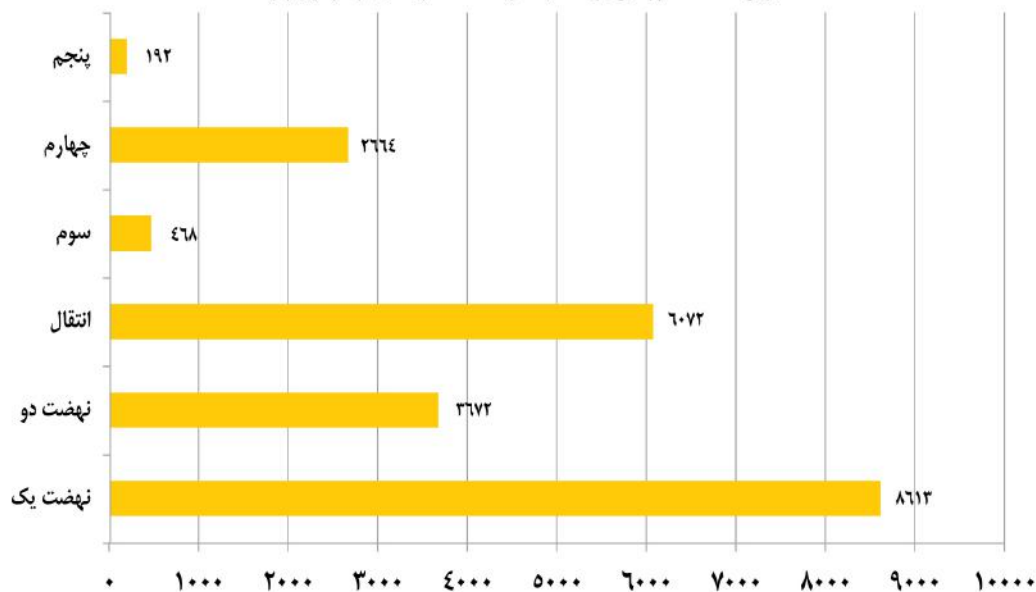
میزان ساعت آموزشی بر حسب نفر ساعت در مرکز مولوی



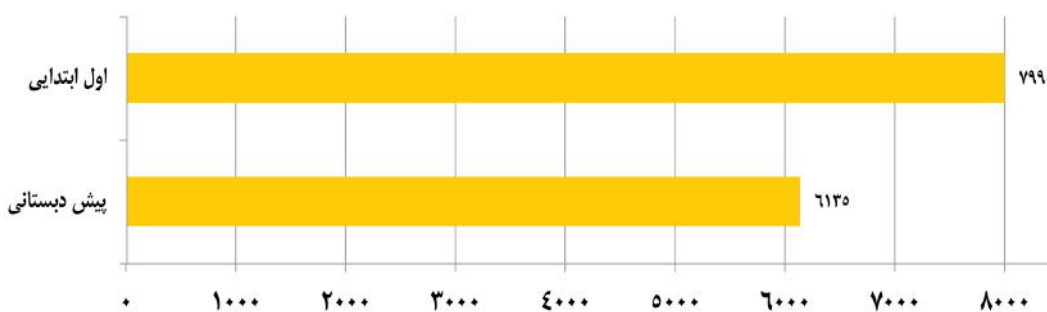
میزان ساعت آموزشی بر حسب نفر ساعت در سال در مرکز بیم



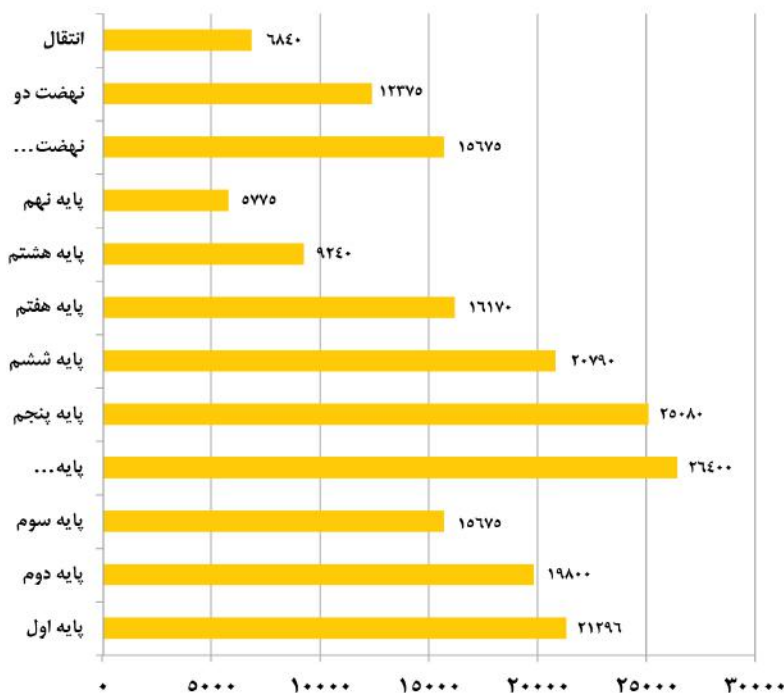
میزان ساعت آموزشی بر حسب نفر ساعت در سال در مرکز بازار



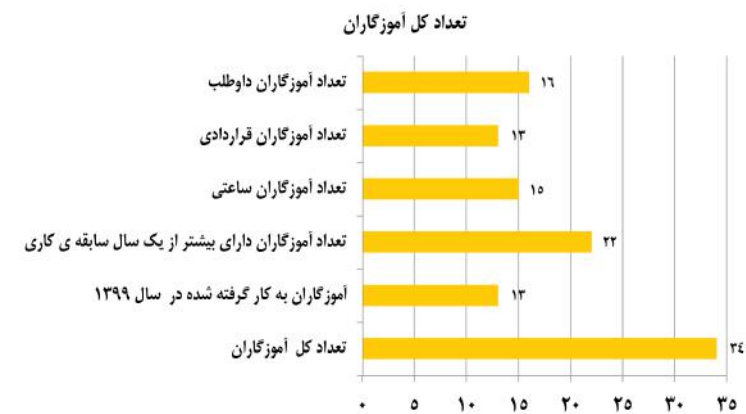
میزان ساعت آموزشی بر حسب نفر ساعت در سال در مرکز همه کودکان



میزان ساعت آموزشی بر حسب نفر ساعت در سال در مرکز خاوران

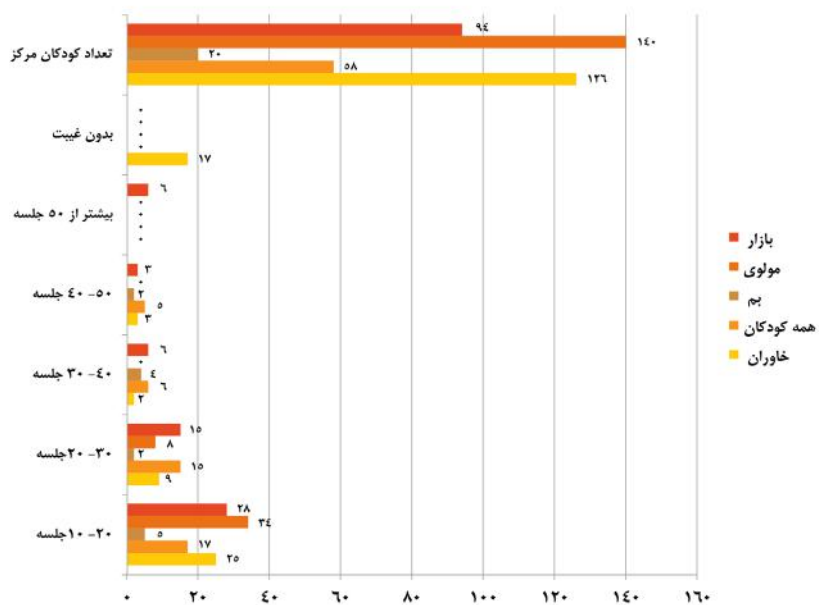


تعداد آموزگاران در مراکز (فروردین ۹۹ تا اسفند ۹۹)

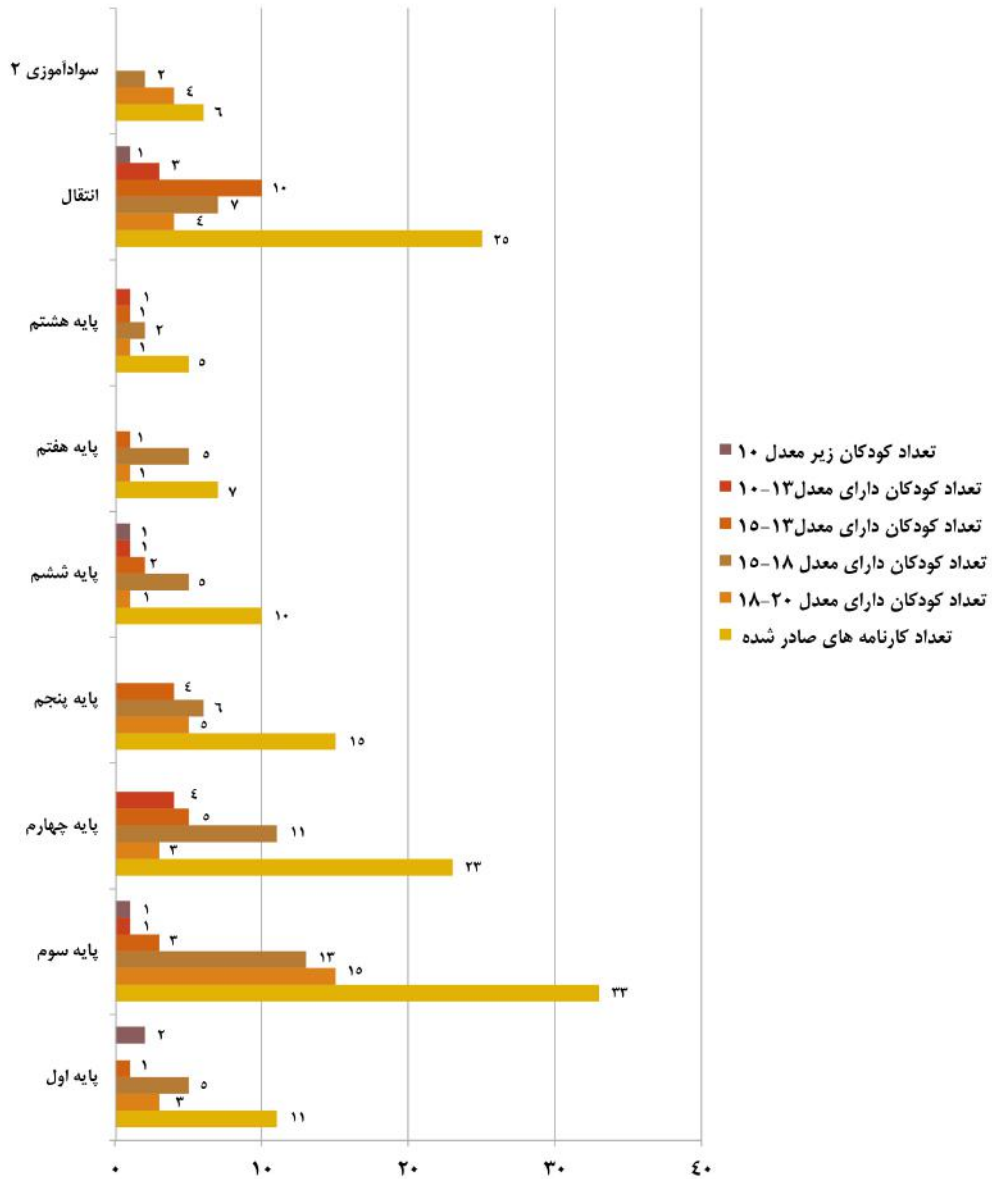


ویژه نامه ی روز جهانی مبارزه با کار کودک
خردادماه ۱۴۰۰

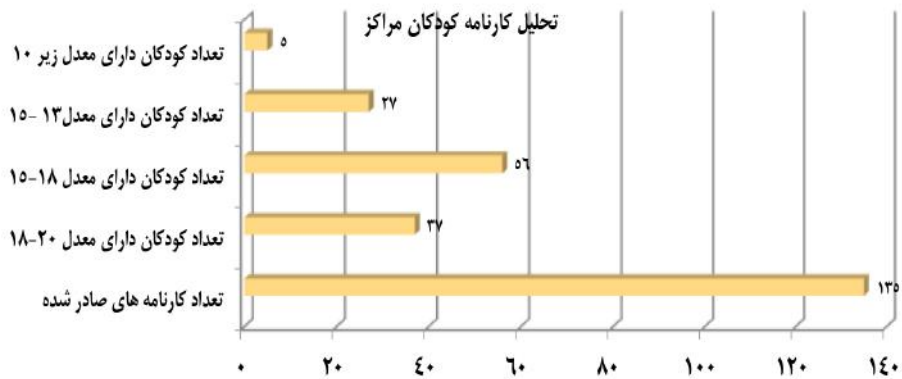
وضعیت غیبت کودکان در سال تحصیلی



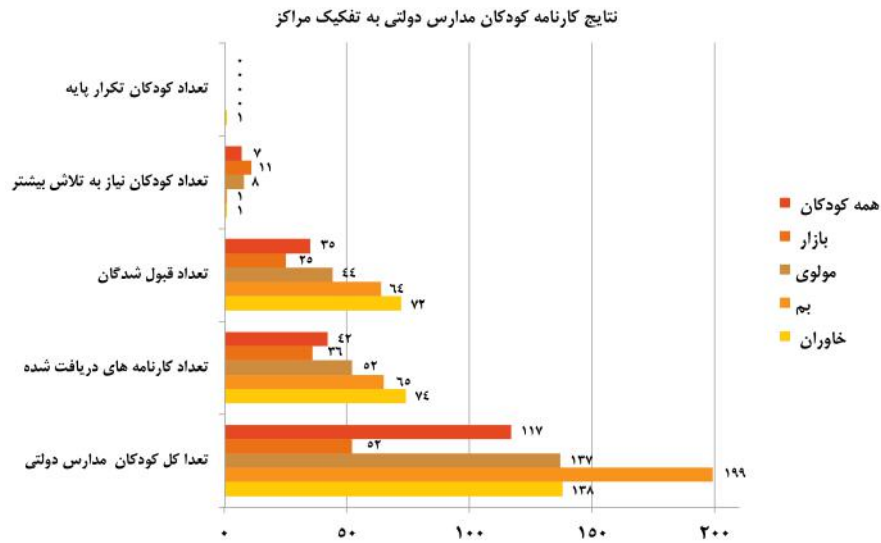
کارنامه کودکان مراکز به تفکیک پایه تحصیلی



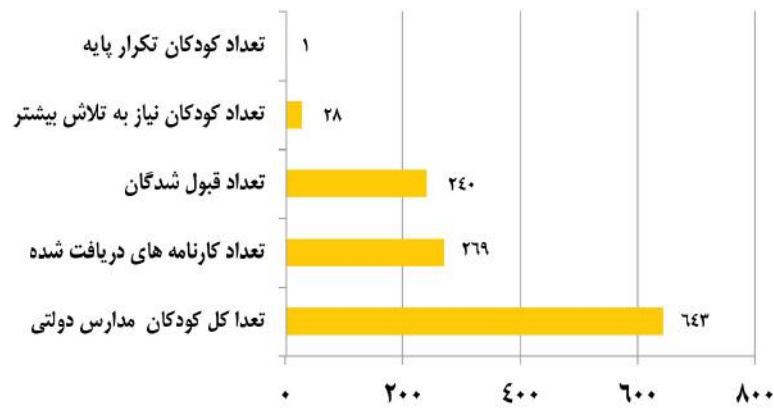
تحلیل کارنامه کودکان مراکز



اطلاعات کارنامه‌های کودکان مدارس دولتی (اسفند ماه)

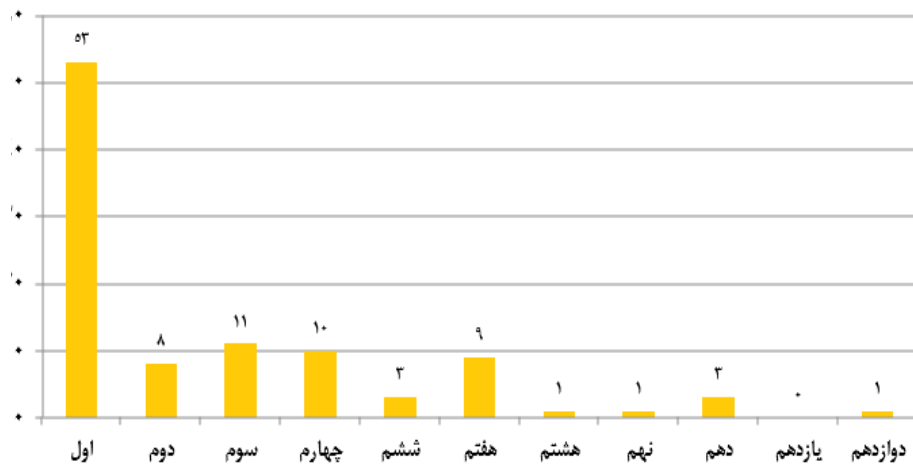


تحلیل کارنامه دریافت شده از کودکان مدارس دولتی



تعداد کودکان ثبت‌نام شده در مدارس دولتی در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰ به تفکیک پایه‌ی تحصیلی (تابستان ۱۳۹۹)

تعداد کودکان ثبت نام شده در تابستان ۹۹ در مدارس دولتی



از این که پشتیبان انجمن حمایت از کودکان کار بودید تا بتواند یک سال دیگر در کنار کودکان به توانمندسازی ایشان بپردازد، قدردان شما هستیم و با امید به حضور گرم‌تان تلاش‌هایمان را برای سالی دیگر ادامه می‌دهیم.
به امید محو کار کودک



دروازه غار، سکونت‌گاهی برای محرومان

فاطمه ابره‌دری؛ مدیر مرکز مولوی انجمن حمایت از کودکان کار

مرکز مولوی انجمن حمایت از کودکان کار به عنوان اولین پایگاه حمایتی-آموزشی از مرداد ۱۳۸۱، در چنین منطقه‌ای فعالیت خود را آغاز کرد و همواره تلاش خود را به انجام رساند تا حداقل امکانات را برای کودکان کار فراهم آورد تا بتواند از بار آسیب‌های حاصل از این شرایط بر کودکان بکاهد.

محلۀ دروازه غار یا منطقه هرندی بخشی از منطقه‌ی دوازده و از محله‌های قدیمی تهران در مجاورت بازار بزرگ این شهر است. این محله در مجاورت حصار ناصری و یکی از دروازه‌های آن (دروازه غار) از بدو شکل‌گیری، محله‌ای حاشیه‌ای تلقی می‌شده و سکونت‌گاهی غیررسمی برای محرومان و مطرودان بوده است. چهره‌ی خشن فقر در تاریخ تطور این محله قابل ردیابی است.

در حال حاضر علی‌رغم تلاش‌های نهادهای عمومی و دولتی برای به‌سازی و تغییر شرایط محله، تمرکز و تجمع خانواده‌های محروم، مهاجران و افراد درگیر در آسیب‌هایی چون اعتیاد همچنان مسئله‌آفرین است. محله‌ای پرتراکم با ساختمان‌هایی فرسوده و دور از استانداردهای ایمنی و بهداشتی، کمبود فضاهای فرهنگی، امکانات محدود تفریحی و فرهنگی و اختلاط محل سکونت و کسب و کار، شرایط را برای زیست بهینه کودکان دشوار ساخته است.

نزدیکی محله به بازار و ارزانی نسبی هزینه‌ی اسکان و امکان زیست چند خانواری در یک ساختمان موجب جلب خانواده‌های کم درآمد فاقد مهارتی شده است که ترجیح می‌دهند در نزدیکی محل کار خود منزلی ارزان قیمت داشته باشند، هر چند که این محل‌های سکونت فاقد استانداردهای رفاهی و بهداشتی باشند.

بی‌نظمی ساختاری، خالی شدن محله از افراد موثر، تجمع آسیب‌ها به ویژه اعتیاد، خشونت و محرومیت از ویژگی‌های بارز این محله و مناطقی نظیر آن است؛ محله‌هایی که در دل شهر حاشیه‌ای مانده‌اند. در چنین شرایطی کودکان بیش از همه در معرض آسیب قرار دارند. خانواده‌های کم درآمد با جمعیت بالا، کودکان را به سرعت وارد چرخه‌ی فعالیت‌های اقتصادی می‌کنند و به نوعی بار تامین هزینه‌ها بر عهده‌ی کودکان است. اقوام مهاجر با کار کودک انس دارند و منعی برای آن نمی‌شناسند، از طرفی تحصیل کودکان از اولویت‌های آنان نیست، به ویژه اگر تحصیل هزینه‌بر بوده و با کار کودک در تعارض باشد. در چنین شرایطی خانواده‌ها ترجیح‌شان کار کودک و درآمد حاصل از آن است و به نظر می‌رسد که در بسیاری از موارد، گریزی هم نیست چرا که بقای خانواده به کار کودک وابسته است.

بخش دیگری از جمعیت این منطقه را اقوام کولی (اهالی غربت) تشکیل می‌دهند که از ویژگی‌های رفتاری و اجتماعی خاصی برخوردارند و سبک زندگی‌شان از دیرباز بر کار زنان و کودکان استوار بوده است. کودکانی که به سرعت وارد بزرگسالی می‌شوند، در اواخر نوجوانی ازدواج می‌کنند و کودکان متعدد خود را به سمت حضور در بازار کار سوق می‌دهند. این گروه جمعیتی اهمیتی برای تحصیل کودکان قایل نیست و چندجانشینی آنان نیز مانعی برای ادامه‌ی تحصیل کودکان است.

گرچه ترکیب جمعیتی سیال محله، تراکم مهاجران فاقد مجوز و غیرقانونی و فقدان اوراق هویتی، کار شناسایی و حمایت از خانواده‌های محروم را دشوار می‌سازد، اما به هر حال



❖ با کودکان کار ما

مسئولان نیز قدمی برای حل بنیادین مشکلات، به ویژه برای کودکان و زنان برنداشته‌اند. مرکز مولوی انجمن حمایت از کودکان کار به عنوان اولین پایگاه حمایتی-آموزشی از مرداد ۱۳۸۱، در چنین منطقه‌ای فعالیت خود را آغاز کرد و همواره تلاش خود را به انجام رساند تا حداقل امکانات را برای کودکان کار فراهم آورد تا بتواند از بار آسیب‌های حاصل از این شرایط بر کودکان بکاهد. با همین هدف ارایه‌ی خدمات آموزشی و حمایت‌های زیستی روانی و اجتماعی بر بستر مبنای مددکاری اجتماعی و در کاری تیمی و با حمایت‌های مردمی را در دستور کار خود قرار داد. با تاسیس این مرکز توسط انجمن اولین اقدام اجرایی به منظور حمایت از کودکان کار، کودکان در معرض آسیب و شکل گرفت. با فراهم کردن مامنی در دسترس کودکان کار و ارایه‌ی خدمات به ایشان ارایه‌ی الگوی عملی برای حمایت از کودکان کار به دست آمد. آگاه‌سازی و جلب افکار عمومی به منظور ایجاد زمینه‌های مشارکت مردمی، برای رفع معضل کار کودکان و حمایت از کودکان در معرض آسیب از دیگر اثراتی بود که با شروع فعالیت مرکز مولوی در انجمن رخ داد.

انجمن در طی سال‌ها فعالیت خود در کاهش ساعت کار کودکان و به تبع آن آسیب‌های وارده به کودکان نقش اساسی داشته اما در حذف کار کودک با توجه به چند وجهی بودن مساله، موفق به ایجاد شرایط رهایی از کار برای تعدادی از کودکان داشته است. در حال حاضر مرکز مولوی در ساختمانی با مساحت ۱۲۰۰ مترمربع زیربنا شامل شش کلاس درس، کتابخانه، سالن اجتماعات، آشپزخانه، دندانپزشکی، اتاق مددکاری اجتماعی اتاق روانشناسی، اتاق بهداشت، اتاق اختلال یادگیری و ۲۳۰ متر مربع محوطه‌ی بازی فعالیت می‌کند.



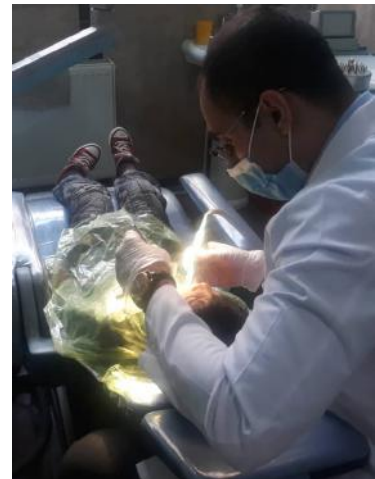
مددکاری اجتماعی

با توجه به محور حمایتی انجمن واحد مددکاری اجتماعی، در سال اول فعالیت با گشت‌زنی در محله‌ی دروازه غار شروع به جذب کودکان کار کرد و دیری نپایید که انجمن در محله‌ای که در بین آسیب‌های خود غوطه‌ور بود انجمن را به عنوان پایگاهی حمایتی پذیرفت و ارتباط تنگاتنگ مددکاران اجتماعی انجمن در طول این سالیان موید این موضوع است. ارایه‌ی خدمات مددکاری اجتماعی به کودکان و خانواده‌های‌شان با رویکرد توانمندسازی آنان، تشکیل پرونده‌های مددکاری اجتماعی برای تمامی کودکان تحت پوشش، شناسایی و بررسی مشکلات فردی و خانوادگی کودکان کار و تلاش برای حل آن‌ها، شناسایی و پیگیری موارد کودک‌آزاری، شناسایی کودکان بدسرپرست و ارجاع آنان به مراجع قانونی اقدام به گرفتن شناسنامه برای کودکان، مشاوره‌ی فردی و گروهی با کودکان تحت حمایت و خانواده‌های آنان و توزیع بسته‌های ارزاق، بهداشتی و ... در بین خانواده‌های کودکان تحت حمایت انجمن از فعالیت‌های بارز مددکاری اجتماعی انجمن در این سال‌ها بوده است.



بهداشت و درمان

بخشی از کودکان کار به دلیل شرایط زندگی، عدم آگاهی و بعد فرهنگی متاسفانه از بهداشت مناسبی برخوردار نیستند. انجمن از همان روزهای ابتدایی فعالیت خود این مهم را در بین کودکان تشخیص داد و با تاسیس بخش بهداشت و درمان علاوه بر آموزش موارد بهداشتی و نگاه پیشگیرانه، در ارایه‌ی خدمات درمانی با ارجاع کودک به مراکز درمانی و تقبل هزینه‌ها به یاری کودکان پرداخته است. در مواردی که بیماری والدین باعث افزایش فشار کار بر کودک شده و او را در معرض آسیب بیشتر قرار می‌دهد، نسبت به درمان والدین نیز اقدام می‌شود. تشکیل پرونده‌ی سلامت، بررسی وضعیت سوءتغذیه‌ی کودکان تحت حمایت انجمن، ارایه‌ی برنامه‌های غذایی برای افزایش یا کاهش وزن و نیز ارایه‌ی برنامه‌ی غذایی برای دوران خاص مانند بارداری، بلوغ و... برگزار می‌شود. آموزش پیشگیری از ایدز و اعتیاد، برگزاری دوره‌های آموزش بهداشت فردی و محیطی، برگزاری دوره‌های آموزش بلوغ، بینایی‌سنجی، شنوایی‌سنجی، مقابله با شپش، واکسیناسیون، ارایه‌ی یک وعده خوراک گرم، انجام آزمایشات، خدمات دندانپزشکی و ... از جمله اقدامات صورت گرفته برای کودکان تحت حمایت انجمن در واحد بهداشت و درمان بوده است.



روانشناسی

کودکان کار به دلیل شرایط نابسامانی که در آن زندگی می‌کنند به دلایل گوناگون دچار آسیب‌های روانی از جمله خشم، نفرت، اضطراب و ... می‌شوند. انجمن با در نظر گرفتن شرایط ایشان طی این سالیان به ارایه‌ی خدمات تخصصی در حوزه‌ی سلامت روان به صورت روزانه و مستمر به کودکان و خانواده‌ها همواره پرداخته است. یکی از نتایج رشد و نمو در فقر و شرایط نامناسب اجتماعی و اقتصادی، محرومیت، تحقیر و خشونت محیط اختلال در سلامت روان کودکان است. موفقیت در بازپروری کودکان کار نیازمند تامین سلامت روان آنان و رفع مشکلات این حوزه است. نیاز گسترده و عمیق کودکان در معرض آسیب به این دسته از خدمات، عدم دسترسی و گرانی خدمات این حوزه الزام وجود روانشناس را بیش از پیش آشکار می‌سازد. خدمات روانشناسی انجمن توسط همکاران روانشناس و در صورت نیاز ارجاع به مراکز درمانی انجام می‌شود. مهم‌ترین این فعالیت‌ها عبارتند از:

- غربالگری و ارزیابی کودکان و نوجوانان پذیرش شده
- مشاوره‌ی فردی با کودک و خانواده
- مشاوره‌ی گروهی
- درمان اختلالات
- ارجاع موارد خاص
- نظارت بر سلامت روان گروه هدف
- برگزاری کارگاه‌ها و کلاس‌های آموزشی برای کودکان
- برگزاری کارگاه‌ها و کلاس‌های آموزشی برای والدین



آموزش

آموزش و سوادآموزی برای کودکان، حقی است انکارناپذیر و تمامی دولت‌ها موظفند شرایط تحصیل و آموزش را برای تمامی گروه‌های کودکان فراهم آورند. در این راستا سالیان درازی است که تلاش‌های بسیاری در سراسر جهان و توسط بسیاری از انسان‌دوستان و متعهدان اجتماعی صورت گرفته است. ولی هم‌چنان شاهدیم که، کودکان بسیاری هستند که علاوه بر محرومیت و عدم دسترسی به آموزش و پرورش، از سایر حقوق طبیعی خود محروم می‌مانند و مورد سوءاستفاده، تجاوز، ظلم و ... قرار می‌گیرند.

در کشور ایران نیز هم‌چون بسیاری دیگر از کشورهای جهان، کودکان کار به دلیل نوع و شرایط زندگی مجبور به کار هستند و این امر مانع از تحصیل و بهره‌مندی آنان از دریافت امکانات موجود در جامعه می‌شود. عدم دسترسی کودکان کار به امکانات آموزشی بهداشتی، تفریحی و ... منجر به آسیب‌دیدگی آنان گشته و صدمات جبران‌ناپذیری را به کودک، خانواده و جامعه وارد می‌آورد.

همگان بر این نکته که آموزش و توجه به کودکان تضمین‌کننده‌ی سلامت فردای جوامع است، آگاهی دارند اما نکته‌ی مهم دیگر این است که گاه این گونه بدیهیات چنان ساده انگاشته و پشت گوش انداخته می‌شود که تلاش برای دستیابی به همین امور و حقوق ساده، تبدیل به نهضت‌ها و تلاش‌های جهانی بی‌شمار می‌شود.

انجمن حمایت از کودکان کار از ابتدای تاسیس تا کنون تلاش داشته تا شرایط را برای آموزش کودکان کار فراهم آورد و این مهم مانند سایر فعالیت‌های انجمن بدون در نظر گرفتن رنگ، نژاد، ملیت و قومیت کودکان تحت حمایت خود بوده است. تجارب جهانی حاکی از این مهم بوده که آموزش، موثرترین ابزار در راه مبارزه علیه کار کودکان است. بر همین اساس، فعالیت‌های آموزشی یکی از گسترده‌ترین حوزه‌های کاری انجمن حمایت از کودکان کار تعریف شده است و با رویکرد احقاق حق آموزش برای تمام کودکان محروم از تحصیل، انجمن حمایت از کودکان کار در کنار آموزش خواندن و نوشتن، خدمات اجتماعی و آموزشی به منظور توانمندسازی، بالا بردن عزت‌نفس و خود باوری در کودکان کار را با برگزاری کلاس‌هایی در حوزه‌های هنر، حرفه، ورزش، کتابخانه و فعالیت‌های فرهنگی از سال ۱۳۸۱ تا کنون برای کودکان خود در نظر داشته است. آشنا کردن کودکان با هنرها و مهارت‌های مختلف و مهیا کردن شرایط تفریحی هر چند اندک در شرایط دشوار محله از ضروریات توجه به احوال کودکان است که در حد مقدور انجام می‌شود.

انجمن در سال‌های گوناگون طرح‌های آموزشی مشترکی نیز با صندوق کودکان سازمان ملل متحد (UNICEF) و کمیساریای عالی امور پناهندگان سازمان ملل (UNHCR) به انجام



رسانده است.

- برگزاری کلاس‌های سوادآموزی برای بیش از ۱۳ هزار کودک از ابتدای فعالیت تا کنون در مقاطع پیش‌دبستانی، دبستان، راهنمایی و دبیرستان
- برگزاری کلاس‌های حرفه و هنر به‌منظور توانمندسازی و ارتقای اعتماد به نفس کودکان و نیز آگاهی آنان از توانایی‌های فردی‌شان شامل: گلدوزی، خیاطی، برق، نقاشی خلاق، سرود، قصه‌خوانی، کاردستی، نمایش خلاق، آرایشگری، عکاسی، روزنامه‌نگاری و ...
- برگزاری کلاس‌های آموزش زبان انگلیسی و تقویتی (درس‌های فارسی، ریاضی، انشا، دیکته و ...)
- ایجاد کتابخانه برای کودکان کار و تجهیز و اداره‌ی آن با حمایت شورای کتاب کودک خانه‌ی کتابدار محله‌ی منیریه و موسسه‌ی پژوهشی تاریخ ادبیات کودک
- برگزاری کلاس‌های ترویج کتاب‌خوانی
- تهیه، تنظیم و انتشار خبرنامه با همکاری کودکان تحت حمایت.
- برگزاری مراسم و شرکت کودکان کار در مناسبت‌های روز جهانی کارگر، روز جهانی مبارزه علیه کار کودک، روز اول مهر، روز جهانی کودک، روز درخت‌کاری و ...
- اردو و بازدید از مراکز تفریحی، علمی
- و ...



بی‌نظمی ساختاری، خالی شدن محله از افراد موثر، تجمع آسیب‌ها به ویژه اعتیاد، خشونت و محرومیت از ویژگی‌های بارز این محله و مناطقی نظیر آن است؛ محله‌هایی که در دل شهر حاشیه‌ای مانده‌اند. در چنین شرایطی کودکان بیش از همه در معرض آسیب قرار دارند. خانواده‌های کم‌درآمد با جمعیت بالا، کودکان را به سرعت وارد چرخه‌ی فعالیت‌های اقتصادی می‌کنند و به نوعی بار تأمین هزینه‌ها بر عهده‌ی کودکان است.

ما برای کاهش رنج کودکان کار در تلاشیم

نرگس افشاری پور؛ مدیر مرکز بزم انجمن حمایت از کودکان کار

در شهر بزم، مساله‌ی کار کودکان در گذر از حادثه‌ی زلزله، دوران بازسازی و تبعات ناگزیر از بحران که بر شهر بزم اثرگذار بود، شدت یافت. بعد از بحران‌ها، تعداد کودکان کار نیز به دلیل شکل‌گیری اقامتگاه‌های غیررسمی و حاشیه‌های شهر افزایش یافت.

هر دم کودکی مرا می‌خواند، با چشم‌هایی اشکبار، بغض، درد و رنگی زرد که حکایت از گرسنگی دارد. کودکانی که ترجمه‌ی نگاه معصوم‌شان ترجمان رنج و فقر است. ما برای کاهش رنج این کودکان در تلاشیم.

انجمن حمایت از کودکان کار در روز ششم دی ماه سال ۱۳۸۲ با اعزام یک گروه هشت نفری از اعضای داوطلب و نیز ارسال کمک‌های نقدی و کالایی جمع‌آوری شده کار امدادسانی به مردم آسیب‌دیده از زلزله را آغاز کرد.

با بازگشت گروه اول در دهم دی ماه گروه دوم با تعداد ۱۱ نفر در ۱۱ دی ماه به بزم اعزام شد این دو گروه در دو هفته‌ی اول پس از زلزله همراه با گروه‌های امدادسان در زمینه‌های امدادگری، مددکاری اجتماعی، مترجمی به عنوان پل ارتباطی با سازمان‌های بین‌المللی به یاری مردم پرداختند. در طی این مدت و در ضمن همکاری با این گروه‌ها، شناختی از شهر و نیازهای مردم به دست آمد و ضرورت حضور مستقل انجمن در کنار سایر نهادها و سازمان‌ها و گروه‌ها احساس شد.

پس از برنامه‌ریزی اولیه، در تاریخ ۲۹ دی ماه، انجمن با هدف حمایت روانی و اجتماعی از کودکان و خانواده‌های زلزله‌زده در بزم مستقر شد و با پرپایی چادر(خیمه) برای امور فرهنگی، هنری و حمایتی برای کودکان و مادران، کار خود را شروع کرد و در تمام این سال‌ها کودکان تحت حمایت انجمن از خدمات حمایتی و آموزشی انجمن بهره‌برده‌اند تا بتوان توسط این آموزش‌ها شادابی و ایجاد شور، نشاط، نظم و رعایت بهداشت در بین کودکان و خانواده‌های‌شان برقرار شود.

پس از زلزله‌ای که در دی ماه ۱۳۸۲ در شهرستان بزم، جان و مال بسیاری از هم‌وطنان‌مان را گرفت، متأسفانه پس از گذشت ۱۷ سال از این بلای طبیعی، شرایط کودکان نه تنها بهبود کامل نیافته بلکه به آمار کودکان کار، کودکان آسیب‌دیده و در معرض آسیب افزوده و کودکان بسیاری را درگیر مساله‌های به نام اعتیاد کودکان به مواد مخدر، کرده است. در واقع نه تنها ۳۶ هزار کودکی که هر دو یا یکی از والدین خود را از دست دادند، بلکه کودکانی که بعد از زلزله به دنیا آمدند نیز زیر آوار آن فاجعه دست و پا می‌زنند. اعتیاد، فقر بی‌سواد، بیکاری و سوء تغذیه آثار بر جای مانده از زلزله‌ی بزم هستند تا آن‌جا که صلیب سرخ جهانی در آن سال‌ها نسبت به یک آسیب دیگر در بزم نیز هشدار داده بود: افسردگی. انجمن حمایت از کودکان کار نسبت به این موضوع روانی و ذهنی در بین مددجویان خود و شهروندان شهر بزم به طور عمیق واقف و شاهد است.

در شهر بزم، مساله‌ی کار کودکان در گذر از حادثه‌ی زلزله، دوران بازسازی و تبعات ناگزیر از بحران که بر شهر بزم اثرگذار بود، شدت یافت. بعد از بحران‌ها، تعداد کودکان کار نیز به دلیل شکل‌گیری اقامت‌گاه‌های غیررسمی و حاشیه‌های شهر افزایش یافت، بحران خون‌بار زلزله‌ی بزم و حوادث اجتماعی ناگزیر پس از بحران، شرایطی مغایر با سایر نقاط کشور در این شهر، رقم زد و به‌طور عموم کودکان، به دلایل مختلفی از جمله: فقر، عدم وجود فضای بازی و نشاط، عدم برخورداری از آموزش، خانواده‌های افسرده و داغ‌دیده درگیر با



❖ با کودکان کار ما

چندین مساله‌ی اجتماعی شدند که شرایط جغرافیایی خاص منطقه از جمله قرار گرفتن در مسیر ترانزیت مواد مخدر آن را شدت بخشید و متأسفانه برخی از والدین معتاد، تعدادی از کودکان را به ورطه‌ی اعتیاد نیز کشاندند، که خوشبختانه انجمن تعداد زیادی از این کودکان را از این سیلاب نجات داده است. برخی از کودکان مجبور به ازدواج شدند که بیشتر به علت شرایط نامناسب خانوادگی به ازدواج‌های نامناسب روی آوردند و به همین دلیل، خانواده‌ها و کودکان‌شان با انواع معضلات مواجه‌اند.

کودکان کار تحت حمایت در مرکز بزم در حال حاضر در کارهای فروشندگی، جمع‌آوری و بسته‌بندی خرما و پرتقال کارهای مربوط به درخت خرما (گرد افشانی، هرس کردن و خوشه‌بندی)، قالی‌بافی، جمع‌آوری ضایعات، شاگرد تعمیرگاه و متأسفانه تکدی‌گری مشغول هستند.

حضور مرکز بزم انجمن حمایت از کودکان کار در این منطقه، بدون شک اتفاق ویژه‌ای برای کودکان به حساب می‌آید، چون در کل شهر مرکز دیگری که به صورت تخصصی برای کودکان کار فعالیت کند، وجود ندارد و به‌طور قطع اگر به آنان توجهی نمی‌شد، کودکان کار با آسیب‌های اجتماعی بیشتری همچون اعتیاد، تکدی‌گری، آزار جنسی و... مواجه می‌شدند و تاثیر مثبتی که این مرکز برای جلوگیری از بازماندگی تحصیلی کودکان و افزایش آگاهی آنها داشته است، غیرقابل انکار است.

توجه به سبک زندگی کودکان و خانواده‌ها در این منطقه نیز یکی از دغدغه‌های اصلی مرکز بزم بود که نتایج امیدبخشی مثل بهتر شدن شرایط بهداشت فردی و اجتماعی در بین خانواده‌ها، کم شدن آمار آسیب‌های اجتماعی در بین کودکان و خانواده‌های‌شان، ارتقای سطح آگاهی و آموزش‌های مربوطه به آنها، کم شدن سطح نزاع و درگیری در بین خانواده‌ها و سوق دادن آنها به آرامش، بالا رفتن اهمیت سواد و مهارت در بین آنها و کاهش فقر فرهنگی در همه‌ی زمینه‌ها داشت.

یکی دیگر از نکات برجسته‌ی خدمات انجمن به کودکان کار توجه به رشد شخصیتی و فکری کودکان کار بزم است که از سال‌های پیش از دبستان آغاز می‌شود؛ نوهی برخورد و آموزش به کودکان در این سن بر آینده و شکل‌گیری شخصیت آنها تاثیر زیادی دارد و می‌تواند مسبب رشد و شکوفایی کودک در زندگی شود. همان‌طور که پیشتر گفته شد در مناطق حاشیه‌نشین شهر بزم، بعد از زلزله و به دلیل عوامل اجتماعی متأثر از آن، سکونت‌گاه‌های غیرمعماری شکل گرفته که محل اسکان خانواده‌های آسیب‌پذیر شده است، در این میان کودکان متعددی هستند که به دلیل عدم آموزش و زندگی در خانواده‌های بسیار فقیر از نظر فرهنگی و مالی سال‌های پیش از دبستان را یا به عنوان نیروی کار پشت سر گذارده یا به سرگرمی‌های بی‌هدف در بیغوله‌ها و پاتوق‌هایی که مرکز آسیب‌های اجتماعی است می‌گذرانند و این امر باعث عدم آمادگی آنان برای ورود به آموزش‌های رسمی و عقب ماندن از تحصیل و متأسفانه در برخی موارد هدایت آنان به مراکز کودکان دورآموز و استثنایی خواهد بود که به دلیل شرایط فرهنگی خانواده‌ها در برجسب زدن به کودک، در نهایت به ترک تحصیل او منجر می‌شود. مرکز بزم با برگزاری دوره‌ی پیش‌دستانی برای کودکان کار در راه آموزش صحیح به آنها قدم برداشته که این آموزش‌ها به منزله‌ی قرار گرفتن کودکان در ابتدای مسیر درست زندگی و حرکت به سمت موفقیت و عدالت اجتماعی است.

اقدامات انجام گرفته از سوی انجمن حمایت از کودکان کار در طی این سال‌ها دو مرحله داشت:

الف) مرحله‌ی اول: (در ماه‌های نخست پس از زمین‌لرزه)

- تهیه و توزیع مواد مورد نیاز آسیب‌دیدگان در بزم و اعزام نیروهای داوطلب برای حمایت‌های روانی - اجتماعی از کودکان و خانواده‌ها و همکاری با دیگر سازمان‌های فعال
- استقرار در بزم و ایجاد فضایی مناسب و محیطی شاد برای کودکان و نوجوانان با فعالیت‌هایی چون نقاشی، کتاب‌خوانی، بازی، نمایش و ...
- برگزاری کلاس‌های ورزشی
- برگزاری کارگاه‌های آموزشی و روانشناسی و برنامه‌های مشاوره‌ای و همکاری با گروه‌های بهداشت روان
- برپایی کتابخانه و اجرای فعالیت‌های آموزشی



❖ با کودکان کار ما



(ب) مرحله‌ی دوم: (چند ماه پس از زمین‌لرزه تا کنون)

- انسجام برنامه‌های آموزشی و ادامه‌ی برنامه‌های ورزشی و گسترش کتابخانه
- آموزش موسیقی به کودکان و مربیان مهدهای کودک و برگزاری چند کنسرت به مناسبت‌های گوناگون
- برگزاری مسابقات ورزشی جام امید، جشن روز جهانی کودک، جشنواره‌ی هفت‌سین جشن خرما برای کودکان و ... با همکاری سایر سازمان‌های غیردولتی ایرانی، یونیسف و دیگر سازمان‌های بین‌المللی فعال در بم
- راه‌اندازی بخش فعالیت‌های اجتماعی زنان و برگزاری آموزش‌های روانشناسی و مهارت‌های اجتماعی به آنان
- ایجاد ارتباط با اهالی روستاهای زلزله‌زده‌ی زرند
- برگزاری کارگاه‌های آموزشی پیشگیری از مصرف مواد مخدر در میان نوجوانان با همکاری اداره‌ی مواد مخدر سازمان ملل متحد
- این مرکز در سال ۱۳۸۵ با برگزاری دوره‌های آموزش خیاطی، گلدوزی و قلاب‌بافی ویژه‌ی مادران به فعالیت خود ادامه داد و از آذرماه سال ۱۳۸۸ این مرکز نیز همانند سایر مراکز انجمن، حمایت از کودکان کار و کودکان آسیب‌دیده را سرلوحه‌ی کار خود قرار داد. با توجه به گذر زمان و افزایش مشکلات متعدد و بالطبع افزایش تعداد کودکان آسیب‌دیده در این شهر؛ نیازی جدی به تهیه‌ی فضایی بزرگتر و مجهزتر برای ارائه‌ی خدمات به کودکان کار، کودکان آسیب‌دیده و در معرض آسیب در این شهرستان وجود دارد. در حال حاضر فضای موجود در این شهر به صورت استیجاری و با کمترین میزان امکانات است که جابجایی محل حمایتی آموزشی سبب از دست رفتن بررسی، نظارت و حمایت بسیاری از کودکان مورد نظر شده است.

ما با رشد کودکان کار در شهر بم مواجه هستیم، کودکانی که باید به هر طریقی درآمدزایی کنند و خرج خود و خانواده را تامین کنند، در چنین شرایطی وجود مرکز بم با حمایت‌های آموزشی، مددکاری اجتماعی و روانشناسی از کودکان کار مرهمی است برآلام بخشی از این کودکان رنجور و زجر کشیده تا بتوانند از این باتلاق که شامل فقر معشیتی، فرهنگی و اجتماعی است، خود را بالا بکشند و با امید به زندگی ادامه دهند، شاید موضوع فقر موروثی در این شهر ریشه‌کن شود.

شاید خیلی از افراد احساس کنند که جذاب‌ترین بخش حمایتی از کودکان در مرکز بم تغذیه و کمک‌های معیشتی است، اما وقتی کودکان تحت حمایت را می‌بینیم که مشتاقانه به سمت خدمات آموزشی مرکز روی می‌آورند و تشنه‌ی آموزش برای هر نوع مهارتی هستند، حس می‌کنیم که خود کودکان امید زیادی به تغییر زندگی موروثی‌شان دارند و به دنبال این هستند که سبک زندگی‌شان را عوض کنند. البته لازم به ذکر است بخش مددکاری با حمایت معیشتی برای خانواده‌ها تاثیر به‌سزایی داشته و بخش عمده‌ای از دغدغه‌ی ذهنی آنها را کاهش داده است.

در پایان باید به این موضوع اشاره کرد که انجمن با آموزش نیروهای بومی در شهر بم و کادرسازی، برای حمایت‌های آموزشی و معیشتی کودکان کار و توانمندسازی خانواده‌های در معرض آسیب، توانست در کم شدن و گاهی حذف کارهایی چون تکدی‌گری در بین کودکان اثر گذارد و در مسیر مبارزه با کار کودک هم‌چنان تلاش می‌کنیم.

زهره زمانی؛ مدیر مرکز بازار انجمن حمایت از کودکان کار

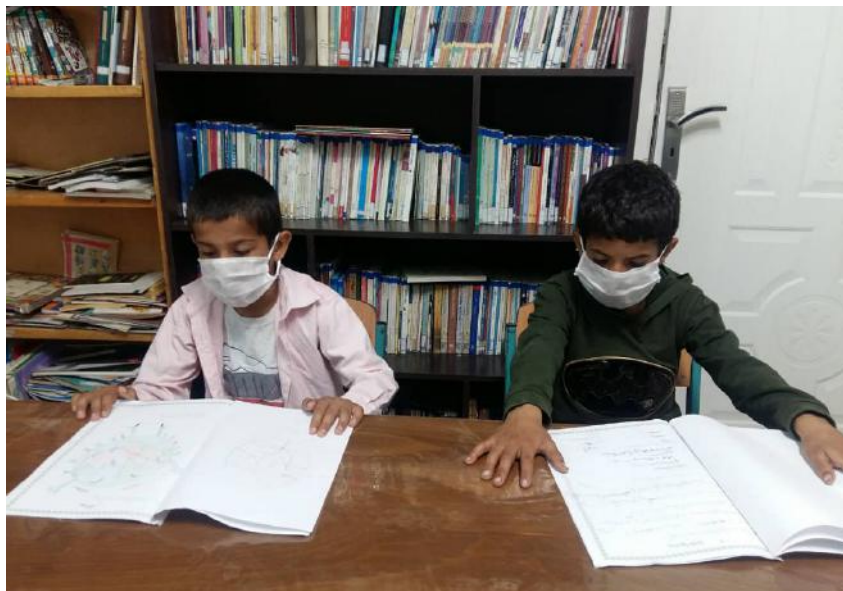
دریافت من این است که شاید تشکیل انجمن حمایت از کودکان کار یکی از پاسخ‌های پرسش چه باید کرد؟ لئو تولستوی است. یکی از راه‌های برون رفت از چرخه فقر و نابرابری که منجر به ایجاد کودک کار و کار کودک می‌شود را آگاهی می‌دانند و تشکیل انجمن یکی از راه‌های آگاهی بخشیدن و ارتباط مستقیم و غیرمستقیم با مردم (تمامی اقشار، افکار، دیدگاه‌ها و مشاغل)، تشویق و ایجاد همبستگی با عزمی ملی برای حل این مسئله است. اهمیت آموزش کودکان کار و والدین‌شان برکسی پوشیده نیست، که از اولویت‌های انجمن است چرا که نیاز به توانمند شدن و فرهنگسازی، برای این قشر از جامعه به شدت احساس می‌شود و انجمن در حد توان خود در این رابطه انجام وظیفه می‌کند.

مرکز بازار انجمن حمایت از کودکان کار، در منطقه بازار ارامنه (یکی از خروجی‌های منشعب از بازار حضرتی در منطقه چهارراه مولوی) واقع شده است. صنف‌های فعال در این منطقه را به‌طور عمده کارگاه‌های پیشه‌وری کوچک مانند سراجی، تریکوبافی، خیاطی و ... تشکیل می‌دهند. بسیاری کودکانی که از صبحگاه تا شامگاه در کوچه پس کوچه‌ها و دالان‌های بازار، کارگاه‌های نمود، زیرزمین‌ها و ... به کار مشغولند. ساعات طولانی کار و حضور در محیط‌های نامناسب از یک سو، محرومیت از تفریح، بازی، بهداشت و آموزش از سویی دیگر، شرایط دشواری برای این کودکان به‌وجود می‌آورد.

نظر به اینکه تعداد زیادی از این کودکان ساعت‌های طولانی مجبور به کار و حضور در محیط کار هستند و نمی‌توانند از امکانات آموزشی-حمایتی دفتر مرکزی انجمن بهره‌مند شوند، انجمن حمایت از کودکان کار در تاریخ ۱۱ اردیبهشت سال ۱۳۸۶ اقدام به افتتاح «مرکز بازار» کرد تا از این طریق بتواند ضمن ارتباط نزدیک‌تر با کودکان و کارفرمایان خدمات آموزشی خود را ارائه کند.

آموزش ما در قسمت آموزش مرکز بازار حس نوع‌دوستی، خود دوستی، دیگر دوستی، مهربانی، شفقت (که در این روزگار آموزش دیدن و آموزش دادن آن بسیار حائز اهمیت است)، بالا بردن عزت نفس، پرورش نقاط قوت، استعدادیابی، یافتن علایق کودکان، آموزش سواد پایه (سوادآموزی اولیه) و در صورت داشتن مدارک معتبری چون گذرنامه‌ی معتبر کارت اقامت و کارت حمایت تحصیلی، ادامه‌ی آموزش این کودکان در مقاطع بالاتر و در مدارس دولتی، حرفه‌آموزی، هنرآموزی، ورزش، کتابخوانی و فعالیت‌های فرهنگی را در دستور کار خود داریم.

اگر با ما همراه شده و در سطح بازار تهران و کوچه و پس کوچه‌های آن به‌خصوص بازار حضرتی و کوچه‌ی موسوی، قدم بزنیم، تعداد بسیار زیادی از کودکان کار باربر، دست‌فروش و پادو و ... را می‌بینیم و شگفت‌زده می‌شویم که انجمن حمایت از کودکان کار چگونه می‌تواند این تعداد زیاد از کودکان کار را تحت حمایت خود بگذارد؟ گویی نیاز به یک مرکز



برای هر راسته‌ای از بازار و این‌گونه نیاز به مراکز متعددی از انجمن حمایت از کودکان کار برای کودکان کاری است که در بازار فعالیت می‌کنند و مرکز بازار گنجایش رسیدگی به ایشان را ندارد.

حال می‌توان این پرسش را مطرح کرد که اگر مرکز بازار انجمن در این محدوده از شهر تاسیس نمی‌شد چه اتفاقی می‌افتاد؟ پر واضح است که کودکان کار مشغول به کار در بازار فاقد حامی و سرپناهی امن بودند که به آن مراجعه کرده و احساس امنیت کنند و کودکان کار تنها می‌ماندند با آسیب‌هایی که هر روز بر پیکره‌ی روح و جسم‌شان وارد می‌شد.

تاسیس مرکز بازار و انجام دوره‌های متعدد طرح شناسایی کودکان کار حاضر در محدوده‌ی بازار و جذب ایشان به مرکز از مهم‌ترین اقدامات مددکاران اجتماعی مرکز بازار بوده که از ابتدای تاسیس و در دوره‌های مختلف انجام شده است. امروزه مرکز بازار در میان کارفرمایان و کودکان کار به عنوان انجمنی که حامی کودکان کار بوده و به حمایت از ایشان می‌پردازد، شناخته شده است و کودکان کار به مرکز مراجعه و به صورت خود معرف درخواست پذیرش می‌کنند و تعداد زیادی کودک که در لیست انتظار پذیرش هستند موید این مطلب است.

بیشتر کودکان پذیرش شده در مرکز بازار، کودک کار و در معرض آسیب هستند. نظر به اینکه حل مشکلات اقتصادی خانواده‌ها و خارج کردن همگی کودکان از چرخه‌ی کار خارج از توان و دسترسی انجمن است، همواره تلاش می‌شود کودک چند ساعت در روز در مرکز حضور یافته در کلاس‌های درسی و کارگاه‌های آموزشی شرکت کرده و بدین‌وسیله از ساعات کار کودک کاسته و با ارایه‌ی خدمات مطلوب به وی حقوق اولیه‌ای که از آن محروم است را تامین می‌کنیم.

در مرکز بازار نیز همانند سایر مراکز انجمن خدمات آموزشی و حمایتی به کودکان ارایه می‌شود. یعنی کودکان در بخش مددکاری پذیرش شده و به بخش آموزش معرفی می‌شوند. با حضور کودکان در کلاس‌های درسی و فوق برنامه سایر خدمات حمایتی نیز توسط بخش مددکاری اجتماعی و روانشناسی ارایه می‌شود و همچنین بهداشت و تغذیه‌ی کودکان نیز مورد رسیدگی قرار می‌گیرد. بنابراین با اقدامات و تلاش‌هایی که در سال‌های گذشته صورت گرفته است سعی شده تا کودکان با حقوق خود آشنا شده و این انگیزه در ایشان ایجاد شود که قرار نیست همیشه باربر، کارگر و یا دست‌فروش باشند و اگر بخواهند و سایر عوامل اثرگذار (عوامل فرهنگی، اجتماعی، خانوادگی، اقتصادی) نیز مساعد باشد، این امکان برایشان وجود دارد که با درس خواندن و یادگیری مهارت و حرفه‌های خاصی در آینده‌ی خود تغییری موثر ایجاد کرده و به این ترتیب از چرخه‌ی تولید کودک کار در نسل‌های بعدی پیشگیری و این چرخه متوقف شود.

در بخش آموزش مرکز تلاش شده است تا با ارایه‌ی خدمات آموزشی مناسب کودکان از امکانات اولیه‌ی خواندن و نوشتن در کلاس‌های سوادآموزی برخوردار شده و با گذراندن دوره‌های مورد نیاز به سطح آموزشی متناسب با سن خود رسیده و بتوانند در مدارس دولتی ثبت‌نام شوند و این امر هر سال تا حد امکان توسط بخش آموزش و مددکاری پیگیری شده و خوشبختانه خانواده‌ها و برخی کارفرمایان نیز بر خلاف گذشته با این امر همراهی شایانی می‌کنند. علاوه بر خدمات آموزش درسی، خدمات دیگری چون برگزاری کلاس‌های هنری، حرفه‌ای و کتابخوانی نیز برای کودکان طی دوره‌های تابستانه و ... انجام شده است که نتیجه‌ی آن آشنایی کودکان با هنر موسیقی، نمایش، الکترونیک، کامپیوتر حسابداری و ... بوده است که با کشف استعداد در بین کودکان و علاقمندی ایشان به این امر این نوع آموزش توسط کودکان مورد استقبال قرار گرفته و کودکان قدیمی مرکز موفق شدند گروه موسیقی تشکیل داده و در آن هنرآفرینی کنند.

همچنین با برگزاری کلاس‌های آموزش الکترونیک و حسابداری، نوجوانان با این رشته‌ها نیز آشنا شده و با ادامه‌ی این جریان پیامدهایی چون انتخاب این رشته در هنرستان توسط برخی از نوجوانان و ادامه‌ی آن تا مقطع دانشگاه را نیز در پی داشته است.

برگزاری کارگاه‌های آموزشی تخصصی توسط مددکار اجتماعی و روانشناس مرکز برای کودکان با موضوعات مهارت‌های زندگی، خود مراقبتی و ... که توسط آن کودکان در دوره‌های مستمر با آسیب‌های اجتماعی که در محیط زندگی و محیط کار و جامعه با آن مواجه هستند آشنا شده و مهارت‌هایی می‌آموزند که چگونه از خود مراقبت کنند و کمتر آسیب ببینند.



❖ با کودکان کار ما

به گزارش بخش مددکاری اجتماعی و روانشناسی مرکز، کودکان در صورت احتمال آسیب یا بروز آن بلافاصله به کارشناسان مرکز مراجعه کرده و طرح مساله می‌کنند و در این خصوص مورد حمایت قرار می‌گیرند و این امر حاکی از آن است که ارتباط و اعتماد مناسبی بین روانشناس، مددکار اجتماعی و کودکان شکل گرفته و تلاش‌هایی برای تحقق این هدف صورت گرفته است. شکل‌گیری ارتباط مناسب بین کودکان و مرکز بازار سبب شده است که گاهی حتی پس از اتمام سن کودکی و ورود به سن جوانی نیز با مرکز در ارتباط بوده و مسایل خود را مطرح کرده و برای مهم‌ترین تصمیمات شخصی مشورت خواسته و تلاش می‌کنند در ابعاد گوناگون زندگی به موفقیت برسند. همچنین در بسیاری موارد ایشان همکاری داوطلبانه داشته و در هر زمینه‌ای که بتوانند به دیگر کودکان دانش آموز و انجام امور روزانه در مرکز یاری می‌دهند. می‌توان گفت کودکان سابق هنوز مرکز را خانه‌ی امن خود می‌دانند و حامی سایر کودکان کاری هستند که در خانواده، خیابان و مرکز حضور دارند و حمایت از کودکان کار، بخشی از دغدغه‌ی آنها شده است. از مهم‌ترین تغییرات ایجاد شده در نگرش کودکان قدیمی مرکز، می‌توان به تأخیر افتادن سن ازدواج در مقایسه با هم‌تایان خود، احساس مسولیت در مراقبت از کودکان، مخالفت با کار کردن فرزندانشان در آینده، انتخاب مشاغل مناسب و رسیدن به ثبات اقتصادی مناسبی اشاره کرد.

از جنبه‌های دیگر نیز می‌توان به ارتباط نزدیک و ایجاد اعتماد در بین کارشناسان مرکز و خانواده‌ها اشاره کرد که پس از آشنایی، مصاحبه‌های اولیه و ارایه‌ی مشاوره‌ها و اقدامات حمایتی مورد نیاز، خانواده نیز به مرور زمان انجمن را به عنوان حامی کودک پذیرفته و حتی مسایل ریز خود را با مرکز در میان گذاشته و در این رابطه کسب راهنمایی می‌کنند و پس از مدتی تصمیمات مناسبی در بهبود اوضاع کودک در خانه و محل کار می‌گیرند. ولی در برخی موارد خانواده‌هایی به دلایل مختلف قادر به همکاری نبوده و راه خود را ادامه می‌دهند.

همچنین می‌توان به شکل‌گیری ارتباط با کارفرمایان اشاره کرد که با تلاش‌های مددکاران اجتماعی و مسوولان آموزش کارفرماها نیز به تدریج پس از آشنایی با انجمن، حقوق کودکان را به رسمیت شناخته و با کاهش ساعت کار کودکان و درس خواندن بچه‌ها موافقت کرده و برخی از این افراد حتی اقدام به تهیه و اهدای نوشت‌افزار به مرکز و صحبت با سایر کارفرماها برای همکاری با انجمن کرده‌اند.

با اجرای طرح حمایت مالی مشروط در سال‌های اخیر کودکانی که به گزارش بخش مددکاری اجتماعی و روانشناسی در معرض خطر جدی بودند و یا در حال بازمانده شدن از تحصیل به سر می‌بردند در این طرح قرار گرفته و با حمایت‌هایی که در مورد ایشان صورت گرفت وضعیت مطلوب‌تری پیدا کردند.

ارتقای فرهنگ خانواده‌ها در خصوص ادامه‌ی تحصیل پسران و دختران در مقاطع بالاتر نیز از دیگر اهداف مرکز است که تا امروز تا حدی در آن موفق شده‌ایم. متأسفانه کودکان کار در سنین بالاتر به علت پرداختن به ساعات کامل کار و احساس مسولیت زیاد در قبال خانواده به‌طور معمول از ادامه‌ی تحصیل دست کشیده و ترک تحصیل می‌کنند. که این امر سبب شد که انجمن، حمایت ویژه‌ای از کودکان یاد شده کرده و با اجرای طرح حمایت تحصیلی از این امر پیشگیری کند. هم‌اکنون این طرح نیز در بخش مددکاری اجتماعی مرکز در حال اجراست و مشاهده می‌شود که تحصیل کودکان در مقطع دبیرستان نیز ادامه می‌یابد و در آینده به صورت دقیق‌تری می‌توان در خصوص نتایج این طرح اظهار نظر کرد. از اهداف دیگر انجمن که در این سال‌ها دنبال شده است، رشد و توانمندسازی نیروهای داوطلب و موظف جذب شده به مرکز بوده است و حتی در صورتی که نیروهای یاد شده به هر دلیل در انجمن نمانده و تغییر شغل دهند نیز در سایر بخش‌های جامعه به اثرگذاری اجتماعی خود ادامه داده و این‌گونه کادر سازی اجتماعی از سایر اثرگذاری‌های انجمن بوده است. گفت و گو با مراجعان، بازدیدکنندگان، تماس‌های تلفنی مردم و ادامه‌ی ارتباط مستمر ایشان با مرکز نیز یکی از اهداف ترویجی در خصوص اشاعه‌ی رسالت و فرهنگ مبارزه با کار کودک و حمایت از کودکان است.



لیلا عبدالکریمی؛ مدیر مرکز همه‌ی کودکان انجمن حمایت از کودکان کار

مرکز همه‌ی کودکان در سال ۱۳۸۷ با هدف حمایت و توانمندسازی خانواده‌های روما (کولی) تاسیس شد. در آن زمان کودکان این خانواده‌ها به سبب نوع خاصی از زندگی که مهاجرت‌های فصلی به تهران و شمال ایران (بابل) داشتند، اغلب به مدرسه نمی‌رفتند و بی‌سواد بودند.

کودکان آینده‌سازان هر جامعه‌ای هستند و بی‌شک آموزش و پرورش کودکان یکی از مهم‌ترین و پیچیده‌ترین فعالیت‌های هر جامعه‌ای است. دوام و بقای هر جامعه‌ای بستگی به حضور و وجود کودکان و نوجوانان سالم دارد. انسان از همان لحظه‌ی تولد در حال آموختن و تجربه کردن است و در هر محیطی قرار گیرد، از پیرامون خود رفتار و مسایل را می‌آموزد. با افزایش سن و ورود به محیط‌های اجتماعی مانند مهد، مدرسه و ... این یادگیری ادامه دارد. حال، کودکانی که با وجود مشکلات و آسیب‌های اجتماعی موجود مجبور به حضور در محیط‌های پرچالش و نامناسب قرار می‌گیرند، نیاز بیشتری به یادگیری‌های مناسب سن خود را دارند. مجموعه‌ای از عوامل اقتصادی، اجتماعی مانند فقر و توزیع ناعادلانه‌ی ثروت، میزان تحصیلات والدین، وضعیت شغلی والدین، اعتیاد والدین، تک سرپرستی و بی‌سرپرستی، بعد خانوار، از هم‌گسیختگی خانواده و مهاجرت به همراه فقر فرهنگی زمینه‌ی اشتغال کودکان را در سطح جامعه فراهم می‌سازد. فشار اقتصادی بر خانواده‌ها زمینه‌ساز کسب درآمد از طریق کودکان خواهد شد. کودکانی که مجبور به کارکردن هستند از کودکی خود محروم شده و به علت ساعات طولانی کار در معرض استرس‌های جسمانی، اجتماعی و روانشناختی قرار می‌گیرند. دستمزد ناکافی، مسئولیت زیاد و عدم دسترسی به تحصیل، شأن و عزت نفس این کودکان را تحلیل می‌برد. این آسیب‌های وارده بر کودکان، زمینه‌ساز بزه‌دیدگی در آینده‌ی آنها خواهد بود. ایجاد فرصت برابر و امکان بازگشت به تحصیل، باعث بازگشت کودک به زندگی سالم در آینده است. به طور حتم آموزش برای این کودکان به مانند دریچه‌ای به دنیای روشن‌تر و نورانی‌تر خواهد بود.

مرکز همه‌ی کودکان در سال ۱۳۸۷ با هدف حمایت و توانمندسازی خانواده‌های روما (کولی) تاسیس شد. در آن زمان کودکان این خانواده‌ها به سبب نوع خاصی از زندگی که مهاجرت‌های فصلی به تهران و شمال ایران (بابل) داشتند، اغلب به مدرسه نمی‌رفتند و بی‌سواد بودند.

همچنین به دلیل رواج ازدواج‌های زود هنگام در این خانواده‌ها، بسیاری از این کودکان شناسنامه نداشتند و همین موضوع باعث بازماندگی کودکان از تحصیل شده بود. این کودکان در مرکز همه‌ی کودکان تحت پوشش قرار گرفتند و موانع حقوقی آنها برای ثبت نام در مدارس پیگیری شده و با در دست داشتن اوراق هویتی معتبر وارد سیستم آموزش و پرورش دولتی شدند. همین امر باعث تشویق سایر کودکان قرار گرفت. کودکانی که در انجمن تئاتر بازی می‌کردند، سرود می‌خواندند، فوتبال بازی می‌کردند، درس می‌خواندند و در فعالیت‌های فوق برنامه‌ی دیگر شرکت می‌کردند، حالا برای ثبت نام در مدرسه مشتاق هستند و همین امر زمینه‌ساز ورود کودکان به محیط آموزشی و تغییرات فرهنگی بسیار موثر در این خانواده‌ها شده است. اکنون که در سال ۱۴۰۰ به سر می‌بریم، می‌توان به جرات گفت که ۸۵ تا ۹۰ درصد این خانواده‌ها تحصیلات پیش‌دبستانی و دبستانی را برای کودکان مهم می‌دانند و تلاش می‌کنند که شرایط حضور این کودکان را در مدرسه و انجمن فراهم آورند. این موضوع دستاورد مهمی در تغییرات فرهنگی این خانواده‌ها بوده است.



❖ با کودکان کار ما

مرکز همهی کودکان در دو تا سه سال گذشته با برگزاری کارگاههای فرزندپروری با همکاری گروه همتا باعث اعتمادسازی بسیار خوبی در بین خانوادهها شد. بعضی اوقات با تهیهی صبحانه و حضور در منزل مددجو و صرف صبحانه با مادر و کودکان ارتباط صمیمانهای برقرار کرد. افرادی که به عنوان همتا انتخاب شدند افرادی بودند که مهارت‌های آموزش‌دیده را می‌توانستند با شیوه‌های بهتری برای دوستان و اقوام خود بیان کنند. این شیوهی آموزش باعث تعامل مثبت و همکاری مادران با مددکار اجتماعی و روانشناس شد. مادران منتخب شدهی گروه همتا برای آموزش ترغیب شدند و آموزش‌ها به طور مستمر در بین افراد تکرار شد. این شیوه برقراری ارتباط با مادران باعث شد آنان به حقوق خود آشنا شوند. شناسایی نقش‌های مختلف دختری، همسری و مادری به آنان کمک می‌کند تا ارتباط بهتری با خانواده برقرار کنند.

یکی از اقدامات مناسب انجام شده در مرکز همهی کودکان تشکیل هم‌زمان و ادغام کلاس‌های کودکان از خانواده‌های مهاجر افغانستانی و کودکان ایرانی خانواده‌های غربت و سایر کودکان تحت پوشش مرکز بوده است. استنباط بر این است که کودکانی که هنوز در مرحلهی شناخت جامعهی اطراف خود هستند، ارتباط با گروه‌های مختلف موجود در جامعه را در یک سیستم تحت کنترل آموزش ببینند. کودکان ایرانی خانواده‌های غربت مرکز همهی کودکان به دلیل وضعیت زندگی خاص خود اغلب قانون‌پذیری مناسب را ندارند. در مواجهه با محیط آموزشی دارای قوانین خاص، مثل مدرسه مشکل‌ساز می‌شوند. اما در محیط قابل انعطاف انجمن و مرکز همهی کودکان با مشاهده و واکنش‌های مناسب می‌توان آنها را آمادهی ورود به مدرسه کرد. بدون شک کودکان امروز بزرگسالان فردایی هستند که دیر یا زود باید ارتباط و همزیستی با اقوام و قومیت‌های متفاوت را به نحو مطلوب تعلیم ببینند و هر چه قدر این آموزش زودتر انجام ببپذیرد موفقتر خواهیم بود.

از نظر روانشناسی باید گفت کودکان قبل از شروع سن آموزش از طریق یادگیری مشاهده‌ای آموزش می‌بینند. اگر ما بتوانیم محیطی مناسب برای این نوباوگان ترتیب دهیم بسیاری از مسایل و مشکلات آتی را به طور ضمنی حل کرده‌ایم. وقتی کودکان در یک جمع برای خوردن خوراک، بهداشت را رعایت می‌کنند این شیوه در بین تمام آنها تسری پیدا می‌کند. کودکان خانواده‌های غربت برای گرفتن تایید همانند دیگر کودکان لباس مناسب می‌پوشند. همهی کودکان چه ایرانی و چه افغانستانی برای شرکت در کلاس‌های درسی و حتی غیردرسی بهتر است با کودکان جامعهی عادی در یک کلاس شرکت کنند. این تفاوت قابل شدن و یا برچسب خوردن از یک سو باعث می‌شود کودک خود را متفاوت فرض کند



و همیشه جامعه را موظف بداند که باید برای من تفاوت قایل شود. از سوی دیگر کودکان عادی ممکن است از پذیرش این کودکان امتناع کنند. همگی کودکان از هر قومیت باید مورد احترام قرار گیرند و از حقوق یکسان برخوردار باشند.

در حال حاضر، نتایج این ادغام را می‌توان مشاهده کرد. کودکان به نسبت غیبت کمتری دارند و مسئولان مدرسه رضایت بیشتری دارند. آنان از مفهوم تفاوت نداشتن قوم و گروه درک بهتری دارند. چون این کودکان خواسته یا ناخواسته باید با هم‌میزان کودکان در یک مدرسه تحصیل کنند. در آینده‌ی نزدیک در همسایگی همدیگر زندگی کنند. هر چقدر این آموزش‌ها زودتر انجام پذیرد نتایج موثرتری در بر خواهد داشت. این موضوع بهترین نتیجه‌ی کار مرکز ما محسوب می‌شود. کودکان ایرانی مشغول به تحصیل در مدارس دولتی رفتاری مناسب و مودبانه دارند و این موضوع نشان دهنده‌ی این هست که هرچقدر این گروه با افراد اجتماع عادی تلفیق شوند رفتاری متناسب‌تر پیدا می‌کنند. مشاهده‌ی ارتباط رضایت‌بخش بین والدین آنها مشوق ما در ادامه‌ی این طرح است.

یکی از اهداف مهم بخش مددکاری اجتماعی انجمن در خصوص کودکان کار، کودکان بازمانده از تحصیل و در معرض آسیب، حمایت و توانمندسازی با تاکید بر خانواده، تحصیل و آموزش کودکان است. لذا انجمن تلاش کرده است تا با ایجاد شرایط لازم برای زندگی کودک در خانواده و شناسایی ریشه‌ی اصلی مشکلات که ناگزیر در خانواده است، با استفاده از حمایت‌های سازمان‌ها و بخش‌های مختلف دولتی و غیردولتی با رویکرد توان‌افزایی و توانمندسازی خانواده از کودکان حمایت کند تا از این طریق شاهد کنترل و کاهش پدیده‌ی کار کودکان در سطح جامعه باشیم.

فعالیت در بخش روانشناسی انجمن با هدف مفید بودن در اجتماع و سازگاری اجتماعی کودکان صورت می‌گیرد. سازگاری اجتماعی با تعریف میزان سازگاری کودک با محیط پیرامون و افراد جامعه برای کودکانی که با فقر، تبعیض و نابرابری بزرگ شده‌اند، اهمیت ویژه‌ای دارد. در انجمن حمایت از کودکان کار این امر با آموزش مهارت‌های زندگی به کودکان و خانواده‌های آنان انجام می‌شود. مهارت‌هایی از قبیل توانایی تصمیم‌گیری، توانایی حل مسئله، مهارت تفکر خلاق، توانایی تفکر انتقادی، توانایی خودآگاهی، توانایی همدلی توانایی برقراری روابط بین فردی و توانایی مقابله با هیجانات می‌تواند این کودکان را از آسیب‌های روانی و اجتماعی در آینده مصون نگه دارد. کودکان این خانواده‌ها به واسطه‌ی کار کردن مادران از دوران نوزادی به همراه مادران در بیرون منزل هستند. به ضرورت حضور در جامعه و برای محافظت از خود می‌بایست آموزش‌های خودمراقبتی ویژه‌ای را داشته باشند. همچنین آموزش‌هایی به منظور مراقبت از خود و راهنمایی‌های سن بلوغ به کودکان در معرض آسیب کمک می‌کند که بتوانند بحران‌های این زمان را به خوبی مدیریت کنند.

زمانی که صبح خیلی زود کودکان به انجمن مراجعه کرده و پشت در منتظر باز شدن انجمن هستند، زمانی که با ناملایمات زندگی روزمره روبرو می‌شوند و اولین فرد برای صحبت را مددکار اجتماعی یا روانشناس انجمن، انتخاب می‌کنند، زمانی که پدر چرخش روی چرخ باربری خود پتویی پهن کرده و کودکش را به انجمن می‌آورد، زمانی که کودکان برای حضور بیشتر دوست خود در کلاس درس به جای او در مغازه فعالیت می‌کند، زمانی که کودک زباله‌گرد مجبور به تفکیک زباله‌ها نباشد و از بهبودی زخم‌های دستش خوشحال باشد، زمانی که کودک از آرزوهای دست یافته‌اش صحبت می‌کند که در حقیقت از حقوق اولیه‌ی دوران کودکی اوست و زمانی که برای خواندن و نوشتن یک سطر از خوشحالی در پوست خود نمی‌گنجد، می‌توان تاثیر انجمن بر کودک کار را از صمیم قلب درک کرد.

و اما پیشگیری در تمام امور مهم‌ترین بخش حل مسئله است. تاثیر انجمن بر کار کودک اشاره دارد به کارکرد ترویجی انجمن حمایت از کودکان کار و آگاهی رساندن به جامعه در خصوص مشکلات کار کودک و از بین بردن کارهایی است که توسط کودکان انجام می‌شود. بهترین راهکار و اقدام برای حل هر مشکلی ابتدا شناسایی دقیق آن مشکل و سپس شناسایی عوامل به وجود آورنده‌ی آن و در نهایت خشکاندن ریشه‌ها یا عوامل ایجاد کننده‌ی آن مشکل است. در جامعه‌ی امروزی در مشاغل مثل کشاورزی میزان دستمزد پرداخت شده به میزان هرچه بیشتر محصول برداشت شده بستگی دارد. به همین دلیل خانواده‌ها ترغیب می‌شوند تا فرزندان را نیز در این کار دخیل کنند و میزان بیشتری محصول جمع‌آوری کنند. گاهی حتا وجود عقاید غلط در برخی فرهنگ‌ها باعث کار کودک می‌شود. به صورتی که افراد با حقوق کودکان آشنا نیستند و کار کردن آن‌ها را خلاف

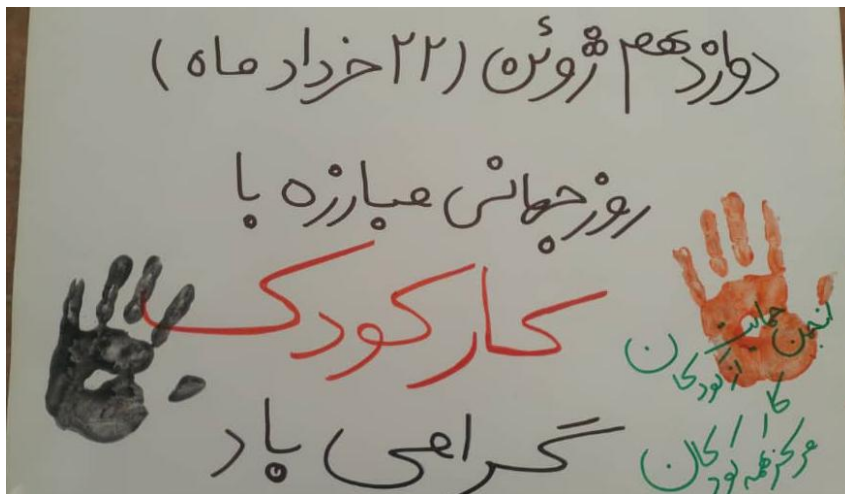


❖ با کودکان کار ما

منافع آنان نمی‌دانند. گاهی از حس ترحم و دلسوزی افراد جامعه برای کسب درآمد توسط کودکان بهره می‌برند. همچنین صاحبان مشاغل خرد به کودکان پول کم‌تری پرداخت می‌کنند. چرا که کودکان کم‌تر پیگیر حقوق خود می‌شوند و به دنبال شکایت می‌روند. گاهی اوقات کارفرمایان از جثه‌ی کوچک کودکان برای انجام کارهایی در محیط‌های کوچک‌تر بهره می‌برند و به آسیبی که به کودکان وارد می‌شود توجهی ندارند و البته این کودکان نیازی به پرداخت بیمه و مزایای جانبی دیگر ندارند و تمام این مسایل کارفرمایان را ترغیب می‌کند که بیشتر از کودکان برای رسیدن به منافع خود بهره ببرند. با شناسایی ریشه‌های به وجود آمدن کار برای کودکان می‌توان عوامل را از بین برد. این کار مستلزم یک عزم راسخ ملی است که حکومت و مردم باید در این زمینه همت به خرج دهند تا ریشه‌ها و عوامل کار کودک از بین برود.

بی‌شک اقدام موثر در زمینه‌ی پیشگیری و کاهش کار کودکان شامل توجه جدی به بحث ایجاد اشتغال در خصوص والدین است که سبب کاهش فقر می‌شود. ایجاد عدالت اجتماعی و کاهش شکاف طبقاتی، ارتقای سطح دانش و آگاهی‌های همگانی و به‌خصوص خانواده‌ها از طریق رسانه‌های جمعی و فراگیری مانند رادیو و تلویزیون و فضای مجازی پیشگیری و کاهش سایر آسیب‌های اجتماعی مانند اعتیاد و طلاق، جلوگیری از مهاجرت بی‌رویه‌ی روستاییان و اتباع خارجی به شهرها و حواشی آن‌ها، تهیه و تدوین قوانین حمایتی موثر برای حمایت از اقشار آسیب‌پذیر به ویژه کودکان، شناسایی کودکان و خانواده‌های در معرض خطر و پاسخ‌گویی به نیازهای معیشتی و اقتصادی آن‌ها و ارائه‌ی خدمات حمایتی، آموزشی درمانی، مشاوره‌ای و مددکاری لازم به آن‌ها، بها دادن به نهادهای غیردولتی (NGOها) مرتبط با حقوق کودکان و حمایت‌های دولت از این سازمان‌های مردم‌نهاد برای استیفای حقوق کودکان و خانواده‌های آنان و استفاده از ظرفیت‌های این سازمان‌ها می‌تواند از مهم‌ترین عوامل کاهنده‌ی این پدیده و آسیب اجتماعی باشد.

انجمن حمایت از کودکان کار برای پیشگیری از کار کودکان و ریشه کن کردن آن مجموعه‌ای از فعالیت‌های مختلف را انجام می‌دهد. اصلاحات قانونی مرتبط با حقوق کودکان، آموزش و آگاهی‌رسانی به جامعه‌ی عمومی، افزایش دسترسی به خدمات درمانی و حمایت‌های آموزشی، اصلاحات فرهنگی در مورد عقاید مرتبط با کار کودکان، حمایت از خانواده‌های دارای شرایط خاص و وضع قوانین حفاظت‌کننده برای کودکان می‌تواند از جمله راهبردهای مؤثر برای پیشگیری از این کار کودک و حذف کار کودک باشد.



زمانی که کودک از آرزوهای دست یافته‌اش صحبت می‌کند که در حقیقت از حقوق اولیه‌ی دوران کودکی اوست و زمانی که برای خواندن و نوشتن یک سطر از خوشحالی در پوست خود نمی‌گنجد، می‌توان تاثیر انجمن بر کودک کار را از صمیم قلب درک کرد.

توانمندسازی کودکان کار در مرکز خاوران

معصومه نوری؛ مدیر مرکز خاوران انجمن حمایت از کودکان کار

جلوگیری از محرومیت بیش از ۹۶۰ کودک کار از خدمات آموزشی، مددکاری اجتماعی روانشناسی، بهداشت و درمان

پراکندگی آسیب‌های اجتماعی در سطح شهر تهران را نمی‌توان به سادگی بر منطقه‌بندی‌های صورت گرفته از سوی شهرداری منطبق کرد. اما با وجود این به نظر می‌رسد که مشابهت‌هایی بین پراکندگی آسیب‌های اجتماعی با منطقه‌بندی این شهر وجود دارد، چرا که بافت اقتصادی و اجتماعی مناطق مختلف شهر تهران تا حدود زیادی در شکل‌گیری، شیوع و تمرکز آسیب‌ها در آن مناطق تاثیرگذار است. همچنین عدم وجود برنامه‌های حمایتی برای کودکان و عدم وجود سازمان‌های غیردولتی فعال در زمینه‌ی مسایل کودکان و یا کم بودن تعداد این سازمان‌ها در برخی مناطق منجر به آسیب‌پذیری بیشتر کودکان در این مناطق می‌شود.

ردیف	مناطق آسیب خیز	آسیب‌های شایع
۱	منطقه‌ی ۲، ۹	کار کودک/ اعتیاد
۲	منطقه‌ی ۱۲	کار کودک/ کودک‌آزاری/ اعتیاد
۳	منطقه‌ی ۹	اعتیاد/ کودک‌آزاری
۴	منطقه‌ی ۱۷، ۱۸، ۱۹	کار کودک/ کودک‌آزاری
۵	منطقه‌ی ۲۰، ۵، ۱۷	مهاجرت/ کار کودک/ کودک‌آزاری
۶	منطقه‌ی ۲، ۲۰، ۱۸	اعتیاد/ کار کودک/ کودک‌آزاری
۷	شهریار، صباشهر	کار کودک/ کودک‌آزاری
۸	منطقه‌ی ۲۰	مهاجرت/ کار کودک/ خشونت
۹	منطقه‌ی ۹، ۱۷	خشونت/ فرار از خانه/ اعتیاد
۱۰	منطقه‌ی ۱۵	اعتیاد/ کار کودک
۱۱	منطقه‌ی ۹، ۱۷، ۱۸	کار کودک/ اعتیاد
۱۲	منطقه‌ی ۱۹	کار کودک/ کودک‌آزاری
۱۳	منطقه‌ی ۱۲، ۱۶، ۱۹، ۲۰	اعتیاد/ کار کودک/ کودک‌آزاری
۱۴	منطقه‌ی ۱۹، ۱۲	کار کودک/ کودک‌آزاری/ اعتیاد
۱۵	منطقه‌ی ۱۹، ۱۷	کار کودک/ اعتیاد
۱۶	منطقه‌ی ۱۲، ۱۷، ۱۹	کار کودک/ کودک‌آزاری

منبع: کتاب مقالات دومین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی در ایران. خرداد ۱۳۹۱



آشنایی اجمالی با منطقه ۱۵

منطقه ۱۵ شهرداری تهران منطقه‌ی وسیعی است که جمعیت بزرگ مهاجری در آن ساکن و با مشکلات متعددی مواجه هستند. این منطقه جزو مناطقی است که سکونت‌گاه کودکان آسیب‌دیده (نظیر کودکان کار) به شمار می‌رود و خطر مواجهه‌ی کودکان با برخی از آسیب‌ها در این منطقه بیشتر است.

مساحت کل منطقه: ۲۹۶۵۸۱۵ هکتار

مساحت داخلی منطقه: ۱۶۵۰۰۱۵ هکتار

جمعیت کل منطقه: ۶۵۹۴۶۸۱۵ نفر

جمعیت کل خانوار: جمعیت کل خانوار منطقه ۲۰۹۹۱۴۱ نفر

تراکم جمعیت: تراکم جمعیت منطقه ۲۲۲۱۵ نفر در هکتار

محلات منطقه: محلات منطقه‌ی ۲۱، ۱۵

با توجه به گستردگی منطقه‌ی ۱۵ تهران، چه از لحاظ شهری و چه از لحاظ وجود مناطق آسیب‌زای اجتماعی و با توجه به بیشترین فراوانی محل زندگی کودکان و همچنین خلا و کمبود سازمان‌های غیردولتی در حوزه‌ی کودکان کار در منطقه‌ی ۱۵ و نیز در راستای اهداف انسان‌دوستانه‌ی انجمن حمایت از کودکان کار، با همراهی معاونت اجتماعی - رفاهی منطقه‌ی ۱۵ شهرداری و از آبان ماه سال ۱۳۸۸ مرکز خاوران انجمن تاسیس شد و ارایه‌ی خدمات به کودکان کار منطقه در سه حوزه‌ی آموزشی، حمایتی و ترویجی آغاز شد.

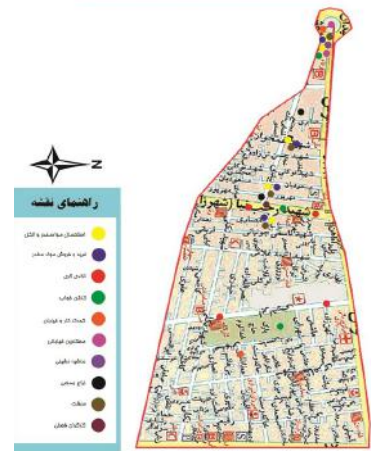
انجمن حمایت از کودکان کار با ارایه‌ی خدمات مددکاری اجتماعی به حمایت همه‌جانبه‌ی خانواده و کودکان (حمایت مالی، عاطفی، روانی و اجتماعی) می‌پردازد و با توجه به اینکه کودکان و خانواده‌های آنان تحت تاثیر فشارها و ناملایمات زندگی به کار در خیابان روی آورده‌اند و فرآیند طبیعی رشد جسمی، ذهنی، عاطفی و اجتماعی آنها در معرض خطر قرار گرفته است. مرکز خاوران از طریق شناسایی خانواده‌های کم درآمد و در معرض آسیب آموزش و توانمندسازی، هنرآموزی، حمایت مالی مشروط، مذاکره با کارفرما برای کاهش ساعت کار کودک و آگاه‌سازی و اشتغال‌یابی برای افراد بزرگسال خانواده‌ها مانع از ترک تحصیل کودکان، کاهش ساعت کار و یا ورود آنها به عرصه کار می‌شود. این ارتباط شکل گرفته با کودکان، تا زمانی که آنها به حمایت انجمن نیاز داشته باشند، پابرجاست.

انجمن حمایت از کودکان کار با رویکرد توانمندسازی که موجب افزایش عزت نفس، افزایش میزان حمایت اجتماعی، مشارکت اجتماعی و احترام اجتماعی کودکان کار می‌شود در اقدامات اجرایی خود افزایش توانمندی اجتماعی و توانمندی روانی در کودکان کار و در نهایت توانمندسازی آنها را یکی از موضوع‌های اصلی کاری خود قرار داد.

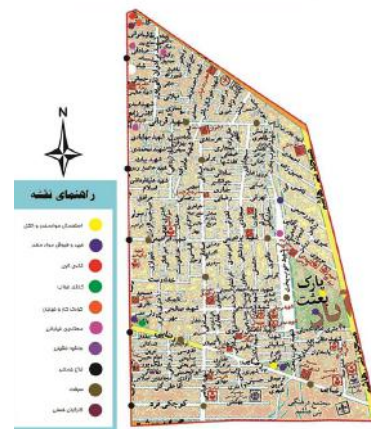
انجمن با ایجاد ظرفیت پیشرفت دانش در کودکان کار، شرایط ارتقای سطح اطلاعات کودکان را فراهم می‌آورد. بالا رفتن اطلاعات موجب افزایش عزت نفس در کودکان می‌شود و با ظرفیتی که کودکان توسط آموزش‌های مهارت‌های زندگی به دست می‌آورند، سبب درست شدن ظرفیت شناختی و ظرفیت آگاهی آنان در مسایل زندگی شده و این امر موجب می‌شود که آنها در دوران زندگی خود بکوشند تا بهترین تصمیم را بگیرند، مسایل و مشکلات زندگی خود را به درستی حل کنند و سو استفاده از آنها در محیط کاری کم شود. همچنین با توجه به اینکه کودکان به آموزش‌های مربوط به سلامت و بهداشت جسمانی دسترسی محدودی دارند، انجمن با پیگیری‌های بیشتر حوزه‌ی آگاهی و اطلاع‌رسانی پیرامون سلامت و پیشگیری در میان کودکان جامعه‌ی هدف را افزایش داده است.

به طور کلی انجمن با ارایه‌ی خدمات آموزشی و حمایتی، مهارت‌های اجتماعی و همبستگی خانوادگی و اجتماعی را افزایش داده تا از این طریق موجب توانمندسازی کودکان در عرصه‌ی کار، زندگی، روابط بین فردی و پیشگیری از گسترش بیماری‌های رفتاری و ناهنجاری‌های اجتماعی شود.

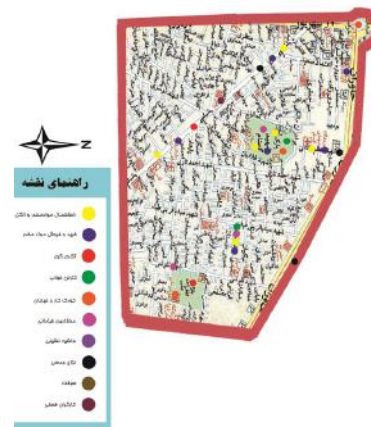
نقشه آسیب‌شناسی محله ۱ (شوش)



نقشه آسیب‌شناسی محله ۲ (اتابک)

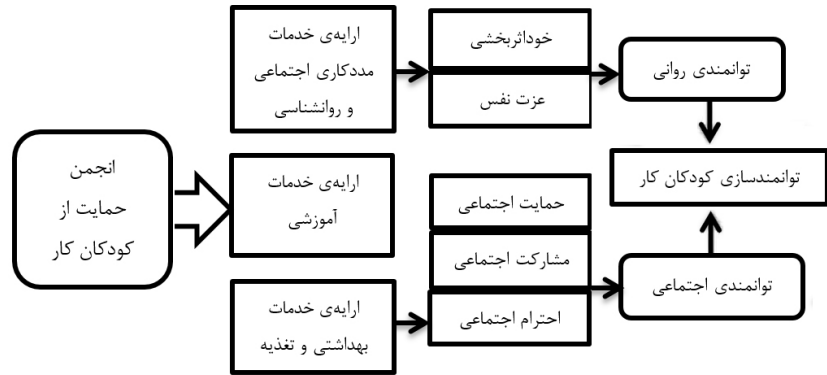


نقشه آسیب‌شناسی محله ۳ (طیب)



نقشه آسیب‌شناسی محله ۴ (بیسیم - ولیعصر)





راه‌اندازی مرکز خاوران، مزایای زیادی برای مردم منطقه داشت، که کوچکترین آن جلوگیری از محرومیت بیش از ۹۶۰ کودک کار از خدمات آموزشی، مددکاری اجتماعی، روانشناسی بهداشت و درمان در این سال‌ها بوده است. شکی در این نیست که حمایت از کودکان و بهبود شرایط و تغییر سبک زندگی آنان باید در سطح کلان و توسط دولت سیاست‌گذاری شده و نیز تمهیدات لازم برای برنامه‌ریزی و اجرای آن در نظر گرفته شود. مرکز خاوران در سطح خرد موفق به ایجاد تغییراتی به شرح ذیل شده است:

- ارتقای سطح فرهنگی خانواده‌ها: بهبود شرایط زندگی کودکان کار مستلزم بهبود شرایط زندگی خانواده‌ها و افزایش سطح آگاهی آنان است که با برگزاری کارگاه‌های آموزشی و کلاس‌های سوادآموزی در ارتقای سطح فرهنگی آنان نقش داشته‌ایم.
- ارتقای سطح تغذیه و بهداشت کودکان و خانواده‌ها در سه حوزه‌ی پیشگیری، درمان و پیگیری

- توانمندسازی کودکان: برگزاری کلاس‌های آموزشی، هنرآموزی و دوره‌های مهارت‌های زندگی (حل مساله، تفکر خلاقانه، مهارت‌های ارتباطی، خود ارزشمندی و تصمیم‌گیری)
 - ارتقای سطح اقتصادی خانواده‌ها: پرداخت کمک هزینه‌های معیشتی، آموزشی و درمانی، توزیع اقلام خوراکی، بهداشتی و پوشاک
- در نهایت باید گفت که مرکز خاوران انجمن حمایت از کودکان کار با ارایه‌ی خدمات آموزشی، حمایتی و اطلاع‌رسانی و معرفی صحیح کودکان کار به جامعه به مبارزه با کار کودک می‌پردازد.

انجمن حمایت از کودکان کار
خردادماه ۱۴۰۰
ویژه‌نامه‌ی روز جهانی مبارزه با کار کودک



شکی در این نیست که حمایت از کودکان و بهبود شرایط و تغییر سبک زندگی آنان باید در سطح کلان و توسط دولت سیاست‌گذاری شده و نیز تمهیدات لازم برای برنامه‌ریزی و اجرای آن در نظر گرفته شود.

لطفاله محسنی؛ معاون اجتماعی انجمن حمایت از کودکان کار

در این بحث کوتاه به موضوعی خواهیم پرداخت که از بنیادترین گام‌های مبارزه با کار کودک و حمایت از کودکان کار محسوب می‌شود؛ یعنی ارزیابی کلی وضعیت مسئله‌ی کار کودک، ارزیابی ویژه‌ی وضعیت آن در ایران و روش‌های دستیابی به دانشی که مبنای سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اقدام خواهد بود. بنابراین با نگاهی اجمالی بر وضعیت پژوهش‌های مربوط به کار کودک و کودکان کار در ایران، به اصول کلی پژوهش برای دستیابی به دانش کاربردی در این زمینه نیز خواهیم پرداخت.

بدیهی به نظر می‌رسد که اقدام علیه کار کودک باید بر روی بستری از دانش در مورد میزان شیوع و علل این مسئله در شرایط مورد نظر باشد. از طرفی برای این که بتوانیم راهبردهای مداخله را طراحی کنیم به طوری که زندگی کودکان کار را ارتقا بخشیم یا هم‌همی آنان را از کار منفک کنیم بایستی در مورد ابعاد زندگی و کار آنان اطلاعات بیشتر و دقیق‌تری داشته باشیم.

ما باید در مورد محیط کودکانی که کار می‌کنند بیش‌تر بیاموزیم و بفهمیم که چرا عده‌ای از کودکان کار می‌کنند، در این صورت است که روش‌های پیشگیرانه می‌توانند در آینده‌ی کودکان را از اشتغال در کارهای مشابه بازدارند. برای دستیابی به چنین بینشی و شناخت جامع مسئله، انجام پژوهش‌هایی درست، تام، تمام و تکیه بر داده‌ها و نتایج آنها ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

پرسش اول این است که سیاست‌گذاران و طراحان برنامه بیش‌تر به چه چیزی نیاز دارند؟ داده‌های کمی (مثل آمارها)، یا اطلاعات کیفی درباره‌ی کار و زندگی کودکان؟ پاسخ روشن این است که هر دو نوع از داده‌ها مکمل یکدیگرند و در بسیاری از موارد هر دو مورد نیاز هستند. سیاست‌گذاران و طراحان برنامه بدون اعداد نمی‌توانند کاری کنند. علت آن است که زیاد بودن تعداد کودکان کار به‌ویژه کودکانی که در شرایط سخت کار می‌کنند راحت‌تر می‌تواند هزینه‌های پروژه‌ها و برنامه‌هایی که برای آنان طراحی شده را توجیه کند. وقتی از وسعت و فراوانی کودکانی که تحت شرایط نامناسب کار می‌کنند اطلاعاتی در دست داشته باشیم، صرف هزینه‌های پیش‌بینی شده اهمیت و مفهوم پیدا می‌کند و اولویت مسئله در مقابل سایر برنامه‌ها توجیه‌پذیر می‌شود.

مطالعات مربوط به کار کودکان به‌طور معمول توسط تیم‌های چند رشته‌ای مرکب از افراد متخصص انجام می‌شود و حداقل یکی از اعضای تیم باید متخصص علوم اجتماعی باشد. این تیم‌ها باید پژوهش را با روشی سازمان‌یافته و منطقی هدایت کنند، به‌ویژه بدین دلیل که منابع مالی پژوهش در این زمینه اغلب کم و توانمندی برای اجرای آن نیز محدود است. انتخاب روش بر مبنای طیف وسیع عوامل و تئوری‌های پژوهش خواهد بود.

پژوهش‌گران در تلاش برای یادگیری هرچه بیشتر، به‌طور معمول با گردآوری، تجزیه و تحلیل همه‌ی اطلاعات موجود مربوط به کار کودکان آغاز می‌کنند تا به یک دید کلی از موضوع دست یابند. این اطلاعات باید از مطالعات و پیمایش‌های آماری ملی، گزارش‌ها گزارش روزنامه‌ها و رسانه‌ها، کتاب‌ها، گزارش‌های مؤسسات پژوهش اجتماعی، پژوهش‌ها و پایان‌نامه‌های فارغ‌التحصیلی دانشجویان دانشکده‌ها، فعالیت‌ها و اقدام‌پژوهی‌های سازمان‌های مردم‌نهاد، وزارتخانه‌های بهداشت و درمان و آموزش و پرورش، وزارت کار و بهزیستی در سطح ملی، سازمان‌های مختلف، دفاتر کشوری سازمان‌های مختلف ملل متحد و نظایر آن حاصل شود.

لازم است پژوهشگران، شناختی هم از زمینه داشته باشند و جامعه‌ای که کودکان در آن کار و زندگی می‌کنند. همچنین وضعیت اقتصادی و سیاسی جامعه‌ی آنان و استانداردها و قوانین کشور را بشناسند (مثل حداقل سن قانونی کار، قوانین بهزیستی و رفاه کودکان یا قوانین استخدامی) و به استانداردهای بین‌المللی سازمان جهانی کار یا سازمان ملل مانند مقاله‌نامه‌ی ۱۳۸، ۱۸۲ و کنوانسیون حقوق کودک اکتفا نکنند. پژوهشگران باید بررسی کنند که آیا استانداردهای قانونی ملی و بین‌المللی دیده شده در منطقه به کار بسته می‌شود و اگر چنین است، چگونه؟ و اگر نه، چرا؟ محققان باید در مورد مؤسسات فعال در حوزه‌ی کار کودکان در کشور نیز اطلاعات خوبی داشته باشند. از این نقطه آغاز

خلأ عمیقی در دانش ما نسبت به فراوانی و گستره‌ی کار کودک در ایران وجود دارد. اظهار نظر در این زمینه، امری بسیار مشکل است چرا که بررسی و مطالعه‌ی دقیقی انجام نشده است. آمارهایی که آرایه می‌شوند تعداد کودکان کار را بین سیصد هزار تا هفت میلیون نفر برآورد می‌کنند و البته هیچ یک بر مطالعه یا سنجشی علمی بنا نشده‌اند.



چنان‌چه مشاهده می‌شود پژوهش‌ها در ایران (البته در نمونه‌های بررسی شده) فاقد جامعیت لازم برای ترسیم تصویری درست از پدیده‌ی کار کودک، فراوانی، گستره، نیمرخ جمعیت شناختی، گونه‌شناسی و آسیب‌شناسی است. بنابراین شناخت لازم از مسئله برای تدوین و طراحی برنامه‌ها و مداخلات موثر در زمینه‌های پیشگیری و مدیریت و کاهش آسیب به دست نمی‌دهد. علاوه بر آن کمتر پژوهشی وجود دارد که با همکاری تیمی بین رشته‌ای انجام شده باشد.

این پژوهشگران می‌توانند مشخص کنند که چه موضوعات دیگری درباره‌ی کار کودکان در محل یا منطقه لازم دارند و همین‌طور می‌توانند براین اساس حدس درستی در مورد این‌که چه یافته‌هایی مفیدتر خواهد بود داشته باشند. محققان با در کنار هم قرار دادن این موارد می‌توانند یک نقشه یا طرح عملی برای گردآوری انواع داده‌هایی که فکر می‌کنند هم لازم است و هم مفید، فرمول‌بندی کنند. بنابراین، چهارچوبی برای آنالیز، تجزیه و تحلیل لازم است که بر تعاریف شفاف کار کودک و به‌ویژه بدترین اشکال کار کودک بنا شده باشد. پژوهشگران باید اصطلاحات را تعریف کنند و بر نوع کارشان تمرکز کنند و آن را شفاف سازند. آیا به همه‌ی انواع کار کودک علاقه دارند یا بر نوع خاصی از مشاغل و یا تنها به «بدترین اشکال» کار کودک توجه دارند؟ یا این‌که به کدام گروه سنی علاقه‌مند هستند؟ خلأ عمیقی در دانش ما نسبت به فراوانی و گستره‌ی کار کودک در ایران وجود دارد. اظهار نظر در این زمینه، امری بسیار مشکل است چرا که بررسی و مطالعه‌ی دقیقی انجام نشده است. آمارهایی که ارائه می‌شوند تعداد کودکان کار را بین سیصد هزار تا هفت میلیون نفر برآورد می‌کنند و البته هیچ‌یک بر مطالعه یا سنجشی علمی بنا نشده‌اند. در واقع ما نه از فراوانی کار کودک در ایران اطلاع درستی داریم و نه از روند تغییر آن، نه از ترکیب جمعیت شناختی کودکان کار مطلعیم و نه از توزیع جغرافیایی آن، نه از دلایل کار کودکان ایران مطلعیم و نه از پیامدها و آسیب‌های ناشی از آن بر کودکان، جامعه و توسعه‌ی ملی.

سرشماری‌های نفوس و مسکن و نیروی کار گرچه نشانه‌هایی از اشتغال به کار کودکان در برخی مشاغل دارند اما به دلیل ویژگی‌های روش شناختی خود نمی‌توانند به داده‌های مرتبط و مورد نیاز در این زمینه دست پیدا کنند. بنیان‌های نظری این سرشماری‌ها با بنیان‌های نظری مرتبط با پژوهش‌های حوزه‌ی کار کودک تفاوت‌هایی جدی دارند و تیم‌های طراحی و اجرای این پروژه‌ها شناخت مناسبی از موضوع کار کودک، مفاهیم و ویژگی‌های آن ندارند و با موازین، استانداردها، قوانین و نیازهای آن آشنا نیستند و هدفشان نیز با این موضوع هم راستا نیستند.

تاکنون مطالعه‌ای با روش توصیه شده‌ی سازمان جهانی کار که پیمایش ملی کار کودک نامیده می‌شود صورت نگرفته است. از پژوهش‌هایی که بعضی به سفارش برخی نهادها انجام شده است در موارد معدودی به روش پیمایشی مطالعه شده است مثل جمعیت کودکان کار و خیابان تهران، البرز و برخی شهرهای دیگر یا وضعیت زباله‌گردی کودکان در تهران تحت عنوان یغمای کودکی (احمدی، کامیل؛ ۱۳۹۹) و پژوهش جمعیت دانشجویی امام علی. برخی مطالعات حاصل از اقدام‌پژوهی‌ها مثل نتایج حاصل از طرح حمایت کودک و خانواده‌ی سازمان بهزیستی استان تهران و یا نتایج حاصل از اجرای طرح به اصطلاح ساماندهی کودکان کار و خیابان نیز نیم‌رخ‌هایی از بخشی از جمعیت به دست داده است اما هیچ‌یک از این داده‌ها برای شناخت عمیق و درست مساله کفایت علمی ندارند.

در حوزه‌ی آکادمیک نیز پژوهشی جامع در این زمینه صورت نگرفته است. برخی دانشجویان پایان‌نامه‌های خود را با موضوع کار کودک و کودکان کار انتخاب کرده‌اند ولی این دسته از مطالعات نیز چند ایراد اساسی دارند: اول این‌که هریک از این مطالعات بخشی از ویژگی‌های زیستی، روانی و اجتماعی کودکان را مورد بررسی قرار داده‌اند مانند مقایسه‌ی تبحر حرکتی کودکان کار و کودکان مدرسه‌ای (عبدلی، بهروز و همکاران، ۱۳۹۱)^۱ خودپنداری در کودکان کار و خیابان (اسدپور، عهدیه، اعظم آزاد؛ منصوره؛ ۱۳۹۹)^۲، بررسی سلامت اجتماعی کودکان کار و خیابان... (مرادی، اکبر و همکاران؛ ۱۳۹۳)^۳، امید به آینده، روابط دلبستگی و مشکلات هیجانی رفتاری کودکان کار (سیمبر، سیما و همکاران؛ ۱۳۹۳)^۴، بررسی تصمیم به اشتغال و تحصیل کودکان کار در ایران (شهرکی مهدی، قادری سیمین؛ ۱۳۹۱)^۵، پیش‌بینی تاب‌آوری کودکان کار (پاسیار، سولماز و همکاران؛ ۱۳۹۵)^۶ بررسی وضعیت تغذیه‌ای کودکان کار در شهر کرمانشاه (پاسدار، یحیی و همکاران؛ ۱۳۹۳)^۷ تجربه‌ی زیسته‌ی کودکان کار شهر تبریز از احساس تنهایی (ایمان زاده، علیپور، سریه؛ ۱۳۹۸)^۸ و تعیین‌کننده‌های اجتماعی - اقتصادی اعتماد عام در بین کودکان کار

۱. نشریه‌ی رفتار حرکتی - دوره‌ی ۴ - شماره‌ی ۱۰

۲. نشریه‌ی پرستاری ایران - دوره‌ی ۳۰ - شماره‌ی ۱۰۹

۳. مجله‌ی دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان - دوره‌ی ۱۴ - شماره‌ی ۱۱

۴. نشریه‌ی سلامت روان کودکان - دوره‌ی ۶ - شماره‌ی ۳

۵. نشریه‌ی اقتصاد مقداری - دوره‌ی ۹ - شماره‌ی ۴

۶. نشریه‌ی سلامت روان کودکان - دوره‌ی ۵ - شماره‌ی ۴

۷. نشریه‌ی دانشگاه علوم پزشکی سبزوار (اسرار) - دوره‌ی ۲۱ - شماره‌ی ۴

۸. نشریه‌ی مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران - دوره‌ی ۸ - شماره‌ی ۲

مراجعه‌کننده به مراکز مردم‌نهاد تهران (مرادی، اکرم و همکاران؛ ۱۳۹۵)^۹. دوم این‌که از نظر تعداد نمونه و روش نمونه‌گیری آنقدر محدود هستند که قابلیت تعمیم کلی ندارند. دست‌های از پژوهش‌ها نیز به برخی و گونه‌ای از مداخلات و اثربخشی آن بر کودکان کار پرداخته‌اند مثل تأثیر برنامه‌ی آموزش فلسفه برای کودکان بر خودتنظیمی هیجانی کودکان کار (فتیحی آذر، اسکندر و همکاران؛ ۱۳۹۸)^{۱۰}. تأثیر مشاوره‌ی گروهی راه حل محور بر خودکارآمدی و حمایت اجتماعی کودکان کار (خانیک، الهه، معتمدی، عبدالله؛ ۱۳۹۶)^{۱۱}. تأثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی بر عزت نفس و ابعاد هویتی کودکان کار (سیادت، سیدمرتضی، جدیدی، محسن؛ ۱۳۹۴)^{۱۲}. تأثیر ورزش‌های ایستگاهی و مهارتی بر پرخاشگری و افسردگی کودکان کار و خیابان (حسینی، سمیه و همکاران؛ ۱۳۹۷)^{۱۳}. اثربخشی آموزش تغییر درک زمان بر اضطراب و خودکارآمدی کودکان کار (علیزاده‌فرد، سوسن؛ ۱۳۹۸)^{۱۴}. بررسی نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در توانمندسازی کودکان کار خیابانی (شکوری، علی؛ ۱۳۹۳)^{۱۵}.

تعدادی از پژوهش‌ها جنبه‌های حقوقی کار کودک را مورد توجه قرار داده‌اند مانند آسیب‌شناسی حقوق کار کودکان و نوجوانان در کسب و کارهای خانوادگی (مهدوی مزینانی، زهرا؛ مزینانی، مجتبی؛ ۱۳۹۰)^{۱۶}. بررسی وضعیت کار کودکان در حقوق ایران از منظر ماده‌ی ۴ اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر (رحمتی فر، سمانه؛ ۱۳۹۷)^{۱۷}.

اما در این بین معدودی از پژوهش‌ها نیز به ارزیابی وضعیت کودکان کار و علت‌شناسی پرداخته‌اند. تحلیلی بر وضعیت کودکان خیابانی و کار در شهر اصفهان (شهرکی، مهدی؛ قادری، سیمین؛ ۱۳۹۱)^{۱۸} تعداد ۱۲۲ کودک ۶ تا ۱۴ ساله کار در خیابان شهر اصفهان را مورد مطالعه قرار داده و وضعیت کار، درآمد، بزهکاری و خانواده را مطالعه کرده است. یکی دیگر از پژوهش‌ها تحت عنوان وضعیت کودکان کار و خیابان در ایران (حسینی سیدحسین؛ ۱۳۸۴)^{۱۹} که با ۵۰۶ نمونه در پنج مرکز استان (تهران، مشهد، رشت، شیراز و اهواز) به مطالعه‌ی وضعیت جمعیت شناختی کودکان کار و علت‌شناسی کار آنان پرداخته است. عهده‌اسدیپور و منصوره اعظم آزاد (۱۳۹۱) نیز در یک پژوهش به فرا تحلیل ۱۵ پژوهش مرتبط با کار کودک در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۹۸ پرداختند که بیشتر به دنبال متغیرهای مرتبط با علت‌شناسی کار کودک بودند^{۲۰}. کار آقای اکبر زارع شاه‌آبادی و همکاران (۱۳۸۸) نقش خانوادگی نابسامان بر پدیده‌ی کودکان کار در استان یزد^{۲۱} نیز از این جنس است و در نهایت کاری تحت عنوان بررسی عوامل مؤثر بر بروز پدیده‌ی کودکان کار و خیابان ایران (دارابی، حسن؛ ۱۳۸۷).

در باب پیامدهای کار کودک نیز می‌توان به مقاله‌ی شناسایی آسیب‌های پیش‌روی کودکان کار روستایی در فعالیتهای کشاورزی دهستان ماهیدشت (میرک‌زاده علی‌اصغر و همکاران؛ ۱۳۹۵)^{۲۲} و بررسی بزه دیده‌شناسی کودکان کار (شیشه‌گران، مریم؛ حاجی‌ده‌آبادی، محمدعلی؛ ۱۳۹۷)^{۲۳} اشاره کرد.

دست‌های دیگر از پژوهش‌ها رویکردی مردم‌شناسانه را تعقیب کرده‌اند و بیشتر به رفتارشناسی گروه هدف پرداخته‌اند. این دسته از پژوهش‌ها نیز از نظر تعداد و گستره‌ی محدود هستند. از آن جمله می‌توان اشاره کرد به مطالعه‌ی انسان‌شناسانه‌ی پدیده‌ی کودکان کار خیابانی در شهر البرز (ایمانی نفیسه، نرسیسیانس، امیلیا؛ ۱۳۹۱)^{۲۴}. مقاله‌ی سیمای کودکان کار در آثار داستانی کودک و نوجوان فارسی پس از انقلاب اسلامی

برای پژوهش کمی و کیفی به طور مشابه، لحاظ کردن موفقیت‌های متفاوت دختران و پسران از اهمیت برخوردار است. تفاوت‌های مهمی بین سهم مشارکت، نیازها، اضطراب و فشار، فرصت‌ها و دلایل در معرض کار زودرس بودن وجود دارد. کارهای آماری و پژوهش باید به‌طور کامل بُعد جنسیتی کار کودک را به منظور تأمین مبانی و پایه‌هایی برای دخالت‌های مؤثر و هدف‌مند اخذ کنند.

۹. نشریه‌ی رفاه اجتماعی - دوره‌ی ۱۶ - شماره‌ی ۱۶۱

۱۰. نشریه‌ی تفکر و کودک - دوره‌ی ۱۰ - شماره‌ی ۲

۱۱. نشریه‌ی سلامت روان کودک - دوره‌ی ۴ - شماره‌ی ۱

۱۲. نشریه‌ی روان‌شناسی تربیتی - دوره‌ی ۱۱ - شماره‌ی ۳۷

۱۳. نشریه‌ی روان‌شناسی ورزش - دوره‌ی ۳ - شماره‌ی ۱

۱۴. نشریه‌ی روان‌شناسی معاصر - دوره‌ی ۱۴ - شماره‌ی ۱

۱۵. نشریه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی - فرهنگی - دوره‌ی ۳ - شماره‌ی ۳

۱۶. نشریه‌ی خانواده‌پژوهی - دوره‌ی ۷ - شماره‌ی ۳

۱۷. مجله‌ی تحقیقات حقوقی - دوره‌ی ۲۱ - شماره‌ی ۸۲

۱۸. نشریه‌ی جامعه‌شناسی کاربردی - دوره‌ی ۲۳ - شماره‌ی ۴

۱۹. فصلنامه‌ی علمی پژوهشی رفاه اجتماعی - سال پنجم - شماره‌ی ۱۹

۲۰. نشریه‌ی جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی - دوره‌ی ۷ - شماره‌ی ۱۶

۲۱. نشریه‌ی انتظام اجتماعی - دوره‌ی ۳ - شماره‌ی ۳

۲۲. نشریه‌ی پژوهش‌های روستایی - دوره‌ی ۷ - شماره‌ی ۳

۲۳. فصلنامه‌ی علمی حقوقی قانون‌یار - دوره‌ی دوم - شماره‌ی هشتم

۲۴. مسایل اجتماعی ایران - دوره‌ی ۳ - شماره‌ی ۱

رویکرد کیفی، درک عمیق تری از شرایطی که کودکان در آن زندگی و کار می‌کنند به دست می‌دهد. این روش ما را قادر می‌سازد درباره‌ی اثرات متغیرهایی مانند متغیرهای اقتصادی - اجتماعی و زمینه‌ی فرهنگی، شرایط محیط کار و خارج از محیط کار، رفاه و بهزیستی کودکان بیش‌تر یاد بگیریم و در مورد این سوال مهم که چرا کودکان کار می‌کنند پاسخی به دست آوریم.

(خجسته، فرامز و همکاران؛ ۱۳۹۶) را هم می‌توان در این دسته قرار داد. در مورد سیاست‌گذاری و کنترل، کار مجتبی باقری نودشکی (۱۳۹۲) با عنوان کفایت (خط فقر شریعت) مقیاسی قوی در دست حاکم^{۲۶} برای جلوگیری از کار کودکان و مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی نسبت به کودکان کار (صمیمی فرد، زینب، تاج مزینانی، علی اکبر؛ ۱۳۹۵) جالب است.

چنانچه مشاهده می‌شود پژوهش‌ها در ایران (البته در نمونه‌های بررسی شده) فاقد جامعیت لازم برای ترسیم تصویری درست از پدیده‌ی کار کودک، فراوانی، گستره، نیم‌رخ جمعیت شناختی، گونه‌شناسی و آسیب‌شناسی است. بنابراین شناخت لازم از مساله برای تدوین و طراحی برنامه‌ها و مداخلات موثر در زمینه‌های پیشگیری و مدیریت و کاهش آسیب به دست نمی‌دهد. علاوه بر آن کمتر پژوهشی وجود دارد که با همکاری تیمی بین رشته‌ای انجام شده باشد.

در ادامه رویکردها و مسایل مربوط به پژوهش در زمینه‌ی کار کودک مورد بررسی قرار می‌گیرد.

رویکرد کمی^{۲۷}

در رویکرد کمی، پژوهشگران در جستجوی اعداد و ارقام مورد نیاز، پرسش‌هایی در مورد «چه تعداد» و «چقدر» مطرح می‌کنند. پژوهشگران به‌ویژه آمارگران تلاش دارند تعداد کودکان درگیر کار را برآورد کنند. بنابراین روش‌شناسی‌های پیمایشی^{۲۸} سنتی و خلاقانه را برای جمع‌آوری داده‌های آماری به کار می‌گیرند. سرشماری‌های جمعیت ملی و پیمایش‌های نیروی کار به عنوان روش‌های پیمایشی سنتی به‌طور معمول برای مطالعه کار کودکان توصیه نمی‌شوند. این مطالعات پیمایشی برای دستیابی به کار کودکان در سن مدرسه (و به‌طور مطمئن کسانی که فعالیت‌شان ممکن است غیرمشهود^{۲۹} و پنهان^{۳۰} باشد) مناسب نیست، اما این روش‌ها داده‌های پایه‌ای سن و جنس را فراهم می‌آورند که برای مشخص کردن تعداد کودکانی که در منطقه یا در شهرهای کوچک و بخش‌ها حضور دارند مناسب هستند. این اطلاعات برای اندازه‌گیری تعداد کودکانی که کار می‌کنند به عنوان بخشی از همه‌ی کودکان آن جمعیت اساسی هستند.

سازمان جهانی کار یک روش‌شناسی ویژه برای محاسبه‌ی کودکان کار طراحی کرده که پیمایش ملی کار کودکان^{۳۱} نامیده شده است. این روش و مدل در کشورهای مختلفی برای تولید داده‌های کشوری در زمینه‌ی فعالیت‌های اقتصادی کودکان سنین بین ۵ تا ۱۷ ساله انجام شده است. این پیمایش که پیمایش خانواده‌محور^{۳۲} شناخته می‌شود از خانواده‌هایی که به عنوان نمونه در مناطق منتخب برگزیده شده‌اند برای پیش‌بینی در مورد رفتار خانواده‌ها در آن منطقه یا در کل کشور استفاده می‌کنند، پاسخ‌گوها، والدین یا مراقبان و کودکانی هستند که در یک خانواده زندگی می‌کنند. این پرسش‌نامه‌ها گاهی به عنوان یک پیمایش مستقل اجرا می‌شود یا گاهی به عنوان ضمیمه همراه یک پیمایش خانواده‌محور ملی دیگر نظیر پرسشنامه‌ی ملی نیروی کار مورد استفاده قرار می‌گیرد. رویکرد پایه، اجرای پرسش‌نامه در نمونه‌ای از خانواده‌هاست که تا حد ممکن نماینده‌ی همه‌ی خانواده‌هاست. اندازه و شکل نهایی نمونه بایستی توسط «جامعه‌ی کل» که تعداد کل خانواده‌ها در کشور است تعیین شود و باید منعکس‌کننده‌ی وضعیت آن جامعه باشد.

این پیمایش‌های خانواده‌محور اطلاعات کشوری در مورد ویژگی‌های خانواده (مثل دسترسی به آب و برق)، وضعیت مهاجرت، زمینه‌های (پیشینه‌ی) آموزش والدین، درآمد، فعالیت‌های کودکان در زمینه‌ی خانه‌داری، شرایط منزل، وضعیت اسکان و فعالیت‌های آموزش و مدرسه را گردآوری می‌کند. پرسش‌هایی با جزئیات درباره‌ی کار کودکان مطرح می‌شود شرایط کارکردن‌شان، پرداخت کارفرما، و نظایر آن بررسی می‌شود. پرسش‌هایی در مورد خطرها، در مورد نگرش و ادراک والدین و در مورد این که آیا به‌طور منظم به مدرسه می‌روند یا خیر پرسیده می‌شود. کودکانی که دور از منزل زندگی می‌کنند نیز در این پرسش‌نامه‌ها پوشش داده می‌شوند. بدین طریق، مصاحبه‌کنندگان می‌توانند در مورد این که

۲۵. متن پژوهی ادبی - دوره‌ی ۲۱ - شماره‌ی ۷۳

۲۶. پژوهش‌های رشد و توسعه پایدار - دوره‌ی ۱۳ - شماره‌ی ۱

quantitative approach .27

methodologies .28

Invisible .29

hidden .30

National child Labour survey .31

household - based. 32



چند کودک در جای دیگری کار می‌کنند نیز اطلاعاتی به دست آورند. یک منبع خطا این جاست که، والدین همیشه نمی‌دانند که کودکان‌شان چه کار می‌کنند و ممکن است کودکان در حضور والدین پاسخ درستی به مصاحبه‌کنندگان ندهند. این مسئله به‌خصوص در موارد بهره‌کشی جنسی کودکان حتی وقتی کودکان در منزل زندگی می‌کنند نیز والدین از آن آگاه نیستند. منبع دیگر بالقوه‌ی اشتباه و خطا آن است که والدین نخواهند بپذیرند که کودکان‌شان کار می‌کنند، به‌ویژه وقتی می‌دانند که کار کودکان‌شان غیرقانونی است.

انواع دیگری از پیمایش‌ها نیز وجود دارد که اطلاعات معتبری از مجموعه‌های متفاوتی که کودکان در آن یافت می‌شوند فراهم می‌کند. یکی از پیمایش‌ها هدفش کودکان خیابانی است که ممکن است در پیمایش‌های خانواده‌محور به حساب نیایند. پیمایش‌های مبتنی بر کودکان کار در خیابان^{۳۳} به مصاحبه‌ی تصادفی کودکان متکی است و اگر میسر شد کارفرمایان یا مشتریان آن‌ها با استفاده از پرسش‌های مطرح شده در پیمایش ملی نیز مورد پرسش قرار می‌گیرند. به‌علاوه پژوهشگران از این پیمایش برای جستجوی اطلاعات مربوط به وضعیت مهاجرت کودکان - روابط آنان با والدین‌شان و دلیل ترک منزل، و برنامه‌ی آن‌ها برای آینده استفاده می‌کنند.

رویکرد گردآوری داده‌ها به نوع و گونه‌ی کودکان خیابانی بستگی دارد. طبقه‌ی اول شامل کودکانی است که در خیابان کار می‌کنند و با والدین یا مراقبان‌شان هستند. در این مورد رویکرد پژوهش شامل پیمایشی است که در خانواده انجام می‌شود. طبقه‌ی دوم شامل کودکانی است که در خیابان کار و زندگی می‌کنند و محل دیگری برای اقامت ندارند. برای این طبقه، مصاحبه‌های تصادفی با کودکان و پیمایش‌های متصدیان غیررسمی استخدام‌کننده‌ی کودکان مورد استفاده قرار می‌گیرد.

پیمایش دیگر پیمایشی با گروه هدف کارفرمایان است که پیمایش بنگاه - محور^{۳۴} نامیده شده است. کارفرمایان از لیست بنگاه‌هایی (تجارت‌ها) که توسط خود بچه‌ها در پیمایش‌های خانواده‌محور به عنوان مکان‌هایی که کودکان را به کار می‌گیرند استخراج شده انتخاب می‌شود. یک پرسش‌نامه از کارفرمایان در مورد شرایط کار، دستمزدها، ساعات، خدمات و بیماری‌ها سؤال می‌کند. این پرسش‌نامه هم‌چنین به دنبال اطلاعاتی در مورد دلایلی است که کارفرمایان کودکان را به کار می‌گیرند و روش استخدامی که مورد استفاده قرار می‌گیرد. پیمایش‌های بنگاه-محور تا حد زیادی بر سیاهه‌های حقوق و گزارش‌های تجاری تکیه می‌کنند. کاستی‌های اصلی این است که پیمایش محدود به بنگاه‌های بزرگ است کارگران حقوق‌بگیر را در بر می‌گیرد و به‌ویژه شاخه‌هایی مانند کارخانجات، ساخت‌وساز و معدن را پوشش می‌دهد. این موارد گونه‌ای از موانع هستند زیرا در بسیاری از کشورها کار کودکان در بخش‌های غیررسمی متمرکز است.



پیمایش دیگر پیمایش مدرسه‌محور^{۳۵} است. که اطلاعات را از کودکان کاری جمع‌آوری می‌کند که مدرسه هم می‌روند. این پیمایش از معلم‌ها و مدیران در مورد درک‌شان از کار کودک و عملکرد کودکان کار و درباره‌ی غیبت، نرخ پیشرفت و سایر متغیرها برای مقایسه با سایر کودکان که در مدرسه هستند و کار نمی‌کنند پرسش می‌کند. این پژوهش‌ها سعی دارند از طریق مصاحبه با کودکان، برخی از فاکتورهای وابسته به مدرسه که ممکن است تأثیری بر ورود کودک به کار داشته باشند نظیر هزینه‌های بالای مدرسه و درک کودکان از مدرسه رفتن را ارزیابی کنند.

پیمایش‌های مدرسه‌محور هدفشان تعیین اثر کار کردن بر عملکرد تحصیلی و نگرش کلی کودکان کار نسبت به مدرسه رفتن است. باید تأکید شود که این پیمایش‌ها کودکانی که کار نمی‌کنند را هم به عنوان گروه کنترل^{۳۶} در بر می‌گیرد. این امر به پژوهشگران اجازه می‌دهد داده‌ها را در یک چشم‌انداز قرار دهند.

به‌طور تقریب بر اساس این انواع پیمایش‌ها، فهرستی از «شاخص‌های»^{۳۷} کار کودکان برای تأمین مجموعه‌ای از اقدامات و اصطلاحات مرسوم برای مرتب‌سازی و طبقه‌بندی اطلاعات جمع‌آوری شده ایجاد شده است. کاربرد شاخص‌ها، مقایسه موقعیت‌های متفاوت کودکان کار در مناطق مختلف جهان - یا حتی در بخش‌های مختلف یک کشور یا منطقه با استفاده از شاخص‌های مرسوم برای این کار را میسر می‌سازد. پنج شاخص مرکزی بر مبنای متغیرهای کلیدی به شرح زیر است:

۱. شیوع و ویژگی‌های کار کودکان (به‌طور مثال زمان، صنایع مورد اشتغال، شدت کار و غیره)
۲. شیوع و ویژگی‌های کودکان کار (به‌طور مثال کودکان کار بر حسب گروه‌های سنی و جنسی، شدت کار و حضور در مدرسه، صنعت، موقعیت و غیره)
۳. وابسته‌ها و علل کار کودکان (اندازه‌ی خانواده و وابستگی، ساختار خانواده، سطح آموزشی و تحصیلات والدین، شوک‌های اقتصادی، دلایلی برای کار کردن، پس‌انداز و مشارکت در درآمد خانواده)
۴. سلامت (مثل شرایط مخاطره‌آمیز، صدمات/بیماری‌ها، بهزیستی خانواده)
۵. آموزش (مثل پیوستن به مدرسه، شدت و سختی کار و مدرسه، بیماری و دلایلی برای عدم حضور)

رویکرد کیفی^{۳۸} تحقیق برای اطلاعات عمیق

رویکرد کیفی، درک عمیق‌تری از شرایطی که کودکان در آن زندگی و کار می‌کنند به دست می‌دهد. این روش ما را قادر می‌سازد درباره‌ی اثرات متغیرهایی مانند متغیرهای اقتصادی - اجتماعی^{۳۹} و زمینه‌ی فرهنگی، شرایط محیط کار و خارج از محیط کار، رفاه و بهزیستی کودکان بیش‌تر یاد بگیریم و در مورد این سؤال مهم که چرا کودکان کار می‌کنند پاسخی به دست آوریم. برای جمع‌آوری داده‌های کیفی برخی تکنیک‌های پژوهشی وجود دارد از جمله کار میدانی مردم‌شناختی^{۴۰} که گاهی «مشاهده‌ی مشارکتی»^{۴۱} نامیده می‌شود که البته روشی سخت و زمان‌بر است در حالی که «ارزیابی سریع»^{۴۲} باید حداکثر ۶ ماهه انجام شود.

طیفی از روش‌های مورد استفاده در هر دو رویکرد عبارتند از: مشاهده^{۴۳}، مصاحبه‌ها^{۴۴} گروه‌های متمرکز^{۴۵} و جمع‌آوری داستان‌های زندگی کودکان. روش ارزیابی سریع که در مقیاسی وسیع برای پژوهش بر روی کار کودکان مورد استفاده قرار گرفته است از سایر ابزارها نیز استفاده می‌کند.

رویکرد کیفی محدودیت‌هایی دارد. این رویکرد به غیر از سطوح محدود محلی یا استانی به‌طور عموم داده‌های آماری تولید نمی‌کند. به‌علاوه، این رویکرد قدر و اندازه‌ها و

School – based survey .35

control group .36

Indicators .37

qualitative approach .38

Socio – economic .39

anthropological field work .40

participant observation .41

Rapid assessment .42

Observation .43

Interviews .44

Focus groups .45

آیا کار کودکان یک مسئله‌ی منطقه‌ای است یا مسئله‌ی ملی است؟ در چه سطحی باید با آن مبارزه کرد؟ سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان می‌توانند از نتایج پژوهش‌ها برای طراحی برنامه‌ها استفاده کنند. می‌توان برای پروژه‌هایی با هدف کمک به کودکانی که کار می‌کنند بودجه‌ها و منابعی اختصاص داد یا منابعی را به اقدامات پیشگیرانه‌ای اختصاص داد که هدفشان کودکانی است که پتانسیل کودک کار شدن را دارند تا مبادا پا جای پای کودکان کار فعلی بگذارند.

چشم‌اندازی را که برنامه‌ریزان ملی اغلب به آن نیاز دارند، تأمین نمی‌کند. این‌ها دلایلی هستند که روش‌های کمی و کیفی هم‌دیگر را تکمیل می‌کنند و این دو روش انواع مختلفی از اطلاعات را فراهم می‌کنند و هرگاه هر دو در یک موقعیت مشابه کار کودکان به کار روند، تصویر کامل‌تری از کار کودکان در یک صنعت، منطقه یا حتی کل یک کشور حاصل می‌شود. برای مثال، با استفاده از هر دو رویکرد، انجام پژوهش در مورد اشتغال کودکان در یک شغل در محل‌ها و موقعیت‌های متفاوت هم به صورت آماری و هم از طریق پژوهش کیفی امکان‌پذیر است و همراه با تصویری دقیق از گستره‌ی این شغل مشخص می‌شود که واجد چه چیزهایی است، مضرات و مخاطرات بهداشتی آن چیست و چند کودک در حال حاضر تحت تأثیر آن‌ها هستند. خطرات و ریسک‌های مجرمانه آن چیست و اگر چنین مخاطراتی دارد چند کودک آن را تجربه کرده‌اند، چند کودک وارد چنین کاری شده‌اند و کدام جمعیت کودکان در آینده به این شکل وارد خواهند شد.

برای پژوهش کمی و کیفی به طور مشابه، لحاظ کردن موفقیت‌های متفاوت دختران و پسران از اهمیت برخوردار است. تفاوت‌های مهمی بین سهم مشارکت، نیازها، اضطراب و فشار، فرصت‌ها و دلایل در معرض کار زودرس بودن وجود دارد. کارهای آماری و پژوهش باید به‌طور کامل بُعد جنسیتی کار کودک را به منظور تأمین مبانی و پایه‌هایی برای دخالت‌های مؤثر و هدف‌مند اخذ کنند.

مصاحبه به عنوان یک تکنیک پژوهش

پژوهشگران تمایل دارند کسانی که اطلاعاتی در مورد کار کودکان و کودکان کار دارند را شناسایی و با آنان مصاحبه کنند. در اغلب مجموعه‌ها و مناطقی که کودکان کار می‌کنند برخی از مردم با آن‌چه این کودکان انجام می‌دهند آشنا هستند و ممکن است اطلاعات زیادی در مورد شرایط زندگی و کارشان داشته باشند. این آگاهان ممکن است معلم‌ها مقامات محلی، رهبران اجتماعی، اعضای اتحادیه‌های صنفی یا سازمان‌های کارفرمایی یا رهبران فعالیت‌های اجتماعی غیردولتی یا سازمان‌های داوطلبی باشند. این افراد اگر رضایت داشته باشند می‌توان به‌صورت انفرادی با آنان مصاحبه کرد. روش دیگر مصاحبه با این افراد مطلع، دعوت از آنان برای شرکت در «گروه‌های متمرکز»^{۴۶} است که گروه‌های ویژه‌ی سازمان‌یافته در مورد یک موضوع یا مساله هستند. تشکیل این گروه‌ها می‌تواند باعث صرفه‌جویی در وقت شوند، به‌طور کامل خلاق باشند و پژوهشگران دیدگاه‌ها و چشم‌اندازهای متفاوتی از آن به‌دست آورند. یک تصمیم‌گیر یا رهبر خوب می‌تواند چنان فضایی ایجاد کند که افراد را ترغیب به گفتگوی صمیمانه در گروه کند. گاهی گروه‌های متمرکز ممکن است مرکب از برخی کودکان کارگری باشد که هدف پژوهش هستند. افراد دیگر برای مصاحبه، کسانی هستند که به‌صورت مستقیم با کودکان کار ارتباط دارند، مانند کارفرماهای کودکان و والدین آن‌ها. گاهی کودکان برای خانواده‌ی خود، کار می‌کنند مثل کار در مزارع خانوادگی یا در صنایع دستی یا کارهای خانگی. گاهی نیز کودکان به‌طور احتمال کارفرمایی دارند و ممکن است لازم نباشد مستقل در خیابان کار کنند. مصاحبه‌کننده‌ها سعی می‌کنند به کودکان و کارفرمایان‌شان دسترسی پیدا کنند. مصاحبه‌کننده‌ها هم‌چنین سعی می‌کنند با والدین نیز مصاحبه کنند البته نه از نوع مصاحبه‌هایی که در ارزیابی سریع و با پرسش‌نامه‌های خانواده‌محور انجام می‌شود بلکه مصاحبه‌های عمیق با پرسش‌هایی که جزئیاتی در مورد کودک، خانواده، کار کودک و سابقه‌ی تحصیلی را مورد بررسی قرار می‌دهد.

البته مشکلات اجرا و انجام مصاحبه مشکلاتی جدی هستند:

اول این‌که، ممکن است یک مشکل ارتباطی وجود داشته باشد، مثل وقتی زبان مصاحبه‌کننده و مصاحبه‌شونده یک‌سان نیست و اختلاف زبان محلی وجود دارد. بهترین پژوهشگران کسانی هستند که به زبان یا لهجه‌ی محلی صحبت می‌کنند و کسانی که با وضعیت عمومی منطقه و محل آشنا هستند.

دوم این‌که مصاحبه‌کننده‌ها از جنس‌ها، گروه‌های طبقاتی، قومی مغایر و متفاوت از مصاحبه‌شونده باشند که در برخی جوامع ممکن است ایجاد مانع کند و سدی در مصاحبه باشد. سوم این‌که، همه‌ی کشورها قوانینی بر علیه برخی اشکال کار کودک دارند و بسیاری از کودکانی که کار می‌کنند این کارها را به صورت غیرقانونی انجام می‌دهند. بسته به سن، زمانی از روز که کار می‌کنند، نوع کاری که انجام می‌دهند و شرایط کار، این کودکان ممکن است

پژوهشگران تمایل دارند کسانی که اطلاعاتی در مورد کار کودکان و کودکان کار دارند را شناسایی و با آنان مصاحبه کنند. در اغلب مجموعه‌ها و مناطقی که کودکان کار می‌کنند برخی از مردم با آن‌چه این کودکان انجام می‌دهند آشنا هستند و ممکن است اطلاعات زیادی در مورد شرایط زندگی و کارشان داشته باشند.

کودکان کار و غیرقانونی باشند. بنابراین، مایل نیستند واقعیت‌ها را برای مصاحبه‌کننده‌های غیر «بیان» کنند، چون می‌ترسند کارشان را از دست بدهند و والدین‌شان هم تمایلی به افشای آن ندارند. کارفرمایان نیز نمی‌خواهند اذعان دارند که کودکان را به کار می‌گیرند زیرا می‌ترسند که بازرسان کار، آن‌ها را پیدا کنند. به همین دلایل و دلایلی دیگر گاهی کار کودک «مخفی» است، واقعیتی که مصاحبه کردن و حتی گاهی سرشماری و محاسبات را مختل می‌سازد. در برخی جوامع که مردم می‌دانند که کار کردن کودکان غیرقانونی است تعداد کمی از مردم ممکن است مایل به گفتگو در مورد کار کودکان باشند.

به‌علاوه، تعداد زیادی از کودکان به کارهایی می‌پردازند که از چشم عموم پنهان است، برای مثال به عنوان خانه‌شاگرد و پشت درهای بسته کار می‌کنند و ممکن است مصاحبه‌کننده‌ها برای رسیدن به آنان مشکلاتی جدی داشته باشند چرا که این کودکان تنها از کارفرمایان فرمان می‌برند. مطالعه‌ای در نپال (شارما^{۴۷} و همکاران، ۲۰۰۱) به عنوان کشوری که خانه‌شاگردی در آن رایج است، این مسئله را به روشنی بررسی و به جای روش اصلی روش جایگزینی را بررسی کرد: دو مصاحبه‌گر هم‌زمان به یک منزل رفتند و در حالی که یکی از مصاحبه‌کننده‌ها با صاحبخانه مصاحبه می‌کرد، دیگری با کودکی که در آن خانه کار می‌کرد مصاحبه داشت. با این روش مصاحبه‌کننده‌ها به کودکانی دست پیدا کردند که در غیر این صورت قادر به مصاحبه با آنان نبودند ولی این گروه توانستند به‌طور مستقیم در منزل کارفرما به‌طور خصوصی با آنان مصاحبه کنند. شاید این روش در جای دیگری هم برای مطالعه خانه‌شاگردی کودکان ضامن موفقیت بیش‌تر باشد.

به‌طور کلی، قبل از شروع، پژوهشگران وظایف سختی دارند: پیدا کردن خیابان‌ها و مسیرهای دسترسی به کودکان کار و جمع‌آوری اطلاعات درباره‌ی آن‌ها از محیط بلافصل‌شان. هرچه کار غیرقانونی‌تر و خطرناک‌تر باشد، این وظیفه سخت‌تر و حتی گاهی مخاطره‌آمیز نیز هست. اما این تنها مورد سختی پژوهش در مورد کار کودکان نیست. در دنیای در حال توسعه و بسیاری از کشورهای در حال گذار، هزاران کودک مشغول به کار در خیابان خدمات خود را ارائه می‌دهند. نظیر واکس زدن کفش، شست‌وشوی شیشه‌ی خودروها، یا کار کردن در فروشگاه‌های کوچک، دست‌فروشی، یا کار کردن در فروشگاه‌ها به عنوان پیک و باربر، بسیاری مشاغل دیگر و بنابراین برای مصاحبه‌گران قابل پیگیری هستند.

نوع پرسش‌هایی که مصاحبه‌کنندگان می‌پرسند بستگی دارد به فرد مصاحبه‌شونده شرایطی که مصاحبه در آن انجام می‌شود و آنچه پژوهشگر امیدوار است به آن دست یابد. پرسشنامه‌های رسمی می‌تواند یک ساعت یا بیش‌تر وقت بگیرد و کودکان نمی‌توانند به‌راحتی به آن پاسخ دهند. به‌ویژه کودکان کوچک‌تر، که توجه‌شان به آسانی منحرف می‌شود (یا اگر روزی طولانی را کار کرده باشند ممکن است خواب‌شان ببرد). اگر پرسشنامه مورد استفاده قرار می‌گیرد، برای مشخص کردن این‌که آیا این پرسش‌نامه در استخراج اطلاعات مورد نیاز مؤثر هست یا نه باید مورد ارزیابی موقت قرار گیرد. اگر هیچ پرسش‌نامه‌ای مورد استفاده قرار نمی‌گیرد، پژوهشگر سعی می‌کند به‌طور هوشمندانه‌ای گفتگو را به سمت موضوعات یا مسائلی پیش ببرد که برای گردآوری اطلاعات مورد نیاز است. برخی پژوهشگران، از جمله برخی از کسانی که ارزیابی سریع انجام می‌دهند، به جای استفاده از پرسش‌نامه، مصاحبه‌های عمیق را ترجیح می‌دهند، به‌ویژه پژوهشگرانی که با کودکان مصاحبه می‌کنند.



پژوهشگران ممکن است روشی را انتخاب کنند که «رویکرد مشارکتی»^{۴۸} نامیده می‌شود. اصول چنین رویکردی این است که، افرادی که زندگی‌شان مطالعه می‌شود باید به پژوهشگران در تهیه و تعریف پرسش‌های پژوهش کمک کنند و نقش فعالی در جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها داشته باشند. بنابراین، پاسخ‌دهنده‌ها در حل مسایل‌شان به‌طور قوی مشارکت دارند و نقش فعالی ایفا می‌کنند.

در این روش پاسخ‌دهندگان تنها به عنوان منبع اطلاعات دیده نمی‌شوند، بلکه به عنوان افراد فعال یا «کنش‌گری»^{۴۹} هستند که به فرآیند پژوهش متعهد هستند. رویکردهای مشارکتی در برخی از مجموعه‌ها با کودکان می‌توانند مورد استفاده قرار گیرند و فرصتی برای کشف مسایل کار کودکان در مشارکت و با همکاری خود کودکان فراهم کنند. در این مورد، پژوهش برحسب راهنماهای رایجی هدایت می‌شوند که به حقوق کودکان توجه دارند، بدین معنی که به کودکان اجازه می‌دهد خود را بیان کنند و شرایط خود را منعکس سازند. این نوع پژوهش‌ها کیفیت داده‌ها را بهبود می‌بخشد زیرا کودکان کار، دانش خود در مورد وضعیت‌شان را به اشتراک می‌گذارند.

مشکلات مصاحبه با کودکان

مصاحبه با کودکان نقطه‌ی اتکای اصلی پژوهش کودکان کار، قواعد و توصیه‌های خودش را دارد. امکان ندارد کودکان همیشه با رضایت حاضر به مصاحبه شوند و از نظر اخلاقی اجبار کردن آنان به مشارکت در مصاحبه غلط است. هیچ‌گاه نباید کودکان را در موقعیتی قرار داد که بابت مصاحبه‌ای که انجام داده‌اند در معرض مجازات یا سرزنش کارفرما یا والدین قرار گیرند. موقعیت پژوهشگرانی را تصور کنید که در جستجوی مشارکت کودکان در فعالیت غیرقانونی تجارت مواد مخدر در یک یا چند محله هستند. در یک مصاحبه، یکی از کودکان حمل‌کننده‌ی مواد، ممکن است ناخواسته مقدار زیادی اطلاعات ارائه کند که ریسک یا کارفرماها نمی‌خواستند منتشر شود و در نتیجه کودک مجازات می‌شود. چنین اتفاقی در موقعیت‌های زیاد دیگری نیز که کودکان، کار غیرقانونی می‌کنند روی می‌دهد مثل: کودک سربازان.

در طول مصاحبه کودکان ممکن است خسته و بی‌حوصله شوند یا در مورد مسایلی صحبت کنند که مورد نیاز مصاحبه‌گر نیست در حالی که میلی برای صحبت کردن در مورد کارشان ندارند. گاهی بهتر است مصاحبه‌کننده یا پژوهشگر با نشان دادن دوستی و رفتار دوستانه، شاید با یک بازی، علاقه نشان دادن به موزیک یا اوقات فراغت و نظایر آن‌ها ابتدا «بخشکنی» کند^{۵۰}، طراحی، نقاشی، بازی کردن، قصه‌گفتن و گاهی شرکت در اوقات فراغت به همراه کودکان روش‌های موثری برای استخراج اطلاعات و به دست آوردن اعتماد کودکان، به‌ویژه در فرهنگ‌هایی است که مردم به حضور مصاحبه‌کنندگان و پرسش در مورد مسایل‌شان عادت ندارند.

در کل، نزدیک شدن به کودکان کار، مستلزم مهارت‌ها و مراقبت ویژه است. به این کودکان باید به آرامی نزدیک شد و قبل از بحث در مورد زندگی آن‌ها باید اعتمادشان را به دست آورد. دستیابی به یک کودک کار و وارد بحث شدن با وی در مورد زندگی‌اش، کار و خانواده‌اش و چگونگی احساسش در مورد آن‌ها تنها یک مهارت و تجربه‌ی آکادمیک نیست و به مقدار زیادی وابسته به حساسیت‌های مورد نیاز پژوهشگری است. کودک حقوقی دارد و این حقوق فقط جنبه‌ی اخلاقی ندارد بلکه از نظر قانونی توسط کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل تعیین شده است و یکی از مهم‌ترین آن‌ها حق رفتار محترمانه با کودک است. کودکان همین‌طور باید مطمئن باشند که اطلاعاتی که ارائه کرده‌اند برای هیچکس دیگری فاش نمی‌شود حتی والدین‌شان و هویت‌شان هرگز در انظار عمومی افشا نخواهد شد. به عبارت دیگر، کودکان به همان درجه از اطمینان نیاز دارند که به آگاهان و مطلعان بزرگسال داده می‌شود.

برخی از مواردی که کودکان در مصاحبه آشکار می‌سازند می‌تواند برای آنان به‌طور دردناک باشد، به‌ویژه برای کودکانی که در برخی از بدترین اشکال کار کودک کار می‌کنند، وقتی که به‌صورت قاچاق از خانواده جدا شده باشند، یا در موقعیت‌هایی کار می‌کنند که با آنان بدرفتاری می‌شود. بنابراین مصاحبه‌ها و گفتگوها با پژوهشگران ممکن است بسیار استرس‌زا باشد. به‌طور ایده‌آل، یک پژوهشگر باید آمادگی داشته باشد برای کودکی که دچار استرس

در کل، نزدیک شدن به کودکان کار مستلزم مهارت‌ها و مراقبت ویژه است. به این کودکان باید به آرامی نزدیک شد و قبل از بحث در مورد زندگی آن‌ها باید اعتمادشان را به دست آورد.

شده اگر لازم باشد مشاوره‌ی روان‌شناختی تدارک ببیند. به‌هرحال، همیشه چنین امکانی وجود ندارد، بنابراین بایستی فهرستی از سازمان‌های مردم‌نهادی وجود داشته باشد که می‌توانند به کودک کمک کنند. به‌علاوه اگر در حین مصاحبه کودک یافت شد که در محل کار در معرض خطر قرار دارد، باید برای منفک کردن فوری کودک از محیط راهی یافت. این امر به‌طور معمول به کمک سازمان‌های محلی و متخصصان واجد شرایط امکان‌پذیر است.

بررسی دقت یافته‌های تحقیق

پژوهشگران پس از اخذ اطلاعات لازم باید اطمینان یابند که این اطلاعات درست و معتبر هستند. بنابراین اطلاعات به‌دست آمده از منابع مختلف را برای اطمینان از این‌که متناقض نباشند آزمون متقاطع می‌کنند^{۵۱}. این روش عبارت است از مقایسه‌ی اظهارات آگاهان مختلف برای بررسی این‌که آیا این عبارات با واقعیت تطبیق دارند یا نه و یا مقایسه اظهارات آگاهان با مشاهدات پژوهشگران. اگر آن‌چه آگاهان بیان کرده‌اند با مشاهدات متعارض باشد، پژوهشگران باید دلایل این اختلاف را پیدا کنند. آیا آگاهان انگیزه‌های برای تحریف اطلاعات دارند؟ آیا مطلعان جانب‌دارانه به واقعیت و حقیقت چسبیده‌اند؟ آیا اطلاعات دریافتی آن‌قدر قدیمی است که ممکن است تغییراتی کرده باشد و اگر چنین است چرا و چگونه؟ اگر این اطلاعات از رده خارج است بایستی اطلاعات جدیدتر به‌دست آورد. اطلاعات به‌دست آمده از کودکان طی مصاحبه‌ها و گفتگوها نیز باید آزمون متقاطع شود. کودکان ممکن است مطالبی را بگویند که دوست دارند مصاحبه‌گر باور داشته باشد یا آن‌چه را که فکر می‌کنند مصاحبه‌گر باید باور داشته باشد نه آن‌چه که در عمل منطبق با واقعیات است. پژوهشگر باید تحریف‌ها را تشخیص دهد. یا کودکان ممکن است به‌طور غیرعمدی اظهاراتی جهت‌دار ارائه کنند زیرا استانداردها و ادراک‌شان آنان را به این سمت می‌کشاند. گاهی، آنان ممکن است به‌طور غیرعمدی دلایل و شواهد مربوط به شرایط و محیط کار را تحریف کنند زیرا امیدوارند که اگر شرایط و محیط را وخیم‌تر از آن‌که هست ترسیم و توصیف کنند، برخی نهادهای بیرونی وارد شده برای آن‌ها پول بیاورند و آنان را از کار کردن نجات دهند.

هم‌چنین ممکن است خلاهایی در اطلاعاتی که کودکان ارائه می‌دهند وجود داشته باشد و کسب اطلاعات از دست‌رفته از جایی دیگر، برای پژوهشگران اغلب مقدور نیست. پژوهشگر مصاحبه‌کننده با کودکان به‌طور مداوم باید مراقب وزن و اهمیت همه‌ی این موارد ممکن قبل از استفاده از مواد جمع‌آوری شده باشد.

تحلیل، ارایه و استفاده از یافته‌ها

از آن‌جایی‌که روش‌ها و رویه‌های متفاوت، محاسن و معایبی دارند، پژوهشگران برای جمع‌آوری داده‌های جامع و معتبر، این روش‌های متفاوت را با هم ترکیب می‌کنند: زمینه‌ها و سوابق پژوهش، مشاهدات، گروه‌های متمرکز، مصاحبه با افراد مطلع، مصاحبه با کودکان با والدین، استفاده از پیمایش‌ها و پرسش‌نامه‌های کوچک مقیاس^{۵۲} و استفاده از پیمایش‌های آماری بزرگ مقیاس. وقتی جمع‌آوری داده‌ها و کار میدانی تکمیل شد، پژوهشگر باید همه‌ی اطلاعات را کدگذاری و تحلیل کند. نتایج نشان می‌دهند که کدام الگوها ظهور می‌کنند یا کدام الگوهای شناخته شده و مورد انتظار را تأیید می‌کنند. این الگوها به پژوهشگران اجازه می‌دهد که در مورد انواع کار کودکان در منطقه، ماهیت و ویژگی‌های آن‌ها، سلامت و ایمنی آن‌ها و عناصر و اجزای سلامت و ایمنی و مخاطرات این حوزه، نگرش خانواده نسبت به کودک و کار کودک، تبعیض جنسیتی بالقوه، تاریخچه‌ی مهاجرت، وضعیت نژادی، قومی و شرایط اقتصادی کودکان و خانواده آن‌ها، سطوح تحصیلات و سواد کودکان و خانواده‌ها و بسیاری مسایل دیگر به نتایج معتبر و منصفانه‌ای دست یابند.

بر اساس یافته‌ها یک گزارش جامع تهیه می‌شود با جزئیاتی در مورد اطلاعات جمع‌آوری شده که به‌طور معمول در قالب جداول ارایه می‌شوند و نتایج و نتیجه‌گیری‌هایی که به وضوح ارایه می‌شوند. اگر گزارش خوب تنظیم شده باشد، حاوی داده‌های آماری و کیفی هر دو خواهد بود و بنابراین تصویر به نسبت کاملی از واقعیتی پیچیده ترسیم می‌کند. تیم پژوهش ممکن است بر اساس دانش و تجارب حرف‌های خود و همه‌ی یافته‌های گردآوری شده مجموعه‌ای از توصیه‌ها و پیشنهادها برای سطوح مختلف دولت، سازمان‌های ذی‌نفع



جوامع و غیره ارایه کنند. یافته‌ها و توصیه‌ها و پیشنهادها به حامیان مالی ارجاع خواهد شد که ممکن است یک نهاد دولتی یا یک حامی بین‌المللی باشد. چند صفحه‌ی اول گزارش رویکرد، یافته‌ها و پیشنهادها را خلاصه می‌کنند به شکلی که مقامات رسمی یا فعالان بخش خصوصی بدون خواندن کامل متن و جزییات آن اصل مسئله را درک کنند.

تبدیل اطلاعات به برنامه‌ی اقدام

اطلاعات جمع‌آوری شده و تجزیه و تحلیل متعاقب آن راه را برای فعالیت‌های آگاهی‌افزایی^{۵۳} برای عموم مردم و راه‌حل‌های اصلاح قوانین برای سیاست‌گذاران هموار می‌سازد. ممکن است جلسه‌ای رسمی برای ارایه‌ی نتایج پژوهش وجود داشته باشد و بسیاری از افراد مؤثر برای بحث و تبادل نظر در مورد یافته‌های پژوهش و گزارش آن دعوت شوند. در این نشست‌ها ممکن است کودکان مصاحبه‌شده هم برای تعریف داستان‌های خود حضور داشته باشند.

در سطحی بزرگتر، نتایج به ذخایر دانش جهانی در مورد کار کودکان اضافه می‌شود. بین نتایج مطالعات تیم پژوهش و پژوهش‌هایی که در مورد کار کودکان در دیگر مناطق انجام شده می‌توان از نظر الگوهای عمومی که درک ما از همه‌ی فاکتورهای هم‌گرای مؤثر در فرستادن کودکان به بازار کار و انواع خاصی از کار را تقویت می‌کند مقایسه‌هایی انجام داد. یک موضوع مهم پژوهش، تشریح تفاوت‌های یک منطقه با منطقه دیگر است یا تفاوت بین دو جمعیتی که به ظاهر شبیه به هم به نظر می‌رسند. تمرکز بر روی تفاوت‌ها می‌تواند در مورد این‌که چرا کودکان یک منطقه کار می‌کنند و در منطقه‌ی دیگر کار نمی‌کنند در حالی که هر دو فقیرند، چرا در یک منطقه کودکان مدرسه رفتن و کار کردن را با هم می‌آمیزند اما در منطقه‌ای دیگر چنین نیست و سؤالاتی از این دست بینش قابل توجهی ایجاد کند. بنابراین، نوعی استفاده از «گروه کنترل طبیعی»^{۵۴} در برخی پژوهش‌ها برای توصیف تفاوت‌ها لازم است.

وقتی پژوهش تکمیل و ارایه شد، می‌توان بر اساس آن در سطح تصمیم‌سازی ملی تصمیم اتخاذ کرد. به عبارتی، نتایج حاصل در انتخاب روش‌ها و تخصیص منابع مالی و بودجه مبنا قرار می‌گیرد. اگر لازم شد می‌توان برای مطالعه‌ی بیشتر در سایر بخش‌های منطقه یا کشور بودجه تعیین کرد و وسعت کار کودکان را بررسی کرد و به مطالعه‌ی شباهت «فاکتورهای تسهیل‌کننده»^{۵۵} یا تفاوت‌شان در مناطق مختلف پرداخت.

آیا کار کودکان یک مسئله‌ی منطقه‌ای است یا مسئله‌ای ملی است؟ در چه سطحی باید با آن مبارزه کرد؟ سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان می‌توانند از نتایج پژوهش‌ها برای طراحی برنامه‌ها استفاده کنند. می‌توان برای پروژه‌هایی با هدف کمک به کودکانی که کار می‌کنند بودجه‌ها و منابعی اختصاص داد یا منابعی را به اقدامات پیشگیرانه‌ای اختصاص داد که هدف‌شان کودکانی است که پتانسیل کودک کار شدن را دارند تا مبادا پا جای پای کودکان کار فعلی بگذارند. می‌توان برای حمایت و تقویت سیستم‌های حمایتی خانواده‌هایی که کودکان‌شان کار نمی‌کنند و یا تقویت اثربخشی سیستم‌های پلیس، سازمان‌های محلی و مدارس در افزایش آگاهی عمومی در مورد ارزش نسبی کار و مدرسه تصمیماتی گرفت. نتایج عملی نه تنها به نوع برنامه‌های مورد نیاز وابسته است بلکه به سیاست‌مداران و بازو پذیرا بودن جامعه‌ای که مبارزه در آن باید انجام شود نیز بستگی دارد.

منابع:

- افشاری، سیدعلیرضا و همکاران (۱۳۹۱) - تحلیلی بر وضعیت کودکان خیابانی و کار در شهر اصفهان - جامعه‌شناسی کاربردی - دوره‌ی ۲۳ - شماره‌ی ۴
- حسینی، سیدحسین (۱۳۸۴) - وضعیت کودکان کار و خیابان در ایران - رفاه اجتماعی - سال پنجم - شماره‌ی ۱۹
- محسنی، لطفاله (۱۳۹۹) - کار کودک در ایران (کتاب) - نشر نقد - تهران



آموزش به مثابه‌ی ابزاری برای مبارزه با کار کودک

مریم قربانی؛ معاون خدمات آموزشی انجمن حمایت از کودکان کار

ضرورت آموزش برای کودکان کار

کار کودک پدیده‌ای است که در جهان امروز قابل پذیرش نیست آن هم به آن دلیل که کودکان را از دوران کودکی خود محروم ساخته و برای رشد فیزیکی و روانی آن‌ها زیان‌آور است. کودک به عنوان یک انسان دارای حقوق اساسی و مشترک با سایر انسان‌ها است. از سوی دیگر محرومیت از تحصیل هر کودک می‌تواند آسیب عاطفی، ذهنی و اجتماعی را برای وی به همراه داشته باشد. کار کودک و آموزش ارتباطی مستقیم دارند. در هر کشوری که کار کودک حذف شده است آموزش رسمی به صورت قانونی و اجباری به اجرا درآمده است، پس می‌توان گفت آموزش رسمی بازوی اصلی حذف کار کودک است.

آموزش از حقوق اساسی کودکان است که کودکان کار از آن بازمانده‌اند. آموزش زندگی کودک کار را از بعد شناختی، فرهنگی، رفتاری، اجتماعی و... تحت تاثیر قرار می‌دهد. جایگاه اجتماعی آن‌ها با ادامه‌ی تحصیل و حرفه‌آموزی و... تغییر می‌کند و آن‌ها را به افراد سودمندی در جامعه تبدیل می‌کند. آموزش، مسیر زندگی را برای آینده‌ی کودکان کار هموارتر کرده و مسیری برای ریشه‌کن کردن کار کودک ایجاد می‌کند.

در حال حاضر آموزش کودکان کار با توجه به آسیب‌های اجتماعی و فردی که در زندگی کودکان کار دچار آن هستند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. تعریف اولیه که از سواد در اوایل قرن بیستم ارایه شد، تنها به توانایی خواندن و نوشتن زبان مادری معطوف بود، اما جدیدترین تعریف از سواد این است که فرد بتواند با استفاده از خواننده‌ها و آموخته‌های خود در زندگی تغییری به وجود آورد. به همین دلیل اهمیت سوادآموزی برای کودکان کار بسیار مهم است چرا که با آموخته‌های خود می‌توانند در مسیر ساخت زندگی بهتر قدم بردارند و این همان تغییر در زندگی است.

در کار با کودکان کار این نتیجه حاصل می‌شود که آنها همانند انسان‌های دیگر مراحل رشد خود را از کودکی تا جوانی آن‌طور که باید طی نمی‌کنند به همین علت دارای مسایل و مشکلاتی از قبیل عدم خودباوری، عدم شناخت درست از استعدادها و توانایی‌شان، عدم توانایی نه گفتن، سو تغذیه، عزت نفس پایین و به همراه داشتن خشم‌های ریشه‌ای که از دوران کودکی منشا می‌گیرد، هستند. همواره در انجمن کوشش شده است که آموزش همه جانبه‌ای برای کودکان ترتیب داده شود تا بتوان آنها را در مسیر پر فراز و نشیب زندگی به سلاح آگاهی مجهز کرد تا توانایی تصمیم‌گیری‌های منطقی برای تغییر سرنوشت خود را به دست آورند.

در بررسی تاثیر آموزش بر کار کودک باید ابتدا به اثراتی که اشتغال در سن پایین بر کودکان دارد اشاره کرد تا بتوان ابعاد آن را بررسی نمود. کودک کار، کودکی است که به علت وضعیت اقتصادی نامطلوب جامعه و خانواده، فقر فرهنگی، مهاجرت، مسایل اجتماعی و... در سن پایین‌تر از سن اشتغال به فعالیت‌های اقتصادی می‌پردازد و در این مسیر مورد بهره‌کشی و استثمار قرار می‌گیرد.

از جمله پیامدهای مهمی که بر اثر کار متوجه کودکان می‌شود می‌توان به پیامدهای عاطفی روانی، اخلاقی و اجتماعی اشاره کرد، هم‌چنین اشتغال به کار بسیاری از کودکان را از کسب دانش و بهره‌گیری از آموزش و پرورش باز می‌دارد. به دلیل این‌که کودکان برای این‌که صبح‌ها به مدرسه بروند و بعدازظهرها درس بخوانند باید وقت کافی داشته باشند، اما کار کردن نیز نیاز به وقت و انرژی زیادی دارد.

با توجه به این شرایط برای کودک سخت است که در طول روز، زمان کافی برای درس خواندن و کار کردن را داشته باشد، بسیاری از خانواده‌های فقیر برای تامین مخارج خود به‌طور شدید به کار کودکان نیاز دارند و تحصیل کودک برای آنها پرهزینه است، در چنین شرایطی خانواده‌ها نمی‌توانند تصمیم بگیرند که فرزندان خود را برای کار بفرستند یا در مدرسه ثبت‌نام کنند. آنها به‌طور معمول از مزیت‌های واقعی تحصیل، نظیر دستمزد بالا در آینده خبر ندارند و حتی اگر خبر داشته باشند سنجیدن ارزش تحصیل و هزینه‌های شخصی کار ساده‌ای نیست، از طرفی مزیت‌های تحصیل بلند مدت هستند و به‌طور عمده متوجه فرزند می‌شوند نه والدین. یک روی دیگر سکه این است که هزینه‌ها بر عهده والدین است و در کوتاه مدت باید آن‌ها را بپردازند. این شرایط سبب می‌شود والدین

از آنجایی که آموزش به کودکان بهترین راه خارج ساختن آن‌ها از بازار کار است، انجمن حمایت از کودکان کار که از ابتدای شروع فعالیت خود، آموزش کودکان کار را در با تامین فضای آموزشی تامین نیروی آموزگار، تامین تجهیزات و ابزار آموزشی همواره به انجام می‌رساند.



آسیب‌های ناشی از بی‌سوادی بر کودکان کار

با بی‌سوادی نمی‌توان امیدوی به ساخت زندگی بهتر داشت و اغلب کودکان در اثر بی‌سوادی به زندگی سنتی با پیروی از فرهنگ خانواده روی می‌آورند و مشکلات مربوط به کار کودک با ادامه‌دار شدن بی‌سوادی آنها به قوت خود باقی می‌ماند.

کسب سواد در برقراری ارتباط موثر با اطرافیان بسیار حائز اهمیت است و این توانایی می‌تواند زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی کودک را به‌طور کامل تحت تاثیر قرار دهد. سواد تنها توانایی خواندن و نوشتن نیست، بلکه به معنی ساخت مسیر جدیدی در زندگی با توجه به آموخته‌های خود است و از این منظر سوادآموزی که ابعاد مختلفی را در بر می‌گیرد، در زندگی کودکان بسیار مفید است.

هنرآموزی کودکان کار در انجمن حمایت از کودکان کار

هنرآموزی خود باوری و افزایش اعتماد به نفس، افزایش نشاط و... را برای کودکان کار به همراه دارد. طی این سالیان هنرآموزی، یکی از پایه‌های آموزش در فعالیتهای آموزشی انجمن بوده است. برگزاری دوره‌های هنرآموزی باعث پرورش نیروی تفکر و اندیشه در کودکان می‌شود و به واسطه‌ی آن می‌توانند تاخیر رشد شناختی خود را بهبود ببخشند. در هنرآموزی به طریقی استعدادیابی کودکان نیز اتفاق می‌افتد، که کسب این شناخت‌ها از کودکان باعث می‌شود به طریق مناسب‌تری برای جهت دادن به زندگی آنها گام برداریم. جنبه‌های دیگر هنرآموزی نیز می‌توان اشاره کرد که در آینده می‌تواند موجب کسب درآمد شود. نمایش، نقاشی، نویسندگی، موسیقی و... به طور کلی آموزش‌های هنری به صورت منظم در میان درس گنجانده می‌شوند، چرا که این فعالیت‌ها ورودی‌های آموزشی مهمی برای پرورش شخصیت هستند و به کمک آنها خلاقیت دانش‌آموزان در موضوعات علمی شکوفا می‌شود.

حرفه‌آموزی کودکان کار در انجمن حمایت از کودکان کار

برای کودکان کار و در معرض آسیب با توجه به اینکه ادامه‌ی تحصیل تا سطح دانشگاه با سختی زیادی همراه است و کودک و خانواده به دنبال کسب درآمد سریع هستند و درکی از ارزش تحصیل و تاثیر آن بر درآمد آتی کودکان ندارند، حرفه‌آموزی که موجب کسب درآمد بالا و سریع شود بسیار حائز اهمیت است.

کودکان در سنین پایین بیشتر به مشاغل کاذبی نظیر دست‌فروشی، فروشندگی و پادویی در مغازه‌ها می‌پردازند که با ورود به سن جوانی و قبول مسئولیت از قبیل زندگی مشترک کمتر موفق به کسب درآمد از این مشاغل می‌شوند و ناچار به کارگر ساده بودن و مشاغل ناپایدار رو می‌آورند، درحالی که حرفه‌آموزی باعث ثبات شغل و درآمد کودکان در آینده خواهد شد.

با حرفه‌آموزی بر اساس استعدادیابی، بررسی علاقه و انگیزه، سطح توانایی آنها و در نهایت هدایت کودکان به مسیر شغلی مناسب، می‌توان مسیر زندگی‌شان را تغییر داد و بر اعتماد به نفس آنها افزود.

آموزش حرفه و مهارت‌های شغلی ایده‌ی طرفداری است، به‌خصوص در زمینه‌ی آموزش کودکان محرومی که بعید است در پی تحصیلات باشند. به‌طور غالب در کنار یا پس از دوره‌ی آموزش خواندن و نوشتن کاربردی، نوعی آموزش پیش‌حرفه‌ای به کودکان مورد نیاز است. این دوره‌ها به‌طور معمول کوتاه مدت هستند و هدف آنها ایجاد مهارت‌های زودبازده بوده که انگیزه‌ی آموزش را در کودکان تقویت می‌کند و اعتماد به نفس را در آنها افزایش می‌دهد. این گروه از آموزش‌ها باید به صورت برنامه‌ی انتقالی برای ورود کودکان به آموزش عالی یا آموزش حرفه‌ای باشد. با افزایش سن کودکان مشاغلی نظیر دست‌فروشی و فال‌فروشی با توجه به مسایل اجتماعی که مردم قسمت اصلی آن را تشکیل می‌دهند نمی‌تواند به اندازه‌ی کافی برای کودک درآمدزایی داشته باشد. در این‌جا اهمیت حرفه‌آموزی برای کودکان کار اهمیت خود را نشان می‌دهد و آنها باید دنبال مشاغلی ثابت با درآمد معقول باشند. در انجمن حمایت از کودکان کار این آموزش‌ها به صورت دوره‌های نقاشی روی پارچه، تریکو بافی، مکانیک خودرو، دوره‌های دیجیتال و آی‌تی، طراحی و دوخت و... برای کودکان در گروه سنی ۱۸-۸ سال برگزار می‌شود. برای کسب دانش



در حوزه‌های یاد شده تجهیزات آموزشی مورد نیاز در اختیار کودکان قرار گرفته است تا بتوانند بدون هیچ محدودیتی به آموزش خود بپردازند و مسیرهای تازه‌ای در زندگی خود به وجود آورند.

کودکان از سنین ابتدایی به بعد بیشتر تمایل به ادامه‌ی تحصیل ندارند و برای آن‌ها باید حرفه‌آموزی به همراه تامین مشاغل در همان زمینه صورت گیرد، زیرا آموزش بدون پشتوانه اثرگذاری قابل قبولی نخواهد داشت. در حال حاضر تلاش‌های زیادی در حال وقوع است تا بتوان از راه تحصیل و آموزش‌های حرفه‌ای آن‌چنان کودکان را تقویت کرد که به افرادی متخصص و کارگرانی کاردان تبدیل شوند و بتوانند در محیط‌های امن شغلی با برخورداری از حق و حقوق قانونی مشغول کار و فعالیت شوند. هم‌چنین یادآوری می‌کنم با توجه به موارد مذکور برگزاری دوره‌های حرفه‌آموزی مبتدی به عنوان دوره پیش نیاز برای ورود به دوره‌های آموزش عالی و آموزش حرفه‌ای در انجمن مورد نیاز است.

فعالیت‌های فرهنگی و کتابخانه در انجمن حمایت از کودکان کار

کتاب‌خوانی و فعالیت فرهنگی در کتابخانه‌های انجمن در رشد فکری و پیشرفت کودکان سهم به‌سزایی دارد. کتابخانه‌های مراکز محلی برای تماشای انیمیشن، خواندن کتاب انجام کارهای گروهی برای تقویت روحیه‌ی کار تیمی در کودکان، انجام بازی‌های فکری مسئولیت پذیری و ... است. به‌طور معمول اردوهای تفریحی، فرهنگی، علمی و بازدیدها که از طریق هماهنگی مسئولان کتابخانه و واحد ارتباطات انجمن صورت می‌گیرد. کتابخانه برای کودکان محیطی شاد و پر نشاط ایجاد می‌کند که به سوی آن جذب می‌شوند. در کتابخانه‌ی مراکز کودکان نحوه‌ی برقراری ارتباط با داوطلبان را فرا می‌گیرند که این خود تمرینی برای برقراری روابط اجتماعی موثر است. با خواندن کتاب فرصت یادگیری پیدا می‌کنند و چارچوب فکری جدیدی در اثر این شناخت‌ها و تجربه‌ها در کودکان شکل می‌گیرد.

کتاب‌خوانی، داستان‌نویسی، قصه‌گویی علاوه بر تقویت سواد پایه، به غنی شدن دایره‌ی واژگان کودکان نیز کمک می‌کند. با توجه به فقر فرهنگی و سواد در خانواده‌ی کودکان می‌توان کتابخانه را به محیطی برای سوادآموزی، تحول فرهنگی تبدیل کرد.

فعالیت‌های ورزشی در انجمن حمایت از کودکان کار:

در انجمن به برگزاری کلاس‌های ورزشی توجه بسیاری شده است. کودکان برای شاد زیستن و برخورداری از زندگی سالم نیاز دارند به فعالیت‌های ورزشی بپردازند. در فعالیت‌های ورزشی کودکان با عضویت در تیم ارتباط اجتماعی موثر و کار گروهی را تجربه می‌کنند و علاوه بر ایجاد قوای جسمانی موجب افزایش اعتماد به نفس، خودباوری و تخلیه‌ی هیجان‌های درونی در آن‌ها می‌شود. برگزاری دوره‌های آموزشی از جمله فوتبال والیبال، داژبال، راگبی، شطرنج و بازی‌های فکری برای گروه دختران و پسران، به تفکیک گروه سنی و علاقه‌ی کودکان در انجمن صورت می‌گیرد. در مراکز یک روز در هفته به انجام فعالیت‌های ورزشی اختصاص می‌یابد و به‌طور معمول افراد متخصص داوطلب در این حوزه به کار گرفته می‌شوند.

در این سال‌ها در طی برگزاری مسابقات ورزشی کودکان توانسته‌اند در عرصه‌هایی از جمله کسب مقام اول در مسابقات داژبال دختران در منطقه‌ی ۱۵، کسب مقام اول در مسابقات فوتبال دختران تلاش‌گر قلب طهران در منطقه‌ی ۱۲، جذب دو کودک پسر از مرکز خاوران انجمن در باشگاه سر مربی جناب آقای «بیرانوند»، شکل‌گیری تیم فوتبال نوجوانان انجمن و ... که از جمله مهم‌ترین دستاوردهای این حوزه است.

راهکارهایی برای آموزش با کیفیت برای کودکان کار

- برای برگزاری کلاس‌های آموزشی با کیفیت بالاتر برای کودکان کار به یک تیم محقق و پژوهشگر نیازمندیم تا بتوان به کمک آنها یک الگوی آموزشی مناسب با شرایط زندگی این کودکان را طراحی کرد.
- افراد متخصص داوطلب و موظف در حوزه‌های ورزش، هنر، حرفه‌آموزی و ... برای آموزش کودکان باید حضور داشته باشند.
- حضور آموزگاران آموزش‌دیده، دغدغه‌مند و آشنا به حقوق کودک، قوانین و ضوابط آن

آموزش به هر طریقی که در فضای انجمن صورت گیرد به کاهش ساعت کار کودکان می‌انجامد. در مواردی از طریق مداخله‌های مددکاری و با حمایت، کودکان از کار منفک می‌شوند. آموزش باعث آگاهی کودکان از حق و حقوق‌شان شده و موجب می‌شود کارفرمایان کمتر به خود اجازه دهند که به استثمار کودکان از طریق کار با مدت زمان طولانی و دستمزد کم بپردازند. در فرآیند آموزش کودکان، تغییر فرهنگ‌ها اتفاق می‌افتد. البته با سرعت بسیار آهسته!

بسیار حائز اهمیت است.

- ابزار و وسایل کمک آموزشی مورد نیاز برای ایجاد آزمایشگاه‌های علوم، ریاضی، زبان فارسی و... برای کودکان کار بسیار ضروری است تا به آموزش بر پایه‌ی تجربه و شادی برای این کودکان پرداخت.
- وجود کتابخانه‌های فعال با حضور مسئول فرهنگی خلاق و با ایده‌های نوآورانه تا بتوان بر روی فرهنگ کودکان و خانواده‌ی آنها که بسیار به آن وابسته‌اند اقدامات اساسی انجام داد.
- حمایت سازمان و ارگان‌های دولتی از جمله: اداره‌های کل آموزش و پرورش، سازمان فنی و حرفه‌ای، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، سازمان تربیت بدنی

موانع مسیر آموزشی به کودکان کار طی دوران فعالیت انجمن

- سالانه تعدادی از کودکان فاقد اوراق هویتی که برای ثبت‌نام به انجمن مراجعه می‌کنند از آموزش باز می‌مانند. از دلایل این امر می‌توان به کمبود منابع مالی اشاره کرد.
- نیاز به جذب تعداد زیادی آموزگار برای آموزش با کیفیت به کودکان، دستمزد و حقوق پایین و پرداخت نامنظم حقوق
- کمبود فضای فیزیکی برای برگزاری کلاس‌های آموزشی
- کمبود نیروی مددکار اجتماعی و روانشناس برای رصد و بررسی مشکلات و مسایل کودکان
- نبود افراد متخصص در حوزه‌ی آموزش مانند آموزگاران آموزش و پرورش
- در اولویت نبودن تحصیل برای کودکان و خانواده‌هایشان
- ناتوانی کودک در برقراری تعادل بین کار و تحصیل، چرا که هر دو نیاز به صرف وقت دارد.
- سرخوردگی کودکان در تحصیل چرا که بعد از ورود به انجمن و قرار گرفتن در مسیر آموزش، به دلیل سن بیشتر و عدم توانایی در یادگیری، بعد از چند بار شکست تحصیلی نسبت به آینده‌ی خود بی‌انگیزه و نا امید می‌شوند به ویژه پایه‌ی متوسطه‌ی دوره‌ی اول و انتقال (کودکان بالای ۱۵ سال)
- وجود سدهایی در مسیر کودکانی که قرار است به مدارس دولتی منتقل شوند. مواردی مثل عدم موفقیت در کسب دریافت اوراق هویتی به علت اعمال محدودیت‌های دولت و عدم همکاری مناسب دفاتر کفالت برای دریافت کارت حمایت تحصیلی
- ظرفیت کم مدارس برای ثبت‌نام به‌خصوصی در پایه‌ی اول ابتدایی
- ضعف درسی شدید کودکان به علت شرایطی که دارند، باعث می‌شود مدیران میل و رغبت زیادی به ثبت‌نام نداشته باشند.
- وجود نگاه ملیتی از طرف مدیران مدارس که با توجه به پیگیری‌های اداره‌ی آموزش و پرورش در مورد ثبت‌نام اجباری کودکان ایرانی، ظرفیت‌ها را به آنها اختصاص می‌دهند.
- مشکلات خانواده‌ها در پرداخت هزینه‌های تحصیلی مثل خرید کتاب، لباس فرم مدرسه، کمک‌های مردمی، خرید گوشی و بسته‌های اینترنتی و در نهایت وجود چند محصل در خانواده‌ها باعث می‌شود نوعی الویت‌بندی در آنها صورت گیرد تا کودکان بزرگتر از درس خواندن منفک شوند و کوچکترها وارد چرخه‌ی تحصیل شوند.
- عدم تمایل کودکان پسر در سنین نوجوانی به درس خواندن و جذب شدن در بازار کار
- تجربه‌ی تلخ کودک- همسری، که متأسفانه طبق فرهنگ بعضی از خانواده‌ها برای دختران به وجود می‌آید که این امر سبب افزایش بازماندگی از تحصیل در دوره‌ی متوسطه می‌شود.
- با توجه به تجربه‌ی آموزش برای کودکان کار دریافتیم سوادآموزی بخش کوچکی از جنبه‌های آموزشی مورد نیاز برای این کودکان است و یک بعدی بودن در این مسیر ما را به نتیجه نمی‌رساند. کودکان کار تنها اسم کودک را به دور از خوشی‌ها، تجربیات و مراحل رشد این دوران به دوش می‌کشند و همانند مردان و زنان بزرگ برای زنده بودن و زندگی کردن مبارزه می‌کنند.



آموزش به مثابه‌ی ابزاری برای مبارزه با کار کودک

آموزش به هر طریقی که در فضای انجمن صورت گیرد به کاهش ساعت کار کودکان می‌انجامد. در مواردی از طریق مداخله‌های مددکاری و با حمایت، کودکان از کار منفع می‌شوند. آموزش باعث آگاهی کودکان از حق و حقوق‌شان شده و موجب می‌شود کارفرمایان کمتر به خود اجازه دهند که به استثمار کودکان از طریق کار با مدت زمان طولانی و دستمزد کم بپردازند. در فرآیند آموزش کودکان، تغییر فرهنگ‌ها اتفاق می‌افتد. البته با سرعت بسیار آهسته!



دوسالانه‌ی هنری استان ۱ در مسیر مبارزه با کار کودک

فرشته فرهمند حبیبی؛ معاون ارتباطات انجمن حمایت از کودکان کار

دوسالانه‌ی هنری استان ۱، بی‌ینالی هنری، فرهنگی و اجتماعی است که طراحی و برگزاری آن توسط انجمن حمایت از کودکان کار برای هجدهمین سالگرد تولد انجمن آغاز به فعالیت کرد. این حرکت در راستای محور ترویجی انجمن شکل گرفت.

انجمن طی ۱۸ سال فعالیت متعهدانه و مطالبه‌گرانه‌ی خود همیشه در عرصه‌ی رسانه‌ها حضور پررنگی داشته و نسبت به شرایط کودکان بی‌تفاوت نبوده است. در همین راستا با توجه به اثرگذاری آثار هنری در بین جامعه و نقش موثر آن در مسیر مطالبه‌گری حقوق کودکان، این بار انجمن برای جلب توجه و ایجاد تحرک در بین اهالی هنر تصمیم گرفت تا به عنوان یکی از نهادهای غیردولتی و داوطلبانه در عرصه‌ی مبارزه با کار کودک در ایران گامی بلندتر را برای ایجاد حوزه‌ی ترویج بردارد.

شورای سیاست‌گذاری با حضور «قاسم حسنی»؛ مدیرعامل انجمن حمایت از کودکان کار، «فرشته فرهمند حبیبی»؛ معاون ارتباطات انجمن حمایت از کودکان کار، «حسین عنصری»؛ گرافیست و دبیر دوسالانه‌ی هنری استان ۱، «جمال رحمتی»؛ کاریکاتوریست «حمیدرضا داودی»؛ کاریکاتوریست، «زهرا رضانی»؛ عکاسی تشکیل شد. «حمیدرضا لطفیان» به عنوان مدیر هنری، «فرشته فرهمند حبیبی»؛ دبیر اجرایی، «نسیم سندیانی»؛ مسئول روابط عمومی دوسالانه‌ی هنری استان ۱ انتخاب شدند.

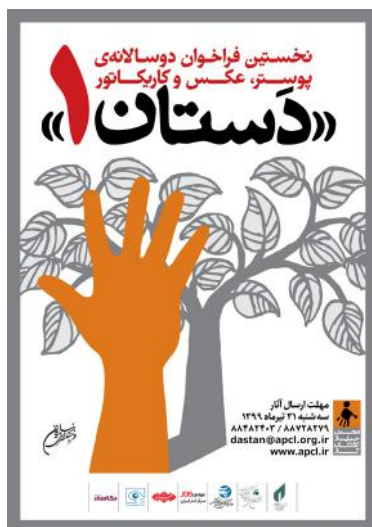
دوسالانه مقرر شد تا در تاریخ ۲۲ خرداد ۱۳۹۹ به اجرا درآید که متأسفانه با بروز بحران کرونا این مهم به تعویق افتاد و با توجه به تصمیم شورای سیاست‌گذاری به مردادماه به مناسبت سالروز تولد انجمن انتقال یافت.

در واقع رکودی که از بحران کرونا در این زمان بر جامعه‌ی ایران سایه افکند، پویایی و نشاط روزهای آغازین این پروژه را از بین برد. دوسالانه‌ی هنری استان ۱ در سه بخش پوستر کاریکاتور و عکس در تاریخ ۲۸ خردادماه ۱۳۹۹ فراخوان اولش منتشر شد.

در مردادماه نیز به دلیل پیک مجدد کرونا مجبور به تعویض مجدد تاریخ دوسالانه شدیم که به آذرماه ۱۳۹۹ انتقال یافت. با توجه به تغییر برگزاری دبیرخانه‌ی دوسالانه‌ی هنری استان ۱، دومین فراخوان خود را مبنی برای ارسال آثار تا تاریخ ۱۵ آبان‌ماه ۱۳۹۹ اعلام کرد.

در بخش داوری انجمن از صاحب‌نامان این سه عرصه‌ی هنری دعوت به عمل آورد که در نهایت هنرمندان به شرح زیر به عنوان داوران دوسالانه‌ی هنری استان ۱ توسط شورای سیاست‌گذاری انتخاب شدند:

- هیات داوران بخش پوستر دوسالانه‌ی هنری استان ۱:
 - قباد شیوا
 - ایرج میرزا علیخانی
 - اونیش امین‌الهی
- هیات داوران بخش کاریکاتور دوسالانه‌ی هنری استان ۱:
 - کامبیز درمیخش
 - جمال رحمتی
 - حمیدرضا داودی
- هیات داوران بخش عکس دوسالانه‌ی هنری استان ۱:
 - علی قلم‌سیاه
 - یلدا معیری
 - مسعود زنده‌روح کرمانی



حامیان معنوی دوسالانه‌ی هنری استان ۱ «انجمن صنفی عکاسان»، «انجمن صنفی طراحان گرافیک»، «موسسه دانشگاهی پارس»، «روزنامه‌ی هنرمند» و «فرهنگسرای نیاوران» بودند.



گزارش ❖

گزارش آثار هنری دوسالانه‌ی هنری استان ۱ رسیده به دبیرخانه‌ی دوسالانه به شرح زیر است:

ردیف	نام بخش	تعداد آثار بعد از تمديد	تعداد هنرمند بعد از تمديد
۱	پوستر	۴۳۱	۲۰۶
۲	عکس	۲۶۰	۹۰
۳	کاریکاتور	۲۸۹	۱۰۷

در تاریخ ۲۴ آبان‌ماه ۱۳۹۹ انتخاب آثار توسط شورای سیاست‌گذاری به انجام رسید. خروجی انتخاب آثار در سه بخش به شرح زیر بود:

- پوستر:
 - ۳۹ اثر از ۳۴ هنرمند
 - کاریکاتور:
 - ۴۰ اثر کاریکاتور از ۴۰ هنرمند
- بخش عکس:
 - ۲۶ هنرمند ۵ مجموعه و ۲۶ اثر

از هفدهم تا نوزدهم آذرماه ۱۳۹۹، داوری آثار توسط هیات داوران در هر بخش به انجام رسید و نفرات برگزیده به شرح زیر توسط این هیات انتخاب شدند:

بخش پوستر:



نفر سوم: فاطمه مرادیان



نفر دوم: مرتضی رحمتی



نفر اول: عرفان غلامی

بخش کاریکاتور:



نفر سوم: سامان ترابی



نفر دوم: طاهر شعبانی



نفر اول: جواد تکجو



قاسم حسینی؛ عضو شورای سیاست‌گذاری دوسالانه‌ی هنری استان ۱:

هنرمندان بسیار می‌توانند اثرگذار باشند و کمک کنند تا شرایط این کودکان را مطرح کنیم و ضرورت توجه برای پایان بخشیدن به کار کودکان را تبدیل به دستور کار جدی در امور جامعه در دستگاه‌های حاکمیتی و تشکل‌های غیردولتی و مردم کنیم.

بخش عکس:

حسین عناصری؛ دبیر دوسالنه‌ی هنری دستان ۱:
دوسالنه «دستان ۱» قرار است به عنوان پل ارتباطی بین کودکان کار و افکار عمومی عمل کند تا این فاصله را برای درک عمیق‌تر از شرایط این کودکان در جامعه کمتر کنیم. وقتی از جامعه صحبت می‌کنیم شامل مسئولانی هم می‌شود که مستقیم و غیرمستقیم در این زمینه مسئولیت دارند.



نفر اول: مجموعه عکس؛ حیدر رضایی

ایرج میرزا علیخانی؛ داور بخش پوستر:
به عبارت دیگر اگر من هنرمند بتوانم آگاهی‌رسانی کنم با موضوع «کودکان کار» و اینکه با چه معضلات و مشکلاتی دست به گریبان هستند بسیار ارزشمند است چراکه مشخص می‌شود چه کارهایی حول این موضوع انجام شده یا نشده است.



نفر دوم: مجموعه عکس؛ امیر حسین نظری

جمال رحمتی؛ داور بخش کاریکاتور:
برگزاری موفق دوسالنه «دستان ۱» سبب نوعی مطالبه‌گری می‌شود که ممکن است در حال حاضر به شکل یک مسابقه یا رویدادی هنری است ولی این رویداد به واسطه بعد خبری که پیدا می‌کند به گوش خیلی‌ها می‌رسد و همین سبب می‌شود نوعی مطالبه عمومی باشد که جنبه مثبت برگزاری دوسالنه به حساب می‌آید. برپایی این دوسالنه هنری رویکرد منفی ندارد و امیدوارم بتوانیم این رویداد را درخور کودکانی که قاعدتا آینده کشور هستند، برگزار کنیم.



نفر سوم: تک عکس؛ علیرضا گودرزی



هم‌چنین آثار هنرمندان به شرح زیر به نمایشگاه دوسالانه راه یافتند:

بخش پوستر:

سامان نیک‌پور، بهرام غروی منجیلی، فائزه شمیمی، حسین ابراهیمی گلباغی، کوثر سادات حائری، نیلوفر سلیمی، تارا احمدی، آرزو صادقی نجف آبادی، حامد بقال بهتاش، علی افضلی، امیرحسین علیشاهی، اعظم صفری، بهرام ارجمندنیا، داود صفری، فریماه فاطمی فرشاد عیسی‌پور، گلناز قهوئی، حبیب پروین قدس، جمشید لطفیان، مائده نوروزی کلدھی مهسا سادات میرحسینی، مرتضی واحدی، نوید طالبی نیاری، نیلوفر خسروی، پریسا رشیدی، سمانه اسلامی ثمرین، سپیده آزاد دولت‌آبادی، شیرین شعرفاف، سمیه دهقان بنادکی، زهره سلیمانزاده و میلاد کرمی

بخش کاریکاتور:

علیرضا پاکدل، بهرام ارجمندنیا، احسان چراغی ایرانشاهی، محمود نظری، منصوره دهقانی مهناز یزدانی، سعید صادقی، سیده تینا میرحسینی، ابوالفضل بهرامی، امین باغستانی عفت امجدی‌پور، احسان گنجی، عماد صالحی، فخرالدین دوست-محمد، حمید صوفی جعفر نیازی، محمود برخوردار، مرضیه خانی‌زاده ابیانه، مستانه (منصوره) فاطمی، مهدی یارتوکی، محمدعلی خوشکام، محمد عضو خوبان، مصطفی رضایی، محمدعلی خلجی پریسا نورالهی، پویا مدلی، راضیه درزی، رضا حمیدی مطلق، سالار عشرت‌خواه، سامان احمدی سمانه روح‌الهی، شیدا سردشتی، شیرین قلی‌پور، سهیل محمدی، طیبه خلیلی‌مهر یلدا هاشمی‌نژاد و زینب نیکچه

بخش عکس:

نادر امیدوار، احسان جزینی، احمد بلباسی، هادی دهقانپور، ملیحه غفاری، علی‌اصغر فیض‌الهی، علی تشکری، فائزه حمیدیا، حسین یاراحمدی، جاوید تفضلی، مازیار اسدی مهدی کرمی، مصطفی حسن‌زاده، پوریا ترابی، سعید قاسمی، سالار ارکان، سامان جعفری سیدمحمد صادق حسینی، شهاب ناصری، شریفه علی‌آبادی، طاهره رخ بخش زمین، زهره لک و علی‌اصغر یوسفی

افتتاحیه و اختتامیه‌ی دوسالانه‌ی هنری دستان ۱ که قرار بود در فرهنگسرای نیاروان برگزار شود، به دلیل شرایط کرونا در دفتر ارتباطات انجمن، به‌صورت آنلاین نمایشگاه بر روی بستر سایت رسمی انجمن به‌طور نمایشگاه سه‌بعدی برگزار شد و مراسم افتتاحیه‌ی دوسالانه نیز به‌صورت لایو در اینستاگرام انجمن و دوسالانه منتشر شد.



«حمیدرضا داودی»؛ داور بخش

کاریکاتور:

معتقدم هر فعالیت اجتماعی اگر بخواهد ماندگار و به آن چیزی افزوده شود و ثمر بیشتری را در سال‌های بعدتر از آن انتظار داشته باشیم، نمی‌تواند خارج از حیطه فرهنگ باشد. از این جهت اعتقادم بر این بود که برای دیده شدن کودکان کار و اینکه تلنگری به جامعه زده شود و جامعه‌نگاهی به این بچه‌ها داشته باشد، باید جریان‌ی فرهنگی هنری برای این کار شکل بگیرد.

چشم‌انداز پیش‌رو در بحران کووید-۹۱ و کار کودک

مترجم: سهیلا باقری

منبع: صفحه‌ی یوتیوب OLI

دبیر کل سازمان جهانی کار: با تعطیلی‌ها و محدودیت‌های کرونایی، افراد بیشتری به کارهای غیررسمی روی می‌آورند، و بازار غیررسمی کار همیشه بستر اصلی کار کودک است. هم‌زمان با این شاهد تعطیلی مدارس نیز هستیم و آموزش به گونه‌ی سابق پیش نمی‌رود. همه این‌ها به مثابه‌ی یک طوفان می‌ماند و حتی با رفع موانع و محدودیت‌های کرونایی، مردم به سختی قادر به تأمین معاش خواهند بود.

در سال ۲۰۱۷، در کنفرانس جهانی ریشه‌کنی پایدار کار کودک، سازمان جهانی کار به تازگی حقایق و آماری را در خصوص ابعاد کار کودک منتشر کرد: تعداد کودکان کار در سراسر جهان ۱۵۲ میلیون نفر تخمین زده شد، که نیمی از آنان مشغول به کارهای خطرناک بودند. سال آینده توسط سازمان ملل به عنوان «سال بین‌المللی حذف کار کودک» شناخته خواهد شد و در طول این سال، سازمان جهانی کار و یونیسف با یکدیگر همکاری تنگاتنگ‌تری داشتند تا تخمین جدیدتری از ابعاد کار کودک داشته باشند.

همچنین هدف‌گذاری سال ۲۰۲۵، به عنوان یکی از اهداف توسعه‌ی پایدار سازمان ملل (ذیل هدف ۸،۷؛ مبنی بر اقدام فوری و موثر برای تحقق ممانعت و از میان برداشتن بدترین اشکال به کارگیری کودکان، از بین بردن کار اجباری و تا سال ۲۰۲۵ خاتمه دادن به کار کودکان در تمام اشکال از جمله استخدام و بهره‌گیری از کودکان سرباز)، حذف همه‌ی اشکال کار کودک بوده است. گرچه این هدف هم‌اکنون بلندپروازانه به نظر می‌رسد، ولی دست‌نیافتنی نیست. همان‌گونه که می‌دانیم که کووید-۱۹ بحران‌های اقتصادی و اجتماعی در سراسر جهان ایجاد کرده است که ابعاد آن را در حال حاضر فقط می‌توان تخمین زد. در چند سال گذشته شاهد پیشرفت‌هایی در زمینه‌ی مبارزه با کار کودک بودیم و همگی از آن خرسند بودیم؛ اما در حال حاضر مطمئن نیستیم که این پیشرفت دچار توقف خواهد شد و یا به عقب باز خواهد گشت.

در همین راستا، نشست مجازی سطح بالا در پلنفرم «زوم» با محور ترویج گفت‌وگو بر سر اهمیت محافظت کودکان از کار کودک در دوران کرونا با در نظرگیری هدف توسعه‌ی پایدار ۸،۷ برای پایان دادن به همه‌ی انواع کار کودک تا سال ۲۰۲۵ برگزار شد. آقای «گای رایدِر» (Guy Ryder)؛ دبیر کل سازمان جهانی کار، خانم «هنریتا فور» (Henrietta Fore)؛ دبیر اجرایی یونیسف، آقای «کایلاش ساتیارتی»؛ برنده‌ی جایزه‌ی صلح نوبل از هند، آقای «چو دانگیو» (Qu Dongyu)؛ دبیر کل فائو، خانم «نوشه کارور»؛ رییس اتحاد ۸،۷ از پاریس؛ خانم «جانینا دینارته» (Geannina Dinarte)؛ وزیر کار کاستاریکا، آقای «روبرتو سوارز سانتوس» (Roberto Suarez Santos)؛ دبیر کل سازمان بین‌المللی کارفرمایان، خانم «شاران بارو» (Sharan Burrow)؛ دبیر کل اتحادیه‌های بین‌المللی کارگری و «جولیوس آبیته‌گاکا» (Julius Abitegaka)، کودک کار سابق و فعال حقوق کودک از کامپالای اوگاندا در این نشست شرکت داشتند.

آقای رایدِر سخنان خود را این‌گونه شروع کرد: ما پیشرفت خوبی در زمینه‌ی کار کودک در دو دهه‌ی گذشته داشتیم. هم‌اکنون ۹۴ میلیون کودک کار کمتر نسبت به ۲۰ سال گذشته داریم. البته پیشرفت‌مان کمی کند شده است. پیغام اصلی گزارش مشترک سازمان جهانی کار و یونیسف این است که با پیدایش اپیدمی کرونا، این خطر وجود دارد که نه تنها این پیشرفت ما متوقف شود، بلکه به عقب بازگردد. دلیل این امر بحران‌های اقتصادی و اجتماعی عمیقی است که کرونا ایجاد کرده است؛ معادل ۳۰۵ میلیون شغل در نیمه‌ی اول امسال از بین رفته است و رشد فزاینده‌ی فقر را شاهد بوده‌ایم. آمارها نشان می‌دهد که اگر فقر به میزان ۱ درصد افزایش پیدا کند، احتمال افزایش کار کودک ۰،۷ درصد خواهد بود. وی ادامه داد: با تعطیلی‌ها و محدودیت‌های کرونایی، افراد بیشتری به کارهای غیررسمی روی می‌آورند، و بازار غیررسمی کار همیشه بستر اصلی کار کودک است. هم‌زمان با این شاهد تعطیلی مدارس نیز هستیم و آموزش به گونه‌ی سابق پیش نمی‌رود. همه این‌ها به مثابه‌ی یک طوفان می‌ماند و حتی با رفع موانع و محدودیت‌های کرونایی، مردم به سختی قادر به تأمین معاش خواهند بود، به ویژه اگر به صورت کارآمد مورد حمایت اجتماعی قرار نگیرند و افرادی که در موقعیت سخت اقتصادی قرار می‌گیرند، به کار کودک متوسل می‌شوند. گرچه دلایل متعدد دیگری نظیر انقباض سرمایه و تجارت در راستای تقویت این طوفان وجود دارند و چشم‌انداز پیش‌رو تاریک به نظر می‌رسد، اما گزارش ما سلسله اقدامات واجب و گام‌های درستی را برشمرده است تا بتوان بر این طوفان فائق آمد.

دبیر اجرایی یونیسف: اپیدمی کووید-۱۹ باعث شده که بیش از ۱ میلیارد کودک به مدرسه نروند و از سویی دیگر، درآمد خانوارها را کاهش داده است. می‌توان اوضاع را این‌گونه ترجمه کرد که کودکان برای کمک به خانواده‌های‌شان شرایط خطرناک، زیان‌آور و استثمارگری کار را بپذیرند. کودکانی که از قبل درگیر کار کودک هستند، ساعات کاری بیشتر کار خواهند کرد و زیر بار شرایط کاری خطرناک‌تری خواهند رفت.



با کودکان کار دنیا ❖

دبیر اجرایی یونسف سخنان خود را این گونه شروع کرد: این گزارش به ما یادآور می‌شود که برای اولین بار در دو دهه‌ی گذشته ما ممکن است با افزایش پدیده‌ی کار کودک، از جمله در بدترین اشکال آن، روبرو شویم. اپیدمی کووید-۱۹ باعث شده که بیش از ۱ میلیارد کودک به مدرسه نروند و از سویی دیگر، درآمد خانوارها را کاهش داده است. می‌توان اوضاع را این-گونه ترجمه کرد که کودکان برای کمک به خانواده‌های‌شان شرایط خطرناک، زیان‌آور و استثمار‌آمیز را بپذیرند. کودکانی که از قبل درگیر کار کودک هستند ساعات کاری بیشتر کار خواهند کرد و زیر بار شرایط کاری خطرناک‌تری خواهند رفت. دختران در بخش کار خانگی و کشاورزی آسیب‌پذیرتر خواهند بود و بیشتر در برابر خشونت جنسی قرار خواهند گرفت. دولت‌ها نیز همچون خانواده‌ها با انتخاب‌های سختی روبرو خواهند بود: این‌که بر روی تأمین اجتماعی، رفاه آموزش هزینه کنند، و یا برای محرکه‌ی اقتصادی سرمایه‌گذاری کنند. اقدامی که کودکان بیشتری را در معرض کار کودک و بهره‌کشی قرار خواهد داد.

وی ادامه داد: بنابراین، یونسف معتقد است که دولت‌ها می‌توانند موازنه‌ای را ایجاد کنند همچنان که به محرکه‌ی اقتصادی در طول و پس از اپیدمی کرونا روی می‌آورند، به پاسداشت حقوق کودک و تلاش برای پایان بخشیدن به کار کودک بپردازند. ابتدا این‌که سرمایه‌گذاری مناسب برای حمایت از سلامت و آموزش کودکان بکنند، چرا که هرگونه رشد اقتصادی بر نیروی کار سالم، آموزش‌دیده و متخصص استوار است. همچنین بهترین و پایدارترین مسیر برای رشد اقتصادی ماندگار از طریق سرمایه‌گذاری روی سرمایه‌های انسانی ممکن است. دوم، دولت‌ها باید از همه‌گیری کرونا به عنوان فرصتی برای معرفی سیاست‌ها و برنامه‌های جدید برای جلوگیری از بازگشت کودکان کار به کار استفاده کنند. با بسته بودن کسب و کار، این فرصت تازه را داریم که کودکان کار را از محل کارشان دور نگه داشته و به مدرسه -جایی که به آن تعلق دارند- بازگردانیم. با باز شدن دوباره‌ی مدارس کودکان باید از مزایایی مثل برنامه‌های تغذیه‌ی مدرسه بهره‌مند شوند، تا خانواده‌ها به کار کودکان‌شان وابسته نباشند. سوم این‌که با تقویت شبکه‌های امنیت اجتماعی که خانواده‌ها به آن اتکا دارند، دولت‌ها می‌توانند کمک به‌سزایی بکنند. این مقوله شامل کمک نقدی برای تأمین معاش خانواده‌ها و تقویت خدمات اجتماعی است. دولت‌ها هم‌اینک با انتخاب گزینه‌ی درست و سرمایه‌گذاری مناسب، می‌توانند متضمن این شوند که سیاست‌های کرونایی آن‌ها به قیمت توقف یا ارتجاع پیشرفت‌های حاصله در مبارزه با کار کودک تمام نخواهد شد.

چو دانگیو؛ دبیر کل فائو، در پیغام ویدیویی به این کنفرانس، اظهار کرد: امروز همه با هم برای بزرگداشت «روز جهانی مبارزه با کار کودک» جمع شده‌ایم. کار کودک به صورت گسترده در بخش کشاورزی وجود دارد و از هر ۱۰ کودک کار، ۷ نفر آنان در این بخش به کار مشغول شده‌اند. کار کودک در بخش کشاورزی باید متوقف شود. اما در عین حال، باید بدانیم که چه چیزی کار کودک نیست. کودکانی که به کارهای ایمن و مناسب سن‌شان در مزرعه برای ساعت‌های محدود مبادرت می‌ورزند، و به مدرسه نیز می‌روند، می‌توانند مهارت‌های مهمی را در خود پرورش دهند و در تأمین معاش خانواده کمک کنند. اینان از این رو، کودک کار محسوب نمی‌شوند.

دبیر کل فائو: متأسفانه وضعیت کاری حدود ۱۱۰ میلیون کودک پسر و دختر به گونه‌ایست که اصلاً پذیرفتنی نیست. ۷۰ درصد این کودکان در بخش کشاورزی هستند و فقر مهم‌ترین دلیل آن است. وضعیت اقتصادی بسیاری از کشاورزان خرد و آسیب‌پذیر به خاطر بحران‌های اخیر اقتصادی اجتماعی کرونا و همچنین تغییرات اقلیمی بدتر شده است و به کار کودک وابسته‌تر شده‌اند.

۷۵

www.apcl.ir
pr@apcl.ir



Webinar on

**COVID-19 Protect Children from Child Labour,
Now More than Ever!**

12 June 2020, 11:00 AM to 2:30 PM

کایلاش ساتیارتی: امروز، یعنی این روز بزرگداشت مبارزه علیه کار کودک، از بیشترین اهمیت برخوردار است. چرا که هر کاری که ما بکنیم و هر تصمیمی که بگیریم، آینده‌ی یک نسل کامل را رقم خواهیم زد. برای همین است که ما نیازمند به رهبری جسورانه در همه‌ی عرصه‌های زندگی هستیم: از دولت‌های ملی و جامعه‌ی بین‌الملل گرفته تا جوامع مدنی.

وی ادامه داد: متأسفانه وضعیت کاری حدود ۱۱۰ میلیون کودک پسر و دختر به گونه‌ایست که اصلاً پذیرفتنی نیست. ۷۰ درصد این کودکان در بخش کشاورزی هستند و فقر مهم‌ترین دلیل آن است. وضعیت اقتصادی بسیاری از کشاورزان خرد و آسیب‌پذیر به خاطر بحران‌های اخیر اقتصادی اجتماعی کرونا و همچنین تغییرات اقلیمی بدتر شده است و به کار کودک وابسته‌تر شده‌اند.

کایلاش ساتیارتی سخنان خود را این گونه شروع کرد: امروز، یعنی این روز بزرگداشت مبارزه علیه کار کودک، از بیشترین اهمیت برخوردار است. چرا که هر کاری که ما بکنیم و هر تصمیمی که بگیریم، آینده‌ی یک نسل کامل را رقم خواهیم زد. برای همین است که ما نیازمند به رهبری جسورانه در همه‌ی عرصه‌های زندگی هستیم: از دولت‌های ملی و جامعه‌ی بین‌الملل گرفته تا جوامع مدنی. من خاطرم است که به آزادی دخترچه‌ای از سیرک کمک کردم، زمانی که او را از نپال به هند قاچاق می‌کردند. او ۱۵ سال داشت، به بردگی گرفته شده بود و بارها مورد تجاوز قرار گرفته بود. از من پرسید: «صحبت تو این است که به مدرسه برگردم و خوشحالی کنم و درس یاد بگیرم. اما برای من خیلی دیر است و همین‌طور برای خیلی‌های دیگر.»

وی ادامه داد: حقیقت این است که ما نمی‌توانیم از پس هزینه‌ی جلوگیری از این همه کار کودک برآییم. ما، به همراه ۴۵ برنده‌ی جایزه نوبل و ۲۰ نخست‌وزیر و رییس‌جمهور سابق خواسته‌ایم که حداقل یک تریلیون دلار برای مبارزه با کار کودک در این بحران اختصاص دهیم. و این عدد، به واقع عدد بالایی نیست. این خواسته‌ی سازمان ماست.

در ادامه‌ی این نشست، شرکت‌کنندگان بر سر گزارش مشترک سازمان جهانی کار و یونسف که ۱۲ ژوئن منتشر شده است، گفت‌وگو کردند. این گزارش به تأثیرات سو سیاست‌های مواجهه با کرونا می‌پردازد که می‌تواند آسیب شدیدی به پیشرفت‌های دو دهه‌ی اخیر در مبارزه با کار کودک و رسیدن به هدف ریشه‌کنی کار کودک تا سال ۲۰۲۵ بپردازد.



برنامه‌ی سال ۲۰۲۱ یونیسف برای حذف کار کودک

مترجم: نیلوفر شاکری

۱. یونیسف همکاری نزدیکی با دولت‌های محلی و بین‌المللی به منظور استفاده و اصلاح استراتژی‌های مفهومی مرتبط با کار کودک دارد.
۲. یونیسف برای رسالت خویش سه اولویت دارد:
 - الف) افزایش جمع‌آوری داده‌ها
 - ب) تقویت خدمات اجتماعی نیروی کار
 - ج) جلوگیری از خشونت، بهره‌کشی و سو استفاده
۳. از هر ده کودک به‌طور تقریب یکی از آن‌ها موضوع مساله‌ی جهانی کار کودک قرار می‌گیرند.
۴. تنها یک درصد افزایش فقر ۰/۷ باعث افزایش بیشتر کار کودک می‌شود.

۵. در دو دهه‌ی اخیر ۹۴ میلیون مورد کمتر در مساله‌ی کار کودک دیده شده که این آمار در حال حاضر در خطر کاهش قرار دارد و مساله‌ی پاندمی کرونا می‌تواند این شرایط را عکس کند و وضعیت پایان دادن به کار کودک را هدفی با دستیابی دشوارتر قرار دهد.
۶. به‌خصوص برای دختران مسولیت سه‌گانه‌ی تحصیل، کار و خانه‌داری دسترسی آنان را به تحصیلات با کیفیت و دستیابی به رفاه اقتصادی در سنین بزرگسالی را کاهش می‌دهد.
۷. ما بیش از هر پیش نیاز داریم از حق تحصیل برای هر کودک، رواج کار مناسب برای بزرگسالان و تصویب مقررات جامع و فراگیر حفاظت اجتماعی، اطمینان حاصل کنیم.

در دو دهه‌ی اخیر گام‌های بزرگی در زمینه‌ی مبارزه با کار کودک صورت گرفته است. این در حالی است که به‌دلیل همه‌گیری کووید ۱۹ ریسک‌های جدی و واقعی در جهت عکس این مسیر بروز می‌کند. ترندهای مثبت ممکن است دچار مشکل شوند که این موضوع منجر به افزایش آسیب‌پذیری کودکان نسبت به مساله کار کودک می‌شود. این‌گونه ریسک‌ها نیازمند اقدامات فوری به منظور جلوگیری و کاهش عوارض همه‌گیری بر کودکان و خانواده‌هایشان است.

سال ملی حذف کار کودک به یونیسف و همتایانش فرصت‌های منحصر بفردی به‌منظور سرعت بخشیدن برای برطرف کردن آسیب‌پذیری کودکان و اجرای اقدامات جامع اقتصادی اجتماعی در جهت حذف کار کودک در تمام ابعاد ملی و جهانی، پیشنهاد می‌کند. در عین حال این سال فرصتی است برای تقویت همکاری بین کشورها و سازمان‌ها که شامل اتحاد <https://www.alliance87.org> می‌شود که شراکتی جهانی با هدف حذف کار کودک است. برای رسیدن به چنین دستاوردی جزئیات کار ما در ادامه‌ی این بخش لحاظ شده است.

برنامه‌هایی که یونیسف از ابتدای سال ۲۰۲۱ بدین منظور جلو برده است، بدین شرح است:

- ژانویه ۲۰۲۱: وبینارهایی در رابطه با موضوعات فنی دخترانی که وابسته به گروه‌های مسلح هستند، با محور به کار گماشتن کودکان در بدترین اشکال کار کودک (ضبط و بینارها به زبان‌های انگلیسی و فرانسوی)
- ۱۲ فوریه ۲۰۲۱: روز دست قرمز
- ۲۴ فوریه ۲۰۲۱: ارتباط کار کودک با ازدواج کودکان
- مارس ۲۰۲۱: معرفی مسئولیت‌های بخش خصوصی در جنوب آسیا در رابطه با کارگران مهاجر و خانواده‌های آنها در گزارش متن کووید -۱۹.
- مارس ۲۰۲۱: معرفی خلاصه دعوی کودک کار و کودکان با نیازهای ویژه با تمرکز بر جنوب آسیا

❖ با کودکان کار دنیا

- مارس ۲۰۲۱: کمیت و کیفیت درس خواندن کودکان کار مزارع عرضه‌ی کاکائو با تمرکز بر غنا و ساحل عاج
- آوریل ۲۰۲۱: معرفی خلاصه مقالات مقدماتی در زمینه‌ی آموزشی راهکارهایی برای رسیدگی به کار کودکان در هند و بنگلادش
- آوریل - ژوئن ۲۰۲۱: تحقیق در مورد انجام تعهد به حمایت از کودک در غنا (از جمله کار کودکان)
- می - دسامبر ۲۰۲۱: کمپین‌های شبکه‌های اجتماعی مدیا برای پایان بخشیدن به کار کودک (یونیسف هند)
- ژوئن ۲۰۲۱: راه‌اندازی سیاست کلی رسیدگی به کار کودکان در هند
- ژوئن ۲۰۲۱: خلاصه دعوی برای مشاغل و سیاست‌گذاران؛ نقش تجارت در جلوگیری از کار کودکان
- ۱۰ ژوئن ۲۰۲۱: وبینار تحصیل و کودک کار در جنوب آسیا
- ۱۰ ژوئن ۲۰۲۱: تور مجازی یونیسف و برنامه‌های هم‌تایان برای جلوگیری از کار کودکان در صنعت تولید کوبالت در جمهوری دموکراتیک کنگو (با همکاری اتحاد جهانی باتری (Battery))
- ۱۲ ژوئن ۲۰۲۱: سالروز مبارزه علیه کار کودک
- راه‌اندازی گزارش مشترک یونیسف و سازمان جهانی کار در مورد کار کودکان تخمین ۱۰ ژوئن
- اکتبر و نوامبر ۲۰۲۱: ارایه‌ی نتایج حاصل از پژوهش «استراتژی‌های تحصیلی به منظور بررسی کار کودک» که شامل بسته‌ای از گزارشات حاکی از ارتباطات کودک کار - تحصیلی در هند و بنگلادش می‌شود و یک نقشه‌ی امیدوار کننده در زمینه‌ی همکاری بین هر دو کشور، خلاصه‌ی سیاست‌گذاری‌ها، و وبینار
- دسامبر ۲۰۲۱: نهایی شدن سند سیاست: برنامه‌ی اقدام ملی شماره‌ی ۲ برای حذف قاچاق انسان در غنا



رویکرد یکپارچه‌ی یونیسف

یونیسف یک رویکرد یکپارچه برای از بین بردن کار کودکان، از تقویت ابتکار عمل در شیوه‌ی والدگری گرفته، بهبود دسترسی به آموزش با کیفیت، تقویت حفاظت اجتماعی و پرداختن به هنجارهای مضر اجتماعی که کار کودک را تداوم بخشد. در این بخش نقاط کلیدی ورود به موضوع کار کودکان را ارایه می‌دهند.

کار کودکان و کودکان مرتبط با نیروهای مسلح و گروه‌های مسلح (CAAFAG)
استخدام و استفاده از کودکان در گروه‌های مسلح یکی از بدترین اشکال کار کودک است.

کار کودکان در کنوانسیون شماره‌ی ۱۸۲ سازمان جهانی کار، پروتکل اختیاری سازمان ملل، کنوانسیون حقوق کودک و اساسنامه‌ی بین‌المللی دادگاه کیفری رم، تعریف شده است. پرداختن به عوامل پرخطر مانند فقر ساختاری، ممکن است به پیشگیری از ورود کودک کار به این‌گونه بخش‌ها جلوگیری کند.

کودک کار و تحصیل

در زمینه‌ی اپیدمی کرونا، تعطیلی مدارس می‌تواند میزان ترک تحصیل و کار کودکان را به میزان قابل توجهی افزایش دهد. برای دختران، بیشتر ترکیبی از کارهای مدرسه، کار و خانه، مشارکت و یادگیری در مدرسه را فعالیت‌های تفریحی و فرصت‌های اقتصادی به عنوان بزرگسالان آینده، تحقق حقوق آنها را بیشتر کاهش می‌دهد و تضعیف می‌کند. به منظور اطلاع‌رسانی موثر از سیاست‌ها و برنامه‌های شناسایی و رسیدگی به این خطرات

با کودکان کار دنیا ❖

شواهد بهتر مورد نیاز است، که یونیسف از طریق یک پروژه‌ی تحقیقاتی در زمینه‌ی آموزش جمع‌آوری کرده و راهکارهایی برای رسیدگی به کار کودکان در هند و بنگلادش ارائه می‌دهد. این موضوع باعث تولید طیف وسیعی از مدارک و شواهد، از جمله تجزیه و تحلیل روابط آموزش و کار کودکان، اثرات مداخلات آموزشی، پویایی‌های کار کودک در زمینه‌ی عوامل تعیین‌کننده‌ی گسترده‌ی جنسیتی و اجتماعی می‌شود. مشاوره و وبینار، با گرد هم آوردن ذی‌نفعان متنوع در این زمینه در هر دو کشور اتفاق خواهد افتاد.

کار کودک و حفاظت اجتماعی

حفاظت اجتماعی به کاهش فاکتورهای خطرپذیر از جمله خشونت، ازدواج کودک و کار کودک یاری می‌دهد. سازمان یونیسف از گزارشی درباره‌ی «حفاظت کودک و حفاظت اجتماعی» که نشان می‌دهد که چگونه رویکردهای حفاظت اجتماعی، به نتایج حمایت از کودک کمک می‌کند؛ حمایت مالی کرده است.

کار کودک و بخش خصوصی

یونیسف نیاز به قدرت نفوذ را نقش بخش خصوصی در از بین بردن کار کودکان تشخیص می‌دهد. یونیسف به صورت جهانی و حتی ملی به منظور افزایش آگاهی با هم‌تایان خود کار می‌کند و اقدام لازم برای پیشبرد شایسته‌ی اقدامات در مورد کار کودک را ترویج می‌دهد. برای مثال یونیسف و پیمان جهانی سازمان ملل به گزارشی در رابطه با محیط‌های کاری خانوادگی و دوستانه اقدامات و سیاست‌های خاصی را ترسیم می‌کند که بتواند کارکنان بخش خصوصی و خانواده‌های‌شان در زنجیره‌ی عرضه‌ی جهانی حمایت کند.

کار کودک و حفاظت کودک

کار کودکان توسط یونیسف از طریق برنامه‌های مداوم حمایت از کودک و به منظور تقویت در حوزه‌ی ثبت تولد و توجه به موضوع شناسنامه و مدرک هویتی رسیدگی می‌شود که بتوان از این موضوع اطمینان حاصل کرد که کودک سن خود را قابل اثبات می‌بیند، تقویت سیستم‌های بازرسی و نظارت بر کاربران، ایجاد شرایطی که در آن کودک کار بعد حمایتی و مدیریتی در زمینه‌ی روانی و اجتماعی را تجربه خواهد کرد و در صورت لزوم آن‌ها را به خدمات مرتبط رجوع خواهد داد.

کار کودک و کودکان با نیازهای ویژه

میلیون‌ها کودک از ناتوانی‌های جسمی، شناختی و عاطفی ناشی از کار کودکان رنج می‌برند و بسیاری از کودکان با نیازهای ویژه همچنان از طریق کار کودک مورد بهره‌کشی قرار می‌گیرند. این موارد نقض حقوق بشر است و اغلب شامل بدترین اشکال کار کودکان می‌شود که با انواع خطرناک کار کودکان پیوند دارد، مانند قاچاق کودک و می‌تواند منجر به آسیب جدی، استثمار جنسی و مرگ کودک شود.

خلاصه‌ی حمایتی یونیسف به دنبال درک و فهمیدن پیوندهای میان کار کودک و ناتوانی‌های آنان در جنوب آسیا است و در پی یافتن علل ریشه‌ای این موضوع اقداماتی را ارائه می‌دهد.

کار کودک و مهاجرت

آثار مهاجرت نیروی کار بسیار وسیع است. بسیاری از مهاجرت‌ها برای کار به صورت داخلی و خارجی، از مناطق روستایی به شهری یا خروج از مرزها و رفتن به آن سوی آب‌ها اتفاق می‌افتد. در حالی که بسیاری از کودکان کار همراه با خانواده مهاجرت می‌کنند. بسیاری دیگر هستند که از خانواده جدا شده و بدون همراه هستند که از حداقل حفاظت اجتماعی و خدمات نیز بهره‌ای ندارند. گزارش یونیسف در باب مهاجرت برای کار با تمرکز بر جنوب آسیا پیشنهادهای را برای بخش خصوصی و عمومی ارائه می‌کند که بتوان همه‌ی کارگران و خانواده‌های‌شان را در حیطه‌هایی از جمله اشتغال، استخدام، حواله‌ها، خدمات اساسی و حمایت اجتماعی، حفاظت کرد.

نیاز به حمایت بیشتر از خانواده‌های شاغلان در زمان همه‌گیری بیماری کرونا

منبع: یونیسف ایران

توصیه‌های اولیه درخصوص کسب و کارها برای کمک به کارفرمایان در تقویت حمایت‌های خود از خانواده‌ها در زمان همه‌گیری بیماری کرونا دوم آوریل ۲۰۲۰ در اطلاعیه‌ی مشترک یونیسف و سازمان جهانی کار

یونیسف و سازمان بین‌المللی کار طی بیانیه‌ای مشترک اعلام کردند که با ادامه‌ی همه‌گیری بیماری کرونا و رشد تصاعدی آن، ضروری است تا همه‌ی خانواده‌هایی که کار می‌کنند، به نحوی مورد حمایت قرار گیرند تا پیامدهای منفی برای کودکان به حداقل برسد. از دست دادن شغل، تعطیلی مدارس، در دسترس نبودن مراکز یا افراد برای مراقبت از کودک بدان معناست که خانواده‌ها، به خصوص خانوارهای کم درآمد، به حمایت بیشتری نیاز دارند. به نقل از رییس بخش رشد و تکامل دوره‌ی خردسالی یونیسف دکتر «پیا ربلو بریتو» «خانواده‌ها تا سال‌های زیادی با عواقب این همه‌گیری، از جمله از دست دادن مشاغل استرس طولانی‌مدت و مشکلات سلامت روحی دست و پنجه نرم خواهند کرد. نبود سیستم‌های حمایت اجتماعی کافی برای کودکان بسیار آسیب‌پذیر نیز مواجهه آنها با بحران را تشدید می‌کند.»

یونیسف در توصیه‌های اولیه‌ی خود که از کارفرمایان می‌خواهد تا در نظر داشته باشند که تصمیمات کاریشان در این دوران چه اثراتی بر روی خانواده‌های کارگران خواهد داشت و تا حد امکان حمایت اجتماعی برای کارگران فراهم کنند.

یونیسف و سازمان جهانی کار هم‌چنین، از دولت‌ها می‌خواهند تا اقدامات حمایت اجتماعی خود را به خصوص درمورد خانواده‌های آسیب‌پذیر تقویت کنند، از جمله با حمایت از کارفرمایان برای اشتغال‌زایی و کسب درآمد، و تضمین حمایت مالی برای آن دسته افرادی که مشاغل خود را از دست می‌دهند.

مدیر بخش شرایط کار و برابری سازمان جهانی کار، «مانوئلا تومای» در همین رابطه می‌گوید: «گفتگوی اجتماعی، مشاوره و مشارکت میان دولت‌ها، کارگران و کارفرمایان و نمایندگان ایشان، امری ضروری است. نتایج اثربخش و پایدار بر پایه‌ی اعتماد و استفاده از تجربیات ساخته می‌شوند.»

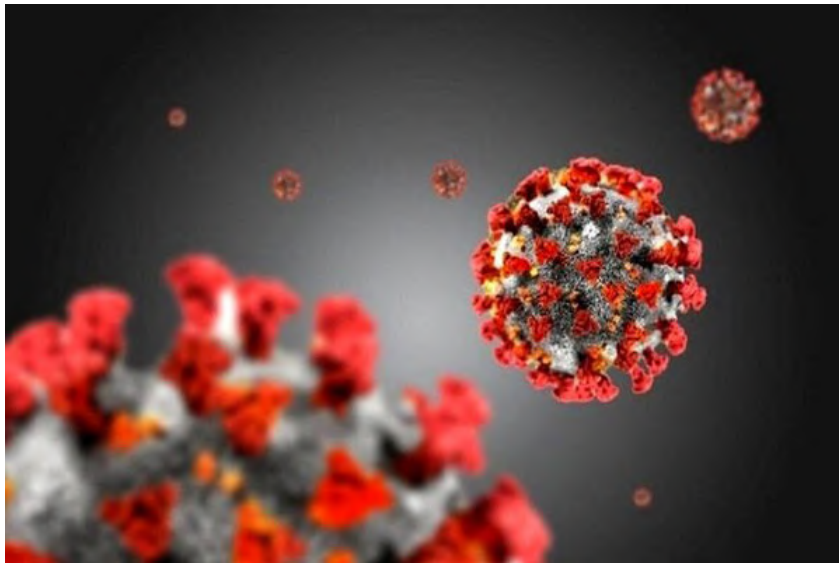
سیاست‌ها و شیوه‌های دوستدار خانواده از جمله حمایت از اشتغال و کسب درآمد، مرخصی با حفظ حقوق برای اعضای خانواده، ساعات کاری شناور و دسترسی به مراقب کودک در مواقع اضطراری می‌توانند اثرات به‌سزایی داشته باشد. با این اقدامات کارگران می‌توانند از خود و فرزندان‌شان حمایت و مراقبت کنند و بازدهی کاری و حس امنیت ایشان بالاتر خواهد رفت. توصیه‌های اولیه برای کارفرمایان برای کاهش پیامدهای منفی ناشی از بیماری کرونا عبارتند از:

- توصیه‌های مقامات کشوری خود را دنبال کنید و اطلاعات مرتبط و ضروری را به نیروی کار اطلاع‌رسانی کنید.
- بررسی کنید که آیا سیاست‌های فعلی محل کار، حمایت کافی برای کارگران و خانواده‌های‌شان فراهم می‌کند یا خیر.
- به هنگام اجرای سیاست‌های قبلی یا جدید، شیوه‌های مناسبی براساس گفتگوی اجتماعی، قوانین کار داخلی و استانداردهای جهانی به‌کار گیرید. اطمینان حاصل کنید که همه‌ی کارگران بدون هیچ تبعیضی از اقدامات حمایتی مربوط به محل کار برخوردار باشند و این که تمام کارگران از این اقدامات مطلع بوده، آنها را درک کرده و به‌کارگیری آن برایشان راحت است.
- محل کار خود را از هرگونه تبعیض یا انگ‌زنی اجتماعی محافظت کنید؛ برای این کار دیگران را آموزش دهید و اطمینان حاصل کنید که ساز و کارهای گزارش‌دهی محرمانه و امن هستند.
- مقررات کاری دوستدار خانواده اجرا کنید تا کارگران بتوانند آزادی بیشتری در چگونگی و زمان انجام کارها و مسئولیت‌های خود داشته باشند. اگر ساعات کاری شناور امکان‌پذیر نیست، گزینه‌ی دیگری برای حمایت از والدین شاغل در نظر بگیرید از جمله حمایت در نگهداری از فرزندان‌شان
- در زمان همه‌گیری بیماری کرونا، از والدین شاغل با رایحه‌ی راهکارهای مناسب و امن



❖ با کودکان کار دنیا

- برای مراقبت از فرزندان شان حمایت کنید.
- با تقویت ایمنی و بهداشت شغلی و به کارگیری اقدامات ضروری از بروز خطر در محیط کار جلوگیری کنید.
- در مورد ایمنی و بهداشت شغلی و شیوه های رعایت بهداشت راهنمایی کنید و آموزش دهید.
- کارگران را تشویق کنید تا در صورت داشتن علائمی مثل تب، سرفه و یا تنگی نفس به طور حتم به پزشک مراجعه کنند.
- از کارکنان خود در رویارویی با استرس در زمان همه گیری بیماری کرونا حمایت کنید.
- از اقدامات حمایت اجتماعی دولت در راستای کنوانسیون ۱۰۲ تأمین اجتماعی (حداقل استانداردها) و توصیه نامه ی کف حمایت اجتماعی سازمان جهانی کار پیروی کنید.
- کمک های شرکت می تواند به عنوان مثال شامل یارانه برای کارگران برای دسترسی به بیمه ی خدمات درمانی، بیمه ی بیکاری و ناتوانی جسمی باشد و باید برای کارگران غیررسمی نیز اعمال شود.



یونیسف در توصیه های اولیه ی خود که از کارفرمایان می خواهد تا در نظر داشته باشند که تصمیمات کاریشان در این دوران چه اثراتی بر روی خانواده های کارگران خواهد داشت و تا حد امکان حمایت اجتماعی برای کارگران فراهم کنند. یونیسف و سازمان جهانی کار هم چنین، از دولت ها می خواهند تا اقدامات حمایت اجتماعی خود را به خصوص در مورد خانواده های آسیب پذیر تقویت کنند، از جمله با حمایت از کارفرمایان برای اشتغال زایی و کسب درآمد، و تضمین حمایت مالی برای آن دسته افرادی که مشاغل خود را از دست می دهند.

گفتگو: فرشته فرمند حبیبی



درد بچگی اومد جلوی چشمم و کل بدنم سست شد. آن قدر ناراحت شده بودم که می‌خواستم یک چیزی به این بچه‌ها بدم که امروز رو دیگه برن خونه، ولی می‌دونستم هرچی بهشون بدم به پدر و مادرشون می‌دن و فردا دوباره همین کار رو انجام می‌دن و تغییری توی زندگی‌شون ایجاد نمیشه.

«به دل می‌گه برم برم/ به دل می‌گه نرم نرم/ طاقت نداره دل‌م دل‌م/ بی تو چه کنم؟» این ترانه‌ی آهنگ آشنایی با نوای ساز است که یکباره لابلای هیاهوی ترافیک، آدم‌ها و صدای بوق ماشین‌ها تو را پرت می‌کند به خاطرات لطیفی که شاید در زندگی تجربه کرده باشی. اما برای یک کودک کار شنیدن این نوای دلنشین چیزی است که خرخره‌اش را جنگ می‌زند و او را یاد روزهای سختش می‌اندازد. سهیل خنیاگر، کودک کار دیروز است، حالا او ۲۴ ساله شده است و دو پسر دارد. سهیل یکی از اهالی کولی و اهل بابل است و در تمام دوران کودکی با هنر نوازندگی یاور معاش خانواده خود بوده است. با او درباره‌ی دوران کودکی و این که در آن دوران مجبور به کار کردن بود، با هدف آگاه‌سازی مردم از وضعیت کار کودکان در دفتر ارتباطات انجمن گفتگویی انجام شده است که در ادامه می‌خوانید.

• **چی شد که اومدین تهران؟**
پدر بزرگ پدری‌ام از اهالی دودانگه‌ی ساریه، وقتی از اونجا به تهران اومدن، پدر بزرگم رفتگر شهرداری شد، پدرم هم به اونجا می‌رفت و مدتی مشغول بود. راستش از همون دوران بچگی پدرم کنار ما نبود، بعد از جدایی از مادرم ازدواج کرد و جدا شده بود و ما با مادرمون زندگی می‌کردیم. از همون روزای بچگی که من به همراه جمال به سرکار می‌رفتم، خرج زندگی مادرم رو هم در می‌آوردم چون سرکار نمی‌رفت.

• **پدرت در این سال‌ها خبری ازتون می‌گرفت؟**
خبرایی ازش داشتیم، یادمه سال‌های اول بدنسازی کار می‌کرد و سال‌های ۷۹-۸۰ در رشته‌ی پرورش اندام قهرمانی منطقه‌ای داشت. اما بعد از قهرمانی‌ها، (به گفته‌ی خودش) به خاطر حق‌خوری ورزش رو کامل رها کرد و به سمت اعتیاد رفت.

• **چند تا خواهر برادر هستین؟**
چهار تاییم و من بچه‌ی دوم خانواده بودم. بعد از جدایی والدینم، مادرم در تهران پیش پدر و مادرش بود و ما هم با اونا زندگی می‌کردیم. ولی بچه‌های دیگه کار نمی‌کردن و من خرج خانه رو در می‌آوردم. من هر چی کار می‌کردم به مادربزرگم می‌دادم!؟

• **درس خوندن رو چرا ترک کردی؟**
راستش دیگه خسته شده بودم، درس ضعیف شده بود. از کلاس پنجم که به راهنمایی رفتم، دیدم دیگه نمی‌کشم، چون اون سال هم درس می‌خوندم، هم کلاس کشتی می‌رفتم هم کار می‌کردم.

• **اون دوران کسی بود که توی خونه باهات درس کار کنه؟**
نه، فقط معلمون می‌گفت این مشق رو بنویس، ما هم سریع می‌رفتیم خونه، اونا رو می‌نوشتیم و بعد می‌رفتیم سرکار. شاید در اون وسط نیم ساعت وقت خالی گیر می‌آوردم و با بچه‌ها توی کوچه فوتبال بازی می‌کردم.

• **وقتی بچه‌ها رو می‌بینی دارن کار می‌کنن چه احساسی داری؟**
یه بار دیدم دوتا بچه تا کمر داخل سطل زباله بودن خیلی به هم ریختم. اگه می‌دیدم این بچه‌ها در چهارراه کار می‌کنن، به من آنقدر فشار نمی‌آورد، هر وقت هم با ماشین به چهارراهی می‌رسم و می‌بینم بچه‌ای مشغول کار کردنه، هرچقدر که پول نقد داخل جیبم داشته باشم بهش می‌دم، چون درکش می‌کنم. اما این دو تا بچه که سن‌شون واقعا کم بود، شاید هم سن بچه‌ی من بودن، خیلی ناراحتم کرد و درد بچگی اومد جلوی چشمم و کل بدنم سست شد. آن قدر ناراحت شده بودم که می‌خواستم یک چیزی به این بچه‌ها بدم که امروز رو دیگه برن خونه، ولی می‌دونستم هرچی بهشون بدم به پدر و مادرشون می‌دن و فردا دوباره همین کار رو انجام می‌دن و تغییری توی زندگی‌شون ایجاد نمیشه.

• **به نظرت بچه باید کار کند؟**
من به عنوان کسی که از بچگی کار کردم می‌گم بچه نباید کار کنه چون خیلی سخته درد داره. من زمان بچگی ساعتی که می‌خواستم برم سرکار، می‌دیدم که همه‌ی بچه‌ها

❖ با کودکان کار دیروز

توی پارک مشغول بازی هستن، ولی من باید کار می‌کردم. این خودش یک دنیا درد بود. من توی سن ده سالگی با وجود اینکه کار می‌کردم، مدرسه می‌رفتم، بعد از مدرسه توی روزهای زوج کشتی تمرین می‌کردم و توی روزهای فرد برای تقویت درس به کلاس سوادآموزی می‌رفتم. یعنی در طول یک روز، من سه جای مختلف می‌رفتم و از یه جایی به بعد دیگه مغزم نکشید و یک دفعه همه چیز رو کنار گذاشتم و حتی چند وقت سرکار هم نرفتم، چون واقعا برام سخت بود. یادمه توی اون دوران تا می‌خواستم از مدرسه بیایم و درسامو تمرین کنم، باید می‌رفتم کشتی یا سوادآموزی بعد هم سر کار یا از مدرسه یه راست می‌رفتم سرکار تا ساعت ۸-۹. واقعا نمی‌تونستم چیزی از زندگی حس کنم و فقط بعضی از شنبه‌ها که سرکار نمی‌رفتم و روز تعطیل بود، یک مقدار ذوق داشتم.

• شنبه‌ها تعطیل بودید؟

بله، پنجشنبه و جمعه کار خوب بود و شنبه‌ها سر کار نمی‌رفتم.

• از چه ساعتی می‌رفتی سرکار؟

ساعت ۵:۳۰ غروب می‌رفتم، توی دیوار حیاط خونمون یه میله‌ی آهنی بود، سایه که به اون میله می‌رسید، می‌دونستم که وقت کاره، اون موقع آکاردئون رو برمی‌داشتم و می‌رفتم.

• ساعت چند برمی‌گشتی؟

ساعت ۸:۳۰-۹ دیگه بر می‌گشتم خونه. یادمه روزایی که خیلی خوب کار می‌کردم، اصلا دوست نداشتم پولامو خرج کنم و می‌خواستم مقداری از پولم رو پس‌انداز کنم. مثلا توی راه با پول خرده‌ها برای خودم چیزای مختلف می‌خریدم و چون به خودم خیلی می‌رسیدم کلاه، پیراهن، تیشرت یا غذا می‌گرفتم. سه چهار هزار تومن رو تو جیبم می‌داشتم و بقیه‌اش رو خرج می‌کردم و برمی‌گشتم خونه، ولی روزایی که زیاد کار نمی‌کردم، ۲۵ تا ۳۰ تومن به مامانم می‌دادم، این رقم برای سیزده چهارده سال پیشه.

• یعنی سه ساعت در روز کار می‌کردی؟

بله چون نوازندگی می‌کردم پول خوبی از این راه به دست می‌اومد و بین سه تا چهار ساعت کار کردن کافی بود.

• پس آکاردئون زدن از دست‌فروشی بهتر بود؟

بله، جدا از پول، نوازندگی یک کار هنریه. طوری نیست که مردم فکر کنن تو گدایی و دستم رو پیش کسی دراز نمی‌کنم که پول بخوام. من یک گوشه می‌نشستم یا راه می‌رفتم و برای خودم ساز می‌زدم، حالا اگه کسی از صدای ساز خوشش اومد پول می‌داد، اگر هم خوشش نمی‌اومد از کنارم رد می‌شد و می‌رفت، دیگه قرار نبود با ساز دنبال مردم برم و پول بگیرم مثلا موقع دست‌فروشی به خاطر اینکه مادرم تو خونه بود و درآمدی نداشت باید هرطور شده پول در می‌آوردم، پس می‌رفتم به شیشه ماشین‌ها می‌زدم تا از من خرید کنند، می‌گفتم مادرم مریض است، که واقعا هم بود و مادرم در دوران بچگی رنج زیادی کشیده بود.

• چرا؟

خب اون هم مثل ما از بچگی کار می‌کرده و کودک کار بوده.

• پس مادرت زمانی که شما رو به دنیا آورد بازنشسته شد؟

اون دوران هم نه. چیزهای گنگی یادمه که ما هم بچه بودیم با مادرم می‌رفتیم مثلا سمت تجریش و اونجا کنار مادرم که دست‌فروشی می‌کرد می‌نشستیم.

• تو ازدواج کردی و الان دوتا بچه داری، الان بچه‌ها رو سرکار می‌فرستی؟

خودم نمی‌فرستمش، خانمم بعضی وقتا اون رو به مترو می‌بره، پسر کوچیک‌مون هم که چند ماهشه، چند باری به مترو برده برای دست‌فروشی، که البته دیگه الان به خاطر گرما این کار رو نمی‌کنه و فعلا درگیر شیرخشک و مای بیبی هستیم!

نوازندگی یک کار هنریه. طوری نیست که مردم فکر کنن تو گدایی و دستم رو پیش کسی دراز نمی‌کنم که پول بخوام. من یک گوشه می‌نشستم یا راه می‌رفتم و برای خودم ساز می‌زدم، حالا اگه کسی از صدای ساز خوشش اومد پول می‌داد، اگر هم خوشش نمی‌اومد از کنارم رد می‌شد و می‌رفت، دیگه قرار نبود با ساز دنبال مردم برم

• **خب تو این شرایط چرا بچه‌دار شدی؟**
همه بچه دوست دارند، ما هم دوست داریم.

• **چندتا؟**

الان هم سن و سالای من سه چهارتا بچه دارند، ولی من فقط دوتا دارم! یک جورهایی مراعات کردم. بچه‌ی اول من متولد ۹۵ است و بچه‌ی دوم ۹۹.

• **چهار سال دو بچه کمه؟**

برای قومی که هر یک تا یک و نیم سال بچه می‌آرن بله. من خودم می‌گفتم شرایط سخته بذار خودم رو جمع و جور کنم، ماشین و خونه رو آماده کنم و بعد به سراغ بچه‌ی دوم برم. نظر خودم اینه اگه بتونم یه کاره‌ای بشم و بچه‌ام رو به مدرسه بفرستم، آخرش یه چیزی می‌شه، ولی الان جامعه اصلا خوب نیست و نمی‌شه بچه رو مثلا به دانشگاه فرستاد. پسرخاله‌ی من وسط راه دانشگاه رو ول کرد یا خیلی از بچه‌های ما دیپلم گرفتن ولی کار ندارن. اونا باید پول خرج می‌کردن تا با درس خوندن به جایی برسن ولی خب درآمدی نداشتن و نمی‌تونستن.

• **سهیل در حال حاضر شغل ثابتی داری، یا کار خاصی بلدی؟**

نه شغل ثابت ندارم، اما نوازندگی آکاردئون و تیمپو رو بلدم و بعضی اوقات سر چهارراه ساز می‌زنم. روزهای قبل از عید نوروز هم حاجی فیروز می‌شم، در مناسبت‌های مختلف مثل روز پدر، روز مادر یا ولنتاین هم دست‌فروشی می‌کنم.

• **ساز زدن رو از چند سالگی و از کی یاد گرفتی؟**

از پدربزرگم و از سن هفت سالگی تیمپو یاد گرفتم، نزدیک به ۱۲ سالگی هم آکاردئون زدن رو از او یاد گرفتم. پدربزرگم هنرمند بود و ساز زدن رو به ما یاد داد.

• **با آکاردئون چه آهنگایی می‌زدی؟**

سلطان قلب‌ها، الهه‌ی ناز، ساقی ساقی، تو قلب من نشستی و چندتا آهنگ دیگه رو می‌زنم. چون وقت نمی‌کردم هر روز تمرین و کار کنم، همین چند آهنگ رو همیشه می‌زدم و نمی‌رسیدم حرف‌های تر بشم یا آهنگای بیشتر بزدم.

• **تا الان توی نوازندگی جوری شده که از موسیقی بدت بیاد؟**

الان صدای آکاردئون به گوشم می‌رسه، انگار یک نفر خرخره‌ام رو چنگ می‌زنه! وقتی آهنگایی که می‌زدم رو می‌شنوم یاد دوران بد و سختی‌هایی که داشتم می‌افتم. واقعا بدترین چیزی که به گوشم می‌رسه، شنیدن صدای چندتا آهنگیه که از بچگی می‌تونستم بزدم اصلا این آهنگ‌ها رو دوست ندارم، اما با این وجود می‌دونم اگه اون رو ادامه می‌دادم، سرکار نمی‌رفتم و نوازندگی می‌کردم، خیلی خوب می‌شد. ولی وقتی این آهنگا رو گوش می‌کنم یا اونایی که پدربزرگم زده بود و می‌شنوم اصلا برام خوشایند نیست، به خدا نمی‌دونید خیلی سخته...

• **هیچ وقت نخواستی حرف‌های تر کار کنی و عضو گروه‌های موسیقی بشی؟**

سخته، چون برای این کارا وقت خیلی مهمه. خودم دوست داشتم که این اتفاق بیافته، اما تو وقتی باید هم به سرکارت برسی، هم به خونه، دیگه نمی‌تونی به چیزی مثل موسیقی و گروه موسیقی فکر کنی. مثلا خودم دوست داشتم سبک جاز رو یاد بگیرم ولی اصلا فرصتی نشد.

• **اولین تجربه‌ی کار کردنت تو خیابون چند سالگی بود؟**

خیلی کوچیک بودم، شاید حدود ۴-۵ سالم بود. پسرخاله‌ام جمال در خیابون ولیعصر تهران تیمپو می‌زد و من هم کنارش می‌نشستم. بعد گذشت و منم تیمپو یاد گرفتم، اون موقع جمال آکاردئون می‌زد و با هم به میدون هفت حوض می‌رفتیم، جمال هم آکاردئون می‌زد و هم می‌خوند، منم تیمپو می‌زدم و یک گروه دو نفره راه انداخته بودیم. از همان سال‌ها قبل از عید هم هر سال حاجی فیروز می‌شدم کار می‌کردیم. تا وقتی که جمال ازدواج کرد

الان صدای آکاردئون به گوشم می‌رسه، انگار یک نفر خرخره‌ام رو چنگ می‌زنه! وقتی آهنگایی که می‌زدم رو می‌شنوم یاد دوران بد و سختی‌هایی که داشتم می‌افتم. واقعا بدترین چیزی که به گوشم می‌رسه، شنیدن صدای چندتا آهنگیه که از بچگی می‌تونستم بزدم اصلا این آهنگ‌ها رو دوست ندارم



❖ با کودکان کار دیروز

و من تنهایی آکاردئون می‌زدم. یک دوره‌ای هم خواهرم که سه چهار سال از من کوچیکتر بود کنارم می‌نشست و مشق می‌نوشت و من ساز می‌زدم یا بعضی اوقات داداش کوچیکم رو با خودم می‌بردم.

• در این سال‌ها فقط نوازندگی کردی؟

بیشتر بله، به جز این و دست‌فروشی، چند باری هم برداشت محصول به باغای شمال رفتم.

• تو کدوم خیابونا کار کردی؟

ولیعصر، دربند، چهارراه استقلال، تهرانپارس، ونک، هفت حوض، طرشت، صادقیه، نارمک چهارراه خاقانی بعضی وقتا هم چهارراه سردار جنگل می‌رفتم و تیمپو می‌زدم.

• زمانی که تو خیابون کار می‌کردی، ته دلت دوست داشتی چه کار کنی؟

وقتایی که می‌دیدیم من درحال کارم و مثلا یک بچه با دوچرخه یا اسکیت از کنارم رد می‌شد، می‌خواستم منم مثل اون دوچرخه و اسکیت داشته باشم. یا وقتی می‌دیدم بچه‌ها با پدر و مادرشون همه جا می‌رفتن، واقعا ناراحت می‌شدم چون پدر بالا سرمان نبود.

• رفتار مردم با تو چطور بود؟

چون هنرمند بودم، خیلی با من مهربون بودن. بعضیا سرم رو بوس می‌کردن، پول می‌دادن و تشویقم می‌کردن که ساز زدن رو ادامه بدم، بعضیا هم می‌گفتن اینکه کار می‌کنی خیلی خوبه و در کنارش برو یه شغل و حرفهای هم یاد بگیر.

• در خیابون کسی تو رو اذیت کرد؟

بله، بهزیستی ما رو دنبال می‌کرد! من اوایل که آکاردئون می‌زدم، یک جای ثابت پایین میدون هفت حوض داشتم که می‌نشستم و سازم رو می‌زدم. (به جز این اواخر که به عبدالآباد رفتم و اونجا راه می‌رفتم و ساز می‌زدم) یادمه که اونجا یک دوچرخه‌فروشی بود که یه بار به برادرم یه دوچرخه داد.

• چرا بهزیستی شما رو می‌گرفت؟

ماها رو می‌گرفت، کچل می‌کرد، نگه می‌داشت تا مادرم شناسنامه بیاره و ما رو از اونجا ببره بیرون. وقتی هم که اونجا بودیم، خیلی بی‌قراری می‌کردیم، یادمه چقدر کنار پنجره می‌نشستم و چشمم به در ورودی مرکز یاسر بود تا مادرم بیادا!

• در مرکز یاسر چه کار می‌کردند؟

یک دست لباس می‌دادن، دوش می‌گرفتیم و فردا صبح مادرم به دنبال ما می‌اومد و با شناسنامه از اونجا می‌رفتیم.

• چند بار بهزیستی گرفتات؟

دو سه بار.

• فکر می‌کنی برای چی این کار رو می‌کردن؟

برای اینکه جلوی کار کردن ما رو بگیرن.

• بهزیستی کار دیگه‌ای هم برات انجام داد؟

برای من نه، ولی زمانی که برادرم صادق رو چند بار گرفتن، چون مادرم سرپرست نداشت صادق زیر پوشش بهزیستی رفت و از اونجا هم حقوق ماهانه به مامان می‌دادن که البته خیلی کم بود.

وقتایی که می‌دیدیم من درحال کارم و

مثلا یک بچه با دوچرخه یا اسکیت از

کنارم رد می‌شد، می‌خواستم منم مثل

اون دوچرخه و اسکیت داشته باشم. یا

وقتی می‌دیدم بچه‌ها با پدر و مادرشون

همه جا می‌رفتن، واقعا ناراحت می‌شدم

چون پدر بالا سرمان نبود.

یادمه به بار در چهارراهی دستفروشی می کردم که شهرداری اومد وسایلم رو بگیره و زمانی که قصد فرار داشتم، خیلی نزدیک بود که با یک ماشین تصادف کنم اما شانس آوردم که ماشینه به موقع ترمز کرد و من تونستم رد بشم. وقتی که نوازندگی می کردم بهزیستی به سراغ مون می اومد، وقتی دستفروشی می کردم هم شهرداری خیلی اذیت می کرد.

• **خرج زندگی رو کفاف می داد؟ برای مادرت شغلی پیدا کردن؟**
نه، پولش که اصلا کافی نبود. مادرم هم کلا سر کار نمی رفت، چون دوست نداشت که سر چهارراه یا جای دیگه کار کنه.

• **شهرداری یا بهزیستی سازت رو نگرفتند؟**
نه با ساز کاری نداشتن، اون موقع ها که مارو می گرفتند، موقع رفتن ساز رو هم تحویل می دادن. ولی من اکثرا از دست مامورای بهزیستی فرار می کردم و منو با ساز نگرفتند. تا ماموره می خواست از ماشین پیاده بشه، من فرار می کردم. توی خیابون، پیاده رو و بین ماشین ها می دویدم و اونا هم دنبالم می اومدن. ولی یکبار که توی خیابون شریعتی حاجی فیروز شده بودم، مامور شهرداری دنبالم کرد، آخر سر پشت گردنم رو گرفت، تیمپو و کیف پولم رو از من گرفت و برد!

• **یعنی اون مردی که دنبال بچه های ۱۰-۱۲ ساله می کرد، اصلا به این فکر نمی کرد که چه خطرهایی ممکن است برای تو به وجود بیاد یا مثلا ماشین بهت بزنه؟**
اصلا کاری نداشت و فقط دنبالم می اومد. هرچی سریع تر می دویدم و از بین ماشین ها رد می شدم باز به من می رسید. یادمه به بار در چهارراهی دستفروشی می کردم که شهرداری اومد وسایلم رو بگیره و زمانی که قصد فرار داشتم، خیلی نزدیک بود که با یک ماشین تصادف کنم، اما شانس آوردم که ماشینه به موقع ترمز کرد و من تونستم رد بشم. وقتی که نوازندگی می کردم بهزیستی به سراغ مون می اومد، وقتی دستفروشی می کردم هم شهرداری خیلی اذیت می کرد.

• **چه آسیبهایی بچه هایی که تو خیابون کار می کنن رو تهدید می کنه؟ یعنی ممکنه چه اتفاقی برایشون رخ بده؟**
هر اتفاقی که شما فکر کنید ممکنه رخ بده، مثل تصادف کردن که آمار خیلی زیادی هم داره. یا ممکنه تو رو بدزدن، یا موقع کار زمین بخوری و آسیب ببینی. بعضی ها هم هستن که می خوان عقده شون رو سر این بچه ها خالی کنن. مثلا من یه بار توی خیابون مشغول ساز زدن بودم که یه نفر به سمتم هجوم آورد و به سازم لگد زد!

• **چرا؟**
نمی دونم، یک بار به من گفت ساز نزم و وقتی ازش پرسیدم چرا، یهو به سمتم حمله کرد. از این اتفاق ها زیاد می افته، اینکه بچه ها رو تهدید و اذیت و آزار بکنن هم وجود داره، دعوا هم زیاد پیش میاد. مثلا به یک نفر می گی از من فال بخر و او بی دلیل بهت فحش می ده! خب وقتی فحش می دن تو جواب می دی و اونا از ماشین پیاده می شن و تو رو می زنن، کسی هم نیست که از تو در مقابل اون آدم ها حمایت کنه.

• **کدوم فصل، فصل خوبی برای کار کردن نبود؟**
زمستون واقعا سخت بود. من زمانی که آکاردئون می زدم، روی زمین که می نشستم، آنقدر سرد بود که یک کارتن برای زیرم جواب نمی داد. از طرف دیگه توی سرما دستام هم بی حس می شد و انگشت هام واقعا توان کار کردن نداشتن. البته خود فصل رو دوست داشتم اما کار کردن توی زمستون واقعا سخت بود.

• **یوقتایی که خسته می شدی و از همه چیز می بریدی و دوست داشتی چه تفریح هایی داشتی؟**
با پدر بزرگم و خانواده می رفتیم لب دریا، البته اون سفرها هم تفریحی بود هم کاری. یادمه که می رفتیم نوشهر، رامسر، شهر به شهر حرکت می کردیم تا به بندرانزلی می رسیدیم. در اصل توی سه ماه تابستون که تهران گرم بود، یک ماه نوشهر بودیم، روزها که هوا گرم بود چادرها رو رها می کردیم، می رفتیم جنگل. بازار میوه و بازار ماهی یا پمپ بنزین و لب ساحل نوازندگی می کردیم، بعد از کار هم با بچه ها می رفتیم شهر بازی و فردا صبح دوباره همین کارار رو ادامه می دادیم.

• **یکی از سوال هایی که مردم از ما می پرسن، اینه که بچه هایی که توی خیابون کار می کنن، همگی باند هستن. این درسته؟**
نه اصلا چنین چیزی وجود نداره، من از بچگی برای خودم و کمک به مادرم کار کردم.



❖ با کودکان کار دیروز

• یعنی اینکه یک صاحب کاری بچه‌ها رو صبح‌ها در چهارراه‌ها پخش کنه و غروب اونا رو جمع کنه وجود ندارد؟

نه نه اصلا چنین چیزی نیست. توی فیلم‌ها و سریالای تلویزیونی دیدم که این تصویر رو زیاد نشون می‌دن از بچه‌های کار، ولی اصلا واقعی نیست. مثلا با پدر بزرگم و پسر داییم و برادرم سرکار می‌رفتم و کلا خودمون چهار نفر بودیم، ولی اصلا این‌طور نبود که یک نفر بخواد ما رو سر چهارراه بگذاره و برای اونا کار کنیم. ما خودمان می‌رفتیم و می‌اومدیم و بعضی اوقات حتی خودم تنهایی می‌رفتم و اصلا صحبت باند داشتن واقعی نیست.

• توی این سال‌ها که تجربه کار در خیابون داشتی، چنین چیزی اصلا دیدی؟ اینکه یک نفر مسئولیت چند بچه داشته باشد و اونا براش کار کنن؟

اصلا همچین چیزی وجود نداره. ممکنه اعضای یه خانواده با هم باشن، یکی فال بفروشه یکی چیز دیگه و بعد از تموم شدن کار با هم به خونه برن، ولی اینکه برای کس دیگه‌ای کار کنن اصلا امکان نداره. ببخشید، واقعا معذرت می‌خوام ولی مگه کسی مغز خر خورده که بخواد توی خیابون باشه و برای کس دیگه‌ای کار کنه؟ کلا مافیا و چیزای این مدلی وجود نداره، درحالی که دیدم توی یه سری از فیلم و سریالا، یک رییس بچه‌ها رو می‌بره برای گدایی. در واقعیت اصلا چنین چیزی نیست و همه برای درد خودشون کار می‌کنن.

• به اونایی که از این مدل فیلما و سریالا می‌سازن چه چیزی میگی؟

واقعا نباید این کار رو بکنن، کی به این نویسنده و کارگردان یاد داده که این کارا رو بکنن؟ این مسایل رو اینا از کجا دیدن که ما ندیدیم؟ اگه می‌خوان فیلم بسازن هم درست این کار رو انجام بدن و مثلا فیلمی از خانواده‌های این بچه‌ها، مثل خانواده‌ی من بسازن، یا خانواده‌ی چهار نفر دیگه که این اتفاقات رو تجربه کردن. اصلا این قضیه درست نیست که ۵۰ تا بچه زیر دست یه نفر باشن یا یکی خودش رو کج و کوله کنه و راه بره، یا یکی خودش کور بکنه، همه اینا الکیه.

• در اصطلاح به شما و خانواده و اقوام تون می‌گن کولی یا اهالی غربت. این خانواده‌ها چه فرقی با خانواده‌های دیگه دارن؟

خیلی فرق دارن، مثلا مردها دوست دارن بچه‌ها یا خانم‌هاشون کار کنن، ولی خانواده‌های تایی (ما به غیر کولی‌ها می‌گیم تایی) این برعکسه و مردها کار می‌کنن. یا اینکه مثلا غربتی‌ها هر چند وقت یه بار جشن‌هایی می‌گیرن و از پول و هدایایی که در این جشن‌ها به دست میاد، برای خودشون ماشین یا خونه می‌خرن، البته این رسم برای قبله و دیگه اینطور نیست. یه زمانی پول خوبی جمع می‌شد ولی الان همه زنگ شدن و برای خودشون قرعه‌کشی راه می‌ندازن!

• بین بچه‌های غربت، چیزی هست که دوستش نداشته باشی؟

خب همه به چشم بدی غربتیا رو نگاه می‌کنن و فکر می‌کنن آدمای خوبی نیستن. مثلا وقتی یک لوله‌کش برای کار به خانه‌های غربتیا میاد، اول کار می‌ترسه و فکر می‌کنه آدمای خوبی نیستن و پولش رو نمی‌دن. ولی وقتی اونا رو می‌بینی، می‌فهمی که آدمای خوبی هستن.

• چرا از اونا می‌ترسن؟

چون توی گذشته در اون منطقه کولیا مردم آزاری کردن. یک دورانی اونجا محل خلافکارا بوده ولی الان ده، پونزده ساله خبری نیست، اما کارای قدیمی هنوز توی ذهن مردم موند. مثلا خود من وقتی پیش دوستانم تو بابل می‌رم، به آنها نمی‌گم که اصالتا اهل غربتم، چون وقتی بفهمن من از اون طایفه هستم، سرد می‌شن و نگاهشون تغییر می‌کنه. برای همین هیچ جا دوست ندارم بگم غربتی‌ام، همیشه می‌گم بابلی‌ام.

• چرا این نگاه رو دوست نداری؟

خب اگه بگم طرف حس می‌کنه ما اهل کار نیستیم، بد میشه. مثلا من الان باشگاه می‌رم اونجا اصلا این موضوع رو نگفتم.

اصلا این‌طور نبود که یک نفر بخواد ما رو سر چهارراه بگذاره و برای اونا کار کنیم. ما خودمان می‌رفتیم و می‌اومدیم و بعضی اوقات حتی خودم تنهایی می‌رفتم و اصلا صحبت باند داشتن واقعی نیست.

• تو مدل زندگی مردم غربت، مدل کار کردن، یا سبک زندگی قدیمی‌های اونجا رو دوست داری؟

نه اصلا این روش زندگی رو دوست ندارم و به نظرم اینکه همه چیز طایفه به طایفه و نسل به نسل ادامه پیدا کرده درست نیست و یه جایی باید قیچی می‌شد. من به این فکر می‌کنم که چرا پدربزرگ من در اون دورانی که خریدن زمین کشاورزی هزینه‌ای نداشت، با وجود اینکه پول داشت زمین نخرید؟ زمانی قدیم اگه مثلا یه فرش از تهران می‌بردی شمال، یه زمین کشاورزی بهت می‌دادن، یا با صد هزار تومن، می‌تونستی یه زمین بخری، خب چرا اونا پولشون رو جمع نکردن و کشاورز نشدن که وضع ما اینطور نباشه. چرا به جای این کارا تصمیم گرفتن به تهران بیاین و سر چهارراه‌ها کار کنن؟ برای چی به فکر آینده‌ی خودشون و بچه‌هاشون نبودن؟ درسته که فکر نمی‌کردن اقتصاد کشور اینطوری بشه و همه چیز مثل قبل باقی نمونه، ولی چرا فکر نکردن که سواد داشتن یا شاغل بودن چقدر خوب؟

• وضعیت سوادشون چطوره؟

خیلی باسواد نیستن و بیشتر تا کلاسای چهارم، پنجم، دهم و... درس می‌خونن و بعد از مدتی اون رو رها می‌کنن. شاید کلا هفت، هشت نفر تا دیپلم درس خوندن.

• دوست نداری کولی‌ها ساختار زندگی‌شون رو عوض کنن؟

چرا خیلی دوست دارم که این اتفاق بیافته و مثلا کاری کنن که بچه‌هاشون از کارای خیابونی بیان بیرون و همین‌جا کار کنن. الان تو منطقه‌ی ما، مثلا بیست تا نسیان وجود داره که میوه‌های مختلف و کاهو و... می‌فروشن، ولی از بچه‌های ما نیستن. مردا عادت کردن از زن و بچه‌هاشون پول مفت به دست بیارن، چون نسل پدرانمون خوردن و ما هم به این روش عادت کردیم. به نظرم ما باید راهمون رو جدا کنیم و خودمون بخوایم که بچه‌هامون این راه رو نرن. صد درصد من اگر شغلی راه بندازم که یه درآمد ثابت داشته باشه و سر شش تا هفت ماه مثلا صد میلیون تومن پول کنار بذارم، می‌تونم با اون پول یه چیزی بخرم که توی چشم باشم و همه ببینن و راهشون رو جدا کنن. اینجا همه به یه الگو احتیاج دارن چون دیگه این فکرای قدیمی تموم شده. من دلم می‌خواد تغییر کنم ولی فکر نمی‌کنم اینا بخوان تغییر کنن!

• شما ازدواج کردی و خانمت میره سر کار و شما الان کمتر کار می‌کنی. چرا این‌طور شده؟

خب اول اینکه من واقعا خسته شدم و دوم هم اینکه اشتباه کردم که به سر کار نرفتم و عقب موندم. ما رشته‌ای نداشتیم که اونو ادامه بدیم و هدفمون اینه که مثلا خونه‌ای بخریم و یه زندگی درست و حسابی داشته باشیم.

• خانمت هم کودک کار بوده؟

بله اون هم چند سالی کار کرده.

• دوست داری بچه‌ات کار خودش رو ادامه بده و مثل تو زندگی کنه؟

نه اصلا. دوست دارم برای خودش زندگی تشکیل بده، درس بخونه و حتی فوتبالیست بشه. می‌خوام که راهش رو ادامه بده و من هم کمکش می‌کنم. نمی‌ذارم بچه‌ام این همه سختی که من کشیدم رو بکشه، اون باید درسش رو بخونه و به جایی برسه. دوست دارم هزار برابر از خودم بهتر زندگی کنه. من اگه امروز می‌خوام این کارهایی که از بچگی می‌کردم رو ادامه بدم، برای آینده‌ی بچه‌هامه. مثلا الان یکی از بچه‌هامو باشگاه ثبت‌نام کردم تا اونم ورزش رو دنبال کنه.

• خودت دوست داشتی چه کاره بشی؟

من وقتی بچه بودم، آرزو داشتم درسم رو ادامه بدم و یک کاره‌ای بشم. ولی سخت بود به من فشار اومده بود و دیگه نمی‌تونستم درسمو ادامه بدم. شغل خاصی هم توی ذهنم نبود، دوست داشتم برای خودم یه کاره‌ای باشم. از بچگی ورزش هم دوست داشتم و عاشق کشتی و بدنسازی بودم.



❖ با کودکان کار دیروز

• سهیل میخواد ده سال دیگه چطور باشه، ده سال دیگه دوس داری به کجا برسی؟
من الان سواد درست و حسابی ندارم، هدفم اینه که یا باشگاه بدنسازی بزنم که درآمدش خیلی بالاست یا یه مرکز فروش ضایعات راهاندازی کنم تا زن و بچهام رو ببرم شمال و توی خونه‌ای که برای خودم هست زندگی کنم. دیگه می‌خوام از بازوی خودم نون بخورم البته از بچگی هم همین‌طور بودم، ولی الان می‌خوام سرم بالا باشه و به قول معروف آقای خودم باشم.

• الان برای رسیدن به این آرزوهایی که گفتی چه کار خاصی کردی؟
خب این روزها که مشغول بدنسازی هستم و خیلی دوست دارم این رشته رو ادامه بدم و به یک جایی برسم. چون حس می‌کنم ژنتیکم خوب است. وقتی بدون رفتن تو دوره‌های بدنسازی، تونستم بدنم رو به اینجا برسانم، همه می‌گن که می‌تونم پیشرفت کنم. حالا نمی‌دونم، باید ببینم خدا چی می‌خواد و می‌تونم مقامی به دست بیارم و به یه جایی برسم یا نه. اگه این اتفاق بیافته، حتی اگه باشگاه هم نزنم، می‌تونم به عنوان مربی تحت نظر یه باشگاه کار کنم و حقوق بگیرم. در مورد ضایعات هم باید ببینم چه اتفاقی می‌افته. شاید یکی دو سال دیگه این کار رو بکنم. چند سال قبل، عموی من که یکی از این مرکزها رو تازه راهاندازه کرده بود، بهم پیشنهاد داد که در منطقه‌ی زندگی‌مون توی شمال از این مراکز وجود نداره و برای راهاندازی فرصت خوبیه. ولی من این کار رو نکردم و الان پشت سر هم دو یا سه مرکز توی این منطقه راهاندازی شد و من اگه بخوام این کار رو راه بندازم باید به منطقه‌ی دیگه‌ای برم.

۸۹

www.apcl.ir
pr@apcl.ir

• الان آرزوت چیه؟

آرزوی دیگه‌ای ندارم، زن که دارم، بچه که دارم، دیگه آرزویی برام نمونده. تو این شرایط چه آرزویی می‌شه داشت؟

• تو از چه زمانی با انجمن حمایت از کودکان کار آشنا شدی؟

خیلی قدیم، دقیقا از همون سالای اول بچگی به ساختمون انجمن توی کوچه افتخاری می‌رفتیم. تا مدتی به اونجا رفت و آمد داشتیم، بعد یک مرکز در خیابون زمان‌پور (مرکز همه کودکان) تاسیس کردن که اواخر دهه هشتاد اونجا می‌رفتم.

• انجمن چه چیزهایی بهت یاد می‌داد؟

اونجا خیلی خوب بود، نقاشی می‌کشیدیم، ناهار می‌خوردیم و همیشه با بچه‌ها دور هم بودیم.

خب این روزها که مشغول بدنسازی هستم و خیلی دوست دارم این رشته رو ادامه بدم و به یک جایی برسم. چون حس می‌کنم ژنتیکم خوب است. وقتی بدون رفتن تو دوره‌های بدنسازی تونستم بدنم رو به اینجا برسانم، همه می‌گن که می‌تونم پیشرفت کنم.

حمایت از کودکان، مبارزه با کار کودک

در آستانه‌ی رسیدن به روز جهانی مبارزه با کار کودک، میزگرد تخصصی مبارزه با کار کودک، با حضور قاسم حسنی؛ مدیرعامل انجمن حمایت از کودکان کار، سیدحسن موسوی چلک؛ رئیس انجمن مددکاران اجتماعی ایران و مریم نوابی‌نژاد؛ خبرنگار، برنامه‌ساز اجتماعی و فعال فرهنگی با اجرای فرشته فرهمند حبیبی، معاون ارتباطات انجمن حمایت از کودکان کار در کافه بداهه، برگزار شد.

به گزارش روابط عمومی انجمن حمایت از کودکان کار، قاسم حسنی با اعلام این موضوع که سال ۲۰۲۱ از طرف سازمان ملل متحد به عنوان سال مبارزه با کار کودک نام‌گذاری شده، در خصوص ضرورتی که باعث شکل‌گیری انجمن حمایت از کودکان کار شد، اظهار داشت: شکی نیست که کودکان اصلی‌ترین دارایی یک کشورند و با هر نگرش سیاسی و ایدئولوژیک، برای رسیدن به یک جامعه‌ی مطلوب، توجه به کودکان ملی‌ترین و بنیادی‌ترین کار ممکن است، پس توجه به این دارایی باعث شکل‌گیری تشکلی مثل انجمن حمایت از کودکان کار شد. کار کودک، یعنی درگیر نمودن کودکان در فعالیت‌های اقتصادی که سبب محرومیت آنها از حقوق حقه‌شان شده و به طور معمول با آسیب و بهره‌کشی همراه است. او افزود: وقتی در جامعه‌ای آسیب و کار کودک به شکل عام وجود دارد، به‌طور کودک سرباز، ازدواج زود هنگام یا بهره‌کشی از کودکان برای حمل مواد مخدر و ...، با جامعه‌ای مواجهیم که گروه‌های مختلف اجتماعی آن در تنگنا و فشار و نابسامانی هستند. به طور کلی می‌توان گفت که وضعیت کودکان یک کشور، آینه‌ی تمام‌نمای وضعیت همه‌ی جمعیت کشور و سیاست‌گذاران آن است.

این فعال اجتماعی ضمن اعلام این موضوع که انجمن حمایت از کودکان کار در آستانه‌ی ورود به بیست‌سالگی است، در رابطه با زاویه‌ی نگاه انجمن به مسئله کودکان کار عنوان کرد: انجمن با اشراف به این نکته که حمایت از کودکان جز وظایف دولت‌ها و حکومت‌هاست، تصمیم گرفت با اتخاذ دو روش، گوشه‌ای از کار را بگیرد؛ یکی ارائه خدمات مستقیم به کودکان گروه هدف که ما را از تئوری دادن خالی و گلابه‌مندی بی‌عمل، خارج کرد تا به نوعی برادری‌مان را ثابت کنیم و دوم هم این که با استفاده از تئوری‌های بومی و بدون استفاده از ترجمه کتابی از فلان دانشمند فلان کشور، با استفاده از مختصات فکری فرهنگی و اقتصادی جامعه خودمان کار را انجام دادیم.

مدیرعامل انجمن حمایت از کودکان کار ادامه داد: انجمن نوزده سال پیش با سه محور رویکردی فعالیتش را شروع کرد، اولین محور حمایت بود با نقطه‌ی ثقل مددکاری اجتماعی. مددکار، آدم‌ها را فارغ از هرگونه نژاد، زبان، برچسب سیاسی و اجتماعی، قومیت و غیره براساس حقوق انسانی افراد به رسمیت می‌شناسد. او با همین نگاه بچه‌ها را از چرخه‌ی کار و آسیب دور می‌کند و پشت میز آموزش می‌نشانند. اگرچه نگاه داشتن مستمر بچه‌ها در چرخه‌ی حمایتی و آموزشی کار سختی بود، چون کودکان کار در شرایط شکننده‌ای هستند و امکان خروج‌شان از چرخه‌ی آموزشی و حمایتی خیلی زیاد است و انجمن برای اطمینان از حضور بچه‌ها، رویکردهای حمایتی‌اش را همواره ادامه می‌داد، البته به نحوی که گداپروری رخ ندهد و عزت، شأن و کرامت کودکان پایین نیاید. دومین محور، آموزش است که در این محور اگرچه فراگیرترین بخش آن سوادآموزی است، اما تنها به سوادآموزی محدود نمی‌شود و آموزش را به معنای توانمندسازی بچه‌ها در حوزه‌های مختلف می‌بینیم. محور سوم فعالیت‌های‌مان هم ترویج است.

او اضافه کرد: سیاست‌های کلان حکومتی اگر منطبق با منافع کودکان و اولویت‌بخشی به کودکان نباشد، هزاران انجمن هم نمی‌توانند کودکان را نجات دهند. یعنی اگر اتفاقات ساختاری شکل نگیرد، ما حتی اگر بتوانیم روزی کار کودکان را حتی به صفر هم برسانیم این اتفاق مثل یک بیماری دوباره برمی‌گردد. محو پایدار کار کودک، مستلزم یک اراده‌ی ملی و جهانی است که همه‌ی ارکان جامعه از نهادهای حاکمیتی و دولتی گرفته تا تشکلهای غیردولتی، کارفرمایان و مردم باید برای آن تلاش کنند تا در نهایت بچه‌ها نه تنها از چرخه‌ی کار، بلکه از همه آسیب‌ها دور شوند.

حسنی درخصوص عملکرد انجمن حمایت از کودکان کار در طول دو دهه‌ی اخیر بیان کرد: انجمن در سال‌های گذشته خدمات مختلفی را به ۱۳ هزار کودک ارائه کرده است. البته این بدان معنا نیست که همه این کودکان به مدارج علمی عالی رسیدند، به‌طورطبیعی سطح اثرگیری کودکان با یکدیگر مختلف است، ولی از میان کودکان نسل اول انجمن، تعدادی مشغول تحصیل در دانشگاه‌ها هستند. اینکه می‌بینیم کودکی که الفبا را در انجمن آموخت



انجمن با اشراف به این نکته که حمایت از کودکان جز وظایف دولت‌ها و حکومت‌هاست، تصمیم گرفت با اتخاذ دو روش، گوشه‌ای از کار را بگیرد؛ یکی ارائه خدمات مستقیم به کودکان گروه هدف که ما را از تئوری دادن خالی و گلابه‌مندی بی‌عمل خارج کرد تا به نوعی برادری‌مان را ثابت کنیم و دوم هم این که با استفاده از تئوری‌های بومی و بدون استفاده از ترجمه کتابی از فلان دانشمند فلان کشور، با استفاده از مختصات فکری، فرهنگی و اقتصادی جامعه خودمان کار را انجام دادیم.

امروز در حال تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد است یا دیگر بچه‌های ما در دانشگاه‌های مختلف دنیا، در اروپا و اقیانوسیه تحصیل می‌کنند، پس می‌بینیم که انجمن اثربخشی مستقیمی هم بر زندگی کودکان داشته است.

او افزود: البته که این اثر بخشی نه فقط مختص خود کودکان، که در خانواده‌هایشان نیز شکل گرفت. بچه‌های زیادی وقتی به انجمن آمدند، خواهر و برادران‌شان را از چرخه‌ی کار خارج کردند، یا اگر به‌طور فرهنگ ازدواج زود هنگام در خانواده‌ی آنها وجود داشت، خود بچه‌ها کمک می‌کردند که خواهران‌شان در سنین ده، یازده سالگی ازدواج نکنند. ما هر رفتاری در جامعه داشته باشیم، باز تولید می‌شود، همان‌طور که اگر به جای انجمن حمایت از کودکان کار، یک نهاد آسیب‌زا ایجاد شود، بدون شک بر روی جامعه اثر می‌گذارد. با این وجود ما زمانی می‌توانیم بگوییم به اثربخشی نهایی دست یافتیم که به محو پایدار کار کودک برسیم.

حسینی درباره‌ی نحوه‌ی انتخاب نام «کودکان کار» برای کودکان کار هم گفت: اندکی قبل از اینکه ما انجمن را تاسیس کنیم، واژه‌ای که برای خطاب قرار دادن کودکان کار استفاده می‌شد، کودکان خیابانی بود. ولی چون در فرهنگ ما خیابانی مترادف با ولگردی است این عبارت بچه‌ها را ناراحت می‌کرد. نکته‌ی دیگر هم این بود که کار بچه‌ها تنها در خیابان نبود و خیلی از آنها در کارگاه‌ها، یا خانه‌ها شرایط کاری سختی دارند. ما در آن شرایط به خاطر حفظ کرامت بچه‌ها آن واژه را کنار گذاشتیم و برای مدتی به این بچه‌ها، کودکان کار و خیابان می‌گفتیم و زمانی که می‌خواستیم انجمن را تاسیس کنیم، کلمه‌ی خیابان را هم حذف کردیم به نام «کودکان کار» رسیدیم.

در ادامه‌ی این نشست، مریم نوابی‌نژاد، خبرنگار و برنامه‌ساز اجتماعی، با اعلام این موضوع که قصه‌های مربوط به کودکان کار که در آثار نمایشی به تصویر کشیده می‌شود غیرواقعی و غیرکارشناسانه است، اظهار داشت: متأسفانه در کشور ما، در هیچ حوزه‌ی کار کارشناسی صورت نمی‌گیرد. به‌طور بسیاری از دوستان خبرنگار می‌شوند، چون نام این شغل را دوست دارند، یا گروهی برنامه می‌سازند، چون رابطه دارند. غافل از اینکه در سال‌های قبل خبرنگار اجتماعی باید به همه‌ی حوزه‌ها سرک می‌کشید، برای نوشتن یک گزارش، باید با کارشناسان خبره هر حوزه گفتگو می‌کرد، اما امروز این‌طور نیست، خبرنگاران اجتماعی امروز نمی‌دانند که به‌طور مثال در حوزه‌ی کودکان کار، آنها حکم حلقه‌ی وصل این کودکان به مردم هستند و اگر اشتباه کنند، ممکن است تصویر مردم از یک قشر را تا ابد خراب کنند. ما در حوزه‌ی اجتماعی، خبرنگاران خیلی خوبی داریم، اما یک آفت بزرگ در این میان وجود دارد و آن هم اینکه وقتی کسی در رشته‌ی خود دانا می‌شود، کار میدانی را رها می‌کند و به دنبال دبیر سرویس شدن می‌رود و زمانی که روی صندلی دبیری نشست، چند نفر در سطح پایین‌تر از او به خیابان می‌روند و گزارش تهیه می‌کنند و آن آدم خبره، دیگر خودش را درگیر نمی‌کند، چون همه ما حس می‌کنیم بعد از چند سال کار، باید پشت میز نشین شویم.

او افزود: در موضوعات اجتماعی چالش‌های زیادی وجود دارد، به‌طور مثال درخصوص کودکان کار، ما حتی یک آمار دقیق در مورد تعداد این کودکان نداریم و این عدم آگاهی اولین و سخت‌ترین کارمان در مبارزه است. یادم هست که ده سال پیش این کودکان حدود دو و نیم میلیون نفر بودند و چون این موضوع با فقر نسبت مستقیمی دارد، امروز باید تعدادشان خیلی بیشتر از این شده باشد. متأسفانه همین موضوع ساده و در عین حال مهم هیچ بانی اصلی ندارند که ما مطالبه کنیم و بگوییم فلان سازمان در بدنه‌ی دولت، شما بگویید که چه تعداد کودک کار داریم؟ آیا می‌توانی به من خبرنگار بگویی که انجمن‌های خوب و اثرگذار در این حوزه کجا هستند؟ یا شما خانم و آقای برنامه‌ساز که به این حوزه ورود می‌کنی، آیا فقط به خاطر شو و نمایش این کار را انجام می‌دهی یا به دنبال اثرگذاری هستی؟ چون این جمعیتی که آمارشان را نداریم و به‌طور قطع می‌دانم بالای سه میلیون نفر هستند، داریم در حال بیشتر شدن‌اند.

نوابی‌نژاد در ادامه صحبت‌هاش عنوان کرد: ما آموزش ندیدیم، کمک نمی‌خواهیم و دلمان می‌خواهد مهربانی‌مان را به صورت تصنعی، بزرگ‌نمایی کنیم. انجمن‌هایی شبیه به انجمن حمایت از کودکان کار که بسیار شریف کار می‌کنند، در شرایطی که پر از سنگ‌اندازی چاله چوله و نه آوردن است، سیزده هزار زندگی را فقط یک تکان کوچک داده باشند کار بزرگی انجام دادند، چه برسد به آن نمونه‌هایی که گفتند در خارج از کشور زندگی یا تحصیل می‌کنند که به‌طور اتفاق آن استثنائات به ما نشان می‌دهد که خروجی این

خبرنگاران اجتماعی امروز نمی‌دانند که به‌طور مثال در حوزه‌ی کودکان کار، آنها حکم حلقه‌ی وصل این کودکان به مردم هستند و اگر اشتباه کنند ممکن است تصویر مردم از یک قشر را تا ابد خراب کنند.

نوابی نژاد اضافه کرد: باید واحد نظارتی باشد که یک سریال نتواند تمام باورهای مردم در مورد کودکان کار که در طول سالهای متمادی توسط نهادها و انجمن‌ها مردمی به وجود آمده است را از بین ببرد تا این عزیزان مجدد مجبور شوند سال‌ها زحمت بکشند که مردم را به نقطه‌ی قبل برسانند. این موارد بانی می‌خواهد، کسی که اصول درست برنامه‌سازی و سریال‌سازی در این حوزه را بداند و بتواند به فرهنگسازی در این حیطه کمک کند.

حمایت‌های اصولی چیست. شما نباید فکر کنید که کودکان کار همگی درگیر باند هستند و به هیچ‌وجه نمی‌شود آنها را نجات داد، این مثال‌ها را ببینید، این بچه‌ها نجات داده شدند. به نظر من باور انجمن‌های مردم نهاد که صادقانه کار می‌کنند، بهترین مثال است که می‌شود با همین دست‌ها و کمک‌های کوچک تغییراتی بزرگ ایجاد کرد.

این برنامه‌ساز اجتماعی در رابطه با تاثیرگذاری رسانه‌ها در نشان دادن واقعیت زندگی کودکان کار، گفت: زور رسانه به شرطی بر این مشکلات می‌چربد که دست ما را باز بگذارند. اگر شما در رسانه‌های بخواهید هم‌همی واقعیت را به تصویر بکشید، ممکن است به بهانه‌ی سیاه‌نمایی نگذارند شما اثرتان را به نمایش بگذارید و مردم به این ترتیب اعتمادشان را به رسانه از دست می‌دهند و به فضای مجازی و چیزهایی که در آنجا منتشر می‌شود، استناد می‌کنند، جایی که ممکن است در دلش بسیاری غلوه‌ها، بدبینی‌ها و سیاه‌اندیشی‌ها هم اتفاق بیافتد. اگر در رسانه‌ای مثل تلویزیون، واحدی بگذارند که تمام موضوعات اجتماعی را چک کند و در این واحد آدم‌هایی مثل آقایان حسنی و موسوی چلک حضور داشته باشند، آن زمان اوضاع تغییر می‌کند. در آن زمان افراد حاضر در آن واحد نظارت به شمای برنامه‌ساز اجازه می‌دهند که یک کودک کار را به برنامه بیاوری، اما به‌طور صریح می‌گویند که آخر برنامه به او دوچرخه ندهید چون این بچه‌ها مستحق صدقه نیستند. این کودکان را مردم باید ببینند و بدانند واقعی هستند، پدر و مادر بیمار و از کار افتاده دارند و اصلاً باندی وجود ندارند که آنها عضوی از آن باشند. ما باید بدانیم که امروزه این کودکان حداقل سه میلیون نفر از جمعیت ما هستند که در آینده می‌شوند ده میلیون نفر، قشر عظیمی از جامعه که هم ممکن است از ما تاثیر بپذیرند و هم روی ما اثر بگذارند.

نوابی نژاد اضافه کرد: باید واحد نظارتی باشد که یک سریال نتواند تمام باورهای مردم در مورد کودکان کار که در طول سال‌های متمادی توسط نهادها و انجمن‌ها مردمی به وجود آمده است را از بین ببرد تا این عزیزان مجدد مجبور شوند سال‌ها زحمت بکشند که مردم را به نقطه‌ی قبل برسانند. این موارد بانی می‌خواهد، کسی که اصول درست برنامه‌سازی و سریال‌سازی در این حوزه را بداند و بتواند به فرهنگسازی در این حیطه کمک کند.

این فعال اجتماعی در پاسخ به این سوال که «هالی رسانه و هنرمندان چه وظیفه‌ای در این حوزه دارند؟» نیز عنوان کرد: به نظرم بهتر است برای هیچکس در این زمینه وظیفه‌ای متصور نشویم، چون اگر برای کسی وظیفه تعریف کنیم، آن شخص تصور می‌کند که به‌طور حتم باید در مورد کودک کار چیزی بگوید و این غلط است. من هنرمندانی را می‌شناسم که در این قبیل جمع‌های حمایتی حضور پیدا می‌کنند، به بچه‌ها سر می‌زنند و این کار را تنها عکس گرفتن و نمایش دادن نمی‌کنند. این ورود درستی است و به‌واقع اگر کسی که دغدغه ندارد به این حیطه وارد نشود، آسیب کمتری به این کودکان وارد می‌کند. متأسفانه خیلی‌ها باوجود اینکه هنوز کار رسانه را درست یاد نگرفتند، می‌خواهند کار شق القمری انجام دهند، درحالی که در این حوزه همه چیز پله پله شکل می‌گیرد و کسی دو واحد خبرنگاری در دانشگاه گذرانده، نمی‌تواند در اولین قدم، گزارشی از زنان خیابانی بگیرد. برای این کار تو باید بروی از کسانی که سی سال در این حوزه کار کردند و تجربه دارند کمک و مشاوره بگیری. من امیدوارم که یک همکاری نزدیکی بین بهزیستی، صداوسیما رسانه‌های مکتوب و سایت‌ها شکل بگیرد تا اگر قرار است گزارش یا اثر نمایشی در این حوزه ساخته شود، توسط کارشناسان مجرب سازمان تایید شود.

نوابی نژاد، در رابطه با تصویر نادرستی که برنامه‌های تلویزیونی از کودکان کار و نیازمندان نشان می‌دهند هم بیان کرد: از یک سالی به بعد برنامه‌سازی اجتماعی مد شد و امروز اگر تلویزیون را ببینید، در شبکه‌های مختلف همه در این حیطه داعیه دارند، اما انتخاب سوزه‌هایشان به چه شکل است؟ همه می‌بینند چه ویدئویی در فضای مجازی مورد توجه قرار می‌گیرد و روی همان مانور می‌دهند، درحالی که فضای مجازی به هیچ وجه معتبر نیست. بارها شده که به‌طور مثال کسی فیلم گرفته و مدعی شده که هزینه‌ی درمان فرزندش را ندارد و درخواست پول کرده و بعدها مشخص شده که این کودک قطع درمان شده است. نکته‌ی حائز اهمیت درخصوص برنامه‌سازی این است تو اگر هزار برنامه ساخته باشی و امیدسازی کرده باشی، با یک برنامه‌ی اشتباه همه چیز تمام می‌شود و دوباره باید از صفر اعتمادسازی کرد.

قاسم حسنی نیز در میانه این بحث، با انتقاد از عملکرد کسانی که تصویر نادرستی از کودکان کار و مشکلاتی که با آن درگیرند ارائه می‌دهند، در تعریف خود از هنرمند گفت: من برای این افراد از کلمه هنرمند استفاده نمی‌کنم، چون هنرمند در ذات خود یک مفهوم



بزرگ است. ما در کشورمان هنرمندان بزرگی داشتیم که در جنبش‌های اجتماعی ایران نقش‌های اساسی داشتند، کسانی مثل کمال‌الملک و عارف قزوینی که با جامعه و درد مردم پیوند خوردند. پس هرکسی که نقاشی کرد یا فیلم ساخت برای من هنرمند نیست، شاید بتوان به آنها گفت رسانه‌دار. اما آن رسانه‌داری که یک واقعیت اجتماعی را معکوس به جامعه نشان می‌دهد، اولین ظلمی که می‌کند، فریب دادن مخاطب است و ظلم دیگرش این است که اعتماد عمومی را از بین می‌برد. یکی از رنج‌های بزرگی که جامعه‌ی ما گرفتار آن است، از بین رفتن اعتماد عمومی است. کسی که یک سریال می‌سازد و باعث می‌شود مردم فکر کنند که این کودکانی که در خیابان کار می‌کنند، همه جز یک باند بزرگ هستند، جلوی کمک کردن مردم به کودکان کار را می‌گیرد و مسئولیت اخلاقی این عدم حمایت از طرف مردم، مستقیم متوجه کسی است که کودکان کار را به این شکل نشان می‌دهد.

در ادامه این نشست، سیدحسین موسوی چلک، رییس انجمن مددکاری ایران با اشاره به چگونگی روند تصویب قانون جدید حمایت از اطفال و نوجوانان و مسیری که برای رسیدن به آن طی شد، درخصوص جایگاه مددکاران اجتماعی در این قانون تازه تصویب شده عنوان کرد: در آیین‌نامه جدید محور، مددکاری اجتماعی است. یادم هست سال ۸۵ که این حرکت آغاز شد، یک کار بزرگ کارشناسی انجام شد و کسی نمی‌توانست روی مفاد آن ایراد بگیرد. روح این قانون مددکاری اجتماعی است و الان هم که بهزیستی به عنوان متولی کار انتخاب شده، مددکاران و فوریت‌های اجتماعی محور قانون جدید هستند که از شناسایی تا توانمندسازی مشغول فعالیت هستند. در قانون جدید، جایگاه سازمان‌های غیردولتی نیز خیلی قوی‌تر شده است. خیلی‌ها بر این باورند آنچه که در این سال‌ها در حوزه‌ی کودکان در ایران اتفاق افتاده، به خاطر حضور سازمان‌های بین‌المللی است، اگرچه من احترام می‌گذارم به یونیسف، اما به عنوان کسی که سال‌ها در این حوزه مسئولیت داشتم و گاهی باید از طرف دولت در برخی موارد پاسخگو باشم، باید بگویم اگر تشکل‌های مردمی نبودند، حساسیت‌ها در حوزه‌ی کودکان آن‌قدر بالا نمی‌رفت.

او افزود: من به دنبال این نیستم که بگویم دولت خوب کار می‌کند و همه چیز عالی است ولی از روی انصاف سازمان‌های غیردولتی بیشتر از دولتی‌ها پای کار بودند. البته این‌طور نبود که در قوه‌ی قضاییه یا دولت همه بنشینند و قانونی را بنویسند و از دانش و تجربه‌ی زیستی سازمان‌های غیردولتی استفاده نشود، بلکه حضور این سازمان‌ها باعث شد ما در سیاست‌گذاری مجبور شویم به کودکان توجه بیشتری نشان دهیم.

رییس انجمن مددکاری ایران با تشریح جایگاه مددکاری اجتماعی در کشورمان اضافه کرد: در هیچ کشوری در دنیا، به اندازه‌ی ایران مددکاران اجتماعی اختیار ندارند. به این ترتیب که اگر یک مددکار اجتماعی تشخیص دهد فردی حتی در معرض آزار است، (حتی اگر هنوز آزاری ندیده باشد) برای ورود قانونی برای حمایت، نیاز به حکم قضایی ندارد و این یک اتفاق بزرگ است که در این قانون افتاده است.

موسوی چلک اضافه کرد: اگر فقط سی درصد این قانون اجرایی شود، ما جز پیشروترین کشورها در حمایت از کودکان خواهیم بود. البته در حال حاضر این قانون اجرا می‌شود منتها کیفیت و فراگیری آن مسئله‌ای است که باید مورد توجه قرار گیرد. مثلاً تا ۲۸ اردیبهشت امسال ۱۴۰۱ کودک اتباع بیگانه که مادر ایرانی داشتند، شناسنامه گرفتند اتفاقی که خیلی اهمیت دارد و در این سال‌ها کودکان زیادی در این زمینه اذیت شدند. در کل همه‌ی مواد این قانون اجرا می‌شود، اما فراگیری، کیفیت و پایداری آن مهم است. این کار یک سیستم نظارت قوی می‌خواهد و قرار شد که یک مرجع ملی به عنوان ناظر حضور داشته باشد. وزارت رفاه مجری است و نباید خودش ناظر باشد و جایگاه نظارت این موضوع باید بگوید به‌طور مثال پنج یا ده تشکل مردمی در این میان حضور داشته باشند.

او افزود: در فضای موجود، حاکمیت دغدغه دارد که برای کودکان کار کند. روزی که قانون اطفال و نوجوانان تصویب می‌شود، من آنلاین گوش می‌دادم چون می‌خواستیم ببینیم که راجع به یکی از ماده‌های آن که بحث بهره‌کشی جنسی و آزار جنسی و... بود، مخالفتی می‌شود یا خیر، چون مصادیق باز و شفاف‌تری در آن دیده شده بود. خوشبختانه این قانون تصویب شد و حالا پلیس، سیستم قضایی، وزارت بهداشت و کارکنانش وظیفه دارند این قانون را اجرا کنند. بعد از تصویب هم یک موج آگاه‌سازی در این حوزه اتفاق افتاد که قابل توجه بود.

او ادامه داد: برای تمام معلمان آموزش و پرورش فیلم‌های آموزشی تهیه کردیم بخش‌های مورد نیاز آن را برای والدین و دانش‌آموزان نیز به نمایش گذاشتیم. برای قضات قوه قضاییه

من برای این افراد از کلمه هنرمند استفاده نمی‌کنم، چون هنرمند در ذات خود یک مفهوم بزرگ است. ما در کشورمان هنرمندان بزرگی داشتیم که در جنبش‌های اجتماعی ایران نقش‌های اساسی داشتند، کسانی مثل کمال‌الملک و عارف قزوینی که با جامعه و درد مردم پیوند خوردند. پس هرکسی که نقاشی کرد یا فیلم ساخت برای من هنرمند نیست شاید بتوان به آنها گفت رسانه‌دار. اما آن رسانه‌داری که یک واقعیت اجتماعی را معکوس به جامعه نشان می‌دهد، اولین ظلمی که می‌کند، فریب دادن مخاطب است و ظلم دیگرش این است که اعتماد عمومی را از بین می‌برد.



نیز فیلم دیگری تهیه شد تا آنها نیز بهتر با این قانون جدید آشنا شوند و برای کارکنان دولت هم کارگاه‌های آموزشی برگزار شد. اگرچه در قانون جایگاه سازمان‌های غیردولتی برای مداخله را ضعیف کرده بودند، اما در بند الف ماده‌ی شش، عنوان شده که بهزیستی می‌تواند از شناسایی تا توانمندسازی کودکان و نوجوانان از تمام ظرفیت سازمان‌های غیردولتی، بهیاری‌ها و معتمدین محله استفاده کند. البته من به عملکرد بهزیستی نقدهایی دارم و معتقدم که خیلی از اوقات در تعامل با سازمان‌های غیردولتی نتوانسته خوب عمل کند، ولی در حوزه‌ی کودکان از روی انصاف عملکرد خوبی داشته است.

این فعال اجتماعی در ادامه‌ی صحبت‌هایش عنوان کرد: بخش دیگر برای آگاه‌سازی درخصوص کودکان کار رسانه است که باید به درستی از آن استفاده شود. به‌طور مثال برچسب عضو باند بودن، ظلم در حق کودکان است. فرقی نمی‌کند من در حوزه‌ی رسانه این کار را انجام دهم یا در دستگاه‌های دولتی یا حتی به عنوان یک نخبه. اینکه به یک بخشی از این کودکان که تحت آسیب هم هستند، برچسب نامیوم بزنی در شان بچه‌ها نیست. البته نمی‌خواهم بگویم این برچسب‌ها عامدانه بود، می‌تواند به این دلیل باشد که آن هنرمند از مشاور استفاده نمی‌کند یا مشاور او از آگاهی کامل برخوردار نیست. بهترین هنرمندان هم به مشاوران خوب نیاز دارند، یکی از کارگردان‌هایی که جز بهترین فیلمسازان ایران در حوزه‌ی اجتماعی است، قصد ساخت فیلمی در حوزه‌ی کودکان داشت و به همراه نویسنده فیلم که او هم از جایزه بگیران جشنواره‌ی کشور بود، جلسه‌ای با انجمن گذاشتند و بعد از این جلسه گفتند ذهنیتی که نسبت به بچه‌ها داشتند چیز دیگری بوده و این جلسه به آنها کمک زیادی کرده است. به نظرم اینکه افراد فعال در حوزه‌ی کودکان کار بتوانند با کانون فیلمنامه‌نویسان یا دبیران اجتماعی رسانه‌های مختلف همکاری کنند، می‌تواند در این زمینه بسیار مثمرتر باشد.

او افزود: در حوزه‌ی رادیو این اتفاق افتاد و سند آسیب‌های اجتماعی صدا تهیه شد. یک سال و نیم جلسه برگزار شد و در نهایت دوستان به این باور رسیده بودند که باید چک لیست‌هایی در تهیه‌ی برنامه‌های‌شان وجود داشته باشد. قانون اطفال و نوجوانان که به تازگی تصویب شده، تنها قانون مرتبط با کودکان نیست، ما قانون منع فوری اشکال کار کودک، پیمان‌نامه‌ی جهانی حقوق کودک، قانون حمایت از کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست و قانون کار و آیین‌نامه‌های اجرایی را هم داریم و رسانه‌ها می‌توانند در معرفی این ظرفیت‌ها و مطالبه‌گری با استناد به این قوانین عمل کنند. نکته اینجاست وقتی یک کودک مورد آزار قرار می‌گیرد، اگر تنها احساسی برخورد کنیم به نتیجه مطلوب نمی‌رسیم چون باید قانون مبنای مطالبه‌گری ما باشد.

موسوی چلک با ذکر این موضوع که قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، محصول چند دهه تجربه دانشگاهیان، سازمان‌های غیردولتی، دولتی، کارشناسان آزاد و یک مطالعه و همگرایی خوب بود، اظهار داشت: کسی نیست که بگوید که برای تصویب این قانون از ما دعوت نشده بود، چون کودک محور تدوین این قانون بود، نه سازمان و دستگاه. این قانون برای نهادینه کردن اورژانس اجتماعی تاثیرگذار بود، برای درگیر شدن رویکرد اجتماعی قوه‌ی قضاییه در این حوزه تاثیرگذار بود و در همین فضا لایحه‌ی پلیس اطفال هم در حال تصویب است. از طرف دیگر پاسخگویی سازمان‌ها در این حوزه بیشتر می‌شود، چون موضوع کودکان تبدیل به یک دغدغه جدی در کشور شده و دیگر موضوعی نیست که به آن برچسب سیاسی بزنی. حالا دیگر در کنار سازمان‌های غیردولتی که حضور گسترده داشتند، دولتی‌ها هم مجبورند در این حوزه کار کنند.

او ادامه داد: این قانون برای تحقق حقوق شهروندی کودکان یک فرصت است. البته قبول داریم که دیر شد، اما حالا که تصویب شد یک فرصت است و آیین‌نامه‌ی آن به زودی ابلاغ می‌شود، اگر حتی ابلاغ هم نشود، بخش‌های عمده‌ی آن قابلیت اجرا دارد. پس بیاییم در فضای مطالبه‌گری سالم و دیده‌بانی درست، هم مراقب باشیم که این قانون تضعیف نشود هم اگر نیاز به اصلاح یا تسهیل‌گری دارد، آن را انجام دهیم و به این نکته توجه کنیم که هر فعالیتی قرار است صورت گیرد، در راستای منافع کودکان باشد. به اعتقاد من این قانون می‌تواند یک الگوی برای دستیابی به حقوق سایر گروه‌ها باشد که تا پیش از نداشتیم، در اصل به یک الگو و مدل در حوزه‌ی مسایل اجتماعی تبدیل شد. در این قانون مددکاران سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی، اختیارات زیادی دارند و مجازات‌هایی هم برای افراد و دستگاه‌هایی که تخطی می‌کنند دیده شده، اگرچه رویکرد من خیلی مجازاتی نیست و معتقدم باید تسهیل‌گری کنیم، اما قانون اطفال و نوجوانان را یک نقطه عطف در

من به دنبال این نیستم که بگویم دولت خوب کار می‌کند و همه چیز عالی است، ولی از روی انصاف سازمان‌های غیردولتی بیشتر از دولتی‌ها پای کار بودند. البته این‌طور نبود که در قوه‌ی قضاییه یا دولت همه بنشینند و قانونی را بنویسند و از دانش و تجربه‌ی زیستی سازمان‌های غیردولتی استفاده نشود، بلکه حضور این سازمان‌ها باعث شد ما در سیاست‌گذاری مجبور شویم به کودکان توجه بیشتری نشان دهیم.

قانون‌گذاری اجتماعی ایران می‌دانم.

این فعال اجتماعی درباره استفاده از تمام ظرفیت‌های موجود برای احقاق حقوق کودکان نیز گفت: من معتقدم مطالبه‌گری باید از طرف سازمان‌های مردم‌نهاد، نخبگان، هنرمندان و حتا ظرفیت‌های مذهبی باشد، گاهی اوقات یک روحانی می‌تواند تاثیرگذار باشد. یا به‌طور مثال زمانی که شصت هزار نفر برای تماشای ویدئوی لایو یک سلبریتی در نیمه‌های شب آنلاین می‌شوند، پس می‌بینیم که آنجا نیز یک ظرفیت مهم وجود دارد، منتها استفاده از این ظرفیت‌ها باید آگاهانه باشد و نه برای تجارت و بیشتر دیده شدن. هیچکس حق ندارد با سواستفاده از کودکان و به‌طور خاص کودکان کار تجارت کند. با این شرایط بد نیست که از هر ظرفیتی برای آگاه‌سازی و مطالبه‌گری استفاده شود. این قانون گام بزرگی بود که برداشته شد اما نباید با آن قانع شویم، به‌طور طبیعی در نیازسنجی‌هایی که انجام می‌شود به موارد جدیدتری هم می‌رسیم و در کل باید به دنبال تحقق حقوق کودک باشیم.

در بخش دیگری از این نشست، نوابی‌نژاد با انتقاد از سریال طنزی که داستان آن درخصوص پولشویی در قالب یک خیریه بود، درخصوص عدم وجود کارشناسان و مشاوران مجرب در کنار تولیدکنندگان برنامه‌ها و سریال‌های نمایشی عنوان کرد: برنامه‌سازی در حوزه‌ی اجتماعی، نیاز به یک نگاه تخصصی دارد چون یک علم است. همان‌طور که شما نمی‌توانید یک برنامه‌ی پزشکی را بدون استفاده از یک پزشک بسازید، در حوزه‌های اجتماعی هم نمی‌توانید بدون علم به اینکه چطور و چگونه به موضوع وارد شوید، کار درخور توجهی را بسازید. به نظرم همان اتفاقی که در رادیو افتاده باید در تمام رسانه‌های ما رخ دهد تا این نکته جا بیافتد که اگر نگاه جامعه‌شناختی پشت آثار ما نیست، نباید آن اثر تولید شود. موسوی چلک نیز در تایید حرف‌های نوابی‌نژاد اظهار داشت: در کشور ما گاهی اوقات مسئله‌ی NGO‌هراسی پیش می‌آید. اگرچه که ممکن است بعضی از NGO‌ها ایراداتی داشته باشند و خود من هم ممکن است به آنها نقد داشته باشم، اما نباید با چند برنامه و سریال پرمخاطب، NGO‌ها را تخریب کرد چون این حرکت کاهش سرمایه‌ی اجتماعی خودمان است. NGO‌ها در طول این سال‌ها تلاش‌های گسترده‌ای داشتند که امروز حاصل آن قانون حمایت از اطفال و نوجوانان است، قانونی که تا سالیان سال افراد زیادی از ظرفیت‌های آن بهره‌مند خواهند شد. این محصول سازمان‌های غیردولتی ممکن است دیده نشود اما اثرگذاری آن غیرقابل انکار است.

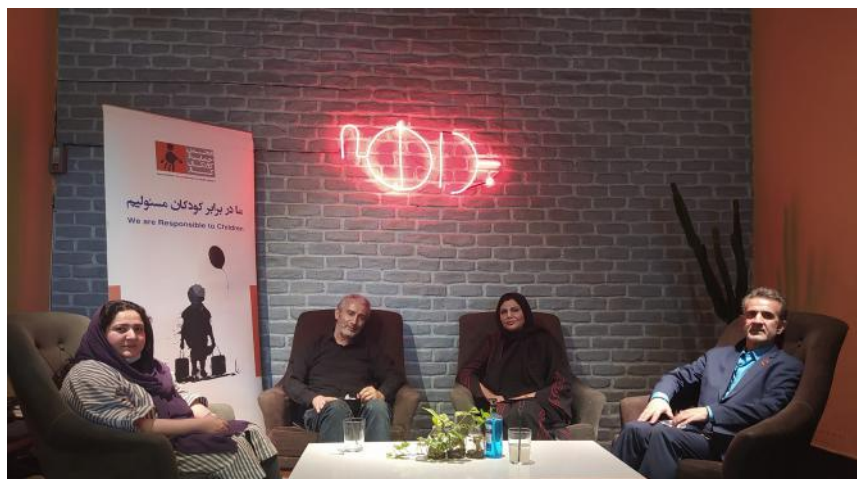
موسوی چلک نیز در انتهای جلسه درخصوص مشکلاتی که انجمن‌ها و سازمان‌های غیردولتی با آن مواجه‌اند بیان کرد: متأسفانه عمر چراغ این انجمن‌ها به یک نامه بند است. البته نمی‌خواهم بگویم که تسلیم شویم، چون خود من بابت اینکه در یک سازمان غیردولتی هستم خیلی هزینه دادم. ولی معتقدم سازمان‌های غیردولتی از همان بدو تاسیس نشان دادند که مسئولیت‌پذیرند. این سازمان‌ها بیشتر از اینکه در سیاست‌گذاری و نظارت حضور داشته باشند، در کارهای اجرایی بودند، اما دولت یا توانمندی استفاده از آن‌ها را نداشت یا علاقه‌ای نداشت به سراغ آنها برود. NGO‌ها نشان دادند که در قبال اتفاقات کشور مسئولیت‌پذیرند و فعال عمل می‌کنند و در نقطه‌ی مقابل حاکمیت نیز باید این مطالبه‌گری را بپذیرد. یعنی دولت اگر دنبال شفافیت و سلامت است، نظر سازمان‌های غیردولتی که روی یک موضوع خاص هزینه، وقت و انرژی صرف کرده را بپذیرد و مطالبه‌گری او را به رسمیت بشناسد. یک NGO با هدف اینکه نامش را مطرح کند نقد نمی‌کند، بلکه نقدش

در راستای تحقق حقوق شهروندی است و روشی است برای ترویج گفتگوهای اجتماعی. رییس انجمن مددکاری ایران صحبت‌هایش در این نشست را این‌طور به پایان رساند: نباید این‌طور باشد که مدیران دولتی در رسانه‌ها بگویند، به ما با نقدهایتان تازبانه بزنید، ولی در حقیقت هرکسی که نقد کرد را حذف کنند. ما در ایران ۳۵ هزار سازمان مردم‌نهاد داریم که عدد کمی نیست و دولت نباید آنها را رقیب خود بداند و نقدشان را تنها یک مخالفت با برنامه‌های خود قلمداد کند. حتی اگر نقدشان اشتباه هم باشد، می‌توان با گفتگو مشکلات به وجود آمده را حل کرد. متأسفانه کودکان به روش‌های مختلف قربانی تصمیماتی هستند که دولت‌ها در ادوار مختلف می‌گیرند. در اصل عوارض ناشی از سیاست‌گذاری‌های ناکارآمد و غیرکارشناسی را می‌توانیم به شکل کودک کار در خیابان مشاهده کنیم.

در بخش انتهایی نشست، قاسم حسینی با اشاره به صحبت‌های موسوی چلک درخصوص مطالبه‌گری و نظارت اجتماعی، ضمن تایید اهمیت این موضوع عنوان کرد: ما نیازمند یک صف نظارت اجتماعی از بالاترین ارکان جامعه، یعنی نهادهای حاکمیتی تا کف جامعه هستیم. برای این کار، نیازمند یک ظریف‌بینی هستیم، وقتی راجع به کار کودک صحبت

برچسب عضو باند بودن، ظلم در حق کودکان است. فرقی نمی‌کند من در حوزه‌ی رسانه این کار را انجام دهم یا در دستگاه‌های دولتی یا حتی به عنوان یک نخبه. اینکه به یک بخشی از این کودکان که تحت آسیب هم هستند، برچسب نامیوم بزنیم در شان بچه‌ها نیست. البته نمی‌خواهم بگویم این برچسب‌ها عامدانه بود می‌تواند به این دلیل باشد که آن هنرمند از مشاور استفاده نمی‌کند یا مشاور او از آگاهی کامل برخوردار نیست.

می‌کنیم، فقر، نابرابری، عدم عدالت آموزشی و... را کنار هم می‌گذاریم. ولی اگر یک مرزبندی بین علل بنیادین و علل اثرگذار داشته باشیم، بهتر می‌توانیم این مطالبه‌گری و نظارت را سازماندهی کنیم. این موضوع که فقر و نابرابری یا مثلاً جنگ و خشونت (شبهه آنچه که در افغانستان است) باعث کار کودک می‌شود، مشخص است و این موارد از عوامل بنیادین است. اما یک مسائلی مثل نبود عدالت آموزشی یا طرح‌های جمع‌آوری، عوامل تشکیل دهنده هستند. ما اگر بتوانیم روی عوامل بنیادین متمرکز شویم، عملکردمان بهتر می‌شود. او در پایان صحبت‌هایش گفت: وقتی در این شرایط صحبت از نبود عدالت آموزشی می‌شود، می‌بینیم که این موضوع ریشه در فقر و نابرابری دارد و بنیادین نیست. اگر این مرز را تشخیص دهیم، در حوزه‌هایی هم اختلاف نظر خواهیم داشت. ما به عنوان سازمان غیر دولتی باید این اختلاف نظر را مطرح کنیم، چون اگر نگوییم خنثی هستیم و بودن و نبودن مان هیچ فرقی ندارد. البته این به آن معنا نیست که به جایی وابسته‌ایم و تربیون افراد دیگری هستیم، نه ما فقط تربیون کودکان هستیم و دغدغه‌مندیم. رسالت اجتماعی ما ایجاب می‌کند، هر جا که ناملایمات و رفتار اشتباه دیدیم، به جدی‌ترین شکل ممکن موضع بگیریم. امروزه می‌بینیم که انجمن‌های اجتماعی زیادی با وجود اینکه به طور تخصصی به کودکان نمی‌پردازند، نسبت به کار کودک دغدغه پیدا کردند و راجع به آن برنامه، میزگرد و بینار و... برگزار می‌کنند، که این اتفاق خیلی خوبی در زمینه‌ی مبارزه با کار کودک است.



بیانیه‌ی کودکان انجمن حمایت از کودکان کار به مناسبت روز جهانی مبارزه علیه کار کودک - ۲۱ ژوئن ۲۰۲۲

کودکان کار انجمن حمایت از کودکان کار

- کودک حق ندارد کار کند.
- بچه‌ها نباید بروند سرکار چون که باعث بی‌سوادی بچه‌ها می‌شود.
- اگر از طرف من یک کودک کار را دیدی که ابزار کار در دستش بود آن را از دستش بگیر و قلم در دستش بده.
- من حق دارم درس بخوانم، بازی کنم.
- ما نباید کار کنیم چون ممکن است صدمه ببینیم و مورد آزار قرار بگیریم.
- کودکان که کار می‌کنند، سردرد می‌گیرند.
- کودکانی که کار می‌کنند، خیلی سختی می‌کشند.
- من آرزو دارم که بچه‌ها سر کار نروند، به جای سرکار درس بخوانند، شهر بازی بروند و خیلی کارهای دیگر بکنند.
- کودکان کار نمی‌توانند با هم سن‌های خود بازی کنند و از کودکی لذت ببرند.
- تقصیر پدر و مادر است. وقتی بچه باید درس و تعلیم یاد بگیرد، سر کار می‌رود. وقتی بچه‌ای در سن کم کار کند در معرض خطر جدیست و چیزهایی را یاد می‌گیرد یا انجام می‌دهد که هیچ وقت فراموش نمی‌کند و تاثیر بدی بر روی بچه می‌گذارد.
- ما باید یاد بگیریم که کودک را سر کار نفرستیم چون زندگی کودک نابود می‌شود و شاید از اطرافیان‌ش متنفر شود. سر کار خیلی بد هست خیلی خیلی.
- کودکان اسم‌شان روی آنهاست، آنها نباید کار کنند و باید کودکی کنند.
- وقتی کودکی کار می‌کند، نمی‌تواند درست درس بخواند. چون کارهایی را که انجام می‌دهد از حد توان او زیاد است و این باعث می‌شود که به روحیه‌ی او صدمه برسد و کم کارهای پرخطرانه انجام دهد.
- کار کردن کودک هیچ خوبی ندارد، به جز این که ممکن است از آن محیط، آسیب‌های خیلی جدی ببیند. چرا که وقتی یک کودک نمی‌داند باید از خود مراقبت کند هر چقدر هم که پول در بیاورد ولی وقتی بزرگ شد صدمه‌هایی دیده است که به او درد می‌دهد.
- بچه‌های کار بسیار زود گولل می‌خورند و با کمی تبسم می‌خندند و به طرف مقابل اعتماد می‌کنند و از قضا بچه‌هایی که در خانواده‌هایشان مشکل دارند مثل اعتیاد، پرخاشگری، دعوا و بحث و جدل این شکلی بسیار در روحیه‌ی آن بچه تاثیر می‌گذارد و آن بچه نیاز به محبت دارد چون در میان آن همه بحث و جدل هیچ توجهی به او نمی‌شود و تا یکی به او عشق بورزد خیلی زود توجه او به آن جلب می‌شود و طرف مقابل به راحتی از او سوء استفاده می‌کند.
- بچه‌ها نباید کار کنند چون ممکن است چیزهایی که نباید را ببینند و صدمه ببینند وقتی بچه کار کند ممکن است از سر کار بیرون بیاید، بیرون بچه‌ای را ببیند که از مدرسه بیرون می‌آید و ناراحت شود.



آگاهی‌بخشی و عمل مشترک، پیش‌نیاز پایان بخشی به کار کودکان



چه بر جامعه‌ی ما می‌گذرد که قادر به صیانت از حقوق کودکان نیست یکی نان خویش را در زباله می‌جوید و دیگری در حسرت ابزار آموزشی برای حضور در کلاس درس خود را حلق‌آویز می‌کند و آن یکی به جرم لبخندی یا دادن نامه‌ی عاشقانه‌ای ولو زود هنگام دم تیغ می‌رود.

اخبار تلخی که درباره‌ی کودکان می‌شنویم گاهی آن‌چنان هولناک است که آدمی حتا قادر به شنیدن آن نیست و تنها با تأثری دردناک و پرسشی بی‌پاسخ روبرو می‌شود که چرا؟ چرا کودکان که گرانبهاترین منبع عشق، شور و امید به آینده‌اند این‌چنین باید پایمال جفا شوند.

چه بر جامعه‌ی ما می‌گذرد که قادر به صیانت از حقوق کودکان نیست، یکی نان خویش را در زباله می‌جوید و دیگری در حسرت ابزار آموزشی برای حضور در کلاس درس خود را حلق‌آویز می‌کند و آن یکی به جرم لبخندی یا دادن نامه‌ی عاشقانه‌ای ولو زود هنگام دم تیغ می‌رود.

چرا آموزه‌های ارزشمند اخلاقی و یا قوانین متعدد حمایتی ما، قادر به تامین امنیت جسمی روحی، روانی و عاطفی کودکان نبوده‌اند که شاهد چنین دم‌سردی‌هایی درباره‌ی آنان نباشیم. چه بلایی بر سر مهر و عطوفت اجتماعی آمده که ما این‌چنین شده‌ایم؟ ما درباره‌ی کودکان مان دچار غفلت همگانی هستیم و تا زمانی که موضوع کودکان و رفع مشکلات آنان در حوزه‌های مختلف آموزش، حمایت و سلامت جسم و روح و روان، تبدیل به اولویتی ملی نگردد همچنان در غفلت به سر می‌بریم.

هنگامی که به مناظره‌های کسانی که خود را نخبگان جامعه دانسته و می‌خواهند کلیدی‌ترین پست اجرایی-مدیریتی کشور را بر عهده بگیرند رجوع می‌کنیم، درباره‌ی کودکان هیچ ندارند که بگویند و به هر مسئله‌ای پرداخته‌اند الا مسئله‌ی کودکان که مهم‌ترین مسئله‌ی کشور است. با چنین وضعیتی چگونه می‌توان انتظار اولویت‌بخشی به مصالح و منافع عالی‌هی کودکان در گستره‌ای ملی را داشت؟

روند رو به گسترش فقر و اختلاف طبقاتی و ریشه‌دار شدن ناملایمات اجتماعی چه در کشور ما و چه در کشورهای همسایه هر روز کودکان بیشتری را به چرخه‌ی کار و رنج و آسیب می‌کشاند و پایان بخشیدن به این چرخه بیش از هر چیز نیازمند اراده‌ای بزرگ و در مواردی فراتر از مرزهای ملی کشورمان است.

امروز که در آستانه‌ی روز جهانی لغو کار کودک هستیم، ضرورت دارد بیش از هر زمان دیگری به ریشه‌های بنیادین کار کودک به عنوان یکی از مهم‌ترین علل آسیب کودکان، در عرصه‌ی ملی و در گستره‌ی جهانی آن بیاندیشیم. چرا که کار کودک، در بسیاری از موارد آینده‌ی تمام نمایی است از آن‌چه که در جهان می‌گذرد و پایان بخشیدن به آن مستلزم خواست، اراده و اقدام مشترک همه‌ی کشورهای درگیر است.

آسیب و کار کودکان نمایان‌گر شرایط زیستی و اجتماعی بزرگسالان یک جامعه و نماد آن‌چه که بر زنان و مردان آن جامعه، می‌گذرد است.

روح چپاول و یغماگری حاکم بر اقتصاد سیاسی کشورهای قدرتمند جهان، غارت ثروت‌ها و منابع طبیعی و فقیر گردانی کشورهای ضعیف توسط آنان، برپا کردن جنگ‌ها و منازعات سیاسی که عامل بسیاری از مهاجرت‌ها و آسیب کودکان است از طریق دامن زدن به اختلافات ایدئولوژیک و فرقه‌ای میان ملت‌ها، در کنار سوء مدیریت‌ها و سیاست‌های اجتماعی نابرابر حاکم بر این کشورها، همه و همه از بنیادی‌ترین علل جهانی کار کودکند که فعالان جنبش جهانی لغو کار کودک هرگز نمی‌توانند بر این واقعیات چشم ببندد و لازم است در رزم مشترک خود برای پایان بخشیدن به کار کودک به این ریشه‌ها توجه داشته باشند.

پایان بخشیدن به کار کودکان نیازمند خواست و اراده‌ی عمومی و اقدام مشترک همه‌ی ارکان جوامع است و اثربخشی این اراده‌ی عمومی، نیازمند آگاهی‌بخشی و رسیدن به بیان واحد از آن چیزی است که بایستی اتفاق بیافتد.

از این‌رو در عرصه‌ی داخلی، یادگیری و آگاهی‌بخشی عمومی به عنوان یک رفتار فراگیر اجتماعی و بالا بردن سطح دانش جمعی از ظرفیت‌های نهفته در قوانین حمایتی داخلی و بین‌المللی از جمله «قانون حمایت از کودکان و نوجوانان»، مقاله-نامه‌ی ۱۸۲ سازمان جهانی کار و پیمان‌نامه‌ی جهانی حقوق کودک و دیگر ظرفیت‌های موجود در این حوزه، پیش‌نیازی است که دغدغه‌مندان و فعالان عرصه‌ی حمایت از حقوق کودکان می‌توانند به پشتوانه‌ی آن، در مسیر طرح مطالبات عدالت-خواهانه‌ی منتهی به لغو کار کودک و تحقق

❖ بیانیه

اهداف متعالی آن و نیز ساختن جامعه‌ای عادلانه برای همگان، گام‌های جدی‌تری بردارند. بی‌تردید بدون تلاش برای ساختن جهانی عاری از جنگ، خشونت و نابرابری برای کودکان، دستیابی به فردایی بهتر برای همگان نیز امری غیرممکن است.

انجمن حمایت از کودکان کار
بیست و دوم خرداد ۱۴۰۰ - روز جهانی مبارزه با کار کودک



معلم پای تخته داد می زد
صورتش از خشم گلگون بود
و دستانش به زیر پوششی از گرد پنهان بود
ولی آخر کلاسی ها
لواشک بین خود تقسیم می کردند
وان یکی در گوشه ای دیگر جوانان را ورق می زد
برای آنکه بی خود های و هو می کرد و با آن شور بی پایان
تساوی های جبری را نشان می داد
خطی خوانا به روی تخته ای کز ظلمتی تاریک
غمگین بود
تساوی را چنین بنوشت:
یک با یک برابر هست
از میان جمع شاگردان یکی برخاست
همیشه یک نفر باید به پا خیزد
به آرامی سخن سر داد:
تساوی اشتباهی فاحش و محض است
معلم
مات بر جا ماند
و او پرسید:
گر یک فرد انسان واحد یک بود آیا باز
یک با یک برابر بود
سکوت مدهوشی بود و سوالی سخت
معلم خشمگین فریاد زد:
آری برابر بود
و او با پوزخندی گفت:
اگر یک فرد انسان واحد یک بود
آن که زور و زر به دامن داشت بالا بود
و آنکه قلبی پاک و دستی فاقد زر داشت
پایین بود
اگر یک فرد انسان واحد یک بود
آن که صورت نقره گون
چون قرص مه می داشت
بالا بود
وان سیه چرده که می نالید
پایین بود
اگر یک فرد انسان واحد یک بود
این تساوی زیر و رو می شد
حال می پرسم یک اگر با یک برابر بود
نان و مال مفت خواران
از کجا آماده می گردید
یا چه کس دیوار چین ها را بنا می کرد؟
یک اگر با یک برابر بود
پس که پشتش زیر بار فقر خم می شد؟
یا که زیر ضربت شلاق له می گشت؟
یک اگر با یک برابر بود
پس چه کس آزادگان را در قفس می کرد؟
معلم ناله آسا گفت:
بچه ها در جزوه های خویش بنویسید
یک با یک برابر نیست



نشانی: تهران، خیابان سید جمال الدین اسدآبادی (یوسف آباد)، کوچه ی سوم، پلاک ۱۷، واحد ۲

تلفن همراه: ۰۹۱۰۵۳۶۸۹۱۴

تلفن: ۸۸۱۰۵۱۲۷-۸۸۷۲۸۲۷۹

www.apcl.ir

pr@apcl.ir

[@apcl_org_ir](https://www.instagram.com/apcl_org_ir)